



نشریه الکترونیکی، فرهنگی، خبری

اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی

سال چهارم - شماره ۳۷ - بهمن ۱۳۹۹

مقام معظم رهبری: تداوم انقلاب در این است که انقلاب با حرکت انقلابی باقی بماند ۵

زنان در جامعه انقلاب اسلامی ۱۲

ضرورت‌های انقلاب اسلامی ۱۶

پرونده ویژه: عملیات والفجر ۸ ۲۰

مدیریت یعنی تسخیر دل مردم ۴۰

سردار فضلی: جهادگران کارهای نشدنی را شدنی می‌کردند ۴۳

مصاحبه منتشر نشده با شهید آوینی در خصوص گروه تلویزیونی جهادسازندگی ۵۴

در جستجوی ناکجا ۷۲

واکاوی عملیات والفجر ۸؛

# با خضر از ارونند گذشتیم



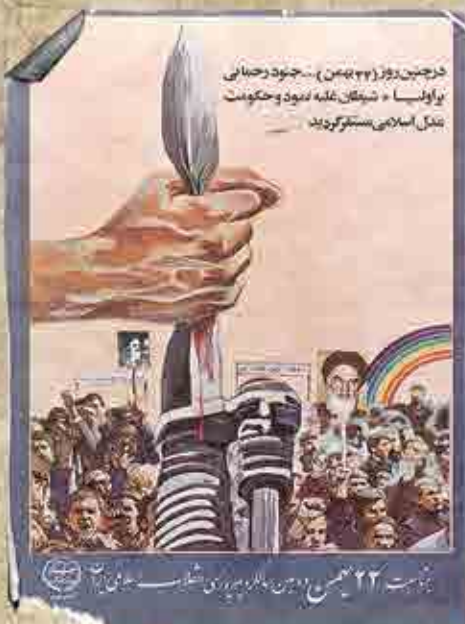
خیابان  
انقلاب اسلامی

# دکتر فخر

مظهر شکوه و عظمت و فداکاری ملت ایران است.  
مقام معظم رهبری



استقلال آزادی  
جمهوری اسلامی



اداره کل امور اینارگران



### پا به پای آفتاب

من با جرات مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر، بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله (ص) و کوفه و عراق در عهد امیرالمومنین و حسین بن علی (صلوات الله و سلامه علیهما) می باشند.

امام خمینی (ره)

### گام به گام با یاران امام (ره)

خودت را به دست حوادث و جریان‌ها نسپار؛ چون خدا تو را آفریده است تا به وجود آورنده جریان‌ها باشی نه تسلیم شونده در برابر جریان‌ها.

شهید آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی



### یاد شهدا، کلام شهدا

برماست که با کلیه توان و امکانات مالی و جانی مان به مقابله برخیزیم و نگذاریم بر پیکر انقلاب لطمه و صدمه ای وارد شود که فردای قیامت در مقابل شهدا و معلولین و مجروحین و اسرا شرمگین باشیم.

سردار جهادگر حاج مرتضی شادلو

(فرمانده پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد استان سمنان و شهید شاخص راهیان نور کشور در سال ۱۳۹۹)



## فهرست مطالب

### سرمقاله

من انقلابی‌ام / ۳

### فرهنگ جهادی

تداوم انقلاب در این است که انقلاب با حرکت انقلابی باقی بماند / ۵

### رویداد

تصاویری از مراسم جشن میلاد حضرت زهرا(س) و امام خمینی(ره) و ایام الله دهه فجر در قرارگاه نجف پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد / ۸

تصاویری از برگزاری مراسم دهه فجر توسط جهادگران / ۹  
 زنان در جامعه انقلاب اسلامی / ۱۲  
 ضرورت‌های انقلاب اسلامی / ۱۶  
 مهندسی‌رزمی جنگ جهاد در آغاز عملیات کربلای ۱۸ / ۵

### پرونده ویژه

عملیات والفجر ۲۰ / ۸  
 اسناد عملیات والفجر ۲۲ / ۸  
 با خضر از ارونند گذشتیم / ۲۶  
 قبل از معرکه / ۳۰

### گفتگو

زمانی که خیر شهادت پدر و برادرانم را آوردند / ۳۵  
 حدیث درد، روایت مردم مستضعف / ۳۸  
 مدیریت یعنی تسخیر دل مردم / ۴۰  
 جهادگران کارهای نشدنی را شدنی می‌کردند / ۴۳

### روایت پایداری

از هالتوجان تا آلتواتان / ۴۶  
 رخدادهای دهه شصت / ۴۸  
 تغییرات و تحولات جهادسازندگی در دوره‌های مختلف / ۵۰

### تاریخ شفاهی

جهاد و ممکن کردن ناممکن‌ها / ۵۲  
 با راویان فتح / ۵۴

### سبک زندگی

روایت فاتحان / ۵۸

### ستارگان جهاد

یاد و خاطره شهدای بهمن ماه وزارت جهاد کشاورزی گرامی باد / ۶۰  
 شهدای شاخص جهادگر در بهمن ماه / ۶۳  
 استاد دانشگاه جنگ / ۶۶  
 مصطفی، مصطفی بود / ۶۸

### سیمای مجاهدت

آخرین تولیدات رسانه ای مرکز آرشیو و اسناد دفاع مقدس اداره کل امور ایثارگران / ۷۰

### ادبیات

در جستجوی ناکجا / ۷۲  
 صبح امید / ۷۴  
 خلاصه خوبی‌ها / ۷۵  
 معرفی کتاب / ۷۶

### با خاطرات یاران

خستگی ناپذیر / ۷۷

### عملیات ها و اسناد

عملیات والفجر مقدماتی / ۷۸  
 عملیات والفجر / ۷۹

### از دیگر رسانه ها

جهاد سازندگی سمنان در دفاع مقدس یک جریان عظیم مجاهدت و خدمت بود / ۸۰

### قوانین و مقررات

۸۱

### اخبار

اخبار داخلی / ۸۶  
 اخبار استان‌ها / ۹۴

### حدیث حماسه

۹۸



شما با شناسایی این بارکد در تلفن همراه خود می‌توانید آرشیو مجلات «پل» را مشاهده کنید



شما با شناسایی این بارکد در تلفن همراه خود می‌توانید در گروه واتساپ اداره کل امور ایثارگران عضو شوید

صاحب امتیاز: اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی • مدیرمسئول: سید حمزه رضوی • زیر نظر شورای سردبیری گروه جهادی: فتح الله نادعلی، صادق صدقگو، عبدالله فاتحی، علیرضا بارگاهی، زهرا شادلو  
 همکاران این شماره: سیروس رجبی، موسی کیخا، مهری لایقی، سیده زینب اسکندریان، مهدی محمدی، جواد زرگر، محمد دوعلی معصومه نهبانندی، زینب فرجی، محمدمهدی عابدینی، سعید زجاجی، حمیده حیدری • گرافیک و صفحه آرایی: مسعود مصیبی

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، بعد از چهارراه بهارشیراز، نبش کوچه طباطبائی مقدم، پلاک ۳۸، ساختمان شهید طرحی، طبقه ۳  
 تلفن: ۰۲۱-۷۷۶۸۳۲۸۹-۷۷۶۸۳۲۸۸ • فکس: ۰۲۱-۷۷۵۰۸۰۵۹ • پایگاه اینترنتی: dhhd.maj.ir  
 پست الکترونیک: Isar-jahad@agri-jahad.org • آپارات: isaarjahad  
 کانال تلگرام: t.me/isaarjahad • اینستاگرام: isaarjahad • پیام‌رسان ایتا: eitaa.com/isarjahad

# من انقلابی‌ام



امام‌مان (ره) «پیروزی انقلاب را رهین همه ملت<sup>۱</sup> می‌دانست؛ مدیون همان ملتی که معتقد بود «از ملت حجاز در عهد رسول‌الله (ص) و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین (ع) و حسین‌بن‌علی (ع)<sup>۲</sup> بهتر هستند. ملتی که او خود را «خدمتگزار<sup>۳</sup> آن‌ها می‌دانست و از این‌رو از مسئولان نیز می‌خواست که «با عملشان کاری کنند که مردم آن سختی‌ها و زورگویی‌های سابق را از یاد ببرند و با رفتار و محبت‌شان این ذائقه‌های تلخ را شیرین کنند.<sup>۴</sup>»

انقلاب اسلامی ایران، نقطه عطف مبارزات استقلال‌طلبانه، آزادی‌خواهانه و ضد استبدادی و ضد استعماری ملتی سرفراز است که شور و شعور را باهم در آمیخت تا در پرتو استقامت مدبرانه، عدالت‌محوری منصفانه، اخلاق‌مداری صادقانه و عقلائیت متعهدانه، نظاره‌گر آرامش و پیشرفت، آزادی و امنیت، استقلال و جمهوریت در جامعه‌ای طاغوت زده و طبقاتی باشد که محرومیت‌زدایی و حمایت از مستضعفین، مبارزه با شاخصه‌های فساد سیستماتیک و تبعیض‌زدایی، در حد یک شعار ظاهری و زینتی باقی مانده بود.

نه در این‌که اهداف و آرمان‌های انقلاب شکوهمند ملت ایران، والا و در عین حال دست‌یافتنی بود، شک داریم و نه تردید داریم مکانی که امروز در آن ایستاده‌ایم، مقصد غایی و مقصود نهایی ما نبوده و نیست. اما این موضوع، ذره‌ای از بار تعهد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی ما در تلاش برای رفع موانع جاری و اصلاح وضع موجود نمی‌کاهد. مسئولیتی که رئیس و مرئوس، دولت و ملت، شهروند و کارمند نمی‌شناسد. این حس مسئولیت‌پذیری برای اصلاح کژی‌ها، یعنی همان «تعهد انقلابی»

که بنیان‌گذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی (ره) نیز معتقد بود: «امروز ضدانقلاب کسی است که در کاری که مشغول آن است سستی کند، در آن کار بی‌کاری کند یا وادار کند اشخاصی را که آن‌ها کم‌کاری کنند، از زیر بار شانه خالی کنند که این ضربه‌ای است به کشور خودشان.<sup>۵</sup>»

یعنی «ضدانقلاب»‌هایی در لباس «شبه‌خودی» یا شاید به‌قول معروف «گرگی در لباس میش». خودی‌نمایی که شاید معاند، مخالف و مغرض نیستند و حتی در کنارمان باشند یا اصلاً گهگاهی در وجود خودمان نهادینه شده باشد اما همه ما نمی‌دانیم که با کم‌رنگ شدن حس مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری یا همان «تعهد انقلابی»، به چه سادگی تبدیل به یک ضدانقلاب می‌شویم!

پس از گذشت ۴۲ سال از استقرار نظام جمهوری اسلامی، برخی با همین بی‌مسئولیتی‌ها و بی‌تفاوتی‌ها یا کم‌کاری‌ها و سستی‌ها، به‌قول معروف آنی نبوده و نیستند که باید باشند و از این‌رو به‌راحتی در جامعه ایجاد ناراحتی و نارضایتی می‌کنند. از رئیس و مدیر تا کارمند و شهروند عادی جامعه، می‌توانند با رفتارشان - خواسته یا ناخواسته - برخی از اهداف و آرمان‌های اولیه انقلاب اسلامی را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم هدف قرار داده و نهایتاً با ایجاد یأس، دلخوری، سرخوردگی و ناامیدی در دل و جان این مردم رنج‌کشیده اما صبور و مقاوم، ماهیت اصلی انقلاب - که متکی بر حضور متعهدانه و مسئولانه ملت است - را دچار استحاله و تغییر کرده و موربانه وار «محور همه اصول و قواعد انقلاب و امام(ره)» را از درون تهی کنند.

صادق صدقگو



پازل بزرگ ۸۳ میلیون قطعه‌ای (فارغ از هر دسته‌بندی و گروه‌بندی) به‌درستی در جایگاه اصلی خود و در کنار دیگر شهروندان قرار می‌گیرد و در حد بضاعت و توان خود برای رفع موانع توسعه و پیشرفت کشور و همچنین بهبود وضع موجود تلاش می‌کند و بدین صورت، شکل گرفتن تصویری مطلوب و دل‌نشین از این پازل زیبا، دست یافتنی است و دور از انتظار نخواهد بود. **این‌شاءالله**

پی‌نوشت:

۱- صحیفه امام (ره) - ج ۱۴ - ص ۶۴

۲- همان - ج ۲۱ - ص ۴۱۰

۳- همان - ج ۱۰ - ص ۴۶۳

۴- همان - ج ۱۳ - ص ۳۷۱

۵- همان - جلد ۱۲ - ص ۱

۶- اشاره به سخنان مقام معظم رهبری در سالگرد ارتحال حضرت امام (ره): محور همه اصول و قواعد کار امام بزرگوار ما در دو چیز خلاصه می‌شد: اسلام و مردم. اعتقاد به مردم را هم امام بزرگوار ما از اسلام گرفت. اسلام است که روی حق ملت‌ها، اهمیت رأی ملت‌ها و تأثیر جهاد و حضور آنها تأکید می‌کند؛ لذا امام بزرگوار محور کار را اسلام و مردم قرار داد؛ عظمت اسلام، عظمت مردم؛ اقتدار اسلام، اقتدار مردم؛ شکست‌ناپذیری اسلام، شکست‌ناپذیری مردم. (۱۳۸۲/۳/۱۴)

۷- اشاره به سخنان مقام معظم رهبری در سالگرد ارتحال حضرت امام (ره) که پنج شاخص مهم برای انقلابی‌گری، انقلابی بودن و انقلابی ماندن را مطرح نموده و دومین شاخص آن، عبارت بود از «هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آنها» که در تشریح آن فرمودند: بعضی سعی می‌کنند جامعه و جوان‌های ما را دچار ناامیدی کنند. بگویند آقا فایده ندارد! نمی‌شود! نمی‌رسیم!.. شاخص دوم این است که هرگز منصرف نشویم از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمان‌های بلند. تسلیم نشویم در مقابل فشارها. (۱۳۹۵/۳/۱۴)

تیشه‌هایی که هر ضربتش می‌تواند از جنس «فریاد خاموشی» باشد که با فراگیر شدن آن به‌مرور زمان، آرمان‌های اصیل و اهداف شاخص انقلاب اسلامی شکل و شمایل دیگری به خود گیرد و این قلب ماهیت نیز هویت ملی و میهنی ما را دستخوش تغییراتی اساسی خواهد کرد. انقلابی‌نمایی با انقلابی‌گری تفاوت دارد. همان‌طور که منفعت‌گرایی و فرصت‌طلبی، فرسنگ‌ها با اخلاق‌مداری و ارزش‌گرایی فاصله دارد. برای حرکت بی‌وقفه به سوی تقویت و ترویج آرمان‌ها و اهداف والای انقلاب اسلامی، لازم است تا هرکس در هر جایگاهی به‌عنوان یک «انقلابی حقیقی» در حد توانمندی، مسئولیت و کارایی خود برای رفع نواقص جاری و مشکلات موجود تلاش کند. تلاش و کوششی به منظور نیل به «آنچه که باید باشیم» که زمان و مکان نمی‌شناسد و هدف‌نهایی آن، تشکیل مدینه فاضله‌ای است که آرمان انقلاب اسلامی و آرزوی ملت شریف ما بوده است.

مسئولیت اجتماعی یا همان تعهد انقلابی به ما می‌گوید انقلابی‌نما نباشیم و اگر به‌جای ظاهرسازی، عوام‌فریبی، نق‌زدن‌های مرسوم یا این‌که همواره سکوت پیشه کرده در مقاطعی منتقد اوضاع عمومی کشور باشیم، به عنوان یک شهروندی کوچک از جامعه بزرگ ایران، همت کنیم و تنها خودمان همانی باشیم که باید می‌بودیم.

به تعبیری دیگر، با همتی بلند و هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب، در مقابل فشارها تسلیم نشده و از رسیدن به اهداف و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی منصرف نشویم.<sup>۷</sup>

و این‌گونه است که هر فرد ایرانی به عنوان تکه‌ی کوچکی از یک

گفت‌و‌گویی منتشر نشده با آیت‌الله خامنه‌ای (رئیس‌جمهور وقت)

# تداوم انقلاب در این است که انقلاب با حرکت انقلابی باقی بماند

این متن حاصل گفت‌و‌گو با برادرمان حجت‌الاسلام خامنه‌ای، رئیس‌جمهور محبوب جمهوری اسلامی همانطور که در مقدمه کلی مصاحبه نوشتیم، مجموع سؤالاتی که در رابطه با مسائل سالگرد انقلاب اسلامی و ۲۲ بهمن از برادران مصاحبه‌شونده می‌شد به‌ظاهر ناهمگون و متفاوت می‌نمود و علتش را هم در همانجا توضیح دادیم.

مصاحبه‌ای که با برادرمان صورت گرفت نیز قرار بود تا به‌طریق تنظیم کلی دیگر مصاحبه منظم شود، اما متأسفانه به‌علت پر بودن اوقات آقای رئیس‌جمهور، این مصاحبه چندان به‌تعویق افتاد که دیگر تمام مطالب تنظیم و صفحه‌بندی شده و امکان هیچ‌گونه تغییری وجود نداشت از طریق حیفمان آمد تا از مطالب ایشان بی‌بهره بمانیم، این بود که تمام مطالب را یک‌جا آوردیم. و از اینکه توانستیم آن‌را بر سیاق کلی تنظیم کنیم پیشاپیش پوزش می‌طلبیم.



## انگیزه مردم را در ایجاد حرکت انقلاب اسلامی چه می‌دانید؟

بسم الله الرحمن الرحيم. با توجه به اینکه انقلاب ناگهان شروع نمی‌شود و یک حرکت انقلابی به‌تدریج شروع می‌شود و رشد می‌کند، اگر از آغاز تا پیروزی انقلاب را در نظر بگیریم، مجموعه‌ای از انگیزه‌های مردم مسلمان ایران را در این حرکت مشاهده می‌کنیم و مهمترینش که شروع حرکت هم با آن بوده، ایمان مردم است. حرکت انقلاب اسلامی ایران از سال ۱۴ به‌دلیل مصوبه‌ای در مجلس که شامل چند حکم خلاف اسلام بود، شروع شد. هدف از این مصوبه، ایجاد زمینه برای منزوی کردن هرچه بیشتر اسلام در جامعه بود، به همین دلیل علمای اسلام و پیشاپیش آنها، امام خمینی نسبت به آن اعتراض کردند و مردم هم روی ایمان و اعتقادشان دنبال این حرکت براه افتادند که منتهی شد به ۵۱ خرداد و آن مسائل بسیار مهم تاریخی. در این حرکت ایمان به اسلام به‌عنوان نخستین و اصیل‌ترین عامل این جنبش، خودش را نشان می‌دهد. البته نباید فراموش کرد که عوامل و زمینه‌های دیگری نیز وجود داشت، از جمله نارضایتی مردم از رژیم گذشته، وابستگی‌های آن رژیم به دولت‌های خارج و بی‌عدالتی‌هایش که نابسامانی‌های زیادی در امور زندگی مردم بوجود آورده بود، ولی عامل اصلی، ایمان مردم و اعتقادشان به لزوم ایجاد یک جامعه اسلامی بود که در آن احکام و قوانین اسلام پیاده شود و برخلاف احکام اسلام عملی انجام نگیرد.

## دستاوردهای انقلاب اسلامی در زمینه اقتصادی چه بود، چه

ضعف‌هایی در حرکت اقتصادی انقلاب وجود داشته و اصولاً شما

## استقلال اقتصادی را چگونه تعبیر و تفسیر می‌کنید؟

راجع به دستاوردهای انقلاب اسلامی در زمینه اقتصاد اسلامی باید بگویم که اقتصاد بر روی یک محور اساسی حرکت می‌کند و آن عبارت است از: تامین عدالت اجتماعی، یعنی اقتصاد اسلامی بیشترین تکیه خودش را بر این اصل قرار داده که مردم در جامعه اسلامی باید از عدالت برخوردار باشند و اقتصاد هم باید در تامین این عدالت کمک کند. این عدالت چگونه بوجود می‌آید؟ طبیعتاً لازمه تامین عدالت این است که اختلاف‌های مالی بسیار زیاد در جامعه وجود نداشته

باشد، یعنی شکاف‌های عمیق مردم را از لحاظ برخورداری از وسائل زندگی از هم جدا نکند، این‌طور نباشد که عده‌ای از گرسنگی بمیرد و کسانی از سیری، در ضمن عدالت بدین معنا هم نیست که همه باید به یک اندازه درآمد داشته باشند و یا همه از یک نوع زندگی برخوردار باشند، معنی عدالت این است که هیچ‌کس حق نداشته باشد به حقوق دیگران دست‌اندازی کند، و مال آنها را یا حق آنها را از منابع طبیعی، تصرف غاصبانه کند. اگر ما اقتصاد اسلامی را واقعاً براساس این محور بررسی کنیم، خواهیم دید که تا حدودی به آن نزدیک شده‌ایم. اولاً،

از ضعف‌ها که ما در حرکت اقتصادی‌مان داشته‌ایم، این بوده که از روز اول حدود مالکیت‌های شخصی و دولتی و حدود ثروت معین نشده بود و پیش‌بینی‌های لازم در این مورد انجام نگرفته بود و چون ما این پیش‌بینی‌ها و این تعیین و تشخیص‌ها وجود نداشت بعضی از حرکتی که در زمینه‌های اقتصاد انجام شد، کور و گنگ بود. مثلا به‌عنوان تعدیل اقتصادی رفتند و زمین را زارعی را که ۰۳ هکتار بود گرفتند و یا رفتند در منطقه‌ای باغ شخصی که مجموعاً ۰۵ هزار تومار محصول داشت بعنوان یک شخص ثروتمند از او گرفتند درحالی‌که معادل آن در یک شهر و منطقه دیگر کشور وجود داشت که صاحب خودش را یک مثلا فقیر میداند. این ضعفها وجود داشته که باید تدریجا برطرف گردد،

اما اینکه ما استقلال اقتصادی را چه میدانیم، استقلال اقتصادی مفهوم سیاسی روشنی دارد، چیزی نیست که ما بدانیم و دیگر ندانیم، معنای استقلال اقتصادی این است که یک کشور برای امور اقتصادی خودش وابسته به کشورهای دیگر نباشد نه اینکه محتاج نباشد، هیچ کشوری در دنیا نیست که محتاج کشورهای دیگر نباشد، امریکا با این عظمت و قدرت محتاج نفت خاورمیانه و منطقه افریقا و کلا مناطق فقیرنشین است، شوروی همینطور، اروپای غربی با آن تکنولوژی پیشرفته و پیچیده محتاج امریکا و آسیا است، شما هیچ جا را سراغ ندارید که به خارج از مرزهای خودش محتاج نباشد این احتیاج منافاتی با استقلال اقتصادی ندارد، چیزی که با استقلال منافات دارد وابستگی است. یعنی اینکه یک دولت یا حکومت چنان باشد که از لحاظ اقتصادی وابسته به یک کشور دیگر باشد که بدون خطر است آن کشور نتواند روند اقتصادی خودش را اداره کند، این وابستگی اقتصادی است که خطرناک است زیرا بدنبالش وابستگی سیاسی هم بوجود می‌آید و دیگران آن کشور و ملت نخواهند توانست خود سرنوشت خویش را (به تصویر صفحه مراجعه شود) بدست بگیرند و اختیار آینده‌شان را داشته ۳۰ باشند، و کوشش ما هم بر این است که این وابستگی را از بین ببریم، مثلا اگر امروز کارخانجات ما محتاج ابزار یدکی خارجی است این یک نوع وابستگی است و ما باید سعی کنیم که خودمان ابزار یدکی مورد نیازمان را در داخل بسازیم تا این وابستگی از بین برود و بهمین ترتیب موارد دیگر.

#### نقاط ضعف و قوت انقلاب از نظر گاه شما چیست؟

یکی از نقاط ضعف انقلاب این است که، قبل از پیروزی، کادرسازی نکرده بودیم و وقتی که انقلاب پیروز شد، افرادی برای گفتن مسئولیت‌های بزرگ از پیش مشخص نشده بود، نه اینکه وجود نداشت، بلکه حتما وجود داشته ولی شناخته شده نبودند، لذا کسانی آمدند و خیلی از مشاغل را در دست گرفتند که مال انقلاب نبودند و حتی قلبا انقلاب را قبول هم نداشتند ضعف دیگر این بود که تشکیلات حاکم بر مردم نبود، ضمن اینکه مردم همچون موج خروشان حرکت می‌کردند و با حرکتشان همه کارها را حل می‌نمودند ولی یک ساماندهی‌ای که بتواند مردم را به یک جهت هدایت کند و پیام لازم را به مردم برساند وجود نداشت هرچند که وجود امام این خلاء را تا حدود بسیار زیادی جبران می‌نمود ولی خود این نداشتن تشکیلات یک ضعف برای انقلاب محسوب می‌شود که به هر صورت در تشکیلات اداره‌کننده جامعه مثلا یک سازماندهی حزبی که بتواند همه مردم را زیر پوشش بگیرد وجود نداشت.



در ایران بزرگترین ثروتمندان که وابستگان به رژیم طاغوت بودند، یعنی همان‌هایی که ثروت بی‌شماری را از راه‌های نامشروع و غاصبانه بدست آورده بودند، یا فراری شدند و یا اعدام و ثروتشان از آنها گرفته شد. امروز شما زمینه‌ای چند هزار هکتاری را که اختصاص به یک نفر داشته باشد، مشاهده نمی‌کنید، آن ثروت‌های افسانه‌ای وابستگان به سران رژیم سابق در ایران، دیگر وجود ندارد. البته از فقر طبقات پایین به میزان زیادی کاسته نشده و ادعا نمی‌کنیم که مردم فقیر مرفه شده‌اند، ولی مدعی هستیم که تلاشی که در این نزدیک به سه سال انجام گرفته در راه رفع فقر مستضعفین و محرومین بوده و معادل بیش از بیست سال گذشته است، ساختن جاده‌ها، احداث قنوت، رسیدگی به کشاورزی روستاها و مانند آن که مستضعف‌ترین و محروم‌ترین طبقات هستند، از این نمونه‌ها زیاد است ولی ما به این حد قانع نیستیم و بایستی در آینده این حرکت تا آنجا ادامه پیدا کند که کلا در جامعه فقر نباشد.

بنابراین چنین پیشرفتی، در اقتصاد اسلامی در دوران حکومت انقلاب اسلامی انجام گرفته است نمی‌گوییم که همه فقرا مثلا بایستی در حد ثروتمندان زندگی کنند اما می‌خواهیم که فقر دیگر وجود نداشته باشد بلکه می‌گوییم که همه باید بتوانند در یک رفاه نسبی زندگی کنند و دیگر کسی نباشد که قادر به تامین نیازهای اولیه زندگیش باشد. اما اگر کسی تلاش بیشتری کرد و مقدار بیشتری بدست آورد، آن را هم مانعش نمی‌شویم و راه ابتکارها و تلاش‌ها را نمی‌بندیم، اما شديدا مخالف این هستیم که در جامعه فقیر وجود داشته باشد.

اما در مورد ضعف‌های حرکت اقتصادی باید بگویم که در یک انقلاب مثل انقلاب اسلامی ضعف‌هایی در همه ابعادش وجود داشته است، یکی



را از انقلاب جدا کرد؟ آیا آن انسانی را که شش ماه، یک سال، بیشتر و یا کمتر جبهه رفته و زیر آتش خمپاره و گلوله از انقلاب دفاع کرده می‌توان به آسانی از انقلاب جدایش کرد؟ مطمئناً نه. پیوند میان آنها و انقلاب یک پیوند جدایی‌ناپذیر است، همین‌طور جهاد و سایر ارگان‌های انقلابی دیگر. تداوم انقلاب در این است که انقلاب با حرکت انقلابی و وفادار به آرمان‌های انقلابی باقی بماند و این نهادها آن حرکت و آن آرمان‌ها را همیشه همراه خودشان داشته‌اند و بنابراین ضامن تداوم انقلاب بوده‌اند.

**شما در هفته گذشته در دیدارتان با کمیته‌ها و نهادهای دیگر بیان داشتید که این‌ها در دنیا منحصر به فردند، در این مورد ممکن است توضیح بیشتری بدهید؟**

من در مورد کمیته‌ها گفتم و همین‌طور است، کمیته‌ها از این جهت منحصر به فردند که صددرصد از مردم تشکیل شده‌اند یعنی هیچ‌گونه طرح‌ریزی قبلی برای تشکیل این‌ها وجود نداشت تنها چیزی که باعث بوجود آمدن آن‌ها شد بعد از فرمان امام احساس نیاز به مردم بوده مردم با این کار خودشان آمدند و یک چیزی را تشکیل دادند. شما نمی‌توانید در دنیا تشکیلاتی پیدا کنید که اینطور خودجوش و خودرو به‌وجود آمده باشد، اگر کسی بخواهد کمیته‌هایی مثل کمیته‌های ایران درست کند، مدت‌ها و سال‌ها باید زحمت بکشد. و من هرگز در انقلابات دیگر نظیر این را ندیدم و نشنیدم و نخواندم.

**چندی قبل از طرف بعضی از کشورهای انقلابی راجع به نهادهای مثل جهاد سازندگی، چگونگی تشکیل و وظایف و نحوه عملکرد آنها توضیحی از ما خواسته بودند، ممکن است در این مورد شما توضیح دهید؟**

جهاد هم همین‌طور است، جهاد هم یک نهادی است که شاید نظیری برای آن در دنیا نمی‌توان پیدا کرد و علتش همین است که این همه نیروی جوان و سازنده را انقلاب ما توانسته با انگیزه انقلابی و اسلامی به روستا و شهرهای دور دست برای کارهای سازندگی بفرستد، کارهایی را که وزارت کشاورزی، بهداشتی، بهزیستی، راه و... در مجموع باید انجام بدهند یک نهاد و یک واحد دارد انجام می‌دهد. درحالی‌که این نهاد نه بودجه درستی داشته است و نه مخارج جاری زیادی، نه حکم و عنوان و ابلاغ و با این تفاسیر بسیج این همه نیرو واقعا شگفت‌آور است.

منبع: نشریه جهاد - شماره ۲۷-۲۲ بهمن ۱۳۶۰



نقاط قوت این انقلاب بسیار زیاد است، اولین نقطه قوتش مردمی بودن آن است، انقلاب متکی به توده‌های مردم بود نه به یک قشر خاص و جمع معین، دومین نقطه قوتش این است که بر فکر و ایدئولوژی اسلامی متکی بود، و به خواسته‌ها و نیازهای روزمره اتکا نداشت. سومین نقطه قوتش این است که از یک رهبری قاطع و بصیر و مومن برخوردار بود و این چیزی است که در هیچ یک از انقلابات دنیا نظیرش را نمی‌توان پیدا کرد. نقطه قوت دیگر انقلاب این بود که از اول بدون اتکاء به قدرت‌ها و سلطه‌ها بار آمد و عادت نکرد که به هیچ یک از آنها متکی باشد. برخلاف بعضی از انقلابات دیگر دنیا که از ابتدا کیفیت بوجود آمدنشان به این‌گونه بود که به سلطه و قدرت‌ها متکی باشد و با آنها مانوس و زیر چتر قدرتی حرکت کنند. نقاط فراوان دیگری که در این فرصت امکان برشمردنش نیست.

**نقش نهادها را در تعمیق و تداوم انقلاب چه می‌دانید؟**

من این نقش را بسیار مهم می‌دانم، معتقدم که نهادهای انقلابی مانند لنگری هستند که کشتی انقلاب را در طوفان حوادث حفظ می‌کنند نقش آنها این است که افرادی که در این نهادها هستند با انقلاب صورت بنیانی آشنا و مانوس بودند و احساس و تفکر انقلابی در جود آنها بسیار عمیق بوده و هست. آنها انقلاب را از خودشان می‌دانند و به آسانی حاضر نیستند آنرا رها کنند، مثلاً همین نیروهای مردمی از نظامی و شبه‌نظامی که در جبهه‌ها هستند، وقتی که این‌شاءالله پس از شکست دولت متجاوز عراق به سلامتی برگردند، انقلاب را از آن خودشان می‌دانند، حس می‌کنند برای انقلاب خدمت کردند، خون دادند، زحمت کشیدند، آیا می‌توان آنها



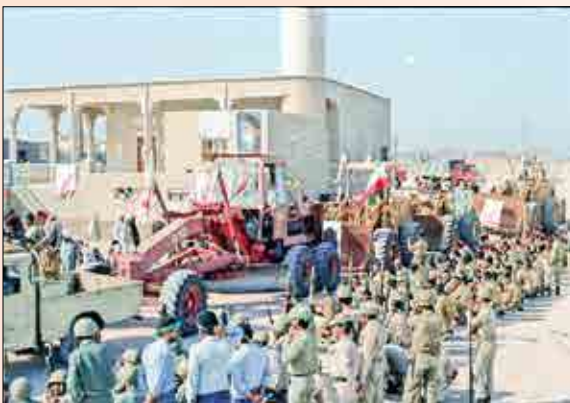
## تصاویری از مراسم جشن میلاد حضرت زهرا(س) و امام خمینی(ره) و ایام الله دهه فجر در قرارگاه نجف پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد



## تصاویری از برگزاری مراسم دهه فجر توسط جهادگران







# زنان در جامعه انقلاب اسلامی



معرفی کنند زنانی که در همه دوران انقلاب خوش درخشیدند و دو مسئولیت را بر دوش داشتند اول مسئولیت مادر بودن در محیط خانواده که جنبه دورنی نقش زن در باز تعریف انقلاب از زن بود و دوم نقش مسئولیت اجتماعی زن در محیط بیرون از منزل.

دکتر شریعتی می‌گوید در جامعه و فرهنگ اسلامی، سه چهره از زن داریم، یکی زن سنتی و مقدس مآب، یکی چهره زن متجدد و اروپایی مآب که تازه شروع به رشد و تکثیر کرده است، و یکی هم چهره فاطمه علیها سلام و زنان فاطمه وار که هیچ شباهت و وجه مشترکی با چهره ای به نام زن سنتی ندارد. سیمایی که از زن سنتی در ذهن افراد وفادار به مذهب در جامعه ما تصویر شده است با سیمای فاطمه (ع) همان قدر دور و بیگانه است که چهره زن مدرن.

این زن سوم، زنی است که می‌خواهد انتخاب کند، زنی است که نه چهره موروثی را می‌پذیرد و نه چهره تحمیلی صادراتی پست‌ترین و پلیدترین دشمنان انسانیت را. هر دو را آگاه است و هر دو را هم می‌داند. آنکه به نام سنت تحمیل می‌شد و در جریان آن به وراثت می‌رسید، مربوط به اسلام نیست. مربوط به سنت‌های دوره پدرسالاریست و حتی آنچه

زنان در تاریخ ایران جایگاهی ویژه‌ای دارند از این جهت در ایران زنان جایگاهی ویژه‌ای دارند که هم دوش مردان در برهه‌های حساس تاریخ سرزمین ایران نقش ایفا کرده‌اند این یادداشت به نقش زنان در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی می‌پردازد.

زنان در عصر انقلاب اسلامی از حاشیه به متن اصلی فعالیت‌ها و مبارزات وارد شده و رنگ و چهره‌ی انقلاب را عوض نمودند زنانی با ایمان راسخ، هاجر وار وارد عرصه‌های گوناگون شده گوی سبقت را از مردان ربودند زنانی که هر در تفسیر شخصیت شان مجالی مفصل می‌طلبند و یکایک شک‌شان شاهنامه‌ای از حماسه و مقاومت‌اند.

در انقلاب و دفاع مقدس تعداد ۶ هزار و اندی شهید زن نشان از راسخ بودن این قشر در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی ایران دارند که از این تعداد حدود ۲۰۰ شهید ترور زن داریم.

## آیا فقط باید به این آمار بسنده کرد؟

انقلاب اسلامی فرصتی برای بازتعریف زن در دوران معاصر کنونی نمایان کرد انقلاب به زنان این امکان را داد تا چهره‌ای دیگر از زنان را به جامعه



شریف‌شان در سیره عملی و نظری خود این موضوع را به اثبات رساندند. زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتشان یک جامعه، بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای انسانی کشیده شوند (صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۹۲) ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه - علیهاسلام الله - فریاد می‌زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر و می‌دانند آنچه بدست آورده اند بالاتر از جناب نعیم است چه رسد به مطاع ناچیز دنیا (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۹۸)

اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته بشوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد (صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۰۰)

رهبری نیز نقش زنان را در اداره جامعه همیشه یادآور شده‌اند. بنده با انواع مشارکت‌های اجتماعی موافقم؛ حالا چه از نوع اشتغال اقتصادی باشد، چه از نوع اشتغالات سیاسی و اجتماعی و فعالیت‌های خیرخواهانه و از این قبیل باشد؛ اینها هم خوب است. زن‌ها نصف جامعه‌اند و خیلی خوب است که اگر ما بتوانیم از این نیم جامعه در زمینه‌ی اینگونه مسائل استفاده کنیم؛ منتها دو سه تا اصل را باید ندیده نگرفت. یک اصل این است که این کار اساسی را - که کار خانه و خانواده و همسر و کدبانویی و مادری است - تحت الشعاع قرار ندهد. می‌شود هم به نظر می‌رسد مواردی داشتیم که خانم‌هایی این‌طور عمل می‌کردند. البته یک قدری به آنها سخت می‌گذرد؛ هم درس خواندند، هم درس دادند، هم خانه‌داری کردند، بچه آوردند، بزرگ کردند، تربیت کردند. پس ما با آن اشتغال و مشارکتی کاملاً موافق هستیم که به این قضیه‌ی اصلی ضربه و صدمه نزنند؛ چون این جایگزین ندارد. شما اگر بچه‌ی خودتان را در خانه تربیت نکردید، یا اگر بچه نیاوردید، یا اگر تارهای فوق‌العاده ظریف عواطف او را - که از نخهای ابریشم ظریف‌تر است - با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده‌ی [عاطفی] نشود، هیچ‌کس دیگر نمی‌تواند این کار را بکند... دومین مسئله، مسئله‌ی محرم و نامحرم است. مسئله‌ی محرم و نامحرم در اسلام جدی است. (بیانات آیت الله خامنه‌ای در سومین اندیشه راهبردی ۱۴ دی ماه ۱۳۹۰)

ماحصل دیدگاه صاحب نظران در مورد نقش زنان در جامعه خارج از فرصت این یادداشت می‌باشد اما می‌توان فهمید مکتب اسلام و انقلاب اسلامی چه دیدگاهی در این مورد دارد زنان در انقلاب اسلامی با سرعت فزاینده‌ای به سمت قتل رشد و تکامل راه خود را پیمودند و تعداد

امروز از غرب می‌آید، نه علم است، نه بشریت است، نه آزادی است، نه انسانیت است و نه مبتنی بر حرمت زن است. مبتنی بر حیل‌های پست قدرت‌های پست انحرافی و تخدیرکننده بورژوازی است. می‌خواهد در این میانه انتخاب کند چه چیز را؟ آن کدام تصویر است؟ نه تصویر زن ارتجاعی سنتی و نه تصویر زن مدرن تحمیلی، بلکه تصویر زن مسلمان است. برای اینکه تصویر این چهره سوم را بفهمد خوشبختانه هم مواد در دست ماست و هم تاریخ و هم بهتر از مواد و مجسم‌تر از تاریخ و معین‌تر و محسوس‌تر از مباحث علمی و فقهی، تصویر عینی شخصیت‌های نمونه‌ای که به نام امام، اسوه به نام سرمشق در تاریخ ما وجود دارند و بالاخص در فرهنگ شیعی همه در یک خانواده در یک اتاق سه در چهار جمع‌اند؛ خانواده‌ای که هر کدامشان سرمشقند، حسن بودن در صلح، حسین بودن در جهاد و شهادت، زینب بودن در سنگین‌ترین رسالت اجتماعی عدالت و حق، فاطمه بودن در زن، و علی بودن در همه چیز.» (مجموعه آثار ۲۱، زن، صفحه ۴۳)

چهره فاطمه چهره ایست که اگر درست ترسیم شود، اگر آن چنان که واقعاً بوده، آن چنان که واقعاً می‌اندیشیده، سخن می‌گفته، زندگی می‌کرده، آن چنان که در مسجد نقش داشته، در شهر نقش داشته، در خانه نقش دیگری داشته، در زمان نقش دیگری دارد، در مبارزه اجتماعی نقش دیگری دارد، در اسلام نقش دیگری دارد، در تربیت فرزند نیز نقش معجزه آسای دیگری دارد، آن چنان که بوده، همه در ابعاد بزرگ ماورائیش برای این نسل تصویر و معرفی بشود، نه تنها مسلمان بلکه هر انسان دوستی که وفادار به ارزش‌های انسانی و معتقد به آزادی حقیقی انسان و زن است، معتقد می‌شود و آن را به عنوان بزرگ‌ترین تصویر و بزرگ‌ترین الگو برای پیروی امروز خواهد پذیرفت.» (همان، ص ۲۲۳)

شهید مطهری درباره مشارکت زنان می‌گویند: «جامعه اسلامی و جمهوری اسلامی بدون شرکت زنان قابل دوام نیست.» استاد مطهری نقل می‌کنند که امام در پاریس فرمودند: «زن‌ها حق رأی دارند و حق رأی گرفتن دارند.» زنان هم در شکل‌گیری و هم در پیروزی، نقش مستقیم و غیرمستقیم داشته‌اند. مانند صدر اسلام که هم زنان در بعد تربیت فرزندان و پرورش آنان و همراهی و شکیبایی حضور همسران در جنگ، یاری‌گر حضرت رسول (ص) بودند و هم زنانی مانند «نسیبه جراح» و عمه حضرت رسول (ص) و... در صحنه‌های جهاد مستقیم نقش داشته‌اند، هم در هجرت به مدینه و حبشه و هم در بیعت‌های مختلف با حضرت هم در همراهی در خانه و راهی کردن همسران و فرزندان. به‌حق، این گونه الگوهای عینی است که استاد مطهری را جرأت می‌بخشد از منطق متعادل اسلام دفاع کند و ویژگی‌ی ذی‌سهم بودن بانوان در انقلاب و جمهوری اسلامی را یادآور شود و حتی سهم بانوان را عظیم‌تر از سهم مردان شمرده است. شهید مطهری می‌گوید: «به نظر می‌رسد این چنین نقش تاریخی برای زن در جهان بی‌سابقه است... و به همین جهت ایجاب می‌کند که تحقیق کنیم چه عواملی موجب گشت که زن بار دیگر - علاوه بر صدر اسلام - در صحنه تاریخ ظاهر شود و تاریخ را از «مذکر» بودن محض خارج کند و آن را «مؤنث» نماید.» (منبع: استاد مطهری، آینده انقلاب اسلامی ص ۲۲۴)

امام خمینی بارها در نقش زنان در انقلاب تاکید داشت و در طول عمر



«سنگ‌های شیطان» درباره مشکلات عاطفی و معیشتی زنان نوشت. فرخنده آقایی نیز داستان‌نویسی را با انتشار مجموعه داستان «تپه‌های سبز» در این دهه آغاز کرد.

به اعتقاد برخی از استادان دانشگاه دهه اول انقلاب که هنوز دوره رکود قلمی زنان را طی می‌کرد، با آغاز دهه دوم (دهه هفتاد) جهشی اساسی یافت؛ برای نمونه مجموعه داستان «مولود ششم» از منصوره شریف‌زاده در این زمان تبدیل به چندین مجموعه و اثر ادبی شد.

«نرگس‌ها» و «زن شیشه‌ای» از نرگس تجار و «عالم و آدم» از مریم جمشیدی، «کوه‌های آسمان» از سمیرا اصلان پور، «سرود اروند رود» از منیژه آرمین از آثاری است که طی دو سال پی‌درپی منتشر شدند. مریم صباغ‌زاده ایرانی، طاهره ابید و افسانه گیویان نیز از جمله داستان‌نویسانی بودند که آثارشان بیانگر و نمودار فعالیت و رشد کمی و کیفی زنان داستان‌نویس در این دهه است. مریم جمشیدی علاوه بر «کوه‌های آسمان»، دو مجموعه داستان به نام‌های «گهواره چوبی» و «عالم و آدم» را منتشر کرد که محتوای آنها، ناراحتی‌ها و گرفتاری‌ها و مسائل ارزشی زن در دوران پس از انقلاب است (خبرگزاری ایرنا، انقلاب اسلامی ایران و جوش سراسری ادبی زنان، ۹ مرداد ۹۸)

### زندگی‌نامه داستانی

یکی از بهترین نمونه در این زمینه «دا» نوشته «سیده اعظم حسینی» براساس خاطرات سیده زهرا حسینی است.

«یکشنبه آخر» نوشته «معصومه رامهرمی» نیز روایتی زنانه و موفق از جنگ را به واسطه حضور دختر جوانی که جنگ از او آدم دیگری می‌سازد، ارائه می‌دهد.

«عروس جنوب» نوشته «شمسی خسروی» نیز از حضور دختر جوانی به عنوان پرستار برای بازگویی ناگفته‌های دوران اشغال خرمشهر بهره می‌برد.

«پوتین‌های مریم» نوشته «مریم امجدی» به واسطه حضور فعال نویسنده در موقعیت‌های مختلف، امکان مرور و بررسی بسیاری از رویدادهای مهمی که در خرمشهر از اشغال تا آزادسازی روی داده است.

رمان‌های و مجموعه داستان‌های جنگی

«بلقیس سلیمانی» که سال‌ها به عنوان منتقد ادبی فعالیت می‌کرد، در سه‌گانه خود شامل دو رمان «بازی آخر بانو»، «خاله بازی» و مجموعه

حدود ۲۰۰ هزار مادر شهید نشان‌هایی از گام‌های استوار این قشر است مادران و همسران شهدا که با وجود تمام مشقت‌ها از کیان اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران دفاع نمودند و سمیه وار خود را وقف اسلام و انقلاب نمودند بازنمایی زنان مکتبی در آثار ادبی و هنری خود نشان از به اوج و کمال‌گرایی بانوان دارد.

داستان هر یک از این زنان منظومه‌های چندصفحه‌ای است زنانی که در کنار همه مشکلات یاد و نام خدا را عجین خود نموده‌اند و تپمئن القلوب خود را از یاد او گرفته‌اند.

### زنان و ادبیات انقلاب

بعد از انقلاب اسلامی زنان قهرمان اصلی داستان‌ها و رمان‌ها، شعرها شدند چهره‌های دیگر از این زنان به جامعه عرضه شد که با چهره قبل از انقلاب آن تفاوت ماهوی داشت هویت اصیل زنان در جامعه بعد از انقلاب اسلامی در داستان‌ها و خاطرات و شعرها بازنمایی شد انقلاب اسلامی موجب خارج شدن زنان از انزوا گشت باید گفت که پیشران انقلاب‌ها و راز ماندگاری آن‌ها را می‌توان در ادبیاتی که تولید می‌کنند بیان کرد این ادبیات هرچه عمیق‌تر باشد و به لایه‌های عمیق جامعه رسوخ کند می‌تواند سبب برداشتهای پلایشگاهی از این ادبیات داشت و سبب ارزش افزوده برای هویت تاریخی انقلاب شد.

نویسندگان زن در عرصه ادبیات داستانی دفاع مقدس به دلیل برخوردار از نثری عاطفی، دارای جایگاه ویژه‌ای هستند. در این دسته از آثار، به خاطر بهره‌گیری از عنصر خیال می‌توان به شکل بارزتری، شاهد خلق شخصیت‌های زن ماندگار در عرصه دفاع مقدس شد. در ادبیات دفاع مقدس، زنان ایثارگر را می‌توان به دو دسته، زنان حاضر در مناطق جنگی و جبهه، و پشت جبهه تقسیم‌بندی کرد. زنان جبهه شامل زنان جنگ زده و ساکن مناطق مرزی؛ و زنانی می‌شوند که به واسطه‌ی مشاغلی چون: پزشکی، پرستاری، عکاسی، خبرنگاری و... اجازه‌ی حضور در جبهه را داشته‌اند؛ اما عمده‌ی زنان در این ادبیات، زنان پشت جبهه هستند که همسران، مادران و خواهران شهید، جانباز و اسیر هستند (مریم بصیری، پیام زن، شماره ۲۵۸ شهریور ۹۲)

اکثریت قابل توجه داستان‌هایی که زن در آن نقش اصلی را دارد، در روابط خانوادگی و محفل خانواده است. زن چه در حاشیه‌ی فعالیت‌های سیاسی و حوادث انقلاب و دوره‌ی جنگ و چه در روابط روحی‌اش با مرد، بیشتر در کانون خانواده مطرح می‌گردد. مطرح شدن زن در خانواده، در واقع نشان‌دهنده‌ی تأثیر تغییرات اجتماعی و سیاسی از یک سو و تحولات ارزشی نویسندگان این دوره از سوی دیگر است (زواربان، زهرا، ۱۳۷۰) تصویر زن در ده سال داستان‌نویسی انقلاب اسلامی، تهران، حوزه هنر)

در دهه شصت، علاوه بر نویسندگان دهه‌های گذشته چون سیمین دانشور، گلی ترقی و شهرنوش پاریسی‌پور، زنان دیگری نیز وارد عرصه داستان‌نویسی شدند. از جمله آنان منیرو روانی‌پور بود که با نخستین مجموعه داستانش «کنیزو» به عنوان نویسنده‌ای شهرت یافت که به رنج‌ها و حسرت‌های زنان در فضای وهمناک جنوب می‌پردازد. او در این دهه علاوه بر این مجموعه داستان، رمان «دل فولاد» و مجموعه داستان





ضد خرابکاری سال‌ها حبس کشیده‌اند که نمونه‌های آن‌را می‌توان بر شمرده که هر کدام می‌تواند خود کتاب مفصلی در احوال آن روزها باشد. زنان و تاریخ انقلاب اسلامی اگر در غرب شخصیت‌هایی چون ارویانا فالاچی تاریخ را فارغ از هر نوع سوگیری روایت می‌کنند در ایران زنانی داریم که خود تاریخ هستند و باید برای ما روایت شوند در تاریخ انقلاب اسلامی ایران اگر بخواهیم نگاهی کلان به موضوع داشته باشیم باید گفت در طول مبارزات ۱۵ سال امام خمینی حدود ۵۱۷ نفر از زنان دستگیر شده و توسط ساواک در زندان کمیته مشترک ضد خرابکاری سال‌ها حبس کشیده‌اند که نمونه‌های آن‌را می‌توان بر شمرده که هر کدام می‌تواند خود کتاب مفصلی در احوال آن روزها باشد.

### خاطرات مرضیه دباغ و دخترش رضوانه دباغ نوشته محسن کاظمی انتشارات سوره مهر

کتاب خاطرات مرضیه حدیدیچی (دباغ)، یکی از مبارزان زن پیش از انقلاب، به ذکر خاطرات و جان فشانی‌هایش در راه انقلاب می‌پردازد تا به همگان یادآوری کند که مردان تنها مبارزان این عرصه نبودند و زنانی هم بودند که زانه بر سر اعتقادات و آرمان‌هایشان جنگیدند تا این پیروزی را نصیب مردم ایران کنند. طاهره دباغ که به او لقب مادر بزرگ انقلاب را داده‌اند از شاگردان آیت‌الله سید محمد رضا سعیدی بود و با جامعه روحانیت مبارز همکاری داشت. در سال ۱۳۵۳ و پس از دو بار بازداشت توسط ساواک با کمک محمد منتظری و با پاسپورت جعلی از کشور خارج شد.

### مرضیه حدیدیچی و دخترش رضوانه در زندان کمیته مشترک ضد خرابکاری

در این بین می‌توان به کتاب‌های خاطرات معصومه محتاج در کتاب «ساعت ۴ آن روز»، «آن روزهای نامهربان» فاطمه جلال‌وند، خورشید باران طاهره سجادی، ام‌الاسرا خاطرات بهجت افراز و گوهر صبر خاطرات گوهر الشریعه دستغیب اشاره کرد. این‌ها تنها بخش کوچکی تاریخ انقلاب اسلامی است که توسط زنان رقم خورده است و نشان می‌دهد با همان اعتقاداتی که مردان در مبارزه با رژیم طاغوت به مبارزه برخاسته بودند زنان نیز دوشادوش آنها بودند.

داستان «بازی عروس و داماد» اشاراتی غیرمستقیم به جنگ تحمیلی دارد. هر دو رمان در اوایل دهه مهم ۶۰ می‌گذرد و «سلیمانی» به خوبی از عهده ترسیم فضای پیچیده آن دوران برمی‌آید. در «سرود ارونده»، نوشته «منیژه آرمین» ما با مهاجرت اجباری زنان و خانواده‌هایشان در دوران جنگ روبه‌رو هستیم.

### دوران پس از جنگ خانواده شهدا

«راضیه تجار» یکی از پرکارترین زنان نویسنده در عرصه دفاع مقدس است. در این مقاله به دو مجموعه داستان «هفت بند» و «جای خالی آفتابگردان‌ها» پرداخته می‌شود. کتاب «مهتاب»، نوشته «زهره زواریان» نیز شامل چند داستان کوتاه درباره خانواده‌های شهدا است که بیشتر آنها چیزی در حد یک طرح ساده به نظر می‌رسد و به دلیل فقدان کشمکش‌های درونی و بیرونی، قابلیت داستانی خود را از دست می‌دهد.

### خانواده جانبازان

یکی از بهترین داستان‌هایی که در زمینه ارتباط میان پرستاران و مجروحان جنگی می‌توان از آن یاد کرد، کتاب «او را دیدم، زیبا شدم» نوشته «شیوا ارسطویی» است. «دور گردون»، نوشته «طاهره ایبده»، روایت سه نسل از زنان را در قالب مادر، همسر و دختر جانباز مطرح می‌کند. کنار هم قرار گرفتن سه زن از سه نسل مختلف ما را به درک جنبه‌های عمیق‌تری از زندگی با یک جانباز دعوت و با چالش‌های اخلاقی و عاطفی پیچیده‌تری روبه‌رو می‌کند.

داستان بلند «نیمه نارنج»، نوشته «شمسی خسروی» به علاقمندی و ازدواج دختر جوانی با یک جانباز شیمیایی می‌پردازد که این آشنایی و پیوند منجر به تحول دختر جوان می‌شود.

### اسرا و آزادگان

«چشم سوم» نوشته «نرگس آبیاری» داستان ۱۳ نوجوان است که با هم به جبهه می‌روند و در اولین عملیاتی که حضور پیدا می‌کنند، سرنوشت مشترکی می‌یابند، شش نفر از آنها مفقودالایر و شش نفر دیگر اسیر می‌شود و نفر آخر با تنی مجروح باز می‌گردد. «فصل رزهای صورتی» نوشته «منیرالسادات موسوی» نیز سرگذشت زنی را که در انتظار همسر اسیرش است، در قالب نامه‌نگاری ترسیم می‌کند.

### جنگ در حاشیه

در «دل فولاد» ما با نویسنده زنی روبه‌رو هستیم که هم‌زمان با نوشتن درباره وقایع تاریخی دوران زند، تلاش می‌کند تا پسر جوانی را که در زمان مجروحیت جنگی توسط پرستاری معتاد شده است، نجات دهد. «زویا پیرزاد» نیز در رمان «عادت می‌کنیم» در یکی از قصه‌های فرعی خود، به ماجرای اعتیاد جوان رزمنده‌ای می‌پردازد که شاهد شهادت برادر دوقلویش بوده است.

در تاریخ انقلاب اسلامی ایران اگر بخواهیم نگاهی کلان به موضوع داشته باشیم باید گفت در طول مبارزات ۱۵ سال امام خمینی حدود ۵۱۷ نفر از زنان دستگیر شده و توسط ساواک در زندان کمیته مشترک

# ضرورت‌های انقلاب اسلامی



و تنها به لیست وزرای این دولت نظری بیفکنید تا عمق فاجعه روشن شود. وزیر نفت آن دولت (حسن نزیه) جزو فراریان خارج از کشور است. سخنگوی آن دولت (امیر انتظام) به جرم جاسوسی در زندان به سر می‌برد. وزیر کشاورزی آن (ایزدی) مدارکش در جاسوس‌خانه پیدا شده و علاوه بر آن جزو ملاکین و فتوادل‌های باسابقه می‌باشد. وزیر خارجه آن (کریم سنجابی) رئیس جبهه ارتداد ملی بوده است. وزیر ارشاد آن (میناچی) دارای اسناد و مدارک متناهی در جاسوس‌خانه بوده و به همت بنی‌صدر از چنگال عدالت گریخته است. وزیر کار آن دولت (داریوش فروهر) از سران خیانت‌کار حزب ملت بوده است. وزیر کشور آن (صدر حاج سیدجوادی) با فرستادن امثال یونسی به کردستان و طاهر احمدزاده به خراسان و مقدم مراغه‌ای به آذربایجان به عنوان استاندار، میلیون‌ها تومان بودجه مملکت را هدر داد. وزیر دفاع آن دولت (مدنی) که اینک فراری بوده و از سران جبهه ضدانقلاب می‌باشد.

تازه این گوشه‌های از کارنامه درخشان آن دولت می‌باشد که صد البته از چنان رئیس دولتی این‌گونه انتخاب‌ها نیز انتظار می‌رود. لابد مصاحبه آقای بازرگان با حامد الگار که ضمیمه بولتن یک بوده است را هم مطالعه کرده‌اید و ماهیت این آقا را هم به خوبی دریافته‌اید. به هر حال سخن بر سر ضرباتی بود که انقلاب اسلامی از بابت نداشتن یا نشناختن کادرهای ورزیده انقلابی برای اداره امور خود دیده است. ذکر این نکته نیز ضروری می‌باشد که موج نیرنگ‌ها و دسیسه‌هایی که از جانب محافل مختلف داخلی و خارجی، علیه انقلاب اسلامی به کار گرفته شده بر شدت این ضربات افزوده و بدان‌ها سرعت بخشیده است. به این ترتیب از یک سو انقلاب با کمبود افراد متعهد

## برنامه‌ریزی، کادرسازی

از جمله ویژگی‌های انقلاب اسلامی که در تاریخ انقلاب‌های جهان کم‌نظیر است، سرعت فوق‌العاده آن در مقطع نهایی و دستیابی سریع آن به اولین مرحله پیروزی با سرنگونی رژیم شاهنشاهی بوده است. این ویژگی اگرچه دارای جنبه‌های مثبت فراوان می‌باشد، لکن از بعضی جهات نیز موجب پدید آمدن مشکلاتی برای انقلاب شده است. از جمله مهمترین آنها عدم برنامه‌ریزی‌های درازمدت برای آینده انقلاب بوده است. برای روشن شدن مسئله مثالی ذکر می‌کنیم: جنبش‌های رهایی‌بخش نظیر فلسطین یا پولیساریو علی‌رغم داشتن ضعف‌های ایدئولوژیک و استراتژیک فراوان در زمینه خط حرکتی‌شان، اگر چنانچه در آینده به هدف‌های خود دست یافته و بر دشمنانشان پیروز شوند، در این مورد با مشکلات کمتری روبه‌رو خواهند بود، زیرا به علت طولانی بودن دوران مبارزه، آنها هم برنامه حکومتی داشته و هم آنکه دارای کادرهای ورزیده برای در دست گرفتن امور می‌باشند. هم‌اینک نیز این قبیل نهضت‌ها دارای وزرای مختلف بوده و در تشکیلات داخلی خود دارای نظم و انسجام کامل یک حکومت رسمی می‌باشند. این در حالی است که سرعت فوق‌العاده انقلاب اسلامی فرصت ساخته شدن کادرهای ورزیده و در خط انقلاب، برای در دست گرفتن امور انقلاب را از رهبران انقلاب گرفته است. از همین رهگذر نیز انقلاب اسلامی ضربات مهلکی خورده و در ادامه مسیر خود دچار کندی‌هایی شده است که مهمترین آنها در دست گرفتن پست‌های کلیدی و حساس در زمان دولت موقت از جانب عناصر ناباب و همچنین ظاهر شدن بنی‌صدر در مقام ریاست جمهوری بوده است. فی‌المثل دولت موقت را در نظر بگیرید

باید حداکثر استفاده را از آن برد. برنامه‌ریزی هم باید در جهت کلی باشد و هم در زمینه‌های اختصاصی از قبیل صنعت، کشاورزی، فرهنگ و غیره. البته ما به مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد واقفیم و می‌دانیم که حتی در مسائلی نظیر مسئله زمین، رسیدن به اهداف کلی برای جمیع نیروهای موثر در این امر نیز بسیار مشکل است؛ اما به این نکته نیز باید توجه کرد که به هر حال این نوع مسئله باید یک روز حل شود، حتی اگر ناگزیر از برخورد با بعضی افراد و جریانات باشیم. اگر قبول داریم که این قبیل مسائل برای انقلاب وجود دارد و حل آن نیز از جمله ضرورت‌های انقلاب می‌باشد، بایستی به هر حال با جریانات و نیروهای مخالف نیز به نحوی برخورد نموده و یکبار برای همیشه به این بحث‌ها خاتمه داد. در تأیید این مطلب این نکته را هم بگوییم که هرگاه اعمالی نظیر طرح اصلاحات ارضی به میان آمده است، رهبران گروه‌های سیاسی از توجیه این اعمال برای هواداران خود عاجز بوده‌اند. این کار اولاً، عدم جذب نیروهای جدید و ثانیاً، به انفعال کشیده شدن هواداران قبلی را سبب شده است. این یعنی اینکه با انجام هر عمل انقلابی، مواضع گروه‌های سیاسی مخالف نیز ضعیف‌تر شده و بالاخره به مواضعی نظیر چریک‌های فدایی و انشعاب‌های مذکور آنان دچار خواهند شد. البته ما نمی‌گوییم که به این علت بایستی دست به اقداماتی این چنینی زد، بلکه این قبیل موارد را به عنوان دستاوردهای فرعی انجام چنین اعمالی یادآوری می‌کنیم.

### کادرسازی

گفتیم که از ناحیه کمبود نیروهای متعهد و متخصص و در خدمت انقلاب چه زیان‌هایی بر پیکر انقلاب وارد آمده است و بدین لحاظ لازم است که هر چه سریع‌تر در این مورد چاره‌اندیشی کرده و جلوی افزایش این ضررها را گرفت. متأسفانه بعد از گذشت حدود دو و نیم سال از انقلاب اسلامی هنوز هم اقدامات اصولی دراز مدت صورت نگرفته و بیشتر انرژی نیروها صرف کارهای مقطعی شده است.

در این رابطه خوب است نیروهای جوان و متعهد به انقلاب را از هم‌اینک انتخاب کرده و آنها را برای کسب تخصص‌های بیشتر به خصوص در زمینه‌هایی که کمبود احساس می‌شود آموزش داد. حتی در صورت لزوم با فرستادن آنها به خارج برای کسب مهارت‌های بیشتر برای آینده انقلاب سرمایه‌های مفیدی را ذخیره کرد. ضمن آنکه ما معتقدیم هم‌اینک نیز به کار گرفتن نیروهای جوان متعهد حتی با تخصص‌های کمتر به علت دارا بودن انرژی بیشتر می‌تواند مفید واقع شود. در این مورد باید بر این مبنا حرکت کرد که نیروهایی را برای انقلاب پرورش داد تا عملاً انقلاب بر دوش شخصیت‌ها نباشد. یعنی ضمن استفاده هر چه بیشتر از شخصیت‌های مؤثر باید با بکارگیری نیروهای جدید به این شبهه که انقلاب فاقد خط حرکتی بوده و تنها چند مهره گرداننده آن هستند، هر چه زودتر خاتمه داد.

مطمئناً اگر چنانچه دست‌اندرکاران به این ضرورت پی ببرند، پیدا کردن راه حل و پیدا کردن کادرهای لازم کار چندان دشواری نخواهد بود. باید به گروه‌های که در صددند با اعمال تروریستی شخصیت‌های انقلاب را از بین ببرند هرچه سریع‌تر نشان داد که انقلاب متکی به افراد نیست و این توطئه آنان نیز با شکست مواجه خواهد شد. به خصوص باید در دولت آینده از افراد متعهد و متخصص جدیدی هم که هنوز شناخته شده نیستند، استفاده کرد و تنها به جابه‌جا کردن افراد اکتفا نکرد؛ تا از این طریق علاوه بر خنثی شدن توطئه جدید گروه‌های ضد انقلاب مبنی بر ترور افراد و شخصیت‌های برجسته، گام مهمی نیز در پرورش نیروهای جدید و مؤمن به انقلاب برداشته شود.

و متخصص روبه‌رو بوده است و از طرف دیگر به علت عدم برنامه‌ریزی در هر یک از زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، همچنین نیرنگ‌هایی که از جانب ابرقدرت‌ها و به خصوص امپریالیسم آمریکا بر علیه آن به کار گرفته شده است، دچار کندی و خرده‌کاری و عدم پدید آمدن انسجام لازم و قرار نگرفتن آن در روال طبیعی بوده است.

با این توضیحات روشن است که عمده‌ترین ضرورت‌هایی که انقلاب اسلامی با آن روبه‌رو می‌باشد در وهله اول برنامه‌ریزی و سپس پرداختن به مسئله کادرسازی است. اهمیت این مطلب امروز بیشتر از گذشته مشهود و ملموس می‌باشد، زیرا دشمنان نیز با پی‌بردن به این دو ضعف انقلاب در صددند تا از همین نقاط، ضربات خود را بر پیکر انقلاب وارد آورند. موج ترور شخصیت‌ها که از چندین هفته پیش آغاز شده است، بر همین مبنا استوار است. تحلیل این گروه‌ها چنین است که نظام جمهوری اسلامی به علت عدم وجود برنامه‌ریزی‌های دراز مدت، فاقد مشخصات یک «نظام» بوده و تنها بر پایه وجود برخی افراد و شخصیت‌ها اداره می‌شود. به عبارت دیگر، خط کلی، حاکم بر انقلاب نبوده و نظرات شخصی افراد و شخصیت‌هاست که موجب دوران چرخ حکومت می‌شود.

بر اساس این تحلیل، این گروه‌ها می‌خواهند کلیه مهره‌ها را از صحنه خارج ساخته و ابتدا زمینه را برای توقف کامل امور فراهم آورند و بعد به دنبال بروز هرج و مرج و ناامنی در جامعه، شرایط را برای برقراری یک دیکتاتوری موقت فراهم آورند. یعنی وضعیت را به جایی برسانند که در اثر اغتشاش و ناامنی، مردم خود خواستار حکومتی قاطع و سرکوب‌گر شده و پذیرای دیکتاتوری شوند. البته تحلیل این گروه‌ها آن است که به علت شرایط اجتماعی و اقتصادی ایران، دیکتاتوری بدین شکل، نمی‌تواند در آن پایدار باشد و بعد از بروز این دیکتاتوری موقت نوبت به حاکمیت مطلق آنان خواهد رسید. این نکته را بنی صدر معزول و فراری هم در مصاحبه با «ساندی تایمز» در تاریخ یازده مرداد ۶۰ ذکر کرده است، بدین ترتیب که: «همزمان گروه مجاهدین همراه با شش گروه مسلح دیگر، کلیه نمایندگان خمینی در سراسر کشور را از بین خواهند برد و ارتش در بحرانی‌ترین مراحل برای پاسخ به آرزوهای ملت ایران دخالت کرده و از رئیس‌جمهور قانونی خواهند خواست که به کشور بازگردد.»

البته باید بگوییم که ما این تحلیل آنها را تحلیلی درست نمی‌دانیم و آنها مثل همیشه از توجه کردن به بعضی واقعیت‌های دیگر برای رسیدن بدین تحلیل عاجز بوده و به قول امام آنها نیروی اسلام و مردم را نشناخته‌اند. اما با این حال اینک زمان آن رسیده است که به جای مبنا قرار دادن حرف‌ها و تحلیل‌های این‌وآن به خود بپردازیم و با واقع‌بینی و به دور از توجیه‌کاری، ضعف‌های خود (طیف نیروی امام) را تشخیص داده و به برطرف کردن آنها بپردازیم. تا از این طریق هم انقلاب اسلامی را تقویت کنیم و هم با تقویت انقلاب خودبه‌خود نقشه‌ها و توطئه‌های مزدوران امپریالیسم (بنی‌صدرها و رجوی‌ها) را نقش بر آب کنیم.

### برنامه‌ریزی

اینک با توجه به ضرورت‌های ذکر شده، بایستی به دنبال راه چاره رفت و این نقیصه را هر چه سریع‌تر برطرف کرد. برای برنامه‌ریزی باید محدوده‌ای (مثلاً پنج سال) را انتخاب کرده و ابتدا هدف مرحله‌ای را در این محدوده در نظر گرفت، سپس با توجه به امکانات و شرایط موجود بدان سمت حرکت کرد. در هر نوع برنامه‌ریزی برای جامعه فعلی ایران باید به این نکته دقیقاً توجه کرد که از نیروی مردم و بسیج آنها در هر امری می‌توان استفاده کرد. پتانسیل انقلابی مردم در میهن اسلامی، در شرایط فعلی بسیار بالا بوده و

## مهندسی رزمی جنگ جهاد در آغاز عملیات کربلای ۵



غرب این کانال را خشک کنند. این مسیر برای عبور لشکرهای ثارالله و ۲۵ کربلا خیلی تعیین کننده بود و یک اکیپ عملیات خاکی تا پشت کانال ماهی پیشروی کردند و سپس جهادگران احداث جاده و خاکریز را شروع کردند. آنها برای عبور دستگاه‌های سنگین، قسمتی از دژ بلند عراق را شکافتند و تردد نیروها امکان پذیر شد.

یک اکیپ دیگر از جهاد تهران مأموریت داشتند پل خضر را بر روی آب‌گرفتنی جلوی دژ اصلی نصب کنند. این پل هم‌زمان با پل دیگری که قرارگاه کربلا برنامه‌ریزی کرده بود، نصب و راه‌اندازی گردید. با موفقیت نیروها در مرحله اول عملیات، جهاد استان تهران مقر تاکتیکی جدید خود را در قسمت میانی دژ اصلی انتخاب و با سرعت عمل بهتر در شب‌های عملیات، اغلب دستگاه‌های سنگین خود را وارد آن محور کرده و احداث خاکریز در منطقه باتلاقی کنار کانال ماهی را ادامه دادند. این خاکریز به‌منظور پدافند نیروها در مرحله اول عملیات پیش‌بینی شده بود تا در برابر پاتک دشمن مقاومت کنند. با شدت گرفتن آتش توپخانه سپاه سوم عراق به این محور، جهادگران اقدام به احداث یک خاکریز دوجداره در دو طرف جاده تا محل کار جهاد فارس بر روی کانال پرورش ماهی کردند و از تلفات نیروها هنگام عبور از روی کانال کاسته شد. فشار دشمن بر روی این محور به‌حدی رسید که جهادگران مجبور شدند از راننده‌ها به‌صورت نوبتی و محدود استفاده کنند تا در مراحل بعد با کمبود نیرو مواجه نشوند.

عبور از کانال ماهی همچنان بر دشواری و مشکلات عملیات می‌افزود و دغدغه فرماندهان عبور از آن کانال بود. با پیشروی لشکر ثارالله و ۲۵ کربلا در غرب کانال ماهی و شکستن خط دشمن و تصرف یکی از خاکریزهای مثلثی غرب کانال زوجی، دشمن نسبت به این منطقه حساس شد و بخشی از نیروهای محور پنج‌ضلعی را به آنجا اعزام کرد. میزان آتش در غرب کانال ماهی به‌حدی رسید که کمتر کسی هنگام عبور از روی پل جان سالم به در می‌برد. یک تیم مهندسی از جهاد فارس، برای احداث جاده‌ای از دل کانال ماهی در زیر آتش مشغول به کار شد که در صورت اتمام این جاده، لشکرهای ثارالله و کربلا توان مقابله با عراقی‌های مستقر در خاکریز مثلثی را خواهند داشت.

قبل از احداث این جاده، عمده تردد نیروها در مسیر کانال ماهی با قایق‌های تندرو صورت می‌گرفت و به همین دلیل عراقی‌ها با ایجاد

### قسمت دوم

#### کانال پرورش ماهی، رزمگاه مهندسی جهاد در عملیات کربلای ۵

با تثبیت پنج‌ضلعی در اولین روز عملیات، قرارگاه‌های قدس و نجف با هدایت یگان‌های خود مہیای ادامه عملیات شدند. ارتش عراق برای متوقف کردن این حملات در پنج‌ضلعی و باز شدن جاده شلمچه به هر نحو ممکن روی کانال ماهی فشار می‌آورد. با این تصمیم، فلش ادامه تک از کانال ماهی برداشته و پنج‌ضلعی صحنه اصلی عملیات شد. بر این اساس، ادامه عملیات مستلزم دو اقدام مهم بود:

۱- باز کردن جاده‌های منتهی به پنج‌ضلعی و شلمچه.

۲- تعمیق عملیات با تلاش یگان‌های موجود در پنج‌ضلعی.

هنوز مرکز درگیری در اطراف دژ اصلی عراق بود و با تجمع موقت یگان‌ها در این نقطه محدود، دشمن تحریک می‌شد بیشترین آتش توپخانه را روی همین نقطه متمرکز کند. در آن محور گردان مهندسی جوادالائمه خراسان مأمور به لشکر ۸ نجف شد و در محور کانال ده‌پل تا میدان امام رضا خاکریز می‌زدند. آنها بیشتر به ترمیم خاکریزهایی که زیر آتش احداث می‌شد، می‌پرداختند و در همین جریان بود که یکی از جهادگران به نام رباط جزی، مسئول تیم عملیات خاکی به شهادت رسید.

احداث خاکریزهای مسیر پیشروی لشکر ۸ نجف به عهده این گردان بود و در بعضی از نقاط باتلاقی تعدادی از بلدوزرها در گل گیر کرده و نتوانستند پایه پای لشکر تانوک کانال ماهی پیشروی کنند. شمس‌آبادی، فرمانده گردان مهندسی، نقطه شروع خاکریز را در ۲ کیلومتری شرق پل وحدت انتخاب و خودش در زیر گلوله‌باران دشمن مسیر را برای اولین راننده بلدوزر مشخص کرد. فشار دشمن به حدی رسید که جهادگران تا صبح تنها یک کیلومتر از خاکریز را احداث کرده و خودشان را به خط لشکر امام رضا رساندند. با شهادت جمعی از جهادگران و مجروح شدن مسئول تیم جهاد، شمس‌آبادی تیم جدید را وارد عمل کرد و آن خاکریز را به صورت دوجداره به اتمام رساند.

در شب دوم عملیات، گردان مهندسی موسی‌بن‌جعفر خراسان با احداث خاکریز موضعی در برابر پاتک عراقی‌ها مقاومت و در نهایت با لشکر ۵ نصر در شرق شهرک دو‌عجی، الحاق کردند. جهادگران با احداث خاکریزی در مقابل نهر دو‌عجی، امکان پدافند از آن محور را فراهم کرده و ارتباط دشمن از دو طرف قطع شد.

جنگ در این منطقه برای عبور از خطوط مستحکم دفاعی دشمن نیاز به انگیزه بسیار قوی رزمندگان خط‌شکن داشت. در برخی مواقع شرایط برای نفوذ به خط دشمن آن قدر سخت می‌شد که شجاع‌ترین رزمندگان نیز فتح سنگرهای دشمن را غیر ممکن می‌پنداشتند.

جهاد سمنان پس از استقرار در جنوب پاسگاه بوبیان، مأمور به لشکر ثارالله در سمت راست کانال پرورش ماهی شد. شروع کار آن‌ها ساخت اسکله و سپس احداث خاکریز و سنگر به‌منظور خارج کردن اسکله از دید مستقیم دشمن بود. این اسکله محل حرکت قایق‌های این لشکر برای ورود به پنج‌ضلعی بود. جهادگران سمنان ابتدا دژ مرزی را شکافتند و چند معبر برای عبور باز شد.

گردان مهندسی استان تهران مأموریت داشت پس از سقوط دژ اصلی عراق، خودشان را به کانال پرورش ماهی رسانده و بلافاصله زمین باتلاقی

بالن را زیر بمباران دشمن هوا کردند. ساعتی بعد، دو فانقوم وارد منطقه شد و پس از بمباران مواضع عراقی‌ها در کنار دریاچه کانال ماهی، بدون توجه به رگبار پدافند دشمن، در فاصله کمتر از یک دقیقه از طریق این بالن قرمز رنگ از منطقه گریختند. جهادگران نام این بالن را «بابیل» گذاشتند و در پرونده نیروی هوایی ارتش به ثبت رسید.

جهاد فارس در دومین روز عملیات به‌وسیله چند بیل مکانیکی جاده‌های آنتنی منتهی به کانال پرورش ماهی را دو جداره کرد تا تردد نیروها جریان یابد. به‌علت شرایط سخت محوطه پنج ضلعی و مقاومت شدید دشمن در طول خط درگیری در محور کانال ماهی، الحاق بعضی از لشکرها به یکدیگر در سمت راست کانال ماهی انجام نگرفت و محدوده پنج ضلعی یک پارچه آتش شد و زمین در اثر اصابت گلوله‌ها شخم زده می‌شد. جهادگران برای احداث خاکریز به علت باتلاقی بودن حاشیه مسیر تردد، باید از بیل مکانیکی استفاده می‌کردند. هم‌زمان جهاد فارس مأموریت داشت برای لشکر ۳۱ عاشورا و ۱۴ امام حسین اسکله احداث کنند و در آن شرایط سخت، گلوله مستقیم دشمن به دستگاه بیل مکانیکی جهاد اصابت کرد و منجر به انهدام دستگاه و شهادت راننده شد. قرارگاه مهندسی کربلا به گروهان پل جهاد فارس مأموریت داد نسبت به نصب پل نفرروی کوثری در باتلاق کنار کانال پرورش ماهی اقدام کند. این پل نفرروی از جنس کائوچو و فوم و به ابعاد ۱/۵\*۱ متر بود که قابل حمل با نفر بود و برای عبور نیروهای خودی به سمت نیروهای دشمن نصب شد. جهادگران نصب پل را در شرایط بسیار سخت و زیر رگبار گلوله‌های دشمن انجام دادند، به‌گونه‌ای که به حالت سینه‌خیز مونتاز پل انجام می‌گرفت. آنها برای تردد نیروها و کم کردن فشار عراق از روی سد خاکی، این پل را بروی کانال پرورش ماهی نصب کردند.

در مرحله دوم که تک به‌سمت خاکریزهای هلالی بود، ۱۹ نفر از جهادگران شبانه در قلب دشمن پیشروی کردند و تا ساعت ۱۰ صبح بدون وقفه خاکریز احداث کردند. آن شب تنها برای ۳۰۰ متر خاکریز ۱۸ نفر از جهادگران مجروح و ۳ نفر به شهادت رسیدند تا جناح چپ و راست نیروها الحاق صورت گرفت.

پشتیبانی لشکر سیدالشهدا برعهده جهاد فارس بود و این لشکر در روز سوم قصد عملیات روی کانال پرورش ماهی داشت. در عرض کانال یک سد خاکی وجود داشت که پس از تصرف ضلع شمالی آن، تانک‌های عراق روبروی این سد خاکی موضع گرفته و مشکلاتی را بوجود آوردند. شماییلی، فرمانده قرارگاه مهندسی کربلا، با حضور در محل سد اقدام به عبور یک دستگاه بلدوزر از روی سد نمود. روی سد جنازه‌های زیادی از عراقی‌ها و شهیدان افتاده بود و راننده بلدوزر به سختی اقدام به احداث یک پیشانی جنگی روبروی جاده سد خاکی کرد و تا حدودی امکان تردد برقرار شد. با احداث این پیشانی، دشمن دیگر نتوانست خودرو و نفرات را مورد هدف قرار دهد و جهادگران فارس با کنار زدن خودروهای سوخته راه را باز کردند و نیروها روی دژ تصرف شده مستقر شدند.

شب بعد، یک تیم استحکامات گردان مهندسی جهاد فارس با هماهنگی فرمانده لشکر ۲۵ کربلا وارد محور کانال ماهی شد تا در هنگام اجرای تک به دشمن، وارد عملیات مهندسی شوند. این تیم شب هنگام با سه دستگاه بلدوزر به‌سمت خط حرکت کردند که به‌علت حجم آتش شدید در مسیر تردد، دستگاه‌ها مورد اصابت مستقیم ترکش گلوله دشمن قرار گرفتند و تعدادی از جهادگران مجروح و شهید شدند. آنها با هماهنگی معاون فرمانده لشکر ۲۵ کربلا، خاکریز را احداث کردند و برگشتند

ادامه دارد ...

شکافی اقدام به تخلیه آب موجود در آب‌گرفتگی کردند. با پایین آمدن سطح آب‌گرفتگی، تردد قایق‌ها و پل شناور خضر جهاد با مشکل مواجه شد و قرارگاه مهندسی جهاد تصمیم گرفت برای جبران کمبود آب، با انفجار قسمتی از دژ اطراف پاسگاه زید، آب‌گرفتگی آن منطقه را به این آب‌گرفتگی وصل کنند تا تخلیه آب توسط عراقی‌ها جبران شود.

یکی از فرماندهان قرارگاه مهندسی جهاد، با شناسایی محل انفجار و ارائه گزارش به قرارگاه، انفجار آن دژ را به کمک گروه تخریب لشکر صاحب‌الزمان انجام داد. واحد زرهی لشکر سیدالشهدا تقاضای احداث چند سکوی شلیک تانک را در حوالی نوک کانال ماهی داشتند و پس از شناسایی نقاط احداث سکوها، نورمحمدی از جهاد فارس مسئول احداث آن سکوها شد. علی ارقمی، مسئول محور جهاد فارس، با چند دستگاه بلدوزر به کنار کانال رفت و در آنجا یک پیشانی جنگی و سکوی شلیک ۱۰۶ احداث کردند و نیروها از پشت آن به طرف هلالی شلیک کردند و در نهایت خط عراق سقوط کرد.

با روشن شدن هوا در روز دوم عملیات، پاتک‌های سنگین دشمن چندین بار در غرب کانال پرورش ماهی تکرار شد که در هر پاتک، رزمندگان با تحمیل تلفات به یگان‌های دشمن، آنها را عقب می‌رانند. در شب سوم عملیات هر سه قرارگاه کربلا، قدس و نجف وارد عمل شدند و دشمن به دلیل اهمیت تلاش نیروهای خودی، مصرانه در محور کانال ماهی مقاومت می‌کرد. گردان مهندسی موسی‌بن‌جعفر خراسان در مقابل خاکریزهای هلالی مأمور به لشکر ۵ نصر شد و باید بخشی از آب‌گرفتگی را پر می‌کردند. یک بلدوزر در کنار دژ خاک را آماده و با لودر ۵۰ متر آن طرف‌تر درون آب‌گرفتگی می‌ریختند. یک تیربار عراقی از سمت چپ پاسگاه شلمچه به‌طرف جهادگران شلیک می‌کرد و به راننده لودر اجازه نمی‌دادند به‌راحتی کار کند. با شدت گرفتن درگیری در غرب کانال ماهی، گردان‌های مهندسی جهاد نجف‌آباد و فارس در آن نقطه فعال شدند.

جهان‌بین، مسئول محور مهندسی گردان، با مشاهده پاتک عراق متوجه خطر سقوط کانال شد و دو لودر دیگر را وارد کار کرد و هم‌زمان با پاتک عراق، کانال را تبدیل به سنگر کردند تا خط‌شکنان پشت آن مستقر شوند.

تانک‌های عراقی خودشان را تا ۵۰ متری کانال رسانده بودند، اما با مقاومت نیروها و شلیک آرپی‌جی از پشت کانال ده‌پل شدند. نزدیک غروب، تانک‌های عراقی به‌سمت نوک کانال ماهی عقب‌نشینی کردند و علی جهان‌بین، مسئول محور مهندسی در این درگیری مجروح شد. فشار هوایی دشمن روی پنج ضلعی بیشتر شد و به جنگنده‌های ایران مأموریت داده شد پرواز بیشتری داشته باشند. مشکل خلبانان این بود که آن‌ها در زمین محدود عملیات قدرت مانور نداشته و به شدت آسیب‌پذیر بودند. تیمسار بابایی، فرمانده نیروی هوایی ارتش، این مشکل را با مسئولین تحقیقات مهندسی قرارگاه کربلا مطرح و از جهادگران بالن بزرگی را درخواست کرد که از طریق هیدروژن به هوا رفته و خلبانان ایران با این علامت از مسیر مطمئنی به سمت ایران برگردند.

جنگ هوایی در کربلای ۵ به اوج خود رسید و جهادگران یک تیم را مأمور ساخت این بالن کردند. بالن توسط مرکز تحقیقات مهندسی جهاد در تهران تهیه و از جنس بالن از پارچه‌های مخصوصی ساخته می‌شد. اولین بالن در منطقه عملیات کربلای ۵ توسط تیمی به سرپرستی مسعود حجازی در میان انبوه آتش پنج‌ضلعی اجرا شد. آنها با استفاده از چند کپسول هیدروژن در نقطه ورودی پنج‌ضلعی مستقر شدند و چند

پرونده ویژه

# عملیات و انفجرات





# عملیات والفجر ۸



## عملکرد پشتیبانی - مهندسی جنگ جهادسازندگی

احداث ۲۳۶/۷۲۶ احداث و راه‌اندازی احداث پل عظیم و مشهور بعثت و بیش از ۲۷ دهنه انواع پل لوله‌یی = دیگر، که به عنوان نمونه طول ۵ مورد از آن‌ها یک هزار و پانصد و نود و پنج متر بوده است. احداث بیش از ۳۰ کیلومتر «دژ» با ارتفاع متوسط ۴ متر؛ احداث بیش از ۳۱ کیلومتر کانال آب به عرض ۱۵ - ۳ متر؛ احداث بیش از ۲۸۴ سکوی استقرار انواع توپ‌های صحرایی؛ احداث ۹۱ سکوی استقرار تانک زرهی و پدافند ضد هوایی؛ ساخت و نصب ده‌ها دکل دیده بانی؛ احداث ۱۰۱۷۵ سنگر انفرادی، اجتماعی، مهمات، ماشین آلات سبک و سنگین، پیش ساخته و ... احداث چندین اورژانس صحرایی؛ احداث ده‌ها حمام، توالت صحرایی و بهداشتی؛ احداث جاده‌ی سایت موشکی جنوب فاو به طول ۸۰۰ متر؛ و انجام صدها مورد عملیات امداد رسانی، تدارکاتی و...



رمز عملیات  
یا زهرا(س)



ساعت عملیات  
۲۲:۰۰



مناطق آزاد شده:  
شهر بندری فاو؛



اسکله‌ی فاو و تاسیسات نفتی شمال و غرب شهر فاو، هم‌چنین اسکله‌های «قشله» و «راس البیشه»؛

کارخانه‌ی تصفیه و بسته‌بندی نمک (عراق)؛

پایگاه‌های نیروی دریایی دشمن و ۳ سکوی پرتاب موشک به سطح دریا.



تلفات دشمن:

کشته‌ها و زخمی‌ها: بیش از ۵۰ هزار نفر؛ اسیر: ۲ هزار نفر.



# جهاد

وزارت جهاد کشاورزی  
۱۳۸۲.۸۲  
دفتر انتشارات و ارتباطات ایستاد مهندسی جنگ

## بخشی از عملکرد پشتیبانی جنگ

### جهاد سازندگی در

## عملیات والفجره

### استاد گریلا

واحد آمار و برنامه ریزی



آمار فعالیت های مهندسی، حفظه میلیاتی و الفبریه  
پیشانی جنگ جهاد سازندگی استان تهران

اسم جاده	محل امر	مساحت ابراه	نوع جاده	نوع منطقه		محراب	مشغلات جاده			وضعیت	زمان اجراء
				مناطق مسطح	مناطق تپه		طول عرض	طول ارتفاع	تعمیرات		
محل سازی خضریک	محل اردوند		+	+		خیزش	۴۰۰	۱۰	۱۰	+	
چالغ سازی ختر دو	محل اردوند		+		+	خیزش	۳۰۰	۱۰	۱۰	+	
محل سازی خضر دو	محل اردوند و قان		+		+	خیزش	۳۰۰	۱۰	۱۰	+	
ماده امام قن زاده خضر دو	کنازه نهر بوسدین		+		+	خیزش	۳۰۰	۱۰	۱۰	+	

۲۵۰ = ۱۰۰

آمار شعبات و هیئت ها

ردیف	نام هیئت	تاریخ تاسیس	کلاس	وضعیت	محل	توضیحات
۱	کلاس اول	۹۴، ۱۱، ۲۰	ششم	X	مشهد انبیا	
۲	کلاس دوم	۹۴، ۱۱، ۲۲	"	X	ماتره عبودیه	
۳	کلاس سوم	۹۴، ۱۱، ۲۰	"	+	"	
۴	کلاس چهارم	"	"	+	"	
۵	کلاس پنجم	"	"	+	"	
۶	کلاس ششم	"	"	+	"	
۷	کلاس هفتم	"	"	+	"	
۸	کلاس هشتم	"	"	+	"	
۹	کلاس نهم	"	"	+	"	
۱۰	کلاس دهم	۹۴، ۱۱، ۲۱	"	+	"	
۱۱	کلاس یازدهم	"	"	+	مشهد انبیا	
۱۲	کلاس سیزدهم	"	"	+	ماتره عبودیه	
۱۳	کلاس چهاردهم	"	"	+	"	
۱۴	کلاس پانزدهم	"	"	+	"	
۱۵	کلاس شانزدهم	"	"	+	ماتره عبودیه	
۱۶	کلاس هجدهم	"	"	+	"	
۱۷	کلاس نوزدهم	"	"	+	"	
۱۸	کلاس بیستم	۹۴، ۱۱، ۲۲	"	+	مشهد انبیا	

این کلاس ها در روزهای مختلف برگزار می شود

جدول انواع راههای احداث شده توسط پشتیبانی جنگ جهاد

مشخصات	باتلاقی		سطح و ...		جمع		نام ستاد
	تعداد	طول m	تعداد	طول m	تعداد	طول m	
	-	-	۴	۵۵۰۰	۴	۵۵۰۰	جهاد اسفهان
	-	-	۲	۱۷۰۰۰	۲	۱۷۰۰۰	جهاد باختران
	-	-	۱	۴۰۰۰	۱	۴۰۰۰	جهاد بوشهر X
	-	-	۷	۵۵۰۰	۷	۵۵۰۰	جهاد تهران X
	۱	۷۰۰۰	۱۰	۱۸۹۵۰	۱۱	۲۵۹۵۰	جهاد خراسان
	۳	۱۱۵۰۰	۴	۱۰۷۰۰	۷	۲۲۲۰۰	جهاد خوزستان
	-	-	۱	۱۰۰۰۰	۱	۱۰۰۰۰	جهاد سمنان
	۱۸	۵۲۴۲۰	۶	۲۱۷۰۰	۲۴	۷۵۱۲۰	جهاد فارس
	-	-	۶	۱۲۵۰۰	۶	۱۲۵۰۰	جهاد کرمان
	۲	۱۴۵۰	۱	۵۰۰	۳	۱۹۵۰	جهاد کبکیلویه و بویر- احمدرگیلان
	-	-	۱۱	۴۷۰۰۰	۱۱	۴۷۰۰۰	جهاد مازندران
	-	-	۴	۱۱۵۵۰	۴	۱۱۵۵۰	جهاد نجف آباد
	۳	۲۷۰۰	-	-	۳	۲۷۰۰	ستاد مرکزی
	۲۷	۷۷۰۷۰	۵۷	۱۶۵۹۰۰	۸۴	۲۴۲۹۷۰	جمع کل

\* بدلیل نیاز عملیاتی اقدام به تعریض این جاده گردیده است  
 \* تعدادی از راههای ایزمیل به منظور آماده سازی منطقه احداث گردیده است  
 X اکثر راهها در منطقه سلمیه انجام شده



وزارت جهاد کشاورزی  
 ۱۳۸۲-۸۳  
 ذخیره سازی رایانه ای اسناد مهندسی جنگ  
 ۱-۲-۴-۱۵-۸

تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۴  
شماره ۹۹۰۹۰۹۰۹۰۹  
پیوست دو برگ

برادر گلپسی



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران - مرکز تهران ( واحد خبر )

با سلام و با آرزوی بهروزی نهایی برای تمامی کفر ستیزان لشکر اسلام  
بدینوسیله آمار فعالتهای ستاد پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی استان  
آذربایجان شرقی در طول عملیات والفجر هشت و نه در مسیر پشتیبانی جهات  
جنگ جهت هرگونه اقدام مقتضی تقدیم حضور میگردد

وزارت جهاد کشاورزی  
۱۳۸۲-۸۲  
دخیره سازی رایانه ای اسناد مهندسی جنگ  
۲-۵-۲۸۸

تبدیلات  
جهاد سازندگی استان آذربایجان شرقی

گیرندگان  
و من .... التوفیق و علیه التکلان

- الف : خبرگزاری جمهوری اسلامی - برادر کرامت جهت اطلاع
- ب : روزنامه های ۱- اطلاعات - برادر علم لو ۲- کیهان - برادر برق
- ۳- جمهوری اسلامی - برادر لطمی جهت اطلاع
- خ : دفتر مرکزی جهاد سازندگی تهران - واحد تبلیغات جهت اطلاع

**ثبت وقایع جنگ جهاد**

کد: ۹۹۱۲۲۳۰

تاریخ ورود: ۷۷/۶/۳۱

طبقه بندی:

موضوع:

۲۴۴

شماره  
تبدیلی

اقدام کننده : بخش ارتباطات - مذهب تعالی  
تهران - خیابان ۲۲ بهمن میدان جهاد (نصف راه گسارین) تلفن ۲ - ۴۷۰۶۱

بخش اول بررسی فعالیت‌های مهندسی رزمی جهادسازندگی در عملیات والفجر ۸

## با خضر از اروند گذشتیم



به مسئولین ستادهای پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی که مراجعه می‌کردیم تا با آنها به مصاحبه بشینیم به سختی راضی می‌شدند که چند کلمه‌ای سخن بگویند، و در برابر اصرار ما سر به زیر انداختند که ما چه کاره هستیم که مصاحبه کنیم؟ کار اصلی را شهیدان انجام دادند.

اغلب آنان تاکید داشتند که نامشان را در مجله ذکر نشود. هنگام گفتگو بیمناک از این که نتوانند حق رزمندگان و جهادگران و به‌خصوص شهیدان را ادا کنند، بارها این سخن را به میان می‌آوردند که ما از وصف کار لودرچی‌ها و بلدوزرچی‌ها و راننده‌های کمپرسی و فرماندهان عملیات مهندسی جهاد و سایر جهادگرانی که شاهد کارشان بودیم، عاجزیم. و هنگامی که از آنها خواسته می‌شود که درباره خودشان سخنی بگویند، رنگ از چهره می‌بازند و سر به زیر می‌افکنند که مگر ما چه کار کرده‌ایم؟ با تانی و وقار و با تواضع سخن می‌گفتند و با نام خدا و آیاتی از قرآن در فضیلت جهاد و شهادت شروع می‌کردند و آیات را با اطمینان قلب تلاوت می‌کردند. از امام با احترام و ارادت یاد می‌کردند، حق رهبری آن بزرگوار را عملاً با حضور در جبهه ادا کرده بودند در کلام هم از ادای این حق دریغ نمی‌ورزیدند.

### مقدمه

هر چند تصویر ایثارگری رزمندگان اسلام، از قلم بر نمی‌آید و صفحه کاغذ توانایی تحمل آن را ندارد، اما به بهانه آن، و به منظور بیاد ماندن این شهادت‌ها و این شهامت‌ها با مسئولین مهندسی رزمی ستادهای پشتیبانی جنگ جهاد، مستقر در منطقه عملیاتی والفجر ۸، مصاحبه‌ای داشتیم که در ذیل از نظر خوانندگان عزیز خواهد گذشت. وقتی که قرار شد برای تهیه گزارش عملیات والفجر ۸ عازم منطقه شویم این نگرانی وجود داشت که چگونه می‌توان با این چشمان کم سو، آن همه معنویت و ایثار را مشاهده نمود، و با این قلم‌های شکسته به توصیف میدان‌های عشق و عرفان نشست. و امروز که برای انجام مأموریت یادداشت‌های پراکنده‌ای فراهم شده است معلوم می‌شود نگرانی‌های آن روز بی‌مورد نبوده است، و اطمینان یافته‌ایم که با نوشته‌ها و عکس‌ها و صداها نمی‌توان حق مطلب را ادا نمود، و فقط شاید بتوان قطره‌ای از دریا بر گرفت. تمام واقعیت جبهه‌ها فقط در نامه‌های نورانی اعمال رزمندگان و جهادگران ثبت می‌شود، و این کار فقط از عهده کرام الکاتبین برمی‌آید تا فردای قیامت از درگاه لطف و عدل پروردگار اجر خویش را دریافت دارند.



تا حدی در سرنوشت جنگ موثر است که بدون آنها حتی تصویری از پیروزی نمی توان داشت. بعضی از این تغییرات عبارتند از: احداث خاکریز، سنگر سازی، راه سازی، پل سازی، کانال کشی و غیره این کارها بعضاً پرخطر و انجام آن در شرایط زمانی محدود و در مکان های حساسی باید صورت گیرد. مثلاً احداث خاکریز و سنگر در خط مقدم که جان پناه رزمندگان است باید، بلافاصله پس از عبور از گروه های خط شکن، و رودر روی دشمن انجام پذیرد. خاکریز را رانندگان ایثارگر لودر و بلدوزر در شرایطی می زنند که دشمن رو به روی آنهاست و به راحتی می تواند با تیر مستقیم آنها را هدف قرار دهد. و یا احداث جاده ارتباطی باید با سرعت و با رعایت جوانب استتار از دشمن و گاه زیر آتش دشمن صورت گیرد، نقشه راهها و پل های ارتباطی به حدی است که بعضی جنگها به لحاظ برتری طرفین از این جهت به جنگ جادهها نامیده شده اند.

برادر عندلیب قائم مقام فرماندهی مهندسی رزمی نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ضمن تشبیه فعالیت های مهندسی در شرایط آفندی و پدافندی به کلید و قفل، اضافه نمود: مهندسی در شرایط هجوم، کلید است که جبهه را به روی نیروهای خودی می گشاید و در شرایط دفاع چون قفل است که جبهه را به روی نیروهای دشمن می بندد. جنگ مهندسی، جنگی است با موانع و عوارض. جنگ مهندسی، با سلاح انجام نمی گیرد بلکه با ابزار آلات مهندسی صورت می گیرد. کار مهندسی و رزم از یکدیگر جدا نیستند و هم پای یکدیگر پیش رفته اند.

در هور جاده معروف سیدالشهدا (ع) روحیه رزمندگان را بالا برد. کار مهندسی فقط پشتیبانی نیست بلکه رزمی هم هست.

وی انواع فعالیت های مهندسی رزمی را به شرح زیر بر شمرد:

- ۱- عملیات خاکی: شامل خاکریز زدن، خاک برداری، کانال زنی، احداث سکو و جاده و سایر کارهایی که با جابه جای خاک مواجه هستیم.
- ۲- استحکامات: شامل قرارگاه های، سنگرها و بیمارستان ها و غیره
- ۳- پل سازی: شامل پل های شناور و ثابت.
- ۴- کارهای متفرقه مثل انتقال آب و غیره.

یکی از مسئولین مهندسی رزمی جهاد سازندگی مستقر در ستاد کربلا ضمن بیان اهمیتی که کانال شهید چمران در اطراف اهواز برای جلوگیری از پیشروی دشمن در اوایل جنگ داشته درباره خاکریزهای سرنوشت ساز ذوالفقار به اظهار داشت: «تقریباً خاکریز زدن از آن موقع شروع شد که نقش مهمی در سرنوشت ذوالفقار به داشت. ضمناً

هنگام مصاحبه با مسئول ستاد پشتیبانی جنگ جهاد مستقر در شهر آزاد شده فاو، آسمان جولانگاه هواپیماهای دشمن بعضی بود و زمین از انفجار مکرر بمبها و توپها می لرزید، اما او با صلابت و اطمینان سخن می گفت و سر و صداهایی که انسان را تهدید به مرگ می کردند در گفتار او تغییری ایجاد نمی کرد. وقتی وارد سنگر او شدیم فارغ از کارهای روزمره، فرصتی برای تلاوت آیات قرآن کریم یافته بود. در تاریکی سنگر، یک چراغ بادی کم نور او را کمک می کرد که آیات نورانی قرآن را تلاوت کند. انس و رفاقت او با قرآن محسوس بود و چون در حالات او دقیق می شدی احساس می کردی که لذت عبادت خدای متعال را چشیده است.

وقتی از او درباره شهیدان جهادگر عملیات والفجر ۸ می پرسیدی با تواضع تعدادی از آنها را نام می برد و از استقامت چند ساله آنها در جبهه ها و از شهیدانی که بارها زخمی شده اند و دوباره به منطقه برگشته اند تا به لقاءالله پیوستند یاد می کرد.

مسئول مهندسی رزمی جهاد فارس (شهید عبداللهی) وقتی از شهیدان همسنگرش در این عملیات یاد می کرد لحظه های همراهی اش با ایشان را شرح می داد و با دریغ از فقدان آن عزیزان می گفت:

شب عملیات بچه ها برای رفتن به خطوط مقدم حال و هوایی داشتند و بر یکدیگر سبقت می جستند، بعد از سخنرانی شهید خلیل پرویزی همه گریه کردند و برای رفتن در تیم اول عملیات مهندسی با هم رقابت می کردند، مسئولین به بچه ها می گفتند بروید قدر خودتان را بدانید چقدر خدا به شما لطف کرده است.

یکی از مسئولین جهاد بوشهر در فاو درباره ایثارگران در جبهه اظهار می داشت: «کسانی که در جبهه اند حتی وقتی مجروح می شوند دوست دارند دوباره به منطقه برگردند احساس می کنند همسنگران خود را تنها گذاشته اند.»

از موفقیت های رزمی مهندسی در سخت ترین شرایط جغرافیایی و نظامی که سخنی به میان آمد با خضوع اظهار می داشتند: اینها همه کارهای خداست این نوآوری ها و ابداعات را هم خدا در ذهن بچه ها قرار می دهد.

هنگام اذان با شوق زاید الوصفی مهبای نماز می شوند، و نماز و تعقیب و گوش دادن به وعظ و احکام را جزو کارهای اصلی خود می دانند، و مسئولین ستادهای جز اولین کسانی هستند که در صف های اول نماز جماعت حاضر می شوند.

بعضی از کسانی که امروز عهده دار امور مهمی در مهندسی رزمی جنگ هستند، از استان های محروم و روستاهای دور افتاده کشور و متعلق به اقشار مستضعفانند، که به برکت جنگ خویشتن را یافته اند و با شکوفا ساختن استعدادهای خویش به افراد رشیدی که نقش موثری در پیروزی ها دارند تبدیل گشته اند.

برای تهیه گزارش از عملیات والفجر ۸ مجموعه ای در نظر گرفته شد که پاسخ آنها از زبان مسئولین ستادهای پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی و مهندسی رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به صورت موضوعی از نظر خوانندگان عزیز می گذرد:

برای تسهیل عملیات رزمی، جلوگیری از نفوذ دشمن و تثبیت موقعیت نیروهای خودی معمولاً لازم است در شرایط طبیعی و جغرافیایی منطقه جنگی، تغییرات فیزیکی داده شود. این تغییرات



که توانسته نیروهای مردمی را در کارهای مهندسی جنگ جذب و سازماندهی نماید.

### جهدسازندگی در عملیات والفجر ۸

هر کس منطقه عملیاتی والفجر ۸ را ببیند اذغان می‌کند که پیروزی‌های رزمی مهندسی در این منطقه جز با مدد الهی میسر نبوده است: اولاً رزمندگان رودخانه‌ای را پشت سر گذاشتند که در بعضی موارد تا یک کیلومتر عرض دارد، و ثانیاً شرایط جغرافیایی منطقه از نظر داشتن نخلستان‌های انبوه و باتلاقی‌های پراکنده برای عملیات مهندسی و نقل و انتقال تدارکاتی مشکلاتی داشته است که می‌بایست تکنیک‌ها و تجهیزات خاصی مورد استفاده قرار گیرد. به گفته یکی از برادران برخلاف حملات دیگر دشمن در این عملیات هر شب یک پاتک داشت و هر پاتک به اندازه یک حمله مهم بوده است. هر یک از ستادهای پشتیبانی جنگ جهدسازندگی در این عملیات نقش ویژه‌ای داشته‌اند که گزارش بعضی از آنها از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد:

برادر بیگدلی از ستاد پشتیبانی خوزستان نقش این ستاد را در عملیات والفجر هشت چنین توصیف می‌نماید:

یکی از ویژگی‌های منطقه والفجر ۸ از نظر مهندسی رزمی این بود که معدن سنگ در آنجا وجود نداشت و این امر برای جاده‌سازی مشکل‌آفرین بود. قبل از عملیات جهد خوزستان ظرف بیست روز جاده‌ای ساخت که موقع عملیات تردد از آنجا انجام شود در روز اول عملیات به علت باتلاقی بودن حاشیه رودخانه، با استفاده از خاک‌های اطراف، جاده‌ای به طول ۱۵۰ متر احداث نمودیم تا حمل و نقل و تدارکات برادران رزمنده به سهولت انجام گیرد. و اگر این جاده در ساعات اولیه عملیات احداث نمی‌شد، برادران رزمنده پس از پیاده شدن از قایق تا کمر در گل و لای فرو می‌رفتند. روز هفتم و هشتم عملیات، شرایط منطقه به گونه‌ای بود که مانور دشمن را از پشت خاکریز خودش مشاهده نمی‌کردیم که برادران تقبل نمودند، حدود یک کیلومتر جلوتر از مواضع نیروهای خود، اقدام به احداث یک خاکریز مناسب نمایند، تا دید برادران رزمی باز شود و تحرکات دشمن بهتر قابل کنترل باشد به این ترتیب قرار شد جهد خوزستان از یک طرف خط مقدم، و جهد استان دیگری از طرف دیگر اقدام به احداث این خاکریز نمایند که تانک‌های دشمن در شرایطی بودند که حتی اگر سر را از خاکریز بلند می‌کردیم با تیر مستقیم دشمن روبرو

خاکریزهای سوسنگرد نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.»  
برادر محمد دوست از جهد بوشهر اضافه کرد که: مهندسی رزمی از ارکان و ستون‌های عملیات است و میزان موفقیت در عملیات گذشته بستگی به مهندسی رزمی داشته، و این مهم به تجربه به اثبات رسیده است که هر جا مهندسی رزمی خوبی داشتیم، پاتک‌های دشمن به مراتب ضعیف‌تر بوده است.

### مراحل تکوین مهندسی رزمی در جهدسازندگی

در آغاز جنگ تحمیلی جهد هنوز تجربه‌ای در مهندسی رزمی نداشت، اما امکاناتی را برای عمران روستاها فراهم نموده بود که اعضای مومن و ایثارگری که در این نهاد مشغول کار بودند، همه امکانات خود را در جهت یاری به رزمندگان اسلام قرار دادند. فعالیت‌های مهندسی رزمی جهد در جنگ از کارهای ساده شروع شد، هر یک از شهرستان‌ها به فراخور توان خود در جبهه، وظیفه‌ای قبول می‌کردند، و امروز به مدد الهی و با تکیه بر ایمان جهادگران فعالیت‌های پیچیده مهندسی رزمی به وسیله جهد سازندگی صورت می‌گیرد. در عملیات بدر و خیبر با بیش از ۱۵ کیلومتر فاصله آبی برای رزمندگان، سنگر و استحکامات ساخته شد و تدارکات آنها تأمین گردید و بلاخره پل‌های عظیمی مثل پل خیبر و جاده سیدالشهدا با طولی در حدود ۱۵ کیلومتر احداث شد. برادر محمد دوست در این باره اظهار می‌دارد:

«ما از نقطه صفر شروع کردیم و اکنون در مرحله‌ای قرار گرفتیم که دنیا مبهور شده است مهندسی عملیات خیبر و بدر در جزیره مجنون والفجر ۸ در فاو برای دنیا باور کردنی نیست. جهد مردم را وارد صحنه مهندسی رزمی کرده و تجربیات شش ساله‌ای را که به آنان داده، شرایطی به وجود آورده است که مردم می‌توانند از نظر مهندسی رزمی در جبهه حضور موثر داشته باشند.»

جهد با فعالیت‌های راه‌سازی در مناطق صعب‌العبور، سنگر‌سازی، پل‌سازی روی رودخانه‌های بزرگ، کارهای اساسی در جبهه را انجام داده است. رزمندگان ایثارگر در خطوط مقدم در پناه سنگرهایی که جهد سازندگی برای آنها می‌سازد تثبیت می‌شوند.

یکی از برادران مسئول در ستاد کربلا مستقر در فاو سیر تکوین فعالیت‌های مهندسی رزمی در جبهه را چنین بیان می‌کند: در اوایل جنگ بیشتر فعالیت‌های مهندسی رزمی در عملیات پدافندی خلاصه می‌گشت و بعد از آن کارهای اصولی و آمادگی برای عملیات بوده است، جاده عملیاتی طریق القدس از جاده‌های حیاتی بود که مخفیانه و با تلاش شبانه‌روزی بچه‌ها آماده شد. در عملیات فتح‌المبین، جاده زلیجان و سایر جاده‌ها اهمیت زیادی داشتند. بعضی از این جاده‌ها، رزمندگان را به عقبه دشمن رساند که توانستیم دشمن را در محاصره خود قرار دهیم. جهد در حال حاضر گاهی با خاکریز، کار رزمی می‌کند یعنی با زدن خاکریز منطقه را آزاد می‌کند، به عنوان مثال در عملیات والفجر ۸ در سه طرف لشکر گارد ریاست جمهوری خاکریز زد و آنها را در محاصره رزمندگان اسلام قرارداد.

برادر شهید عبداللهی در این باره می‌فرماید: «با شروع جنگ از آنجا که جهد در روستاها کار مهندسی داشت وارد مهندسی رزمی جنگ شد، و در عملیات ثامن‌الائمه مهمترین ماموریت مهندسی به جهد داده شد.» در حال حاضر از موقعیت‌های جهد در جبهه این است



اضافه کردن به سوخت لودر و بلدوزر بود که برای شرایط طولانی در عملیات خیلی موثر است. همچنین باتلاق رو کردن یکی از بلدوزرها یکی دیگر از کارهای ابتکاری به شمار می‌رفت. مهمترین وظیفه جهاد فارس زدن خاکریز در آن سوی اروند بود که با دادن دو زخمی و یک شهید وظیفه خود را انجام داد.»

برادر ابراهیمی درباره فعالیت‌های جهاد کرمان اظهار داشت: «جهاد کرمان قبل از عملیات جاده‌ای به طول ۱۰ کیلومتر را در این طرف اروندرود احداث نمود. همچنین جاده‌های تدارکاتی متعدد که نزدیک به ۲۰ کیلومتر می‌شود و بعد از عملیات سنگرهای زیادی در آن طرف آب احداث نمود. در حین عملیات برای تسهیل در نقل و انتقالات آبی در کناره اروند اسکله احداث نمود بعد از عملیات نیز پشتیبانی واحدهای رزمی و به‌کارگیری دستگاه‌های غنیمتی دشمن را به عهده داشت که حدود ۱۰ دستگاه لدر و بلدوزر و اسکرپور و چندین دستگاه کامیون قیمتی را به کار گرفته است.

از کارهای دیگر جهاد کرمان احداث ۴ کیلومتر خاکریز در منطقه فاو- بصره که برای تثبیت مواضع آزاد شده صورت گرفت ۸ کیلومتر جاده ارتباطی و تدارکاتی در فاو نقل و انتقالات تجهیزات و مهمات و احداث اسکله سنگین و مواضع توپخانه در منطقه بوده است.»

برادر عموزاده نیز فعالیت‌های جهاد سمنان را چنین توصیف کرد: «قبل از شروع عملیات جهاد سمنان آماده‌سازی عملیات والفجر ۸ را در قسمتی از منطقه به عهده داشت همچنین در حین عملیات از جمله وظایف مهندسی رزمی جهاد سمنان احداث دو سد خاکی بر روی رودخانه بهمین شیر بود پس از آن در منطقه عملیاتی والفجر ۸ خاکریزهای مورد نیاز در خط مقدم احداث شده در حدود ۳ کیلومتر از جاده‌های عملیاتی را دوجداره کردیم که رزمندگان از دیدتوپ و گلوله دشمن در امان بمانند. و حدود یک کیلومتر جاده در مناطق عملیاتی احداث نمودیم.»

یکی از مسئولین ستاد کربلا- پشتیبانی جنگ جهاد مستقر در فاو ضمن اشاره به مجموعاً ۱۵۰ کیلومتر راه‌سازی درجه یک و ۱۰۰ کیلومتر راه‌سازی درجه دو به وسیله جهاد سازندگی در عملیات والفجر ۸ به نقش موثر راننده‌های کمپرسی مردمی اشاره کرد که جان و مال خود را در اختیار جبهه قرار می‌دهند وی ضمن تقدیر از زحمات این قشر زحمتکش در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل برای ایشان از درگاه ایزد متعال طلب توفیق نموده.

**منبع: نشریه جهاد، اردیبهشت ۱۳۶۵**

بودیم. منوره‌های دشمن تا صبح روشن بود و حتی یک لحظه آتش دشمن خاموش نمی‌شد. تانک‌ها از فاصله ۲۰۰ الی ۳۰۰ متری شلیک می‌کردند و برادران راننده لودر و بلدوزر در آن شب موفق به ایجاد خاکریزی شدند که علاوه بر تثبیت مواضع آزاد شده امکان محاصره شدن دشمن را فراهم نمودند. در مجموع ۱۰ کیلومتر خاکریز زدیم و اقدام به دوجداره کردن ۷ کیلومتر از جاده نمودیم.

یکی از برادران ماموریت ستاد بوشهر را به این شرح بیان نمود:

ما در منطقه‌ای که محل ماموریت ستاد بوشهر بود مواضع توپخانه را می‌ساختیم و همچنین جاده‌هایی در مناطق دیگر احداث می‌کردیم که مستقیماً ارتباطی با عملیات نداشت ولی به طور غیرمستقیم اهداف عملیات را تحقق می‌بخشید. جهاد بوشهر سه ماه قبل از عملیات وارد کار شده و تاکنون چندین سکوی موشکی، سنگرهای نفرت و جاده‌ای به طول ۶۰ تا ۷۰ کیلومتر ساخته است در والفجر ۸ به علت باتلاق بودن منطقه، مهندسی رزمی نقش مهمی در تثبیت مواضع نیروها داشته است. یکی از کارهای مهم جهاد در والفجر ۸ نقل و انتقالات بوده است، اما بیشتر فعالیت‌های جهاد به خطوط مقدم مربوط می‌شود که تیم‌های آبی خاکی راه‌سازی و کانال‌کشی است. ابتکار جدید در این عملیات فرش کردن باتلاق‌ها است که نقش موثری در انجام کارها در مناطق باتلاقی داشته است.

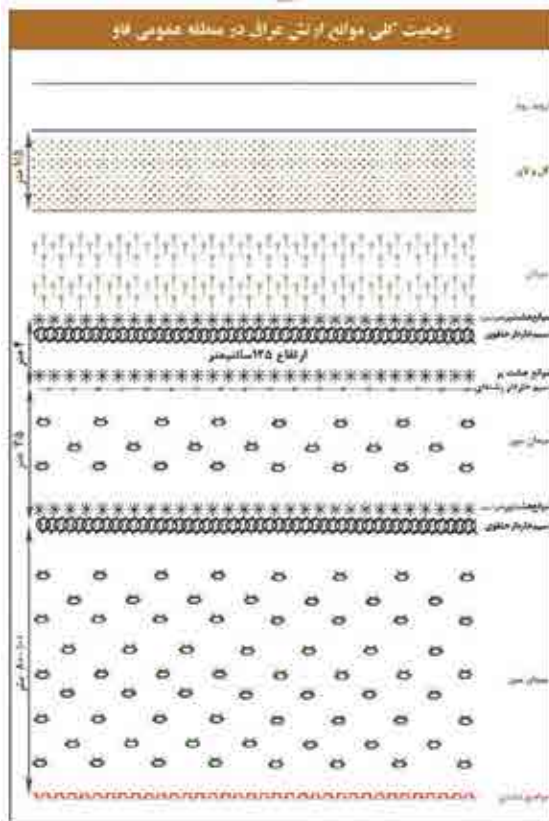
برادر حاج عباس فتحی از جهاد گیلان ضمن اشاره به باتلاقی بودن منطقه، داشتن رودخانه، معمولی نبودن خشکی‌ها و ضرورت حفر کانال در باتلاقی‌ها، درباره فعالیت‌های ستاد استان گیلان در عملیات والفجر ۸ اضافه نمود: «جهاد گیلان با استفاده از تجربیاتی که در تالاب انزلی داشت کار کانال‌کشی در مناطق باتلاقی را به عهده گرفت. قبل از عملیات تعداد زیادی قایقران جذب شدند که جهت حمل نیروها آمده بودند. در حال حاضر آموزش شنا و قایقرانی و سرویس و نگهداری قایق موتوری در جهاد گیلان راه افتاده که نیروهای مردمی و جهادی را آموزش می‌دهد و برای جبهه‌ها آماده می‌سازد. جهاد گیلان در این عملیات نیز شهیدانی تقدیم کرده است.»

برادر شهید عبداللهی از جهاد فارس نقش این ستاد را در عملیات والفجر ۸ چنین توصیف کرد: شبی که عملیات شد و بچه‌ها از اروند عبور کردند جهاد فارس خاکریز مهمی را با همکاری مهندسی سپاه بر روی پایگاه موشکی عراق زد، همچنین جاده‌ای به طول ۱۲ کیلومتر و عرض ۲۰ متر و ارتفاع نیم متر، و جاده‌های دیگری را احداث نمود، خاکریزی در باتلاق‌ها زدیم که به نوبه خود یک ابتکار بود. ابتکار دیگر

## قبل از معرکه

عملیات والفجر ۸ بزرگترین عملیات سال ۶۴ و از عملیات‌های سرنوشت‌ساز دوران دفاع مقدس محسوب می‌شود. این عملیات که بعد از عملیات‌های بدر و خیبر با شک و شبهه بسیار طراحی و به اجرا گذاشته شد در ابتدا با نام «فدک» شروع به طراحی شد ولی بعدها در حین آماده‌سازی و اجرای عملیات به نام «عملیات والفجر ۸» تغییر نام داد. عبور از رودخانه وحشی «اروند رود» با اندکی اطلاعات از وضعیت این رودخانه و عرض آن نشان دیگری از ابهت این عملیات عظیم است که به گونه‌ای که بعد از عملیات، اسنادی که به دست نیروهای ایرانی افتاد؛ عراقی‌ها نام این عملیات را «معرکه کمرشکن» گذاشته بودند.

آنچه مسلم است ارائه گزارشی کامل از نقش پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد در این عملیات سرنوشت‌ساز نیاز به بررسی‌های بسیار دارد که با همت اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی و کانون سنگسازان بی‌سنگر این کار در حال انجام است؛ اما در اینجا به بخش کوچکی از این فعالیت‌ها که بیشتر معطوف به قبل از برگزاری عملیات است اشاره مختصری شده است.



موردنیاز، تهیه تجهیزات) هم آماده نشده است. پیشنهاد ما این است: ما با این توانی که داریم استمرار عملیات را داشته باشیم. با استفاده از ۲۰ گردان، ۳۰ گردان حتی منطقه‌ای غیر از جنوب تا ۱۰۰ گردان، بالاخره با توجه به توان، عملیات‌ها را ادامه دهیم تا یک سال. در این مدت یک توان مناسب با اهداف بصره - جاده فاو کسب کنیم. این موضوع را باید مسئولین قبول کنند. عملیات محدود را به عنوان یک وسیله برای رسیدن به هدف می‌دانیم؛ اگر مسئولین قبول نکنند و پشتیبانی نکنند هیچ پیشرفتی حاصل نمی‌شود.»

دیگر فرماندهان نیز نظراتی کمابیش شبیه سردار صفوی را مطرح

### به شرط مهندسی رزمی

چنانچه ذکر شد؛ بعد از عملیات‌های بدر و خیبر که در آن نتایج طراحی شده حاصل نشده بود، عده زیادی از فرماندهان نظامی اعتقاد داشتند که انجام عملیات گسترده امکان‌پذیر نیست. به عنوان مثال، در جلسه‌ای که در تاریخ ۲۱ آبان ماه ۶۴ با حضور فرماندهان ارشد نظامی سپاه پاسداران تشکیل می‌شود، سردار رحیم صفوی فرمانده وقت سپاه جنوب می‌گوید: «صحبتی که عرض می‌کنم جدید نیست، مطالبی است که در عملیات خیبر، در عملیات بدر و بعد از عملیات بدر گفته شد، ولی الان می‌بینیم که همه آن مطالب فراموش شده و ما داریم باز در یک دوری از مصائب گذشته می‌افتیم. ما براساس اعتقاد مکتبی، براساس عقل و براساس حرف امام می‌جنگیم، این اعتقاد قلبی ماست. ما معتقد هستیم در این جنگ یقیناً نصرت و امدادهای الهی وجود دارد.

صحبتی که از قبل شده و نظر خود فرماندهی نیز هست این است که ما متناسب با توانمان هدفی را انتخاب و جنگ را ادامه دهیم. به این نتیجه رسیدیم که توانمان کم است، اگر ما به توان خودمان توجه نکنیم و بدون حساب روی این توان کار کنیم، ضررهای زیادی می‌بریم، از تأثیرات مخرب در بین مردم، تا مسئله‌دار شدن نیروهای بسیجی و...

در هر ناموفقیتی خط صلح نکبت‌بار تقویت می‌شود. هر عملیات ناموفقی دشمن را تقویت و امیدوار می‌کند. در این باره دو فکر وجود دارد: ۱. استمرار و استراتژی ادامه جنگ متناسب با توان. ۲. گرفتن یک هدف، سپس مذاکرات صلح.

نتایجی که گرفتیم: در منطقه جنوب، هرگونه عملیات گسترده‌ای خارج از توان، به شکست قطعی ما منجر خواهد شد، چون: غافلگیری نمی‌تواند رعایت شود.

با توان فعلی ما حداکثر ۵ الی ۶ روز می‌توانیم با دشمن بجنگیم؛ ولی دشمن تا یک ماه هم می‌تواند ما با وسعت زیاد بجنگد. توان ما از نظر نیرو و امکانات نسبت به دشمن ضعیف است.»

رحیم صفوی در ادامه با اشاره به اینکه دشمن هشیار شده و در منطقه انتخاب شده برای عملیات، متناسب با حرکات ما حرکت می‌کند و نیز با توجه به تردیدی که در فرماندهان یگان‌ها وجود دارد، افزود:

شرایط (غافلگیری، تک پشتیبانی در جزیره مینو، تهیه نیروهای





اول به خصوص در ام‌الرصاص و شهر فاو، ایجاد موانع ضد هلیکوپتر (هلی برن) و هاورکرافت در رأس البیشه تا شهر فاو و گسترش آنها در حاشیه خور عبدالله.

- چندین مورد بمباران منطقه بهمن شیر، قفص، چوئیده.  
- اجرای آتش توپخانه در نقاطی خاص مانند نهر قاسمیه و خسروآباد و قصر و اجرای آتش روی آتشبار توپخانه خودی و دکل‌های دید بانی. در مجموع دشمن بعضی احتمال اجرای یک تک محدود در منطقه ام‌الرصاص و عملیات وسیع در منطقه خسروآباد به سمت رأس البیشه را می‌دهد.

#### ارائه گزارش مهندسی رزمی قبل از عملیات

قبل از اجرای عملیات فدک (فاو) در چندین جلسه مسئولین پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد و مهندسی رزمی با حضور در جلسات فرماندهان نظامی به ارائه گزارشات مبسوط می‌پردازند که هر بار این گزارش‌ها موجب دلگرمی بیشتر فرماندهان می‌گردد. در ذیل به عنوان نمونه ۲ گزارش از این جلسات منعکس می‌گردد.

(۱)

در جلسه‌ای که در مورخه ۱۷ دی ماه ۱۳۶۴ به منظور بررسی اقدامات انجام شده در زمینه انجام عملیات والفجر هشت برگزار شد، آقایان محسن رضایی، سیدرحیم صفوی، حسین علائی، عباس محتاج، احمد غلامپور، محمدابراهیم سنجقی، سیدمهدی مبلغ، ابراهیم حاج محمدزاده، علی فدوی (مسئول اطلاعات قرارگاه نوح)، غلامرضا محرابی (مسئول اطلاعات قرارگاه کربلا)، احمد سوداگر، احمد سیاف زاده (مسئول طرح و عملیات قرارگاه کربلا)، مصطفی ربیعی (مسئول واحد مخابرات نیروی زمینی)، سیدمحمدتقی رضوی (جانشین فرمانده قرارگاه مهندسی خاتم الانبیا(ص))، حمید سلیمی (فرمانده قرارگاه مهندسی صراط)، محمدرضا عطار (فرمانده قرارگاه مهندسی سپاه جنوب)، مجید ورزهمری (مهندسی جهاد)، محسن تقوی (مسئول حفاظت)، محمد اثری نژاد و محمد درودیان (راوی

می‌کنند. بعد از مدت‌ها بحث و تبادل نظر، فرماندهان انجام عملیات گسترده را مشروط به شرایطی می‌کنند که انجام «فعالیت‌های مهندسی رزمی» یکی از اصلی‌ترین این شرایط محسوب می‌گردد.

#### مهندسی عراق در منطقه قبل از عملیات

نیروهای عراقی با توجه به اهمیت منطقه فاو و بصره، قبل از انجام عملیات والفجر ۸ دست به اقدامات مهندسی متنوع و بسیاری زدند که گزارش آن نیاز به توضیح بسیار زیادی دارد. به عنوان نمونه گزارشی از اقدامات مهندسی دشمن که توسط واحد اطلاعات عملیات ارائه شده به شرح زیر است:

دشمن در منطقه اروندرود فعالیت‌های بسیاری داشته است که نشان‌دهنده حساسیت‌های او نسبت به کلیت این منطقه می‌باشد که جمع‌بندی آنها به شرح ذیل بوده است:

- یکی از دلایل حساسیت دشمن در منطقه ارزش هدف شامل فاو و ارتباط مستقیم منطقه با جنگ خلیج و نقش نیروهای ما از اروندرود و در درجه بعد بکربودن منطقه و اینکه بسیاری از نکات لازم پدافندی در استراتژی دشمن انجام نگرفته و پابستی انجام می‌پذیرفت.

- فعالیت شدید مهندسی که عمدتاً در تحکیم پدافند و عمق بخشیدن به آن بوده است. از حدود اوایل شهریورماه تا نیمه آبان ماه به مدت دو ماه و نیم فعالیت به استعداد حدود ۴۰۰ تا ۵۰۰ دستگاه کمپرسی و وسایل مهندسی انجام می‌شده و از آن تاریخ تاکنون فعالیت‌ها به نصف تقلیل یافته است.

- تقویت منطقه به استعداد یک گردان تانک در طول فعالیت‌های مهندسی که با بارش اولین باران در نیمه آبان ماه از منطقه خارج شدند به نحوی که درحال حاضر جمعاً حدود ۲۰ دستگاه تانک در منطقه رأس البیشه تا چهارچراغ دیده شده است.

- هشجاری مداوم از طریق نصب دکل‌های دید بانی جدید و اعلام آماده باش به وسایل الکترونیک در حاشیه اروند و عکس‌برداری هوایی در طول منطقه.

- ایجاد موانع و استحکامات بتونی در جلو خطوط

»

سیدمحمدتقی رضوی در پاسخ به سؤال رحیم صفوی که پرسید واحدهای جهاد چه زمانی مستقر می‌شوند، مشکل نقل و انتقال تجهیزات و کمبود مجوز ورود تجهیزات سنگین به منطقه را مطرح کرد و درمورد احتمال هشجاری دشمن با توجه به تعداد فراوان تردها، هشدار داد. وی گفت که بیش از ۱۰۰۰ دستگاه مهندسی (۷۰۰ کمپرسی و بیش از ۳۰۰ لودر و بلدوزر) در عقبه خودی در شرق اروند مشغول کار است.

»



مأموریت‌های مهندسی را دلیل آن اعلام کرد. شهید رضوی برای نمونه، مواضع توپ‌ها را مثال زد که برای این منظور جاده‌ای ۵۰ کیلومتری به عرض ۲۰ متر و ارتفاع یک متر احداث شده که فقط کار شن‌ریزی روی آن باقی مانده است و نیز خاکریزهای کنار جاده که باید ۴ متر ارتفاع داشته باشد. وی از جمله مأموریت‌های جدید را احداث ۷ آسپزخانه ذکر کرد که برای هر یک باید محدوده‌ای ۹۰ در ۹۰ متر و ارتفاع یک متر ساخته شود و نیز از مهندسی خواسته شده که در محور هر لشکر ۴ سکوی تانک با ۱۰ متر ارتفاع احداث شود که برای احداث هر سکو ۱۰۰۰ کمپرسی خاک لازم است. همچنین در هر محور باید ۳ سکوی سلاح دفاع هوایی احداث شود که اگر سلاح را با جرثقیل روی سکو بگذارند و نیاز به راه برای بالا بردن آن نباشد، برای احداث هر سکو ۴۰۰ کمپرسی خاک لازم است. آقای رضوی افزود که حدود ۱۵۰ کمپرسی در روز کار دیوی شن را انجام می‌دهند.

سیدمحمدتقی رضوی درباره طرح‌ریزی عبور تجهیزات سنگین از اروندرود گفت که آقای عطار (فرمانده قرارگاه مهندسی رزمی سپاه جنوب) مسئول این کار شده است. عمده امکانات موجود هم برای عبور، سطوح‌های پی‌ام‌پی و شناورهای طارک است. برای هر یگان نیز دو روز آموزش ساحل‌سازی با تراورس، استفاده از سطوح‌ها و فرش باتلاق گذاشته شده است. وی گفت اگر فرش باتلاق - که به گفته محسن رفیق دوست، قرارداد ساختش شب گذشته با بنیاد مستضعفان بسته شده - آماده شود، بخش عمده‌ای از مشکل عبور تجهیزات را حل می‌کند. چون مسئله اصلی برای عبور ساحل‌سازی است، دستگاه‌های مهندسی و تجهیزات سنگین را می‌توان تا ساحل غربی (ساحل دشمن) انتقال داد ولی برای پیاده کردن آنها در غرب اروند باید ساحل‌سازی شود یا فرش باتلاق گذاشته شود تا تجهیزات سنگین روی آن پیاده شود و در بخشی که ساحل باتلاقی است با عبور از روی فرش باتلاق به منطقه خشکی یا قابل عبور برسد.

در مورد سطوح‌های پی‌ام‌پی و نیز جی‌اس.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ) حضور داشتند که ارائه گزارش عملکردی از فعالیت‌های مهندسی توسط سردار جهادگر شهید سیدمحمدتقی رضوی یکی از بخش‌های اصلی این جلسه را تشکیل داد.

سیدمحمدتقی رضوی در آغاز با تقسیم کارهای مهندسی به سه بخش عقبه و قبل از عملیات، عبور و پدافند، درباره فعالیت‌های انجام شده در هر مورد گزارش داد.

وی گفت که فعالیت‌های مهندسی در محدوده جاده آسفالت خسروآباد - اروندکنار تا اروندرود را میان مهندسی جهاد و مهندسی یگان‌ها تقسیم کرده‌ایم. از جاده آسفالت تا جاده ارتباطی یگان‌ها به عهده مهندسی جهاد سازندگی گذاشته شده و از جاده ارتباطی تا اروندرود را به مهندسی یگان‌ها واگذار کرده‌ایم. به هر واحد مهندسی جهاد محدوده مشخصی داده شده است که از امروز و فردا مشغول کار می‌شوند. وی افزود که جاده ارتباطی غیر از ۲۰۰ تا ۳۰۰ متر حداقل یگان‌ها، در همه محورها وصل شده که در وضعیت خاکریزی است، اما شن‌ریزی نشده است. در هر محور هم دو جاده پیش‌بینی شده، غیر از جاده اتوبانی که قرارگاه کربلا خواسته است. ما عرض مفید این جاده را ۱۲ متر پیش‌بینی کرده بودیم که برادران خواسته‌اند جاده دوطرفه

شود و نه‌ری از وسط آن بگذرد که به دلیل وجود نخل‌ها و ردیف نبودن نخل‌ها، این کار دشوار و مستلزم قطع نخل‌های زیادی است که آن هم استتار منطقه را مخدوش می‌کند. سیدمحمدتقی رضوی در پاسخ به سؤال رحیم صفوی که پرسید واحدهای جهاد چه زمانی مستقر می‌شوند، مشکل نقل و انتقال تجهیزات و کمبود مجوز ورود تجهیزات سنگین به منطقه را مطرح کرد و در مورد احتمال هشیاری دشمن باتوجه به تعداد فراوان تردها، هشدار داد. وی گفت که بیش از ۱۰۰۰ دستگاه مهندسی (۷۰۰ کمپرسی و بیش از ۳۰۰ لودر و بلدوزر) در عقبه خودی در شرق اروند مشغول کار است. وی همچنین در جواب اعتراض محسن رضایی به انجام نشدن کارها در موعد مقرر، کارهای گسترده و پر حجم مهندسی و افزایش پی در پی

**سیدمحمدتقی رضوی به فعالیت‌های گسترده مهندسی در مناطق دیگر - که علاوه بر استفاده عملیاتی، مهم‌ترین هدف کنونی آن فریب دشمن است - اشاره کرد و گفت: «الان حجم کار ما در هور دو یا سه برابر اینجاست (شرق اروند). نمونه‌اش وزارت کشاورزی است که با ۱۵۰ لودر و بلدوزر در منطقه هور روی سیل بند کار می‌کند همچنین ۷۰۰ تا ۸۰۰ دستگاه کمپرسی در منطقه هور فعال است.»**

درباره مأموریت مهندسی در منطقه غرب اروند - که قرار است در عملیات تصرف بشود - سردار رحیم صفوی به سیدمحمدتقی رضوی گفت که شما کارها را از هم جدا کنید، یک مجموعه‌ای را فقط برای ترابری و پل مشخص کنید و مجموعه‌ای دیگر را برای آن طرف (منطقه فاو)، یعنی احداث خاکریزهای دفاعی. هر یک از این مجموعه‌ها هم فکر و فعالیتش درمورد مأموریت خودش متمرکز شود. سیدمحمدتقی رضوی پاسخ داد که آقای عطار برای عبور مشخص شده است. برای احداث خاکریز در منطقه فاو، چون برای ما هنوز توانایی ثابت واحدهای مهندسی و جهادها مشخص نشده، ما طرحی کلی به آنها داده‌ایم: هر گردان مهندسی یک تیم عملیاتی خاکی و هر جهاد سه تیم که در مجموع بیست تیم می‌شود که هر تیم سه لودر و سه بلدوزر در اختیار دارد. برای انجام کارها مسئول تیم را به فرمانده لشکر معرفی می‌کنیم که کارهای لازم را انجام دهد. وی افزود که اگر بتوانیم دستگاه‌ها را از اروند عبور بدهیم، مشکلی برای احداث خاکریز پیش نمی‌آید. (۱)

در پایان این جلسه، فرمانده کل سپاه بر برنامه سه هفته‌ای کار و فعالیت بی‌وقفه و فشرده - که یک هفته آن سپری شده است - جهت آماده شدن برای اجرای عملیات تأکید و از کم‌توجهی برخی فرماندهان به آن انتقاد کرد و گفت: «ما سه هفته کار پشت سرهم تعیین کرده بودیم: هفته اول را گفتیم برای عقبه‌ها و آماده‌سازی‌ها و بحث درباره شکستن خط؛ هفته دوم پایان کلیه بحث‌ها در لشکرها و قرارگاه‌ها و خروج جنگ از بن بست سازمان و تشکیلات و هفته سوم را هم گفتیم که تمرینات و مانورها باشد.» وی با اشاره به اینکه برخی فرماندهان هنوز فرمانده گردان‌هایشان را توجیه نکرده‌اند یا توجیه کلی کرده‌اند در حالی که قرار بود مأموریت هر گردان مشخص شود و فرمانده گردان روی آن کار و بحث کند، چنین تأکید کرد: «در سه روز آینده، یعنی حداکثر تا بیستم دی باید کلیه بحث‌ها در قرارگاه‌ها و لشکرها تمام شده باشد و دیگر هیچ تغییری در آن داده نشود. هفته بعد تا بیست و هفتم هم انجام کلیه تمرینات و مانورها در سطح قرارگاه‌ها و لشکرهاست. ... زمان‌بندی کارها را جزء به جزء نوشته‌ایم سریع به یگان‌ها بدهید در ده روز آینده کلیه برنامه‌های خودشان را آماده کنند. روز چهارم بهمین هم روز اعلام آمادگی است.» (۱)

(۲)

گزارش اقدامات مهندسی انجام شده برای آماده‌سازی زمینه اجرای عملیات در منطقه فاو، اقدامات مهندسی در حال اجرا و طرح‌های مهندسی برای عبور از اروندرود و طرح‌های مهندسی برای دفاع از منطقه‌ای که تصرف خواهد شد، بخش دیگری از بحث‌های جلسه امروز ستاد قرارگاه خاتم الانبیا(ص) بود.

سیدمحمدتقی رضوی جانشین فرمانده قرارگاه مهندسی خاتم الانبیا(ص) در آغاز این بخش از جلسه با تقسیم‌بندی اقدامات مهندسی عملیات به سه قسمت آماده‌سازی عقبه (قبل از عملیات)، مهندسی عبور و مهندسی پدافند، به توضیح هر قسمت پرداخت: کارهای عقبه از هفت ماه پیش شروع شده است؛ مهم‌ترین آن جاده‌های ارتباطی است که به صورت کمربندی شهرهای آبادان و خرمشهر را دور می‌زند:

۱. جاده‌ای که از دارخوین به جاده آبادان - قفاص وصل می‌شود.
۲. جاده شهید شرکت که از جاده اهواز - خرمشهر منشعب شده، از دارخوین عبور می‌کند و به جاده آبادان - اهواز وصل می‌شود.
۳. جاده‌ای که در ۷ کیلومتری خرمشهر از جاده اهواز - خرمشهر



پی نیز که قرار است ارتش برای اجرای این عملیات به سپاه بدهد، تأکید شد که نیروهای متخصص نصب و استفاده از این سطوح‌ها نیز باید همراه آن به سپاه مأمور شوند. رحیم صفوی نیز تأکید کرد این تجهیزات باید به یگان‌هایی واگذار شود که توانایی به کارگیری آن را داشته باشند. در ادامه بحث عبور همچنین درمورد پل‌های دوبه‌ای، چگونگی انتقال آن به منطقه و نصب آن و نیز بررسی امکان استفاده از پل خیبری مطرح گردید که گفته شد در حال آزمایش است. همچنین گفته شد که ۲ سایت موشکی در منطقه به همت مهندسی جهاد و نیز یک سایت به همت وزارت مسکن در حال احداث است و وزارت راه نیز در حال احداث پلی در جزیره است که علاوه بر استفاده از آن در موقعیت مناسب، فریب دشمن را نیز در پی دارد.

سیدمحمدتقی رضوی به فعالیت‌های گسترده مهندسی در مناطق دیگر - که علاوه بر استفاده عملیاتی، مهم‌ترین هدف کنونی آن فریب دشمن است - اشاره کرد و گفت: «الان حجم کار ما در هور دو یا سه برابر اینجاست (شرق اروند). نمونه‌اش وزارت کشاورزی است که با ۱۵۰ لودر و بلدوزر در منطقه هور روی سیل بند کار می‌کند همچنین ۷۰۰ تا ۸۰۰ دستگاه کمپرسی در منطقه هور فعال است. وی باتوجه به افزایش مأموریت‌های مهندسی بر لزوم افزایش امکانات نیز تأکید کرد و گفت از هزار دستگاه کمپرسی که اخیراً قرار بوده دولت به منطقه اعزام کند، تا الان حدود ۴۰۰ دستگاه آمده است. وی از جمله دلایل کمبود تجهیزات مهندسی را کمبود امکانات در کشور اعلام کرد و گفت از سال ۶۲، ۶۳ تاکنون لودر و بلدوزر وارد کشور نشده، آنها هم که بوده به مرور مستهلک شده، ترکش خورده یا منهدم شده است. محمدتقی رضوی گفت به شرط افزایش نیافتن مأموریت‌ها و نیز نیامدن باران، کارهای در دست اقدام تا یک ماه دیگر پایان می‌یابد.

(مهندسی جهاد سازندگی) در این باره گفت که تاکنون ۳ سری آن‌ها حمل شده و این‌شاءالله تا حدود ۱۵۰۰ متر تأمین می‌شود. آقای فروزنده نیز گفت ۳۰۰۰ متر پل دویه‌ای لازم داریم، اما با وجود حمایت‌هایی که دولت کرده نتوانسته‌ایم بیش از ۱۵۰۰ متر جمع‌آوری کنیم و بیش از این نیست. آقای فروزنده افزود که برادران برای ساخت دویه بسیج شده‌اند اما زمان آماده شدن آن مشخص نیست. در این مورد پیشنهاد خرید دویه از کشورهای منطقه داده شد که آقای هاشمی به آقای فیروزآبادی گفت در صورت امکان از کشورهای منطقه خریداری شود. «عبور تجهیزات مهندسی از اروندرود» موضوع دوم گزارش جانشین فرمانده قرارگاه مهندسی خاتم الانبیا(ص) بود. سیدمحمدتقی رضوی گفت: برای اجرای عملیات خاکی (احداث خاکریز، ترمیم خاکریزهای موجود و...) در آن سوی اروندرود ۳۵ تیم پیش‌بینی شده که هر تیم شامل ۳ لودر و ۳ بلدوزر است، یعنی باید ۲۱۰ دستگاه از اروندرود عبور دهیم. وقتی آقای هاشمی از این آمار تعجب کرد، آقای رضوی توضیح داد که در مرحله اول عملیات احداث ۲۵ کیلومتر خاکریز پیش‌بینی شده است. برای احداث این ۲۵ کیلومتر، باید حداقل ۲۵ تیم ۶ دستگاهی ببریم؛ چون هر ۶ دستگاه در یک شب در مدت شش ساعت فعالیت مفید، فقط می‌توانند یک کیلومتر خاکریز بزنند. (۱) یعنی در مرحله اول حداقل ۱۵۰ دستگاه لودر و بلدوزر باید عبور بدهیم و هر دو سطحه پی.ام.پی. که به هم وصل کنیم یک لودر قابل حمل است. علاوه بر وسایل لازم برای انتقال دستگاه‌های سنگین از اروند، ضرورت ساحل‌سازی و نیز وسایلی که با قرار دادن آنها روی زمین‌های باتلاقی ساحل دو طرف اروندرود امکان عبور تجهیزات سنگین را از باتلاق‌ها امکان‌پذیر کند نیز باید فراهم شود. برای حل این مشکل پیش‌بینی شده که از گاوپون(۲)، سطحه‌های پل خیبری، اتصال قطعات تراورس به هم و قرار دادن روی باتلاق‌ها و چولان‌ها و نیز فرش باتلاقی(۳) استفاده شود.

در ادامه جلسه، دوباره موضوع سطحه‌های پی.ام.پی و جی.اس.پی که قرار است ارتش در اختیار سپاه قرار دهد و شناورهای کشنده این سطحه‌ها و دیگر شناورهای لازم برای عملیات و نیز موتورهای قایق مطرح شد. همچنین بر اهمیت پل دویه‌ای و تهیه آن تأکید شد. آقای هاشمی هم در این باره گفت: «اگر این‌شاءالله در این عملیات موفق شویم و فرض کنیم که جنگ ادامه داشته باشد، پل همیشه آسیب‌پذیر است و ما باید اینجا (منطقه فاو) را سال‌ها حفظ کنیم. یک فرض ما این است که اگر ما ارتباط عراق را از دریا قطع کنیم، این امتیازی است که در دست ماست و باید آنجا را برای فشار آوردن حفظ کنیم، بنابراین به خاطر چند دویه نباید چیزی را از دست بدهیم.» و به این ترتیب قرار شد برای خرید دویه از پاکستان یا دیگر کشورهای منطقه تلاش شود.

#### منابع و مآخذ:

۱. آرشیو اسناد دفاع مقدس؛ اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی
۲. آرشیو اسناد دفاع مقدس؛ کانون سنگرسازان بی‌سنگر
۳. روزشمار جنگ؛ نخستین گام به سوی فتح فاو جلد ۱-۳۹؛ مرکز اسناد دفاع مقدس، تهران، ۱۳۹۳
۴. روزشمار جنگ ایران و عراق: تشدید تلاش‌ها برای فتح فاو جلد ۲-۳۹؛ مرکز اسناد دفاع مقدس، تهران، ۱۳۹۵
۵. شب بارانی حمله، سیدمسعود جزایری، اداره کل روابط عمومی و انتشارات سپاه، ۱۳۸۴
۶. خرمشهر تا فاو، محمد درودیان، مرکز اسناد دفاع مقدس، تهران، ۱۳۸۶



منشعب شده و به مارد - جایی که عراقی‌ها قبلاً پل زده بودند - وصل می‌شود که در اینجا پل دویه‌ای روی کارون داریم. این جاده وصل می‌شود به جاده شهید عباسی که کارون را به جاده آبادان - ماهشهر وصل می‌کند. جاده شهید عباسی را نیروهای جهاد کار کرده‌اند و به زودی آسفالت می‌شود. این جاده روبه روی جاده وحدت به جاده آبادان - ماهشهر وصل شده است.

۴. جاده وحدت که در جریان عملیات شکستن حصر آبادان احداث شده بود بازسازی شده و عرض آن به دو برابر افزایش یافته و آماده آسفالت شده است.

۵. تعریض و آسفالت جاده آبادان - قفاص که تاکنون ۲۰ کیلومترش آسفالت شده است. همه کارهای آسفالت منطقه را اداره راه کربلا (وزارت راه و ترابری) انجام می‌دهد.

علاوه بر جاده‌های مذکور که در عقبه منطقه کار شده، جاده‌هایی در حاشیه جزیره آبادان احداث شده یا در دست احداث است و مهم‌ترین آنها جاده است که برای مواضع توپ‌ها احداث و طول آن به ۵۰ کیلومتر می‌رسد و ۸۰ درصد عملیات خاکی آن انجام شده است. درمورد پل‌ها، علاوه بر پل دویه‌ای چوئبیده، سه پل دیگر برای بهمن شیر پیش‌بینی شده که هر سه دویه‌ای هستند و با تناژ بالا در نظر گرفته شده که وسایلی تا حدود ۱۲۰ تن بتوانند از روی آن عبور کنند.

فعالیت‌های عمده دیگر: ۱. بیمارستان چوئبیده با ۱۴۰۰ متر زیربنای بتونی و ۸ اتاق عمل که آماده تحویل به بهداری است و روی آن با خاک پوشانده شده است. ۲. برای منطقه ۴ سایت سیستم موشکی هاگ پیش‌بینی شده که ۲ سایت از قبل وجود داشته و در حالی بازسازی است. یک سایت احداثی در منطقه شادگان است که تقریباً تمام شده است. یک سایت دیگر نیز باید در محل قفاص احداث شود که محل احداث آن دو روز است اعلام شده است. (۲) ۳. بخش دیگری از کارهای عقبه، اقدامات مهندسی در حدفاصل جاده خسروآباد تا ساحل اروندرود است که واحدهای مهندسی جهاد با کمک واحدهای مهندسی سپاه مشغول انجام آن هستند.

آقای رضوی در پاسخ به سؤال آقای هاشمی و آقای حسینی‌تاش درباره زمان کارهای مهندسی گفت کارهای عقبه ۸۰ تا ۹۰ درصد انجام شده و این‌شاءالله در زمان مقرر تحویل داده خواهد شد و ما حداکثر تا دوم سوم بهمن باید از منطقه خارج شویم تا منطقه خلوت شود.

در ادامه جلسه موضوع تهیه پل‌های دویه‌ای مطرح شد؛ آقای فروزش

## زمانی که خبر شهادت پدر و برادرانم را آوردند

نکرده مال حرام وارد زندگی‌شان نشود با وجود این که ۹ فرزند داشتند، همگی در یک اتاق زندگی می‌کردند و بچه‌ها را با تربیت سالم و اخلاق و رفتار خوب به بهترین شکل ممکن بزرگ کردند.

در زمان انقلاب خیلی بچه‌ها را تشویق می‌کردند که در فعالیت‌های فرهنگی مشارکت داشته باشند حتی خودشان هم با بچه‌ها همکاری می‌کردند. علی اکبر هم در کاشان فعالیت داشت و هم در تهران، برادرهای دیگر حاج عباس و حاج محمد آقا نیز با ایشان همراهی می‌کردند و همیشه در تظاهرات شرکت فعال داشتند. به یاد دارم اعلامیه‌های امام را به خانه می‌آوردند و مخفی می‌کردند به این شکل در زمان انقلاب فعالیت‌های چشمگیری داشتند.

احمد در زمان جنگ خیلی کم سن و سال بود و در فصل امتحانات خیلی به مادرم اصرار می‌کرد که اجازه بدهد به جبهه برود ولی مادر اجازه نمی‌داد و می‌گفت: «اول باید امتحانات را بدهی!» اما احمد پافشاری می‌کرد در نهایت دایی‌مان را واسطه کردند تا با مادرم صحبت کند و مادر قبول کرد و احمد راهی جبهه شد.

مادرم نه تنها بچه‌ها را راهی جبهه می‌کرد بلکه خودش هم در پشت جبهه فعالیت می‌کرد چند بار به منطقه جنگی رفت و آن جا کمک می‌کرد؛ خواهر بزرگترم هم مدتی در جبهه بود آنجا به زخمی‌ها رسیدگی می‌کرد، به واسطه اینکه شوهرش سپاهی بود مدتی در کردستان خدمت کردند، خلاصه اینکه هر کاری از دستشان بر می‌آمد انجام می‌دادند.

سه تا از برادرهای دیگرم به نام‌های عباس و محمد و آقا مهدی نیز جانباز شدند؛ عباس آقا از ناحیه دست جانباز شد چند تا از انگشت‌های دستش آسیب دید آن زمان هر چه به او گفتیم برو و معالجه کن قبول نمی‌کرد و می‌گفت نه این‌ها یادگاری از روزهای جنگ است. به یاد ندارم که چطور وارد جهاد سازندگی شدند اما می‌دانم که در کمیته فرهنگی قرارگاه کربلا فعالیت می‌کرد.

**وقتی خبر شهادت پدر و برادرها را آوردند مادر چطور با این مسئله مواجه شد؟ کمی از احوال ایشان برایمان بگویید:**



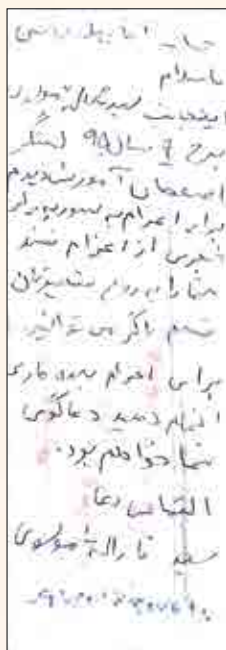
**در خدمت حاجیه خانم زاهدی فرزند جهادگر شهید حاج محمود زاهدی، خواهر شهیدان علی اکبر و احمد زاهدی و مادر شهید سید نثارالله موسوی و خواهر جانبازان جهادگر عباس، محمد و مهدی زاهدی هستیم. نحوه ورود پدر و برادران شما به جنگ چگونه بوده است؟**

پدرم از طرف جهادسازندگی شهرستان کاشان با کاروان راهیان کربلا به جبهه اعزام شدند، ایشان بعد از چند بار اعزام به منطقه در آخرین بار که یک هفته طول نکشید در سن ۵۷ سالگی بر اثر اصابت ترکش به قلبش در منطقه جزیره مجنون شهید شدند.

برادرم علی اکبر هم در آبادان شهید شد، علی اکبر ۲۵ ساله بود ایشان هم بر اثر اصابت ترکش شهید شد پیکر او را چهار ماه بعد آوردند، برادر دیگرم احمد بود که فقط ۱۶ سال داشت او هم در جزیره مجنون شهید شد پیکر احمد دو هفته طول کشید تا بیاید.

پدرم در کارخانه ریسندگی و بافندگی کار می‌کرد و یک کارگر ساده بود؛ اخلاق و رفتارش خیلی خوب بود مرتب به اقوام سر می‌زد مخصوصاً به پدرش خیلی احترام می‌گذاشت و خیلی به ایشان رسیدگی می‌کرد، رفتار و برخوردش با بچه‌ها نیز خیلی خوب بود. مادرم با قالی‌بافی کنار پدرم برای گذران زندگی خیلی زحمت می‌کشید همیشه کمک حال پدر بود. آن دو از پاک بودن مالشان خیلی مراقبت می‌کردند که خدای





### چند سال اخیر به درجه رفیع شهادت رسیدند؛ و راه پدر بزرگ و دایی‌های شهیدش را ادامه داده است، کمی از روحیات ایشان و نحوه شهادت ایشان برای ما بفرمایید:

ثارالله زمان جنگ ۵ ساله بود وقتی برادرهایم آن زمان می‌آمدند منزل ما که با قطار اعزام بشوند به جبهه؛ همان موقع پشت سرشان گریه می‌کرد و می‌خواست همراه آن‌ها برود انگار از همان بچگی به شهادت علاقه‌ای خاص داشت. گذشت تا بزرگ شد و ازدواج کرد و در کاشان ساکن شد و ما در قم زندگی می‌کردیم؛ ثارالله وارد گردان شد و بسیار فعال بود و از نظر کاری خیلی جنب و جوش داشت، در خانه هم همین‌طور بود هر کاری که داشتیم بی‌توقع انجام می‌داد بدون چشم داشت خیلی زحمت می‌کشید در خانه نیز کمک حال همسر بود.

وقتی هم که وارد گردان اصفهان شد خیلی به فرمانده‌اش اصرار می‌کرد که اجازه بدهند به سوریه اعزام شود؛ خیلی دوست داشت برود همیشه می‌گفت من هم باید دینم را به اسلام ادا کنم می‌خواهم خدمت کنم. اما فرمانده گردان مخالفت می‌کرد و می‌گفت شما تازه آمدی فعلاً نوبت آنهایی هست که سابقه بالاتری دارند. همیشه به من می‌گفت مادر برای من دعا کن.

در گردان اگر کار فنی داشتند به ثارالله می‌گفتند هر کاری می‌کرد برای رضای خدا بود؛ به هر حال سوریه قسمتش نشد ولی اولین مأموریتی که برایش پیش آمد سیستم و بلوچستان بود که به جای یکی از دوستانش رفت خیلی خوشحال بود و خیلی ذوق داشت. چند روز قبل از مأموریت اتفاقی برای دستش پیش آمد و باعث شد دستش بریده شود، برای این که نکند مانع رفتنش شود بانداژ دستش را باز کرد. این کار ثارالله من را یاد برادرانم انداخت که وقتی می‌خواستند به جبهه بروند چون سن‌شان کم بود شناسنامه‌هایشان را دستکاری می‌کردند. من از روز رفتن ثارالله خبر نداشتم وقتی فهمیدم که چند روزی از رفتنش گذشته بود؛ تلفنی باهاش حرف زدم و گفتم ای کاش بهم

خیلی صبور بودند؛ آن زمان بیشتر رادیو گوش می‌دادند تا خبری از بچه‌ها بشوند چون هیچ خبری نداشتند نمی‌دانستند شهید شدند یا اسیر هستند، تو این مدت حتی ذره‌ای هم ناراحت نبود بلکه دیگران را هم دلداری می‌داد. وقتی خبر شهادت برادرهایم را می‌آوردند همه دوستان و اقوام در منزل ما جمع می‌شدند تا مادرم را دلداری بدهند اما مادر هیچ وقت جلوی جمع گریه نکرد خیلی قوی و محکم بود، درد و دل‌هایش را در خلوت خودش با خدا می‌کرد هیچ وقت ما ندیدیم خدای نکرده ناشکری کند یا حرفی بزند یا ناراحتی خودش را نشان دهد، راضی بودند چه آن زمان که خبر شهادت احمد و علی‌اکبر را آوردند و چه وقتی که برادرهایم زخمی می‌شدند و بر می‌گشتند همیشه می‌گفت خدایا راضیم به رضای تو و شکرگذار بود.

### از فعالیت‌های فرهنگی خودتان در زمان جنگ و قبل از آن در دوران انقلاب کمی برای ما بفرمایید:

قبل از پیروزی انقلاب هر روز راس ساعت ۸ مرتب به تظاهرات می‌رفتم، مادرم ما را خیلی تشویق می‌کرد و کار هر روز ما همین بود صبح می‌رفتم تا ظهر ... تا وقتی که انقلاب پیروز شد و بعد هم که جنگ شد؛ زمان جنگ چندبار با مادرم رفتم اهواز البته بیشتر می‌رفتم در بیمارستان‌ها و آنجا به پرستارها کمک می‌کردم خلاصه اینکه هر کاری که از دستمان بر می‌آمد انجام می‌دادم. این کوچک‌ترین کاری بود که از دستم بر می‌آمد و انجام دادم، مادرم چون قالی‌باف بود از طرف جهاد کاشان می‌رفتند به خانم‌ها قالی‌بافی یاد می‌دادند و خودشان هم آنجا خیلی کمک می‌کردند. خواهرم نیز مدتی آنجا بود.

می‌دانیم که این ایثارگری و حس شهادت‌طلبی در خانواده شما همچنان جاری و باقی است؛ پسران ثارالله موسوی در



که ثارالله به شهادت رسیده حتی لباس سیاه خودم را برداشته بودم اما اصلاً ناراحت نبودم یه حس رضایت بخشی در وجودم داشتم نیمه شب بود که برادرم خبر شهادت ثارالله را به ما داد. من خدا را شکر کردم که پسر من را قابل می‌دانست و من تمام تلاشم را کرده بودم که بچه‌ها را خوب بزرگ کنم خیلی خوشحال بودم که ثارالله به خواسته‌اش رسیده بود یک ماه قبل از رفتنش خیلی بی‌قراری می‌کرد و دل از دنیا بریده بود و به آرزوی قلبی خودش رسید شهادت آرزوی ثارالله بود و به معشوقش رسید. اطرافیان که برای تسلیت می‌آمدند بعضاً به من می‌گفتند که چرا اجازه دادی که برود؟ من در جواب آنها می‌گفتم: «باید می‌رفت باید به اسلام خدمت می‌کرد، فقط من نیستم خیلی از خانواده‌ها هستند که چند شهید داده‌اند، من فقط یک پسر را دادم اگر این‌ها نمی‌رفتند پس کی می‌رفت؟ این جوان‌ها رفتند که شما راحت هستید، خدا هست و شهدا هم حضور دارند و از خانواده و بچه‌هایشان مراقبت می‌کنند.» خدا را شکر ثارالله راه حق رفت من دو پسر دیگر هم دارم که آنها را هم تشویق می‌کنم راه شهدا را ادامه بدهند. ثارالله امانت خدا پیش من بوده، این‌شاءالله خدا هم از ما راضی باشد من تمام سعی و تلاشم را کردم تا بچه‌ها را سالم تربیت کنم خدا را شکر که ثارالله توفیق شهادت پیدا کرد و این متأثر از روحیه شهادت‌طلبی بود که در خانواده دیده بود.

### حاج خانم زاهدی خیلی متشکرم از بیان شیوایی که داشتید و هم‌چنین وقتی که در اختیار ما گذاشتید در آخر اگر حرفی و یا توصیه‌ای برای جوان‌ها دارید بفرمایید:

از خدا می‌خواهم خودش کمک کند تا جوان‌های ما راه شهدا را ادامه دهند و در خط اسلام باشند و شهداء را فراموش نکنند و توصیه می‌کنم خاطرات شهدا را بخوانند و بدانند که شهدا چطور به این مقام رسیدند.

من خودم شهدا را خیلی دوست داشتم حتی قبل از شهادت ثارالله هر وقت شهیدی می‌آمد حتماً در تشیع جنازه آن شهید شرکت می‌کردم و به خانواده‌هایشان دلداری می‌دادم.

این‌شاءالله به حق امام زمان شهدا را فراموش نکنیم و هرکاری که می‌کنیم برای رضای خدا باشد اگر همه چیز برای رضای خدا باشد ما این همه مشکلات را در جامعه نداشتیم.



می‌گفتی تا قبل از رفتن کمی در آغوش می‌گرفتمت، می‌دیدمت و بعد می‌رفتی.

صبح روز شهادتش من خواب ثارالله رو دیدم که با دوستانش در یک رودخانه پر آب شنا می‌کرد و خیلی هم خوشحال بود، بیدار شدم پیش خودم گفتم خیر است آب روشنایی‌ست اما دلم طاقت نیاورد به ثارالله زنگ زد تا کمی با او صحبت کنم که گفت در راه هستند و دارند بر می‌گردند خیلی خوشحال شدم. تصمیم گرفتیم فردای آن روز به کاشان بروم. حوالی غروب بود که خبر انفجار اتوبوس را شنیدیم بعد از آن هرچه با ثارالله تماس گرفتیم پاسخگو نبود هیچ خبری از او نداشتیم، خانواده‌اش هم خیلی نگران ثارالله بودند همان شب راهی کاشان شدم بچه‌های ثارالله برای بازگشت پدرشان پرچم نوشته بودند کلی تدارک دیده بودند ولی هیچ خبری از پدرشان نداشتند. من وقتی خبر انفجار اتوبوس رو در تلویزیون شنیدم احساس کردم



شهید سید ثارالله موسوی

گفت‌وگویی با منوچهر مشیری و بازگویی روند ساخت مستندهایش

## حدیث درد، روایت مردم مستضعف



سعید زجاجی

هم آنجا به تدوین مشغول بود و چند نفر دیگر نیز بودند از جمله خسرو دانه پاش که در کار تهیه برنامه‌هایی بود. آن زمان گروه‌های متعددی داوطلب می‌شدند تا برای محرومیت‌زدایی به روستاها اعزام شوند هدف آن بود که فقر به‌جا مانده از دوره شاه در روستاها از میان برداشته شود. مردم داوطلبانه به روستاهای دورافتاده می‌رفتند و در برداشت محصول و سایر امور عام‌المنفعه و عمرانی به روستاییان کمک می‌کردند. در سال ۱۳۶۲ حکم استخدامی من به طور رسمی تغییر کرد با ارائه مجموعه کارهایی که کارگردانی کرده بودم به کمیته تخصصی تلویزیون و تأیید اعضای آن کمیته حکم اداری من رسماً کارگردانی شد.

**آقای مرتضی آوینی هم تقریباً در همان مقطع زمانی و در گروه جهادسازندگی مستندهایی ساخت شما از چگونگی ساخت این آثار اطلاعی دارید؟**

فکرکنم خان‌گزیده‌ها نخستین کاری بود که شهید آوینی ساخت و آقایی به نام هاشمی هم با او همکاری می‌کرد فکر کنم این دو نفر یک مستند هم درباره درود ساخته بودند. آقای هاشمی جوان فیلم‌سازی بود که در همان آغاز جنگ به اسارت عراقی‌ها درآمد و حدود ۱۰ سال در اسارت بود شهید آوینی در ادامه کارش مجموعه مستند بشاگرد را ساخت که بازتاب گسترده‌ای در جامعه داشت.

**از نخستین فیلم‌هایی که در واحد تلویزیونی جهادسازندگی کار کردید بگویید؟**

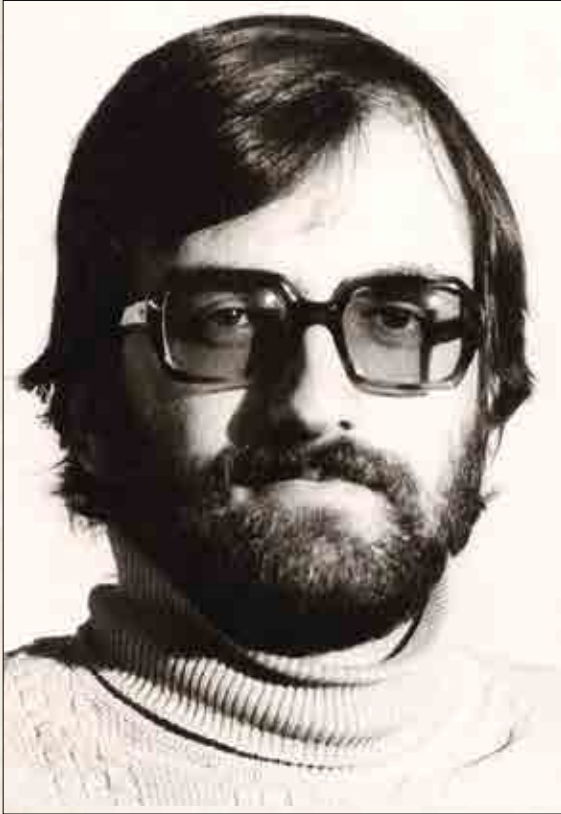
من کارم را به عنوان کارگردان از تیر یا مرداد ۱۳۵۸ در گروه جهادآغاز کردم. البته تهیه‌کنندگی و فیلم‌برداری این فیلم‌ها با من بود نخستین فیلم‌هایم را در قروه ساختم انتخاب قروه به پیشنهاد واحد جهاد تلویزیون بود. این فیلم‌ها قروه و قصه ما تمام شد نام داشتند و مستندهایی بودند که شرایط محنت‌بار زندگی مردم را در شهر قروه (از استان کردستان) به نمایش می‌گذاشتند در فیلم دوم فعالیت‌های

منوچهر مشیری در محله‌ی قدیمی کلیاهمدان در سال ۱۳۳۰ به دنیا آمد. پدرش کارمند پست و تلگراف بود و در کودکی و به تهران منتقل شد. آشنایی با فریدون رهنما در مدرسه عالی تلویزیون و سینما دید او را نسبت به سینما تغییر داد. پس از مدرسه عالی به عنوان فیلم‌بردار به استخدام تلویزیون درآمد. نخستین تجربه‌ی کارگردانی‌اش فیلمی بود از مواجهه‌ی روستاییان کویری کرمان با ریخت و پاش‌های استاندارد وقت که مورد اعتراض مقامات و مسئولان دولتی در سال ۱۳۵۲ قرار گرفت. مشیری در سال ۱۳۵۷ همراه با محمود بهادری و اصغر شه‌دوست دوربین‌های ۱۶ میلی‌متری خود را از تلویزیون خارج و با تهیه نگاتیوهایی که از خارج به صورت آزاد تهیه کرده بودند به ثبت وقایع انقلاب پرداختند مستند تاریخی «طپش تاریخ» به کارگردانی اصغر شه‌دوست با تدوین داود کنعانی نتیجه‌ی این همکاری است. در سال ۱۳۵۸ وارد گروه تلویزیونی جهاد شد و با مستندهایی چون قروه و قصه ما تمام شد و حدیث درد و کشاورزی در دامغان و فعالیت جهادگران در شهرستان دامغان را کارگردانی نمود در سال ۱۳۶۰ مستند با خاک تا خاک موفق به دریافت دیپلم افتخار از جشنواره فیلم مستند کشورهای غیرمتعهد پراگ شد. در کارنامه فعالیت‌های هنری ایشان بیش از ده‌ها مستند وجود دارد که صحبت در مورد هریک از آنان مجال مفصل می‌طلبید. در این شماره گفت‌وگویی با منوچهر مشیری درباره روند ساخت مستندهایش در گروه تلویزیونی جهادسازندگی، روستا و صنعت داریم.

**همکاریتان با واحد جهادسازندگی تلویزیون از چه زمانی شکل گرفت؟**

من تا پیش از همکاری با جهادسازندگی، فیلم‌بردار تولید تلویزیون بودم. تابستان ۵۸ مدت کوتاهی پس از تأسیس جهادسازندگی به فرمان امام (ره)، واحدی در تلویزیون تحت عنوان واحد جهادسازندگی تلویزیون شروع به فعالیت کرد پس از آشنایی با فضای حاکم در این واحد که بسیار صمیمی و خالصانه بود علاقمند شدم همکاری‌ام را در این واحد ادامه بدهم. قبل از انقلاب کار من در تلویزیون مشخصاً فیلم‌برداری بود و به جز یک مستند گزارش که در زمان کارم در مرکز تلویزیون کرمان ساخته بودم فعالیت دیگری در زمینه ساخت فیلم نداشتم اما بعد از انقلاب تحت تأثیر دگرگونی‌های حاصل شده در جامعه توان و تحرک قابل توجهی در من ایجاد شد و انگیزه پیدا کردم تا به عنوان مستندساز فعالیت‌م را ادامه بدهم و واحد جهاد تلویزیون نیز این امکان را به من داد که با ارائه طرح ساخت چند فیلم مستند، شروع به کار کنم. در واقع من به برکت انقلاب مستندساز شدم. آنچه می‌گویم شعار نیست واقعیت است در سال ۱۳۵۸ مسئول گروه جهادسازندگی تلویزیون مهندس سمعی بود محمدرضا اسلاملو هم از کارگردان‌هایی بود که با گروه جهادسازندگی تلویزیون همکاری داشت بهروز افخمی





تحویل می‌دادند.

در مرداد ۱۳۵۹ مستند باخاک تا خاک را برای گروه کار و صنعت شبکه یک ساختم آن زمان مسئولیت گروه را آقای سعید اعتمادی برعهده داشت یک سال بعد ۱۳۶۰ مجدداً مستند دیگری را برای همین گروه ساختم که در منطقه گرگان و دشت فیلم‌برداری شد و خاک رنج رویش نام داشت منطقه گرگان و دشت، زمین‌های بسیار مرغوبی داشت به همین دلیل در دهه‌های گذشته همواره دربار و وابستگان پرنفوذ آن به این اراضی چشم داشتند بنیاد پهلوی زمین‌های مورد نظر را تصاحب کرده و میان صاحب منصبان رژیم شاه که اکثرشان از مقام‌های عالی رتبه لشکری و کشوری و افراد بانفوذ بودند تقسیم کرده طی تحقیقی که انجام دادیم در بسیاری از موارد این زمین‌های نه با رضایت مالکان روستایی بلکه به زور تصاحب و در واقع غصب شده بود ما پژوهشی وسیعی انجام دادیم پس از انقلاب، اسناد و امکانات بنیاد پهلوی اگر اشتباه نکنم در بنیادی به نام علوی نگه‌داری می‌شد با مراجعه به این بنیاد سوابق و پرونده‌های را در آوردیم و به عینه مشاهده کردیم که چه ظلم و جوری صورت گرفته است و همه این‌ها را در فیلم منعکس کردیم روستاییان در برابر دوربین توضیح می‌دادند که چگونه زمین‌هایشان را از دست داده‌اند در تایید گفته‌های آنان پرونده‌هایشان را از بایگانی بنیاد علوی در می‌آوردیم و از مندرجات آن تصویر می‌گرفتیم.

منبع کتاب «هنر در گرماگر انقلاب» نوشته مجید جعفری لاهیجانی

جلد دوم صفحه ۵۷۳

منوچهر مشیری سال ۵۸

جوانان داوطلب را که اغلب دانشجو که از طریق جهادسازندگی به کمک مردم این منطقه آمده بودند به تصویر کشیده بودیم.

مستند بعدی حدیث درد نام داشت که آبان ۱۳۵۸ در بندر جاسک و حومه آن ساخته شد آن زمان عشق علاقه و انگیزه قوی در دل افراد وجود داشت و آنها در قبال مشکلات مردم احساس مسئولیت می‌کردند بندر جاسک بندر گابریک و نظایر آن در شمار مناطقی بودند که فقری گزیده و شدید در آن‌ها سیطره داشت هدف ما در گروه تلویزیونی جهاد سازندگی این بود که در آن زمان شرایط موجود را که از زمان شاه به ملت تحمیل شده بود منعکس و منتقل کنیم و بواسطه آن، تحرکی در میان مخاطبان به ویژه جوانان ایجاد کنیم هدفی که خیلی زود به بار نشست و تاثیر شرف آن را در همان مقطع شاهد بودیم.

هشت ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی منوچهر مشیری به اتفاق همکارانش در گروه تلویزیونی جهادسازندگی شرایط اجتماعی و اقتصادی جنوب شرقی هرمزگان (بندر جاسک و دهستانهای آن نظیر گابریک و دیگر نواحی همجوار) را به تصویر می‌کشد تنگی معیشت و فقدان ابتدایی‌ترین امکانات زندگی تنها میراث رژیم شاه برای ساکنان این مناطق بوده است.

پس از آنکه مراحل آماده‌سازی فیلم مستند حدیث درد به پایان رسید و از تلویزیون پخش شد دفتر مرکزی جهاد آن را در نسخه‌های متعددی تکثیر و در مراکز مختلفی نظیر دانشگاه‌ها، مدارس و حتی در برخی مساجد شهرها و روستاهای کشور به نمایش گذاشت نمایش حدیث درد از تلویزیون به سبب تصاویر بکر و بسیار تکان‌دهنده‌اش بازتاب گسترده‌ای در میان مخاطبان این رسانه داشت آقای منوچهر مشیری می‌گوید:

خاطر همست نخستین باری که این فیلم پخش شد عصر یک روز جمعه بود گروه‌های مختلفی از مردم تماس گرفتند و نشانی و مشخصات ناطقی را که در فیلم دیده بودند می‌خواستند تا در حد توان به آن مناطق رفته و کمک‌رسانی کنند از مسئول پخش آن موقع شنیدیم که می‌گفت شهید بهشتی نیز همزمان با پخش این مستند با او تماس گرفته و از نشانی و مشخصات آن مناطق پرسیده بود به هر حال پس از نمایش این فیلم حرکت مثبتی ایجاد شد عده زیادی به ویژه گروه‌های دانشجویی متأثر از آنچه دیده بودند به جهادسازندگی مراجعه کردند تا به بندر جاسک و آن نواحی اعزام شوند بعدها شنیدیم که این افراد موفق شدند به سهم خود کارهای موثری در زمینه بهداشتی و و عمرانی برای مردم آن مناطق انجام دهند.

پس از حدیث درد در بهار ۱۳۵۹ دو مستند به نام‌های کشاورزی در دامغان و فعالیت جهادگران در شهرستان دامغان ساختم آن زمان سید محمد بهشتی مسئول واحد تلویزیونی جهادسازندگی بود او بعدها مدیر عامل بنیاد سینمایی فارابی شد.

در سال‌های پس از انقلاب شرایط و فضا در تلویزیون تغییر کرده بود و برخی از قیودات دست و پاگیر وجود نداشت مثلاً در واحد تلویزیونی جهادسازندگی می‌خواستیم برای ساخت فیلم به شهرستان‌ها یا روستاها سفر کنیم بی آنکه روال و سیر خسته‌کننده و بوروکراتیک اداری طی شود خیلی ساده از ما می‌پرسیدند برای چند روز به سفر می‌روید چند نفر هستید و چه امکاناتی می‌خواهید؟ طبق نیازهای ما همانجا هزینه سفر را می‌شمردند و به همراه امکاناتی که می‌خواستیم

سردار جهادگر شهید شادلو به روایت فرماندهان قرارگاه حمزه (ع)

## مدیریت یعنی تسخیر دل مردم

فرماندهی گروه ضربت ستاد پشتیبانی حمزه، سیدالشهدا (ع) را نیز در کلیه مناطق به عهده گرفت. با آغاز عملیات پیروزمندانه‌ی «خیبر» در اسفند ماه ۱۳۶۲ به عنوان مسئول اولین گروه مهندسی - پشتیبانی جنگ به جزایر مجنون وارد شد و در شرایطی سخت به رفع پاتک‌های مذبوحانه‌ی ارتش بعثی عراق و احداث جاده‌ی ۱۴ کیلومتری سیدالشهدا (ع) از سمت جزیره پرداخت. وی در یکی از بمباران‌های شیمیایی هوایمهای عراق مجروح شد؛ و مدتی در بیمارستان اهواز بستری بود؛ اما، دوباره به محل خدمتش در صائین دژ بازگشت و فعالیت خود را کماکان ادامه داد. پس از پایان فعالیت‌های پشتیبانی جنگ استان سمنان در صائین دژ سرانجام این ستاد به منطقه‌ی مرزی سردشت منتقل شد. شهید شادلو در ادامه‌ی تلاش بی‌امانش برای سرکوبی ایادی خائن و وابسته به شرق و غرب سردشت، در تاریخ ۱۱/۲۲/۱۳۶۳ بر اثر انفجار مین دعوت حق را لیبیک گفت و به فیض بزرگ شهادت نائل آمد وزیر جهادسازندگی وقت مهندس زنگنه، در مراسم تشییع پیکر پاک این سردار رشید اسلام، گفت: «انقلاب ما، برای استعدادهای نهفته‌ی جوانان، حکم کوره‌ای را داشت که آنها را آب‌پزیده کرد؛ این شهدانی که ما، امروز به خاک می‌سپاریم، استعدادهای شکوفای ملت ما بودند؛ که رشد کردند. مگر شهید شادلو که بود؟ کسی که در اول جنگ رانده‌ی لودر و بلدوزر بود و بعد رشد کرد و فرمانده مهندسی جنگ شد. اگر ما، توانسته‌ایم شش سال در مقابل ابرقدرت‌ها مقاومت کنیم، به خاطر این خون‌های پاک است.»

### اصل ولایت‌پذیری

یکی از خصوصیات بارز حاج مرتضی این بود که به اصل ولایت‌پذیری همیشه تاکید داشت که پشتیبان ولایت باشید، پشتیبان امام باشید ایشان تایید ویژه داشتند که گوش‌تان به حرف‌های امام باشد، هر چه که



حاج محمود صلواتی فرمانده قرارگاه تاکتیکی حمزه (ع) ۲  
حاج احمد حسینی فرمانده قرارگاه تاکتیکی حمزه (ع) ۱

یکی دیگر از چهره‌های درخشان جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، شهید بزرگوار، مرتضی شادلو، مسئول پشتیبانی و مهندسی جنگ جهادسازندگی استان سمنان، مستقر در سردشت است. شهید شادلو پس از آغاز جنگ تحمیلی، در سال ۱۳۶۰ به عضویت جهادسازندگی گرمسار درآمد؛ و داوطلبانه برای شرکت مستقیم در جبهه حق علیه باطل به مناطق عملیاتی جنوب شتافت. ابتدا به ستاد پشتیبانی جنگ جهادسازندگی رفت؛ و به عنوان راننده‌ی آمبولانس و سپس راننده‌ی لودر در واحد مهندسی ستاد پشتیبانی مناطق جنگی جنوب، به خدمت مشغول شد. در عملیات آزادسازی سوسنگرد، همچنین طریق‌القدس و فتح‌المبین، حضوری مستقیم و فعال داشت. به سبب شهامت، ایثارگری و لیاقتی که از خود نشان داد، در عملیات برون مرزی رمضان و مسلم بن عقیل، مسئولیت یکی از محورهای عملیات به وی سپرده شد. شهید شادلو در پاییز ۱۳۶۱ به همراه جهادگران ستاد پشتیبانی استان سمنان برای تشکیل ستاد پشتیبانی حمزه، سیدالشهدا (ع) در مناطق عملیاتی شمال غرب کردستان و آذربایجان غربی، عازم شد. این گروه پس از جابه‌جایی، در اولین فرصت با توجه به شرایط سخت زمستانی و وجود برف و یخبندان، به احداث دژ و جاده‌ای بین صائین دژ و بوکان پرداختند. به سبب توانایی‌ها و مدیریت کامل، مسئولیت پشتیبانی جنگ جهادسازندگی استان سمنان در صائین دژ به وی واگذار شد. با تلاش شبانه‌روزی وی و دیگر برادران ایثارگر جهادسازندگی پس از سالیان دراز، اولین پل بشکله‌یی بر رودخانه نصب و همچنین عملیات احداث جاده‌ی ۴۰ کیلومتری صائین دژ- بوکان نیز هم‌زمان آغاز شد. شهید شادلو با توجه به مسئولیت سنگینی که در آن منطقه داشت،

نظامی سپاه و ارتش پاک‌سازی می‌شد و هدفشان خدمات جاده‌سازی، پل‌سازی و... بود آن چیزی که برای حاج مرتضی مهم بود خدمات عمرانی روستاها بود که در کنار اهداف اصلی شان انجام می‌داد که به ساخت پل وحدت که نمادی از اتحاد شیعه و سنی بود پرداخت.

### مدیریت یعنی تسخیر دل مردم

حاج مرتضی نظرش این بود که ما برداشتن باری از دوش مردم و خدمات عمرانی که به روستاها می‌دهیم می‌توانیم قلب مردم را تسخیر کنیم و همین اتفاق هم افتاد که اکثر روستاهای منطقه‌ی کردستان شهید شادلو را به اسم کوچک (حاج مرتضی) می‌شناختند، یعنی اینقدر نفوذ کرده بود در قلب مردم کردستان...

### توفیق همراهی با شهید شادلو

سال ۶۲ بود که من در جهاد گرمسار بودم و ایشان در این مقطع از زمان به مرخصی آمد و چون آشنایی قبلی داشتیم ایشان خیلی راحت دست من رو گرفت و گفت فردا آماده باش بریم کردستان و ما با هم رفتیم. من در اول کار ۴۵ روز رتتم ماموریت ساینده که خدا توفیق داد تا آخر جنگ در خدمت رزمندگان باشیم.

### مستقر شدن در ساینده

مدتی هم در ساینده بودیم که کار پروژه احداث پل بزرگ ساینده در رودخانه‌ی سیمینه رود در ساینده بوکان را که محور اصلی‌اش را خود حاج مرتضی انجام می‌دادیم را انجام می‌دادیم.

### اعزام به منطقه:

سال ۶۳ بود که اعزام شدیم برای عملیات منطقه‌ی جنوب که با شروع عملیات خیبر در سال ۶۳ مهندسی جنگ به فرماندهی حاج مرتضی اولین گروهی بودیم که به جزیره‌ی مجنون وارد شدیم هم پای بچه‌های رزمنده مشغول شدیم به خدمات مهندسی جنگ در جزیره مجنون جنوبی یا شمالی، یک مقطعی از زمان حاج مرتضی دچار عارضه‌ی شیمیایی شدید شد و به من ماموریت دادند که حاج مرتضی را به اتفاق یکی از دوستان انتقال بدهیم به تهران و از آنجا انتخاب دادیم به ارومیه تا خرداد ماه ۶۳ و بعد هم ماموریت دادن به ما که به جهاد سمنان برویم به نوار مرزی سردشت، این انتقال هم زمان با رفتن به نوار مرزی سردشت مصادف شد با پاک‌سازی روستاهای نوار مرزی سردشت، مستحضر هستید که نوارهای مرزی سردشت یکی از راه‌های اصلی نفوذی ضد انقلابیون منطقه‌ی بیهوش دست بود و در این بین عملیات سنگینی انجام شد، کل روستاهای نوار مرزی سردشت پاک‌سازی شد و در کنار پاک‌سازی منطقه‌ی نوار مرزی حاج مرتضی توانست تمام خدمات عمرانی روستاها را به عهده بگیرد حتی با توجه برف شدیدی که سال ۶۳ در سردشت آمد کل راه‌های اصلی سردشت را بسته بود را برف‌روبی کرد و کل راه‌ها را باز کرد و مردم دیدند و این کارهایی که حاج مرتضی کرد به قلب و دل مردم نشست و تنها کسی که در آن منطقه در آن مقطع حساس به فکر مردم بود حاج مرتضی بود که تمام دستگاه‌ها را بسیج کرد کل روستاهای نوار مرزی را برف‌روبی کرد



امام می‌گوید گوش کنید. اطمینان می‌دهم که امر دولت اسلامی، اگر با نظارت فقیه و ولایت فقیه باشد، آسیبی بر این مملکت نخواهد وارد شد.

### توسل به حضرت زهرا (س)

حاج مرتضی همیشه به نیروهای رزمنده تاکید می‌کرد در تمام مشکلات متوسل به ائمه اطهار به خصوص حضرت زهرا سلام الله علیها شوید. بهترین ذکر رزمندگان یا زهرا(س) بود و در شب عملیات بعضی التماس‌ها و دعواها بر سر سریند یا زهرا (س) بود؛ این علاقه چنان بود که وقتی عملیاتی با نام مقدس حضرت زهرا (س) انجام می‌شد بیشتر آنان از ناحیه پهلو یا سینه آسیب می‌دیدند.

### مداح و قاری زیارت عاشورا بود

یکی از مشخصات اصلی حاج مرتضی این بود که اجبار می‌کرد در گردان همیشه زیارت عاشورا برگزار شود، بلااستثنا بعد از نماز صبح چه در ساینده چه در سردشت چه وقتی در جنوب بودیم چه هنگام آباد منطقه‌ی پیرانشهر زیارت عاشورا را بعد از نماز صبح برگزار می‌کرد، خود حاج مرتضی یکی از قاریان زیارت عاشورای بعد از نماز صبح بود معتقد بود هم‌نشینی با قرآن و گوش جان سپردن به نوای آن، معرفت و بصیرت انسان را بالا می‌برد و سبب می‌شود که انسان از آیات دل‌نواز بهره‌گیرد و در فضای عطرآگین قرآنی نفس بکشد.

### استعانت از قرآن در مشکلات

مهمترین نقشی که قرآن توانسته با آن عظمتش در زندگی ما داشته باشد ایجاد صبر در برابر سختی‌ها و مشکلاتی است که روزمره با آن مواجه می‌گردیم و چه بسیار موانعی که با حضور قرآن از سر راه برداشته شده‌اند.

### خدمت به شیعه و سنی و ایجاد برادری

یکی از خصوصیات دیگر بارز حاج مرتضی این بود که به فکر پاک‌سازی روستاهای اشغال شده کردستان بود که این کار توسط نیروهای



حاج احمد حسینی نفر اول از سمت چپ



حاج محمود صلواتی

دعا کنید خداوند مرا آدم کند. در منطقه هنگام عملیات یکی از لودرها که راننده تازه کاری روی آن کار می‌کرد خراب شد. راننده در حال تعمیر بود که حاجی او را دید و خیلی سریع برای کمک به طرف او رفت و با کمک هم لودر را تعمیر کردند.

پس از پایان کار راننده گفت: دست شما درد نکنه، اگه فرمانده منطقه هم اینجا بود این قدر به من کمک نمی‌کرد که شما کردید!

حاج مرتضی گفت: از خدا بخواه تا فرمانده رو آدم کنه!

بعد به طرف خودرویش رفت. فردی که همراه حاجی بود آهسته به آن مرد راننده گفت: ایشان فرمانده منطقه بود. شما نباید این حرف رو می‌زدی!

مرد راننده وقتی متوجه شد به طرف حاجی رفت و گفت: حاجی منو ببخش! منو حلال کن! تا منو نبخشی نمی‌ذارم بری!

حاجی پیشانی‌اش را بوسید و گفت: باشه می‌بخشمت؛ به شرطی که از خدا بخواهی منو آدم کنه!

و شعری که حاج مرتضی خیلی دوست داشت:

بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا

بر دلم ترسم بماند آرزوی کربلا

تشنه آب فراتم ای اجل مهلت بده

تا بگیرم در بغل قبر شهید کربلا

و در پایان این نشست با حضور بر مزار شهید به روح مطهر ایشان ادای احترام شد.

گرمسار روستای محمدآباد



و این به یادگار ماند در قلب مردمان روستاهای سردشت یادگاری که از زحمات شبانه‌روزی حاج مرتضی بود.

### کمک حال بودن رزمندگان

یکی از حسن‌هایی که حاج مرتضی داشت این بود که در کنار راننده‌ی لودر، بولدوزر و گریدر ایستاده بود، یعنی اگر راننده خسته می‌شد ترکش می‌خورد و یا شهید می‌شد حاج مرتضی خودش سوار لودر می‌شد و کار را ادامه می‌داد، یکی از بارزترین خصوصیات حاج مرتضی این است که همیشه هم‌زمان در کنار راننده‌ها و نیروهای مهندسی و نیروهای عملیاتی در عملیات بود.

### سخت گرفتن بر نفس خویش

پا به پای بقیه بچه‌ها کار می‌کرد و عرق می‌ریخت. در گرمای تابستان موه‌های سرش را با تیغ تراشیده بود. به او گفتیم: فصل گرما و کار سخت و سر تراشیدن؟

گفت: بذار این سر آفتاب بخوره و کمی از گرمای دنیا رو بچشه تا هم خوب کار کنه و هم گرمای آتش جهنم یادش بمونه!

### خستگی ناپذیر بودن

حاج آقای موسوی، امام جمعه وقت گرمسار برای بازدید به منطقه آمده بود. در حین سخنرانی ایشان صدای ریزش مقداری خاک روی زمین توجه ما را جلب کرد. حاج مرتضی را دیدم که به خاکریز تکیه داده و به خوابی عمیق فرو رفته بود. مقدار زیادی هم خاک از بالای خاکریز ریخته و پاهایش را مدفون کرده بود.

همه بچه‌ها با صدای بلند خندیدند به طوری که حاجی بیدار شد. حاج آقا گفت: حاجی مثل اینکه خیلی خسته‌ای؟

حاج مرتضی جواب داد: نه بابا، خستگی چیه؟ کار نکردم که خسته بشم! یکی دیگر از بچه‌ها گفت: به شب قبل از عملیات با لودر کار کردن، شب عملیات با آمبولانس کار کردن و شب بعد از عملیات به هم‌هی مسئولیت‌ها رسیدن و سه شب پشت سر هم نخوابیدن اسمش کار نیست؟ حاجی می‌شه کار رو واسه ما تعریف کنید؟

خجالت زده جلو رفتیم و گفتیم: حاجی، چرا دارین ما رو خجالت می‌دین؟ اجازه بدین خودمون ماشین‌ها رو تمیز می‌کنیم!

حاجی گفت: من باید از روی شما خجالت بکشم که از طلوع آفتاب تا آخر شب زحمت می‌کشید و توی این هوای سرد کار می‌کنید!

جانشین معاونت هماهنگ کننده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی:

## جهدگران کارهای نشدنی را شدنی می‌کردند



**عزیزان در تشکیل تیپ المهدی خاطره‌ای دارید بفرمایید:**

خداوند توفیقات بسیار زیادی در این چهل سال سنوت بعد از پیروزی انقلاب روزی ما کرده است. بعد از درگیری‌های خوزستان در سال ۵۸ مجبور شدیم به گچساران برویم در گچساران هم شرایط به گونه‌ای بود که گروه‌های معاند به ویژه منافقین در بین مردم فعالیت‌هایی را آغاز کرده بودند که شکافی در بین مردم ایجاد شده بود از طرفی به موضوع قومیت‌ها پرداخته بودند و شعار گچساران کردستان پیوندتان مبارک می‌دادند که چون شرح و بسط آن بسیار طولانی است من از آن عبور می‌کنم.

در آنجا بود که در درگیری با این گروه‌های منافق در منطقه برادر بسیار عزیزم سردار دبیری به گچساران آمدند و شروع آشنایی ما در محضر سردار دبیری آنجا بود که بعد ایشان فرمانده سپاه گچساران شدند و این باعث شد که عزیزان ما از کاشان از جمله شهدای گران‌مایه علی آقای معمار، شهید آقا مصطفی حسن‌زاده، قاسم عربیان، شهید ابوالفضل منقابی و برادران عزیزم آقا مهدی نداشت، حمید آقای صدوری و محمد آرامش برادر عزیزم آقای کفاش و همین‌طور جعفر آقای عرشی و دیگر دوستان به گچساران آمدند و این معرکه مقابله با گروه‌های ضد انقلاب و به ویژه موضوع فتودال‌ها در آنجا نقش جدی را برعهده داشتند و این شروع و منشأ آشنایی بیشتر ما با عزیزانمان در کاشان بود این آشنایی عمق پیدا می‌کند و بعد درگیری‌های کردستان پیش آمد که برای دفاع از کردستان به سقز اعزام شدیم با گروهی از عزیزان پاسدار و عشایرمون در محاصره سقز و دیگر شهرهای استان کردستان و این آشنایی ما بیشتر می‌شود در این مرحله جنگ می‌خواهد به مردم تحمیل شود چون ما پیش از شروع رسمی جنگ دو ماه در منطقه درگیری‌هایی داشتیم در غرب کشور پاسگاه‌های مرزی ما با پاسگاه‌های مرزی عراق درگیر بودند.

شاید مرزهای ما ۶۳۶ بار توسط عراقی‌ها نقض شد و لذا بستر و زمینه شروع جنگ از اینجا آغاز می‌شد و ما همواره با برادران عزیزمان در گچساران بودند به منطقه غرب کشور به ویژه در قصر شیرین و سومار

سردار سرتیپ پاسدار حاج علی فضلی متولد سال ۱۳۴۰ در شهر تویسرکان است. وی از ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۱ فرمانده تیپ المهدی (عج) و از ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۲ فرمانده تیپ ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) بود. فضلای در فاصله سالهای ۱۳۶۴ تا ۱۳۷۶ فرماندهی لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) را برعهده داشت. او از ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ جانشین فرمانده قرارگاه ثارالله (ع) بود و از ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ نیز به عنوان معاون عملیات ستاد مشترک سپاه پاسداران فعالیت می‌کرد. فضلای در فاصله سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ جانشین رئیس سازمان بسیج مستضعفین بود. با وی در خصوص نقش پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی و همچنین سردار جهادگر شهید حاج علی فارسی (فرمانده پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد استان اصفهان) در دوران دفاع مقدس به گفتگو نشسته ایم.

**نحوه آشنایی خودتان با جهاد سازندگی را بفرمایید و یا اینکه آیا خودتان در اوایل تشکیل جهاد سازندگی فعالیت داشتید؟**

بسم الله الرحمن رحیم

سلام و درود خدا به روح مطهر امام، سلام و درود خدا به محضر ولی امر مسلمین فرمانده کل قوا حضرت ایت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای و سلام و درود خدا به ارواح طیبه همه شهدا، شهدای صدر اسلام، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، شهدای عزیز مدافعین حرمین شریفین و سمبل این شهیدان شهید حاج قاسم سلیمانی رحمت‌الله‌علیه و همه شهیدان و شهدای عزیز و بزرگوار جهادسازندگی به ویژه مهندسی رزمی جهاد که در طول هشت سال دفاع مقدس پا به پای همه رزمندگان عزیز اسلام در خدمت مسلمین بودند به ویژه برادر بزرگوار و شهیدم شهید فارسی که فرمانده جهاد شهرستان ولایت‌مدار کاشان بودند.

من با جهاد از ابتدای انقلاب آشنایی دارم اما به دلیل اینکه یک بسیجی بودم و توفیق عضویت در سپاه را از همان ابتدای پیروزی انقلاب ابتدا در همان کمیته‌های انقلاب و بعد هم در سپاه پاسداران داشتم توفیق عضویت در جهاد را نداشتم ولی با برادران جهادی کاملاً آشنایی داشتم و به ویژه در سال ۵۸ ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی در کهگیلویه و بویراحمد در منطقه گچساران از آنجا با تشکیل جهادسازندگی و عشق‌ورزی این جوانان در خدمت‌رسانی به روستاها آشنا شدم و با آنها همراهی داشتم ولی توفیق حضور مستقیم در جهاد را نداشتم.

**همان‌طور که اشاره کردید به منطقه گچساران، خواهش می‌کنم در رابطه با تشکیل تیپ المهدی توضیحاتی بفرمایید ظاهراً جهاد کاشان نقش عمده‌ای در تشکیل این تیپ را داشتند که برخی از آن عزیزان شهید شدند و عده‌ای هم در قید حیات هستند مثل حاج آقا صدوری، حاج آقای صلواتی و حاج آقا درستکار و شهید ابهری رحمت الله علیه؛ اگر در رابطه با نحوه حضور این**



را به عهده داشتند بلکه واحدهای مهندسی رزمی را تشکیل داده بودند که برجستگی کار جهاد را در دفاع مقدس کاملاً مشهود کرده پس در تیپ‌المهدی در بیت‌المقدس در فتح‌المبین و در عملیات رمضان این عزیزان نقش کم‌نظیری داشتند البته در خلال مسیر مثلاً برادر بزرگوار شهید آقا سید مصطفی سید حسن‌زاده فرمانده گردان در عملیات طریق‌القدس بود و ما با برادران کاشان در تیپ ۳۱ عاشورا در عملیات طریق‌القدس به فرماندهی سردار جعفری و بنده جانشین ایشان بودم این عزیزان کمک شایانی داشتند لذا شما در طریق‌القدس در تنگه چزابه که ماقبل از فتح‌المبین هست در تیپ ۳۱ عاشورا و یک مقطعی را هم ما با برادران کاشان در تیپ ۲۵ کربلا برادر عزیزمان سردار آقا مرتضی قربانی حضور دارند و یک فعالیتی را در نتیجه تیپ‌المهدی با این حمایت‌ها، با این پشتیبانی‌ها در دفاع مقدس تا انتها حضور دارند ولی در آن بدو تاسیس و تشکیل که برای فتح‌المبین، بیت‌المقدس و رمضان هست یک پشتیبانی بی‌نظیری را ما از کاشان و به ویژه مهندسی رزمی کاشان شاهد هستیم.

**خوب همان‌طور که فرمودید قبل از عملیات فتح‌المبین، ظاهراً عملیات طریق‌القدس و عملیات‌های قبلی هم شما با این عزیزان ارتباط داشتید حالا جهاد سازندگی کاشان یا ...؟**

برادر بزرگوارم جناب آقای کیخا از برادران عزیز جهاد که ایشان راوی ما هم هستند

عزیزانمان در کاشان می‌گردیم طبیعتاً در تیپ‌المهدی بخش زیادی از این مجاهدتها را شاهد هستیم نقش برادران جهاد نقش برادران کاشان در پشتیبانی از تیپ‌المهدی در عملیات فتح‌المبین که ما اهدافی داشتیم به سمت سایت چهار و سایت پنج و رادار و بعد عملیات بیت‌المقدس که مراحل اول عملیات در منطقه فکه عملیات کردیم و بعد آمدیم در سیر اصلی عملیات تا فتح خرمشهر که سبیل این عملیات هست این عمق ارتباط را هر روز افزایش می‌دهد.

مرحوم حاج آقا یثربی عزیز و مرحوم حاج آقا متقی کاشانی امام جمعه مردم شریف گچساران که ایشان هم کاشانی هستند در این حمایت و پشتیبانی‌ها حقیقتاً بی‌نظیر بودند و از اینجا بود که ما شان حضور شهید فارسی را در حمایت و پشتیبانی از برادران در تیپ‌المهدی کاملاً شاهد هستیم و جهاد نه تنها نقش پشتیبانی نیازمندی‌های جبهه



آمدیم. حدود مهرماه بود که به خوزستان آمدیم و در منطقه دارخوین، توفیق همراهی با عزیزان ما در گچساران که همان عزیزان کاشانی بودند را داشتیم. در این مقطع که امام (رحمت الله علیه) فرمان صادر فرمودند که حصر آبادان باید شکسته شود که ما با دوستان عزیزمان به آبادان و به جبهه فیاضیه آمدیم. در آنجا برادران کاشانی مسئولیت‌های خطیری عهده دار بودند. عقبه جهاد هم در اینجا آرام آرام در حال آغاز شدن است بعد رسیدیم به مرحله ای که بعد از عملیات‌های محدودی به عملیات فتح‌المبین رسیدیم و تشکیل تیپ ۳۳ المهدی رسیدی تشکیل تیپ‌المهدی که در شب دوم فروردین ۱۳۶۱ عمل کردیم،

۵ اسفند به ما ابلاغ شد که باید این تیپ‌المهدی را برای عملیات فتح‌المبین تشکیل بدهیم و وارد ماموریت می‌شویم یک زمان بسیار کوتاهی حدود ۲۴ روز بود و اینجا نقش برادران کاشان و نقش و پشتیبانی حمایت مردمی ویژه جهاد کاشان و نقش شهید بزرگوار ابهری فر، محمد آقای راجی و برادر بزرگوارم آقای رجایی و گروه دیگری از دوستان در واقع به اوج بیشتری می‌رسید اینجا نقش شهید بزرگوار شهید فارسی که مسئولیت جهاد کاشان را برعهده داشت و شهید ابهری و تعداد دیگری از برادران از جهاد به ما مامور شده بودند نقش حمایت و پشتیبانی واقعاً نقش کم‌نظیری بود به گونه‌ای که مسئولیت‌های مختلفی را در تیپ ۳۳ المهدی عزیزان کاشانی عهده‌دار هستند ما وقتی در دفاع مقدس دنبال مجاهدت‌های



رزمی ما را هم قوت بخشیده در واقع هر دو همپا شدند. بخش مهندسی رزمی جهاد در استان‌های مختلف هویت پیدا می‌کند حتی بعضی از شهرها مثل دامغان خودش به تنهایی یک گردان مهندسی رزمی در خدمت جنگ دارد. بعد آقای درستکار تشریف بردند به کهگیلویه و بویر احمد گردان مهندسی رزمی جهاد را فعال کردند یعنی این اعتقاد و انگیزه برای برادران جهاد وجود داشته که همواره در خدمت دفاع مقدس باشند و وقتی نقش این بزرگواران را می‌خواهیم تعریف کنیم من معتقدم از لحظه‌ای که مأموریت به آن‌ها واگذار می‌شد درگیر جنگ و عملیات بودند فقط برای چند روز یا چند شب عملیات نبود آنها درگیر آماده‌سازی‌ها بودند تا حین عملیات و بعد از عملیات هم تأمین نیازمندی‌هایی که داشتیم پس ما در فتح المبین گروهان و بعد گردان مهندسی رزمی که برادر عزیزم حمید آقای صدوری و مهدی نشاسته‌ای زحمت این کار رو به عهده گرفتند و آقای احسان درستکار هم مسئولیت موتوری را علی آقای ابهری آن روز در تیپ المهدی مسئول تدارکات لوجستیک تیپ المهدی هستند و شهید راجی هم جانشین ایشان هستند اصغر آقای رجایی هم مسئول تسهیلات بود در واقع یک برادرانی با نگاه بلند و رفیعی که الحمدالله در مقاطعی که مسئولیت داشتند خوش درخشیدن و امروز هم که آنهایی که زنده ماندن انصافا در خدمت نظام جمهوری اسلامی هستند.

جهاد فارس ... چون جاهای دیگر هم به ما کمک می‌کردند چون اساسا نقش جهاد را باید در دفاع مقدس در دو بخش و دو زاویه ببینید. یکی کارهای نشدنی هست که اینها شدنی‌اش کردند مثل زدن پل و باز کردن جاده و دژ و خاکریزهایی که شاید واقعا در ذهن خیلی قابل توصیف که ما بگویم این کار به راحتی انجام می‌شد ولی چون این نگاه و روحیه جهادی پای این کار بود تا پایان جنگ هر نشدنی را اینها شدنی کردند به واسطه همین نگاه رفیع و بلند خودشان؛ پس ما در تیپ المهدی اول گروهان مهندسی و بعد گردان مهندسی را تشکیل دادیم به علاوه اینکه ما چون در طول عملیات فتح المبین، بیت المقدس و رمضان و سایر عملیات‌ها همراه گردان مهندسی رزمی جهاد به ما مأمور هست چون حجم کاری که باید انجام بشود در ید مهندسی ما به تنهایی نمی‌توانست باشد. چون باید آماده‌سازی‌ها را انجام می‌دادند برای قبل از عملیات و در حین عملیات که کار یدی و عمده و مهمی بود که برادران جهاد با آغوش باز و آسوده خاطر و با یک نگاه رفیع بلندی این کار را انجام می‌دادند و خدا می‌داند که نمی‌گذاشتند دغدغه برای فرماندهان پیش بیاید مخصوصا می‌دانستند که در بعضی جاها شاید سختی‌های فراوانی دارد ولی یک بار هم من به خاطره ندارم که این برادران بزرگ ما جایی را با همه سختی‌هایش بگویند که نمی‌شود. پس این حمایت و پشتیبانی‌ها مهندسی

بخش‌هایی از این روایت‌ها را به قلم برادر کیخا باید موجود داشته باشیم بخش‌هایی را سردار دقیقی ضبط کردند که حال از این‌ها به هر میزان که بهره‌برده بشود این نقش و فعالیت‌ها رو چشمگیرتر نشان می‌دهد.

ما استفاده می‌کنیم از فرمایشات شما، حالا یادداشت‌ها و دست نوشته‌های آقای کیخا بزرگوار به صورت کتاب آماده شده و چند نسخه هم چاپ شده که إن شاء الله اگر توفیقی باشد جلد های بعدی هم إن شاء الله به عرصه نشر برسد.

**می‌خواستیم که از بیانات و اندوخته‌ها و خاطرات شما بیشتر استفاده کنیم و هم اینکه به چیزهایی که کمتر به آن پرداخته شده و یا جایی بازگو نشده از قبیل همین حمایت‌هایی که فرمودید پشتیبانی جنگ جهاد داشته از شما؛ سوالم این هست که آیا تیپ المهدی از بدو تشکیل واحدی با عنوان واحد مهندسی داشته و یا بعدا تبدیل به یک ارگان مهندسی شده؟ و یا این دوستان نقشی داشتند مسئولیت آن با چه کسی بوده؟**

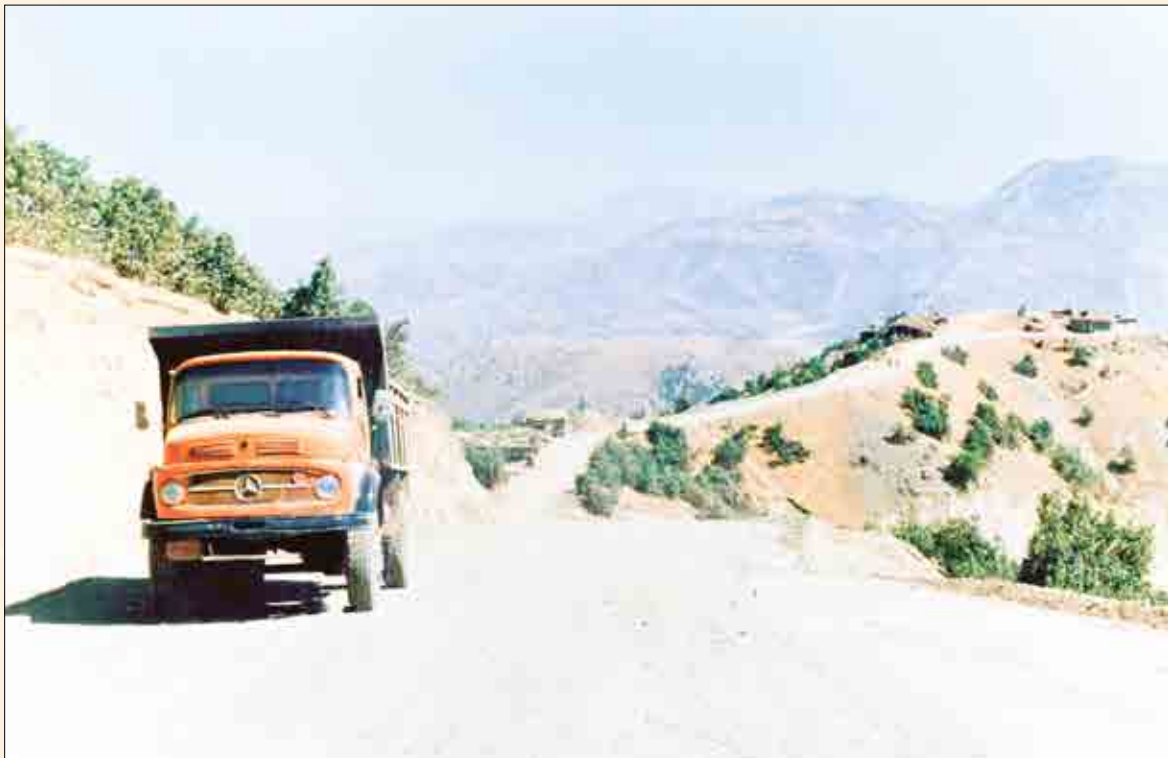
ببینید مهندسی در تیپ المهدی بر عهده آقای حاج حمید صدوری است که الان یکی از مدیران شایسته جهاد هستند و بعد از آن آقای مهدی نشاسته و آقای درستکار هم در آن عملیات مسئولیت خطیر پشتیبانی و به ویژه موتوری را به عهده دارند که امروز از مدیران اصلی کشور و استان هستند.

بنابراین این نقش و حضور برادران که بعدا هم این‌ها به جهاد هم منتقل شدند در واقع این ارتباط و تعامل را برای خدا به شکل برادرانه و دوستانه جدای از شکل سازمانی و ساختاری جذب می‌کردند.

خوب پس ما یک واحد مهندسی رزمی را در تیپ المهدی داریم ابتدا با یک گروهان و بعد هم می‌شود یک گردان دقیقا در تاریخ ۵ اسفند سال ۱۳۶۰ که تیپ المهدی تشکیل می‌شود این گروهان مهندسی که بعد هم به گردان مهندسی ارتقاء پیدا می‌کند. و این ارتباطشان با برادران جهاد به ویژه جهاد کاشان و جهاد اصفهان و

# از هالتوجان تا آکواتان

## خاطرات جهادگر و آزاده سرافراز مرحوم صدرالله نوری



### قسمت ششم

#### مظلومیت آقای «محمدی» و برادرش

محمدی یکی از برادران ارتشی اهل اهر بود که برادر کوچک‌ترش از بی‌راهه خود را به دموکرات‌ها رساند تا با آن‌ها مذاکره و با پول، برادرش را آزاد کند. اما نیروهای دموکرات این بندهی خدا را به عنوان اسیر پیش ما آوردند.

معلوم بود که برادر کوچک‌تر، عاشق آقای محمدی بود؛ آن‌ها در آغوش هم فرو رفته و از دل‌تنگی‌ها می‌گفتند که ناگهان نیروهای دموکرات آمدند و این دو برادر را بیرون بردند و شروع به شکنجه‌ی آنان در پیش چشم یکدیگر کردند.

صحنه‌ی خیلی وحشتناکی بود؛ شاید فقط گفتن این حرف‌ها آسان باشد. آقای محمدی یک ارتشی بسیار باایمان بود. او هنگام دستگیری تیر خورده و پس از آن هم بسیار شکنجه شده بود.

این شکنجه‌های جدید، آن هم در جلوی چشم برادر، آدم را به یاد مظلومیت طفلان شهید حضرت «مسلم ابن عقیل» می‌انداخت.

بعد از مدتی شکنجه آن‌ها را نیمه‌جان به اتاق برگرداندند. سعی کردیم به آن‌ها روحیه بدهیم؛ زخم‌های آن‌ها را پانسمان و خون از

صورت مبارک‌شان پاک کردیم.

دموکرات‌ها مدتی ما را در آن زندان نگه داشتند تا این که صدای انفجار گلوله‌های توپ نیروهای خودی، نزدیک و نزدیک‌تر شد، معلوم بود که این مزدوران عراقی کاملاً شکست خورده‌اند و دارند به سوی قبله‌ی حاجات‌شان یعنی دولت بعث عراق می‌گریزند.

این امر همان اندازه که برای ما خوشحال‌کننده بود برای زندان‌بانان، سخت و ناگوار بود؛ به طوری که دنبال بهانه‌ای بودند تا ما را شکنجه و یا تیرباران کنند.

یک شب، منوره‌های نیروهای خودی را از دور دیدیم و همان شب، سفاکانه ما را به داخل خاک عراق حرکت دادند.

در بین راه هر چه جلوتر می‌رفتیم حال برادر ارتشی ما آقای محمدی بد و بدتر می‌شد. دیگر کمک برادرش هم کافی نبود، من و برادران خاکپور و موسوی به کمک رفتیم تا او سر پا حرکت کند، که اگر خدای ناکرده بر زمین می‌افتاد امید به نجاتش نبود.

در نهایت او بی‌هوش بر زمین افتاد و نیروهای دشمن با قنداق تفنگ به جانش افتادند. برادرش نتوانست این صحنه‌ی دلخراش را تحمل کند؛ بی‌اختیار خود را روی بدن بی‌هوش برادر انداخت و





گریه‌کنان فریاد می‌زد:

«مرا بزنید، هر چه می‌خواهید مرا بزنید.»

سر برادرش را به دامن گرفت و از زندان بانان آب خواست تا او را به هوش بیاورد. آن‌ها چند متر عقب رفتند و ناگهان کینه‌توزانه، هر دو برادر را به رگبار بستند. شاید بیش از ۱۰۰ گلوله به این دو برادر شلیک کردند؛ بار دیگر دل همه‌ی ما آتش گرفت.

### آخرین زندان

هفت شبانه‌روز ما را از تپه‌ای به قلعه‌ای بردند و در خاک عراق به هر سو چرخاندند تا این که در حوالی یک روستا و در یک زندان دواتاقی که به مقرشان در داخل خاک عراق چسبیده بود، جای‌مان دادند.

بیش از پنجاه نیروی مسلح عراقی در آن مقر بود. این جیره‌خواران حزب بعث، حالا داشتند ماهیت اصلی خود را نشان می‌دادند و ما هم از هم‌دستان صدام، انتظاری جز شکنجه و مرگ نداشتیم. کارهایی که معمولاً در آنجا با اسب و الاغ انجام می‌شد را بر عهده‌ی

ما گذاشتند؛ به طور مثال مجبورمان کردند یک شبانه‌روز بدون وقفه، بسته‌های سیمان را از یک روستای دور به زندان حمل کنیم. متأسفانه همه‌ی ما دچار کمردرد و پادرد شده بودیم. جمعی هم در همین مسیر، از کوه و یا رودخانه پرت شده و در همان جا تیرباران و به شهادت رسیدند. اما ما همه با هم عهد بسته بودیم که تا آخرین نفس مقاومت کنیم.

وقتی همه‌ی اسرای مسیر را در آنجا جمع کردند، تعدادمان هشتاد نفر شد که در دو اتاق جا گرفته بودیم؛ هر چهل نفر در یک فضای ۱۲ متری که مخصوصاً در وقت خواب، خیلی سخت‌مان بود. وقتی برای بزرگ کردن زندان، بنایی شروع شد، مجبور بودیم هم روزها برای ساخت یک اتاق بزرگ کار کنیم و هم شب‌ها کیلومترها ما را می‌بردند تا جیره‌ی آن‌ها را از عراقی‌ها بگیریم و به مقر حمل کنیم.

جان‌مان به لب رسیده بود. ظهر و شب غذای‌مان نخود نیم‌پز (آب نخود!) بود. زمان به‌سختی می‌گذشت و ما خشکیده، زرد و رنجور شده بودیم اما مقاومت می‌کردیم.

بازشناسی و تبیین تاریخ انقلاب اسلامی

# رخدادهای دهه شصت



فتح الله نادمی

قسمت هشتم

حوادث آمریکا در طی چند سال گذشته و به خصوص در جریان انتخابات اخیر و ظهور و شتاب نقض بسیاری از قوانین و مقررات انسانی در این کشور، چهره واقعی استکبار جهانی را به خوبی نشان داد؛ تزویر بین‌المللی، دروغ جهانی، ظلم گسترده و تبعیض واقعی همراه با اقدامات شیطانی بر علیه دولت‌های مستقل و کشتار بی‌رحمانه مردم آزاده، با نقاب دموکراسی و دفاع از حقوق بشر! گرچه سیاست‌های نژادپرستانه آمریکا در حبس و کشتار مردم معترض این کشور به تبعیض نژادی، ناتوانی در مدیریت و کنترل فراگیری ویروس کرونا، افتضاح تقلب در انتخابات و رسوایی سیاسی در جریان حمله مردم معترض به ساختمان کنگره و بالاخره حکومت نظامی گسترده برای شروع کار رئیس‌جمهور جدید و... حکایت از روند رو به افول این ابر قدرت، در معادلات و محاسبات جهانی دارد؛ اما تا زمانی که گردانندگان سیاست‌های مستکبرانه ایالات متحده در قالب دو حزب دموکرات و جمهوری خواه، اهداف صهیونیست بین‌المللی را دنبال می‌کنند؛ این کشور همچنان دشمن شماره یک ملت آزاده ایران و نظام اسلامی ما و مخالف سرسخت پیشرفت و بالتندگی کشور ما است؛ همان‌گونه که تاکنون بوده است.

بی‌شک دستور ترور سردار سلیمانی از سوی رئیس‌جمهور تروریست آمریکا و ترور فخری‌زاده از سوی عوامل رژیم صهیونیستی نشان داد که تداوم خط ترور در ایران که از بدو تولد جمهوری اسلامی آغاز و در دهه شصت به اوج خود رسید؛ همچنان در دستور کار آمریکای مستکبر و اسرائیل غاصب قرار دارد؛ راهبردی که با تغییر یک رئیس‌جمهور در آمریکا نه فقط از بین نخواهد رفت؛ بلکه همچنان تداوم خواهد یافت؛ البته با تاکتیک‌های متنوع و نوین! در ادامه مباحث گذشته به این مقطع رسیدیم که اقدامات تروریستی سازمان منافقین که از ابتدای دهه ۶۰ شروع شده بود؛ تا پایان سال ۱۳۶۲ با هدف ضربه به بدنه نظام جمهوری اسلامی شامل پاسداران، بسیجیان و بیشتر، مردم انقلابی طرفدار نظام همچنان ادامه یافت. این واقعیت در آمار ارائه شده از سوی سازمان نیز مشهود است. از میان ۲۸۰۰ نفری که از ۳۰ خرداد ۶۱ تا ۳۰ خرداد ۶۲ در معرض ترور سازمان قرار گرفته و به شهادت رسیدند تنها ۴۰ نفر عضو سپاه پاسداران بوده و بقیه از مردم عادی بودند. این حکایت انتقام‌کشی از مردمی بود که با آگاهی از اهداف این سازمان، آنان را حامی خود ندانسته و به عنوان منافق می‌شناختند.

در نهایت، تعداد کل شهروندان ایرانی که از ابتدای ورود سازمان به فاز مسلحانه تا پایان سال ۱۳۶۲ به دست نیروهای سازمان به قتل رسیدند بیش از ۶۰۰۰ نفر اعلام شد. بر اساس منابع سازمان، این تعداد با احتساب مناطق کردستان و نوار مرزی ۷۰۰۰ نفر بوده است. گزارش عملیات و تخریب در سطح شهرها در این دوره نیز ۱۲۰۰ مورد بود. بر اساس آمار ادعایی سازمان از سال ۶۲ تا ۶۳ تعداد ۵۰۰۰ نفر از نیروهای جمهوری اسلامی در سطح شهرها و مناطق مرزی ایران و عراق، توسط تیم‌های ترور و گروه‌های عملیاتی ترور شدند و ۹۰۰ عملیات تخریب نیز اجرا شد.

با اقدامات گسترده نظام جمهوری اسلامی و دستگیری افراد این سازمان و فرار تعداد زیادی از آنان، عملاً در اواخر سال ۶۲ بدنه نظامی سازمان در داخل کشور از بین رفت.

مرحله سوم اقدامات تروریستی سازمان منافقین از سال ۱۳۶۳ و با نام سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی شروع شد. علی زکشی معاون رجوی ورود به این مرحله را به عنوان دستور کار سازمان اعلام کرد. در حقیقت در این مرحله سه هدف دنبال می‌شد:

- تداوم فعالیت‌های مسلحانه علیه نظام

- قیام توده‌ای در شهرها به‌ویژه تهران

- تمرکز بر آزادسازی منطقه‌ای از مرز ایران (به ویژه کردستان) و تشکیل ارتش خلق برای تصرف تهران

در تداوم دشمنی‌ها با مردم و نظام برخاسته از خواست مردم و در اقدامی ترکیبی و هماهنگ با رژیم بعثی عراق، در ۲۴ اسفند سال ۶۳ انفجار بمبی که به شکل قالیچه یا موکت طراحی شده بود، نماز جمعه تهران را به خاک و خون کشید. در این بمب‌گذاری ۱۴ نفر شهید و ۸۸ نفر مجروح شدند. مقام معظم رهبری در آن زمان به عنوان امامت جمعه تهران در حال ایراد خطبه‌های نماز بودند.

حجت‌الاسلام ری‌شهری وزیر وقت اطلاعات در جلد سوم کتاب خاطراتش به شرح این ماجرا می‌پردازد. ایشان که خود در نماز جمعه حضور داشته می‌نویسد: «روز قبل از انفجار، عوامل بمب‌گذاری از عراق آمده بودند و مواد منفجره در موکتی جاسازی شده بود. موکت را می‌آوردند زیر پای نمازگزاران پهن می‌کنند و خودشان محل را ترک می‌کنند. این بمب از طریق کنترل از راه دور هدایت می‌شده و مرکز هدایتش در پشت‌بام منزل یکی از دوستان‌شان در اطراف دانشگاه تهران بود.» ایشان می‌نویسد: «عوامل انفجار به نام‌های مصطفی لطفی و خالد وزیری به همراه مسعود قادری بودند. آن‌ها پس از عملیات به عراق گریخته و در سال ۶۴ مجدداً از این کشور بازگشته بودند و در تدارک عملیات انفجار دیگری بودند که در تاریخ اول اردیبهشت همان سال دستگیر می‌شوند.»



سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت امور خارجه، مورد حمله دو هواپیمای میگ عراقی قرار گرفت و در ۲۵ کیلومتری شمال اهواز سقوط کرد. گفته می‌شود؛ ستون پنجم دشمن، اطلاعات مربوط به این هواپیما را در اختیار رژیم بعث قرار داده بود.

جنگنده‌های رژیم بعثی ابتدا به خلبان هواپیما پیشنهاد کرده بودند که در صورت فرود در خاک عراق، به او و سایر خدمه پناهندگی سیاسی در هر یک از کشورهای آزاد جهان را خواهند داد و گفته بودند که هدف آن‌ها مسافران این هواپیما است. اما هنگامی که از تسلیم شدن خلبان و مسافران ناامید می‌شوند؛ موشک‌های خود را به سمت هواپیما نشانه رفته و آن را ساقط می‌کنند.

مقام معظم رهبری مدظله‌العالی درباره حضور شهید محلاتی در سپاه و فعالیت او در دوران دفاع مقدس و ارتباطش با رزمندگان می‌گویند: «بنی‌صدر از طرف امام(ره) فرمانده کل نیروهای مسلح شده بود و در سپاه کسانی بودند که با او مخالف بودند. شهید محلاتی باید با هر دو جناح هماهنگ می‌شد و این گاهی اصلا امکان‌پذیر نبود. سوء تفاهم‌ها از همین‌جا شکل گرفت. گاهی از هر دو طرف به او اهانت می‌شد و او را به عنوان واسطه نمی‌پسندیدند. او کارش را در سپاه با یک اتاق کوچک شروع کرد و سعی کرد با صبوری و آرامش پیش برود. در زمان مسئولیتش مدام بین تهران و جبهه‌های غرب و جنوب در حال رفت و آمد بود. من کمتر کسی را از روحانیون می‌شناسم که این‌قدر به جبهه سر زده باشد. حتی در بعضی از عملیات‌ها یا ناظر عملیات بود یا به خطوط مقدم می‌رفت. حضورش و سخنان گرمش و چهره همیشه خندانش و گرم گرفتنش با بچه‌های سپاه و بسیج و ارتش باعث دلگرمی همه می‌شد.»

حضرت امام خمینی(ره) در بخشی از پیام خویش به ملت ایران، دلیل این جنایت را پیروزی‌های بزرگ رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق علیه باطل دانسته و چنین بیان داشتند: «جنایت‌کاران عقلی که در جنگ جبهه‌ها و به‌ویژه جبهه فاو خود را عاجز می‌بینند و سراسیمه به هر دری می‌زنند و برای نجات خود به هر حشیشی متوسل می‌شوند؛ به جنایت مفتضحانه دیگری دست زدند که آبروی نداشته آنان را در مجامع جهان آزاد بر باد داد و آن فاجعه هوایی اخیر بود که جمع کثیری از هموطنان عزیز ما را به شهادت رساندند.» ادامه دارد...

حضرت امام(ره) در بخشی از پیام نوروزی سال ۶۴ در خصوص این انفجار این‌گونه می‌فرمایند: «استقامت در مقابل ظلم، در مقابل این قدرت‌های بزرگ از اموری است که امر شده است. امر شده است که استقامت بکنید و اگر استقامت بکنید پیروز هستید. بحمدالله ایران به این صفت، بسیاری از قشرها به این صفت متصف‌اند. من فراموش نمی‌کنم قصه روز جمعه را که آن‌طور با شکوه، با نورانیت، با استقامت گذشت. آن‌طور مردم با طمانینه، با آن صداهایی که می‌آمد، با آن رگبارهایی که می‌آمد، من ملاحظه می‌کردم، نگاه می‌کردم، مخصوصاً نگاه می‌کردم ببینم در بین مردم چه وضعی هست. ندیدم حتی یک نفر را که یک تزلزلی درش پیدا باشد و آن‌وقت امام جمعه آن‌طور با آن طنین قوی صحبت کرد، مردم آن‌طور گوش کردند، آن‌طور فریاد زدند که ما برای شهادت آمده‌ایم. یکی از این‌هایی که شهید شده است. دو نفر از شان به من گفتند که این وصیت هم کرده است، همین که من می‌روم برای شهادت، وصیت کرده و از همان‌هایی است که در همین جا شهید شده. با یک همچو ملتی کسی نمی‌تواند مقابله کند. ملتی که این‌طور است، آن روزی که اعلام می‌کنند که می‌خواهیم بمباران کنیم نماز جمعه را، بیایند و بیش‌تر بیایند، حتی آن‌هایی که نمی‌آمدند برای نماز. [از] آقراری که برای من نقل کرده‌اند، آن‌هایی که برای نماز جمعه هم نمی‌آمدند هفته‌های دیگر، این هفته آمدند. این یک همچو ملتی است. یک همچو ملتی را نمی‌تواند کسی به‌واسطه بمباران کردن یک جایی، به‌واسطه شرارت‌هایی که دارد می‌شود، این را منصرف کند ملت ما، در مقابل چی منصرف بشود؟! اسلام است و امانت خدا به دست ما. اسلامی است که از صدر اسلام با زحمت و با مشقت، این اسلام تولد پیدا کرده است و هر چه جلورفته است باز مشقت درش بوده.»

گرچه در سال ۶۳ سازمان بیشتر نیروهای خود را از ایران خارج و به کردستان عراق انتقال داد ولی در سال ۶۴ جریان ترور توسط منافقین در سطح کشور به صورت جسته و گریخته تداوم یافت و تعدادی از فرزندان این مرز و بوم به شهادت رسیدند. از جمله در خرداد، شش نفر در تاکستان قزوین را به شهادت رساندند که یکی از مظلومانه‌ترین ترورها بود. ترور در هنگام افطار و سحری و یا در مقابل دیدگان خانواده‌ها. شهید سیدرضا موسوی‌شالی در سحرگاه ۲۷ رمضان هنگام صرف سحری در محل کارش در بسیج شهرستان تاکستان، توسط عوامل نفوذی این سازمان با رگبار گلوله به شهادت رسید. عامل این ترور ظرف مدتی شناسایی، دستگیر و مجازات شد.



## مروری بر تاریخ جهاد سازندگی

# تغییرات و تحولات جهاد سازندگی در دوره‌های مختلف



عبدالله فاتحی

### قسمت بیست و چهارم:

تشکیلات جهاد در این دوره (از ۱۳۶۲ لغایت تصویب قانون مقررات اداری و مالی و استخدامی جهاد در سال ۱۳۶۷): بعد از تصویب قانون وزارت جهادسازندگی در آذرماه ۱۳۶۲، نهاد جهادسازندگی در قالب یک وزارتخانه آغاز به کار کرد.

در این دوره بر اساس ماده ۲ قانون مقررات اداری و استخدامی جهادسازندگی تعداد اعضای شورای مرکزی به همراه وزیر و نماینده ولی فقیه مجموعاً ۷ نفر است که چهار عضو از آنها در رأس چهار حوزه زیر قرار گرفته و مسئولیت اداره و هماهنگی واحدهای مربوط به خود را بر عهده دارند (نمودار شماره ۳) عضو شورای مرکزی و مسئول حوزه روابط عمومی عضو شورای مرکزی و مسئول حوزه امور استان‌ها

عضو شورای مرکزی و مسئول حوزه هماهنگی کمیته‌ها و واحدها.

عضو شورای مرکزی و مسئول حوزه مهندسی جنگ جهادسازندگی

از خصوصیات این دوره قرار گرفتن وزیر جهاد در رأس شورای مرکزی است.

همچنین تشکیل مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی در این دوره صورت گرفت. در این دوره به‌خاطر حضور فعال جهادگران در کلیه عرصه‌های تولیدی و خدمات زیر بنایی، و قرار گرفتن کشور در موقعیت خاص جنگی

و ضرورت حضور جهادسازندگی در عرصه‌های سیلوسازی و سدسازی،

همچنین تسریع در فعالیت‌های سازندگی، نیاز به اداره و احداث واحدهای

صنعتی مرتبط با فعالیت‌های جهاد احساس می‌شد و به‌خاطر محدودیت

وظایف سازمانی جهاد سازندگی که شرح وظایف آن اجازه فعالیت در این

عرصه‌ها را نمی‌داد، با توافق نخست‌وزیر وقت جناب آقای مهندس میرحسین

موسوی قرار شد مؤسسات سه‌گانه توسعه، استقلال و نصر تأسیس شوند و

به‌دلیل منع قانونی تشکیل شرکت از طرف جهادسازندگی مقرر شد تا بنیاد

جانپازان و مستضعفان، این مؤسسات را تأسیس و به جهادسازندگی واگذار

کند و بنیاد هر سه موسسه را در مورخ ۱۳۶۵/۰۵/۲۰ تأسیس و به جهاد

واگذار کرد.

دلایل عمده تأسیس این مؤسسات را می‌توان به شرح ذیل خلاصه کرد:

قانون تجارت یکی از قوانین متقن و استوار کشور است و جهاد سعی داشت

تا از این ابزار نیز در راستای سازندگی بهره‌برد. لذا با انجام فعالیت در قالب

مؤسسات، این امر ممکن بود، و جهاد با تدبیری که اندیشید توانست این

عرصه را بر روی خود بگشاید (پویایی جهاد).

جهاد می‌توانست در قالب این مؤسسات، انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشد

تا در مواقع ضروری خدمات بیشتری را برای انقلاب انجام بدهد (سیلوسازی

- سدسازی و...)

جهاد می‌توانست در قالب این مؤسسات ارزیابی دقیق‌تری نسبت به انجام

طرح‌ها با توجه به هزینه - فایده آنها داشته باشد.

این مؤسسات می‌توانستند، وظایفی را که جهاد به آنها محول می‌کند با دقت

بیشتر و هزینه کمتر انجام دهند.

بعد از تبدیل جهاد به وزارتخانه، طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی بزرگی به سپرده

شد که دیگر نمی‌شد این طرح‌ها را به شکل امانی اجرا کرد و لازم بود

شرکت‌هایی که دارای شخصیت حقوقی مستقلی بودند عهده‌دار انجام این

طرح‌ها به شکل پیمانی باشند. جهاد با تأسیس این مؤسسات سازماندهی

مناسب و جدیدی را با توجه به شرایط بوجود آورد تا اجرای این گونه طرح‌ها

را به این مؤسسات واگذار کند.

با توجه به توان بالای اجرایی جهادگران در عرصه‌های مختلف، با تأسیس

این شرکت‌ها این زمینه فراهم شد تا جهادگران بتوانند در مناقصه‌های سایر

وزارتخانه‌ها شرکت کنند و توان علمی و اجرایی خودشان را بهتر و بیشتر در

خدمت انقلاب در آورند.

### شرح وظایف و موضوع فعالیت مؤسسات

#### - موسسه جهاد توسعه

اهم وظایف این مؤسسه عبارتند از:

انجام امور اجرایی و ارائه کلیه خدمات فنی و مهندسی مربوط به طرح‌های

عمرانی توسعه منابع آب، شبکه‌های آبیاری و زهکشی منابع و تأسیسات

سدهای مخزنی، سدهای تنظیمی و سدهای انحرافی، سازه‌های دریایی و

احداث بندر و اسکله‌های صیادی، راه‌سازی و کلیه ابنیه‌های فنی مربوط به

این تأسیسات و ساختن سیلو و تأسیسات وابسته، واردات هر نوع لوازم و ابزار

و مصالح و ماشین آلات مورد نیاز برای انجام کلیه موارد مذکور.

به‌طور خلاصه این موسسه تعدادی شرکت را تحت پوشش دارد و در زمینه

خدمات طبر بنایی ساخت سیلو، احداث سدهای بتونی، احداث کانال شبکه

و اجرای پروژه‌های ابنیه‌ای فعالیت می‌کند.

#### - موسسه جهاد استقلال

این مؤسسه به منظور اداره و احداث واحدهای صنعتی و تولیدی و ارائه

خدمات مورد نیاز بخش کشاورزی و امور روستایی اعم از واحدهای صنعتی و

تولید کننده و انواع نهاده‌ها و ابزار و ادوات کشاورزی از قبیل تولید لوله‌های

آبرسانی و آبیاری و کانال‌های پیش ساخته و لوازم مربوط و نیز ارائه خدمات

مشاوره‌ای موارد فوق‌الذکر و همچنین انجام کلیه امور بازرگانی، صادراتی و

وارداتی مربوط به موارد فوق و محصولات کشاورزی و روستایی از طریق

اعمال نظام تشکیلاتی با اهداف زیر تأسیس گردید:

• تنظیم و هدایت مستمر حرکت موسسه در راستای اهداف وزارت

جهادسازندگی.

• اداره امور واحدهای تحت پوشش بعنوان مجمع و صاحب سهم و هدایت

آنها در جهت اهداف وزارت جهادسازندگی.

• طرح و توسعه سایر منابع فنی و اقتصادی کشور.



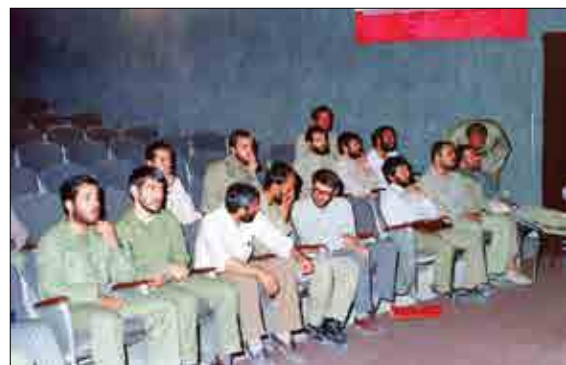
مکان‌ها صید.

- استحصال خاویار به منظور فروش در بازارهای جهانی در راستای تأمین اعتبارات مورد نیاز توسعه شیلات کشور.
- از تحولات مهم دیگر در این دوره واگذاری بخش معادن به وزارت معادن و فلزات و تغییر وظایف کمیته فنی از امور خدماتی به ایجاد و توسعه صنایع روستایی بود.
- همچنین انتقال وظایف سازمان صنایع دستی ایران به جهاد و انتقال مجدد آن به وزارت صنایع (بجز فرش دستباف)
- واگذاری خدمات بهداشتی و درمانی که با موافقت وزارت بهداشتی در مناطق روستایی و عشایری به جهادسازندگی محول شده بود به وزارت بهداشتی.
- خصوصیات ساختاری زیر را در این دوره شاهدیم:
- حیطة وظایف جهاد از امور عمرانی به بخش‌های تولیدی گسترش یافت.
- در این دوره مسئولین کمیته‌ها در حد معاونین وزیر بودند و شورای مرکزی بین معاونین وزیر و وزیر قرار داشت.
- در این دوره جهاد به این نتیجه رسید که برای رفع محرومیت از روستاها بایستی صنایع روستایی و صنایع دستی را وارد روستاها کند و کمیته صنایع روستایی در جهاد شکل گرفت.
- همچنین جهاد در این دوره سعی کرد تا شوراهای اسلامی در روستاها را جایگزین نظام کدخدایی باقی مانده از نظام طاقوت سازد و در این راستا واحد شوراهای اسلامی را در جهاد بوجود آورد.
- در این دوره نیروهای جهادی تقریباً تثبیت شدند و واحد امور داوطلبین به واحد امور جهادگران تغییر نام داد.
- در دوره قبل، امور آب بر عهده واحد آبیاری کمیته کشاورزی جهاد بود، اما در این دوره به علت گسترده شدن این کار و اهمیت دادن بیشتر جهاد به این مبحث این واحد تبدیل به کمیته آب شد.
- در این دوره در سال ۱۳۶۳ سازمان امور عشایر ایران به جهادسازندگی ملحق گردید.
- در سال ۱۳۶۵ موسسات سه گانه جهاد استقلال، جهادنصر، جهاد توسعه تشکیل گردیدند.
- در سال ۱۳۶۶ شرکت سهامی شیلات ایران به جهادسازندگی ملحق شد.
- ساختار سازمان از لحاظ پیچیدگی نسبت به دوره قبل بیشتر شد.
- غیر متمرکز بودن ساختار جهاد در این دوره نیز مشهود است.
- در این دوره نسبت به دوره گذشته جهاد از لحاظ نیروهای جهادی حرفه‌ای‌تر است.
- در این دوره عدم انسجام در ارکان ساختار تشکیلاتی جهاد وجود دارد.
- عدم تبیین روابط میان دستگاه‌های وابسته به وزارت در سطح مرکز و استان‌ها مشاهده می‌شود.
- تشکیلات جهاد از نظر سازمان امور اداری و استخدامی کشور، رسمیت نداشت.

- تجهیز و تقویت مستمر توان تخصصی و تربیت نیروی انسانی.
- اعمال حمایت و پشتیبانی‌های فنی، تحقیقاتی و تکنولوژیکی واحدهای تحت پوشش.
- اتخاذ سیاست‌های اجرایی موثر جهت هدایت و اداره واحدها بر محورهای خودگردان سودآور و تأمین شرایط عملکرد اقتصادی برای رسیدن به اهداف مورد اشاره.

## - موسسه جهاد نصر

- این مؤسسه در زمینه تهیه ماشین‌آلات عمرانی و تهیه وسایط نقلیه سبک، نیمه سبک و سنگین و تهیه قطعات یدکی و ملزومات مورد نیاز از داخل و خارج کشور و توزیع آنها و ارائه خدمات فنی مانند تعمیر و نگهداری و ارائه طرح و شیوه‌های مورد نیاز در این زمینه، تجهیز و کارگاه‌ها و ایجاد شبکه تعمیر و نگهداری فعالیت می‌کند.
- علاوه بر آن، بازسازی و ساخت قطعات طرح و اجرای دوره‌های آموزشی در سطوح مختلف به منظور تربیت کادر فنی مورد نیاز را نیز عهده‌دار می‌باشد. این مؤسسه که انواع ماشین‌آلات را در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی قرار می‌دهد در جهت پیشبرد کار بهتر مؤسسه می‌تواند در داخل و خارج از کشور شعباتی ایجاد کند.
- همچنین در این دوره با توجه به عملکرد خوب جهاد و با پیشنهاد وزیر وقت و شورای مرکزی جهاد در جهت بالا بردن صید ماهی و آبریزان در مورخ ۱۳۶۶/۰۶/۲۵ و بر اساس نظر موافق روسای سه قوه و تأیید حضرت امام خمینی (ره) شرکت سهامی شیلات از وزارت کشاورزی منتزع و به وزارت جهادسازندگی ملحق گردید.
- خط مشی و سیاست وزارت جهادسازندگی در اداره امور شیلات بر محورهای زیر استوار می‌باشد:
- حمایت و هدایت بهره برداران و فعالین زیر بخش اعم از صیاد و یا دست‌اندرکاران پرورش ماهی و همچنین صنایع وابسته در جهت بهره برداری مناسب از امکانات آبریزان کشور.
- ایجاد امکانات زیر بنایی جهت توسعه و عمران مناطق صیادی از طریق ایجاد اسکله، موج‌شکن، راه، آب و برق.
- فراهم آوردن تسهیلات پشتیبانی صیادی از طریق ایجاد واحدهای مجتمع صیادی، تأسیس واحدها پرودتی، خرید تضمینی صید اضافی صیادان به قیمت تثبیت شده ایجاد تأسیسات ساحلیو بندی نظیر منابع آب، سوخت، سایبان و تهیه یخ، تأمین احتیاجات صیادان از قبیل چوب، تور، طناب، موتور و غیره، تأمین اعتبارات مورد نیاز صیادان به صورت وام و بالاخره انجام تحقیقات به منظور شناخت امکانات و ترویج و آموزش روش‌های مناسب صید و عمل‌آوری.
- کنترل و حراست ذخایر از طریق بازسازی ذخایر و کنترل ابزار صید و



گفت‌وگوی منتشر نشده با سردار جهادگر شهید حاج هدایت‌الله مصلحیان

## جهاد و ممکن کردن ناممکن‌ها



عملیات والفجر ۸، از سمت راست: رضا نوناش، ناشناس، شهید مصلحیان، سید آزاد جوکار

امروز شنبه مورخ ۶۵/۱۲/۹ در خدمت برادر مصلحیان هستیم با تشکر از ایشان بابت وقت گرامی که در اختیار ما گذاشتند. از ایشان می‌خواهیم که ضمن معرفی خود، در رابطه با تشکیلات گردان و جهاد فارس و کارهایی که در کربلای ۴ و ۵ به گردان محول شده است توضیح دهند.

«بسم الله الرحمن الرحيم» با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، با سلام و درود به ارواح مقدسه‌ی شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی، شهدایی که زمین خوزستان، غرب و شمال غرب از دست آنها در آسایش نیستند، و آفتاب خجالت می‌کشد از اینکه نورافشانی کند در مقابل ایثار و عظمت این عزیزان، و با سلام و درود به کلیه‌ی رزمندگان اسلام.

پشتیبانی جنگ جهاد فارس، از همان اوایل جنگ وارد منطقه شد، با فرماندهی حاجی آقا جزایری که وارد اهواز شدند و مدتی در اهواز بودند. از آنجا حرکت کردند به طرف خرمشهر و پس از صعود خرمشهر در آبادان مستقر شدند. به طبع چون از اول در آبادان مستقر شدیم معمولا کارهایی که در منطقه‌ی اطراف آبادان، خرمشهر و فاو بود بیشترین بارش با مهندسی پشتیبانی فارس بود. نمونه‌اش، قبل از عملیات والفجر ۸ که اکثر جاده‌های مواصلاتی و آنتنی‌های منطقه و جاده‌های تویخانه و جاده‌های معروف شهدا - که اکثر جاده‌های احداثی از آنجا منشعب می‌شد توسط پشتیبانی فارس احداث شده بود.

در والفجر ۸، در منطقه فاو و اسکله‌های منطقه بقیه‌الله که یکی از مهمترین پل‌های منطقه بود و بیشترین تردد قبل از والفجر ۸ روی پل انجام می‌شد گاهی کیلومترها تانک و کمرشکن و کمیرس پشت این پل پارک می‌شدند تا برای تردد نوبتشان شود. برای تعمیر ریل‌های این پل‌ها دو اکیپ گذاشته بودیم، برادران به طرف دهانه‌ی خلیج فارس جاده‌ای کشیدند و بیشتر کارهای قبل عملیات والفجر ۸ تقریبا توسط عزیزان و برادران پشتیبانی فارس انجام شد، ما هم که حدود ۲ سال به عنوان خدمتگزار در خدمت این عزیزان هستیم، و این ادعای ایفای نقش در جاده و خاکریز و ... نداریم فقط خوشحالییم از اینکه آمدیم و در خدمت برادرها هستیم.

**جهاد فارس کدام پل را زد؟ و در مورد**

### صحبت‌های آیت‌الله رفسنجانی در مورد آن پل توضیح دهید.

پل بقیه‌الله روی بهمین شیر بود. ابتدا بهتر است به کمی توضیحات در مورد عملیات والفجر ۹ داده شود، آن موقع بنده به عنوان مسئول پشتیبانی در خدمت برادرها بودیم، اولین کارم در قسمت بانه بود و کوهی به نام سرخ کوه و جاها مواصلاتی بود به طرف پایگاه‌ها که بعد از آن نقطه جیشی عملیات والفجر ۹ بود. که هدف این عملیات نزدیک شدن به شهر سلیمانیه و مقابله با تجمع نیروهای عراق در فاو بود. و بعد عملیات والفجر ۸ آغاز شد از آنجا چون از کربلا ما مور شده بودیم عملیات قادر هم که می‌خواست شروع شود. به طرف اوشنویه و مرز ترکیه که حدود ۶۰ کیلو متری خاک عراق آنجا یک جاده‌ای بود. جاده‌ی عجیب و غریبی بود با توجه به اینکه برادران ما بیشتر توی جنوب کار کرده بودند و بیشتر با باتلاق و خاک و این مسائل سرکار داشتند حالا وارد یک منطقه کوهستانی و صعب العبور با ارتفاعات بلند می‌شدند. با وجود مشکلات در آن ارتفاعات با توجه به سبقه برادران فارس در عملیات والفجر ۲ به یاری خدا برادرها بلافاصله توجیه شدند و سریع کار کردند.

آنجا یک جاده حدود ۲۳ و ۲۴ کیلومتر باید کشیده می‌شد و یکی از پایگاه عراق را دور می‌زدیم بعد می‌رفتیم جناح راستشان، برادرها از صبح روی بلدوزرها کار را شروع می‌کردند فقط برای نماز پایین می‌آمدند مخصوصا شهید بزرگوار حاج خلیل که مهندس بود و باید می‌ایستاد و فرماندهی می‌کرد ولی خودش پشت دستگاه نمی‌نشست و بیشترین کار و فعالیت را انجام می‌داد. یکی دیگر

از برادران به نام شهید صفدر نیکزاد بود که در عملیات کربلای ۵ شهید شد ایشان از رانندگان جهاد استان بود که یادم نمی‌رود از شدت کار کردن روی دستگاه بی‌حال شد او را زیر یک درخت کشیدیم دکتر برایش سرم وصل کرد. که بعد از تمام شدن سرم با آن وضعیت می‌خواست دوباره پشت دستگاه بشیند ولی با هر مشقتی او را به عقب برگرداندیم. رشادت‌های برادران به قدر عظیم بود که آقای رفسنجانی گفت: «که در عملیات قادر پشتیبانی نمره‌ی ۲۰ گرفت».

عملکرد برادرهای مهندس واقعا چشمگیر بود. به دلیل شرایط اقلیمی و کوهستانی منطقه اگر انفجار صورت می‌گرفت دشمن می‌فهمید پس باید جاده با گریدر، بلدوزرها احداث می‌شد. بعد از اینکه تمام شد به آبادان برگشتیم. به دلیل اینکه خیلی از عزیزانمان مثل حاج احمد پورمیدانی و ... را در منطقه آبادان از دست داده بودیم و خاک خوزستان به خون این عزیزان آغشته شده بود. نیروها علاقه‌ی عجیبی به این منطقه داشتند و و بعد از اینکه در هر منطقه‌ای کارمان تمام می‌شد همه می‌گفتند به آبادان برگردیم.

به آبادان که رسیدیم، عراق شروع به بمباران اسکله‌های آذر پل و اسکله‌های I خارک کرد که باز از طریق کربلا از ما خواستند مسئله خارک را حل کنیم. برادران شرکت نفت تا آن موقع بمباران به آن شکلی ندیده بودند و از لحاظ روحیه تضعیف شده بودند. خارک و روحیات آن برادران از دست رفته بود. شرق خارک از نیروهای مردمی تخلیه شده بود. موقعی که آژیر خطر کشیده می‌شد تنها کسی که آنجا تردد می‌کرد بچه‌های جهاد بودند. یک شور و شوق عظیم و

و چند تا از برادرهای دیگر هم بودند و هر کسی نظر و پیشنهادش را داد. من گفتم که بهتر است لوله بندازیم و رویش خاک بریزیم به هر حال باید مسئله‌اش را حل کنیم. یک نهر بزرگی در جاده امام حسن بود که ما آن را با خاک پر کردیم و در پر کردن یک مقداری تجربه داشتیم که همانجا تصویب شد که پل را پر کنند. صبح برادر روح امین و شهید بزرگوار حسین عبدالهی برای شناسایی رفتند. گفتم که این برادرها که اول آبادان بودند نقطه نقطه جای این منطقه را واردند که کجا بهتر است پر کنند، کجا عرض و عمق کمتر است، کجا شدت جریان آب بیشتر است. حسین عبدالهی و روح امین همین نقطه‌ی فیاضیه بالاتر از پل فیاضیه که عرض ۹۰ و ۱۰۰ متر داشت و تقریباً سه راه کارون می‌شد را انتخاب کردند.

#### از نظر ارتفاع چند متر بود؟

ارتفاعش تقریباً ۳ و ۷ متر آب داشت قرار شد آنجا عملیات رزهی انجام بدهیم. یعنی دوبه‌ها که در روخانه فاو است را به طرف همانجایی که قرار بود روی دوبه خاک بریزند بیاوریم. جهاد نجف آباد از آن طرف اهواز آمده بود که این برادرها سرعت عمل بالایی داشتند. ما هم آمدیم پل‌ها را می‌خواستیم بکنیم بیاریم اینجا دیدیم که سریع و راحت می‌شود با خاک پرش کرد در عرض ۳۶ ساعت رود بهمن شیر را پر کردند. عراقی‌ها که دیدند دوباره ماشین‌ها راه افتاده‌اند فکر می‌کردند آنجا پل است و آنجا را به آتش گرفتند که دیگر هیچ فایده‌ای نداشت و نمی‌توانستند جلوی تردد ماشین‌ها را بگیرند. بچه‌ها آنجا ایستاده بودند بعد از اینکه روی جاده راکت می‌خورد سریع با کمپرسی خاک می‌ریختند و جاده را پر می‌کردند. یکی از برادرها از تهران آمده بود و گفت در جلسه بودیم که اعلام کردند عراق همه پل‌ها را زده و آب در حال حرکت به سوی خرمشهر است و اوضاع بسیار خطرناک است این درحالی بود که عراق هم اعلام می‌کرد شما هیچ عقبه‌ای ندارید و تسلیم شوید. این برادر می‌گفت در جلسه هر کسی نظری می‌داد یکی از حاضرین در جلسه گفته بود: «شما تا جلسه‌تان تمام بشه بچه‌های رزمنده کارشان را می‌کنند.» و واقعیتش هم همین بود.

#### اسم این برادر را می‌دانید؟

نه، اسم ایشان را نمی‌دانم. ولی برایم تعریف کردند زمانی که خبر پر کردن بهمن شیر را به مسئولین دادند، آن‌ها خیلی خوشحال شده بودند. برادران جهادی چه در کارشان و چه در پشتیبانی همه را خوشحال می‌کردند. ما مسئولانمان را مومن می‌دانیم و معتقدیم شاد کردن دل مومن باعث شادی دل امام زمان (عج) می‌شود.

و طول ۱۱ کیلومتر بود. برادرها شبانه روز روی این جاده کار می‌کردند نصف این جاده برای توپخانه بود و نصفش برای تردد ماشین‌های سبک و سنگین. بود این جاده T مانند بود. از جاده‌ی خسروآباد شروع می‌شد و به اسکله‌های می‌خورد ما آنجا با محور ۲۵ عمل کردیم.

در کربلای ۵ و والفجر ۸ که عزیزان ما حماسه‌ها آفریدند، آقا مرتضی قربانی به آقای محسن رضایی گزارش کار می‌داد. نمی‌دانست که حاج خلیل شهید شده و می‌خواست به ایشان خدا قوت بگوید. بنده گفتم ایشان بوسیله لوادر و بلدزهایش عراقی‌ها را محاصره می‌کرد و ما می‌رفتیم آنها را دستگیر می‌کردیم. این مرد بزرگوار و سردار رشید اسلام و معلم اخلاق بود، شخصاً از او درس می‌آموختم و در مقابل این استاد بزرگ یک شاگرد بودم.

حدوداً تا مرداد ماه در فاو بودیم که کار پدافندی فاو هم تمام شد. البته روی الوند هم اولین پلی که احداث شد پل خیبری بود که برادرها شبانه روز فعالیت می‌کردند. ۲ و ۳ بار موفق شدند پل خیبری (۲) را احداث کنند که بعد به لحاظ فشار آب و عرض رودخانه‌ی الوند این پل به صورت کامل احداث نشد، خاتم، حر و کربلا آمدند و گفتند چرا نمی‌شود؟ ولی متوجه شدند واقعا راهی ندارد. برادرها در مقرر نشستند طرح همان پل‌های فجر دار را ریختند، همانطور که گفتم جهاد فارس از سال ۶۲ در منطقه بودند و تجربه ساخت پل بقیه‌الله که پل دوبه‌ای بود برادران با ابتکار خود لوله‌ها را به وسیله‌ی شاخه‌های استیل، زنجیر به هم وصل کردند که حالت شناور به خود گرفت و تحمل وزنی نزدیک ۱۰ تن را داشت. واقعا خدمت عظیمی به والفجر ۸ بود. بعد تجربه پل ابوشانک که برادرها زده بودند. اما عراق آمد و به طور کلی پل‌های منطقه را زد. برادرها ۹ پمپ گذاشتند که آب‌ها را تخلیه کنند اما دوباره آب می‌آمد و همه جا را پر می‌کرد. خلاصه پل فیاض، پل خرمشهر، پل حفاری شرقی زد، پل داراوخین، پل ایستگاه ۷، پل ایستگاه ۱۲، پل ابوشانک حتی اون پل خیبری (۲) و را زد و حتی پل بقیه‌الله را هم زد ما هیچ عقبه‌ای نداشتیم و تمام ماشین‌ها در آبادان سرگردان بودند. شبانه واحد پل‌سازی وارد عمل شد همان شب مجدداً ابوشانک را بهم وصل کردند که سه تا از عزیزانمان شهیدان حسینی، بلوایی، آقا عبدالهی همانجا به درجه‌ی رفیع شهادت نائل شدند. تنها پل ارتباطی جزیره‌ی آبادان و عقبه ما همین پل خیبری (۲) بود که برادرها همت کردند و این پل را احداث کردند. تا اینکه شب ستاد کربلا بودیم در مقرر ما برادران جمع شدند که تکلیف چیست و چکار باید بکنیم. برادرهای جهاد اصغر، آقای روح‌امین

عجیبی آنجا به راه انداختند سنگرهای بتونی احداث کردند و بعد از آن آموزش می‌دادند. آن جزیره از لحاظ موقعیت بسیار مهم بود. و به دلیل کم بودن ارتفاعات جزیره رادار خوب جواب نمی‌داد. که همین باعث شد روی یکی از کوه‌های خارک ساخت پایگاه سایت را شروع کنیم. یک سایت موشکی که خود نیروی دریایی و هوایی اعلام کرده بود برای ساخت جاده‌اش، ۶ ماه وقت لازم دارند. که شهید بزرگوار حاج حسین عبدالهی در عرض ۶ روز این جاده را تمام کرد و کل سایت ۲۰ روزه عملیاتی شد.

#### جاده‌ی که ۶ ماه احداث طول می‌کشید را چطور ۶ روزه انجام دادید؟

فرماندهان نظامی که همیشه اظهار داشتند جهاد کارهای نشدنی را شدنی می‌کنند. البته به لحاظ ایمان و توکل بالای برادرها انجام شد و خدا در همه کارها به ما کمک کرد. چون شرایط جغرافیایی به لحاظ وجود کوه‌های مرجانی و تشکیلات نفتی واقعا کار را برای ما سخت می‌کرد.

#### مشکلات وجود کوه‌های مرجانی در منطقه چه بود؟

کوه‌های مرجانی، کوه‌های خیلی سختی بودند و کندن آنها بسیار مشکل بود. برادرها تنها با بلدوزر و لوادر این کار را می‌کردند. در عرض ۶ روز جاده احداث شد و سایت را عرض ۲۰ روز عملیاتی کردند. بعد پدافند اطراف خود جزیره خارک بود که این مشکل دیگری بود چون کوه کوتاه‌تری زیر آن کوه بلند سایت قرار داشت و جرتقیل نمی‌توانست از روی کوه بگذارد. حاج حسین عبدالهی در عرض ۱۶ ساعت مثل ذوالفقار علی (ع) کوه را به دو نیمه کرد که جرتقیل به راحتی روی این کوه آمد. و توانستیم کار را تمام کنیم. بعد از انجام کار به آبادان برگشتیم. و مقدمات عملیات والفجر ۸ را شروع کردیم. خط و خطوط عملیات آنجا را از جزیره‌ی امام علی شروع کردیم و جاده امام حسن نیز یک مقدار جاده کشیده شد. بعد جاده شهید مصطفی عباسی بود که از جاده‌های اهواز حدود ۱۷ کیلومتر می‌خورد به جاده ماهشهر و از آنجا به جاده وحدت کشیده می‌شد. که استفاده‌ی زیادی هم در عملیات کربلا از آنجا شد. از جاده می‌شد دور زد و به جاده وحدت و سپس به آبادان رفت. وزارت راه این جاده را آسفالت کرد و جاده‌ی خیلی خوبی شد.

جاده‌ی شهدا هم که می‌دانید در سال ۶۲ جهاد سازندگی فارس احداث کرده بود از کجا شروع می‌شد و به شهر قصر ختم می‌شد، جاده‌ای بود که از جاده شهداء به طرف جاده‌ی آیت‌الله غفاری منشعب می‌شد. این جاده دارای عرض ۲۰ متر

بخش اول مصاحبه منتشر نشده از سردار جهادگر شهید سید مرتضی آوینی

## باراویان فتح

در خصوص گروه تلویزیونی جهادسازندگی و مجموعه روایت فتح



حماسه و راز و نیاز جاری جبهه‌ها، به خانه‌ها راه پیدا کرد و مردم، انگار برای اولین مرتبه جنگ را در خانه‌ی خود به تماشا نشستند. چهره‌ی ملموس و روح معنوی جنگ، برای اولین بار به تصویر درآمد و تو می‌دیدى که فیلمبردار پایه‌پای رزمندگان درست از اولین خاکریز خط مقدم و از جابه‌جایی و انهدام دشمن فیلمبرداری می‌کند. و می‌دیدى که رزمندگان در واپسین دقایق آغاز عملیات، چه حال و هوایی دارند. و در آن ظلمت سنگر، می‌دیدى که چگونه سیل اشک پاک

امروزش در قامت یک وزارتخانه. خیلی از آن تکه‌های معطر را که بر شمرديم، برچیده شد. با این‌همه، یکی از این تکه‌های خوش عطر و بو، در تلویزیون ماند و شد: جهاد تلویزیون. و حالا در تشکیلات صدا و سیما شخصیت پیدا کرده است و شده:

### گروه جهادسازندگی:

وقتی پخش اولین مجموعه‌ی روایت فتح از شب عید ۶۵ از تلویزیون آغاز شد، گرد و غبار و داد و قال و بوی باروت و انفجار و

رد پای جهادسازندگی خیلی جاها به چشم می‌خورد. سابقا که خیلی بیشتر: جهاد ادارات، بانک‌ها، معادن، صنایع، مدارس، دانشگاه، آب، برق، شهر، روستا ... خلاصه انگار جسم متبرک و پر فیض جهادسازندگی را که با نفس ملکوتی حضرت امام (ره) حیات یافته، هزار تکه کرده بودند و سر هر کوی و برزنی، یک تکه از آن‌را به‌جایی آویخته بودند تا رهگذران، عطر و بوی انقلاب را از آن استشمام کنند. بنا به هر دلیل خوب و بد، دست و پای جهاد محدود شد به وضعیت

مجموعه نهادی





و بی‌ریا صورتشان را می‌شوید و سر در آغوش هم از کربلا و مظلومیت ابا عبدالله می‌گویند. و کمی بعد، در همان تاریکی و سنگینی شب، صف طویل و پر شکوه دلاوران اسلام را می‌دیدید که سلاح بر دست می‌برد و یکی از رزمندگان را بیرون می‌کشید و او را به صحبت وامی‌داشت. رزمنده که قطار فشنگ بر خود حمایل کرده و یک آرپی‌جی بر دوش دارد، در جواب این سوال که اهل کجایی؟ می‌گوید: «مشهد». و در جواب اینکه در این عملیات مسئولیت تو چیست؟ می‌گوید: «خطشکن!» و کمی بعد، همین رزمنده‌ی مشهدی و خطشکن بی‌ریای آن شب پسر فروغ را می‌بینی که در مغازه‌اش در مشهد، مشغول ماست‌بندی است. و تو با ربط این دو تصویر، همان احساس مطلوب و مقدسی را در ضمیر خود و دیگران مزه مزه می‌کنی که تا به آن روز نچشیده بودی. این رزمندگان ما، غریبه نیستند. تافته‌ی جدا بافته یا از نظر قد و قواره، فوق‌العاده نیستند. این است که با تصویر تلویزیون احساس قربت می‌کنی.

در تلویزیون خودت را، فرزندت را، همسایه‌ات را می‌بینی که خطشکن شب حمله است. ماست بند سر کوچه را می‌بینی که سلاح بر دوش، برای شکستن استحکامات دشمن می‌رود، این یعنی حزب‌الله. پس می‌بینی که برای اولین مرتبه، حزب‌الله در جایگاه خود به تصویر در می‌آید و لاجرم بر دل می‌نشیند.

چهره دیگری از جبهه برای اولین بار تعریف می‌شود که تا آن موقع مخفی مانده بود. و بعد نام گروه جهادسازندگی بالا می‌گیرد و مجموعه دوم روایت فتح، تو را با مردم دور و برت آشناتر می‌کند.

اهل آن آبادی دور را می‌بینی که چهار شهید داده و خودش هم راهی می‌شود و با آن نوجوان نجف‌آبادی را می‌بینی که ساک سفر بر دوش، قاچاقی سوار اتوبوس شده و زار می‌زند که اجازه بدهند همراه رزمندگان به جبهه برود. این‌ها یعنی ترسیم زندگی جاری مردم.

یک‌دفعه می‌بینی در لابلای برنامه‌های عادی یک برنامه برجسته می‌شود و به خانه‌ها و دل مردم راه پیدا می‌کند و حدیث «فتح» را «روایت» می‌کند. این است که راه می‌افتیم به جام جم تا از ترکیب و فضای زندگی بچه‌های جهاد گزارش تهیه کنیم

و ببینیم این‌ها که برنامه‌ی روایت فتح را می‌سازند، از وسعت دم و دستگاه تلویزیون چه حال و روزی دارند.

گزارشی که در پی می‌آید، جزئی از تمام ارزش‌هایی است که من در ساختمان جمع و جور بچه‌های جهاد دیدم و اگر بخواهی مو به مو با آنها دمخور شوی و از فکر و ذکر آنها خبر بگیری، یک راه میانبر پیشنهاد می‌کنم و آن اینکه انگار تکه‌ای از فضای جبهه را جدا کرده‌ای و چسبانده‌ای به تشکیلات تلویزیون.

وقتی وارد قسمتی که بچه‌های جهاد مشغول کارند می‌شوم، صداهای عجیب و غریب به گوشم می‌خورد. صدای تیربار و انفجار و الله‌اکبر رزمنده‌ها و شلیک آرپی‌جی و صدای صحبت ناآشنایی که از منطقه می‌گوید و از روحیه بچه‌ها، تصمیم می‌گیریم بدون اینکه بگوییم برای چکاری آمده‌ام، یک

چرخ‌ی در اتاق‌ها بزنم. درب اتاق اول را که باز می‌کنم، قفسه‌ها را پر از قوطی‌های فیلم می‌بینم که «آرشیو» شده‌اند. دو سه نفر از بچه‌ها مشغول بازبینی فیلمی از ویدئو هستند. سلام و علیکی رد و بدل می‌کنیم و می‌آیم بیرون. درب اتاق دوم بسته است، اما صدایی گرم از آن بیرون می‌زند. «... در سفر زمینی، پا مجروح می‌شود و در سفر آسمانی: دل» درب را آهسته باز می‌کنم، برادری پشت میز مونتاز گرم کار است. آن‌قدر که متوجه حضور چشم‌های کنجکاو من نمی‌شود، درب را به آرامی می‌بندم و راه می‌افتم.

از ابتدای ورود، صدای قرآن از دور به گوشم رسیده بود، حالا صدا را نزدیک‌تر می‌شنوم. راهم را به آن طرف کج می‌کنم و آرام از کنار یک قفسه‌ی چوبی سرک می‌کشم. جوانی لاغر و سفید روی، پشت میز مونتاز نشسته

مسئله انقلاب، حضور موثر جهادسازندگی در پشتیبانی و مهندسی - رزمی جنگ است. جهادسازندگی چه از نظر امکانات و چه به لحاظ سرمایه‌گذاری از اعضاء مخلص خود، نقش حساسی در جنگ داشته و دارد. طبیعی است که گروه ما هم، برای ثبت و ضبط صحنه‌هایی که شاید در تاریخ بی نظیر است و بی‌های و هوی تکرار می‌شوند، همت گمارد و در این مسیر برنامه‌ریزی کند.

### به نظر شما توفیق مجموعه‌ی روایت فتح در چیست؟

مجموعه‌ی روایت فتح سبکی از ساخت فیلم را به‌دنبال دارد که شرح مختصر آن شاید به سوال شما کمک کند. برادرانی که برای تهیه این مجموعه در قالب گروه‌های فیلمبرداری به منطقه می‌روند، از سرمیل راهی جبهه می‌شوند.

این گروه‌ها از یک فیلمبردار، یک کمک فیلمبردار، یک صدا بردار و یک راننده تشکیل شده‌اند. این بچه‌ها با اینکه مشکلات ظاهری زیادی مثل: خانواده و پدر و مادر و درس و ... دارند ولی مانند سایر رزمندگان، جنگ را اصل می‌دانند و نمی‌گذارند این مشکلات آن قدر در نظرشان مهم شود که اصل مسئله را تحت‌الشعاع قرار دهد و مانع شود. هدفی هم جز جلب رضایت خداوند متعال ندارند. چون نیتشان این است، و عملشان هم به‌دنبال این نیت مقدس به فعلیت در



شهید حاج محمد علی طالبی (فیلمبردار) اولین شهید گروه تلویزیونی جهاد و سید محمد جعفری (صدا بردار)

جایگاه جهاد تلویزیون را باید از برنامه‌های آن شناخت. این برنامه‌ها دو قسمت مشخص دارند: برنامه‌های روستایی - برنامه‌های جنگی.

برنامه‌های روستایی بیشتر نشان دهنده‌ی فعالیت‌های برادران جهادگر مادر روستاهای کشور می‌باشد و این بر می‌گردد به همان فرمان حضرت امام در مورد سازندگی و شرکت همه جانبه‌ی مردم در امر سازندگی کشور. قسمتی از توان گروه صرف تهیه و ارائه این فعالیت می‌شود، و طبیعی است تهیه و تدارک این برنامه‌ها مستلزم حضور در تمامی نقاطی است که برادران جهادگر ما برای سازندگی در آن مناطق حضور دارند. قسمت دیگر فعالیت‌های این گروه، متوجه جنگ است. شاید انگیزه‌ای که باعث شد ما به طرف جنگ کشیده شویم، منهای عشق و علاقه‌ی بچه‌ها به این اصلی‌ترین

است و فیلم را عقب جلو می‌کند. در کنار او، ضبط صوتی را می‌بینم که منشأ پخش همان آیات قرآنی است. جوان همچنان که گرم کار است، با صدای قاری، همخوانی می‌کند. و عجیب‌تر اینکه جوان لباس سپاه بر تن دارد. بعداً بچه‌ها توضیح می‌دهند که عده‌ای از برو بچه‌های بخش فیلم‌سازی سپاه (منطقه یک ثارالله) به جمع بچه‌های جهاد پیوسته‌اند و منشاء خیرات بسیاری هم بوده‌اند. جوان را با نوای روح‌بخش قرآن، به‌خود وا می‌گذارم و راه رفته را بر می‌گردم. توی راه به‌خود می‌گویم: ببین چطور این‌ها کار خود را با روح قرآن ربط داده‌اند؟ جلوتر که می‌روم، با مشاهده‌ی جمعی که صمیمانه دور هم حلقه زده‌اند و راجع به موضوعی صحبت می‌کنند، غافل‌گیر می‌شوم و مجبور می‌شوم بگویم که برای چکاری آمده‌ام.

با بچه‌ها خیلی صحبت می‌کنم، چه با بچه‌های جهاد و چه سپاه. این صحبت‌ها در حالی صورت می‌گیرد که آثار شهادت «شهید ابوالقاسم بوذری» و «شهید رضا مرادی‌نسب» را بر در و دیوار ساختمان و در لباس سپاه بچه‌ها مشاهده می‌کنم. این دو عزیز، در عملیات کربلای (۵) در حین فیلمبرداری از خطوط مقدم و ثبت و ضبط پیروزی‌های چشمگیر این عملیات، به شهادت رسیده‌اند. ما حاصل صحبت‌ها و اظهار نظر بچه‌ها را از آنجایی که اصرار داشتند نامی از آنها برده نشود، در زیر می‌آورم. باشد که انتقال این نظرات که از دل نورانی این عزیزان برخاسته، تاثیر قابلی بر فضای فیلم‌سازی و کلا تلویزیون بگذارد.

### جایگاه گروه تلویزیونی جهادسازندگی را در کلیت تلویزیون چگونه می‌بینید



فیلمبرداران حمید منزوی و حمید داعی مصاحبه با حاج ابوالفضل حسن بیگی - جاده سیدالشهدا (ع)

برنامه‌های روایت فتح هستند. به انسان‌های در جبهه باید اهمیت داده شود. آنانی که با پشت پا زدن به مشکلات و علائق خود، با عشق راهی منطقه شده‌اند یعنی جانس را کف دستش گرفته و آمده جبهه. آنگاه ما از شلیک و توپ و خمپاره فیلمبرداری کنیم؟ تصاویر انفجار در فیلم‌های خارجی به خوبی دیده می‌شود، اما آنچه میان جبهه ما با سایر کشورها تفاوت دارد، دریای وجود رزمندگان ماست. البته این به معنی آن نیست که ما از ماشین جنگی دشمن غافل شویم. بعد از آنکه فیلم‌ها گرفته شد و گروه‌ها بازگشتند، خود بچه‌ها غالباً صدا و تصویر را با هم سینک می‌کنند و کار کلا توسط برادری که حکم برادر بزرگتر نسبت به بقیه دارد، مونتاژ و متن گذاری می‌شود. این برادر چون عمق ارزش‌های جنگ را حس می‌کند و جنگ و اسلام را می‌شناسد و روحیات بچه‌ها را می‌داند، با آن احساس و شناخت و شوری که نسبت به رزمنده‌ها دارد، فیلم‌ها را آماده می‌کند. پس می‌بینیم کار خیلی خوب عاقبت به خیر می‌شود.

**منبع: نشریه جهاد- شماره ۹۷  
اردیبهشت ۱۳۶۶**

یا موقعیت محل به گونه‌ای است که امکان استراحت نمی‌دهد و این در شرایطی است که طول روز را تلاش کرده و باید صبح زود، در منطقه‌ای باشند که به تازگی در آن عملیات صورت گرفته و صحنه‌ها و تصاویر بدیع در آنجا حاصل می‌شود. این است که گروه خواب و خوراک خود را به حداقل می‌رساند و در عوض خداوند هم با تاییدات خود، آنها را موفق به ثبت صحنه‌های بدیع و بکر می‌سازد. موفقیت دیگر برنامه شاید به این خاطر باشد که برادران ما کمتر به ماشین جنگی دشمن اهمیت می‌دهند و آن جذابیت‌هایی که گاه برای فیلمبرداری دیگر مطلوب است، بچه‌های ما را به خود نمی‌کشد. بچه‌ها در جبهه، بیشتر روی خود رزمنده‌ها تاکید می‌کنند. این رزمنده‌ها هستند که غول ماشین جنگی دشمن را ذلیل و زبون ساخته‌اند. باید رزمنده‌ها چیزی قوی‌تر از آن غول همراه خود داشته باشند، و آن ایمان رزمندگان ماست. خلوص‌شان است. فیلمبرداری از رزمنده‌ها و انعکاس روحیات آنان است که ارزش است. بچه‌های ما به آنان اهمیت می‌دهند. با رزمنده‌ها نشست و برخاست می‌کنند. از آن‌ها سوال می‌پرسند، شاید بشود گفت رزمندگان رمز اصلی توفیق

می‌آید و در حقیقت عملشان، نیتشان را تایید می‌کند. خداوند هم در جبهه‌ها توفیق بیشتری نصیبشان می‌کند و این اختصاص به بچه‌های جهاد (روایت فتح) ندارد، هر گروهی و هر کسی در هر جا، اگر به دنبال رضای خداوند باشد، خداوند درهای رحمت خود را به روی آنها می‌گشاید. درصد توفیق بچه‌ها به مقدار خلوصشان بر می‌گردد. به‌طور مشخص‌تر، بچه‌ها با ورودشان به جبهه، همانند رزمندگان و در شرایط سخت جنگ، خواب و استراحت ندارند و گاه شده است که بچه‌ها تمام طول روز را پابه‌پای رزمندگان تلاش کرده‌اند و شب که ظاهراً وقت استراحت است، به فیلمبرداری از رفت و آمدهای شبانه و یا درگیری‌ها پرداخته‌اند. برادران ما به تصویر صحنه‌ایی می‌پردازند که هر کدام از این صحنه‌ها، می‌تواند یک جوان را (که توکل بر خدا ندارد) بپرکند. با توکل بر خداوند است که تحمل این سختی‌ها آسان می‌شود و فیلمبردار و صدابردار را در خط مقدم و زیر آتش شدید دشمن و در کنار رزمندگان موفق به ثبت لحظه‌های جاودانی می‌کند. شرایطی پیش می‌آید که گروه نمی‌تواند شب را بخوابد و



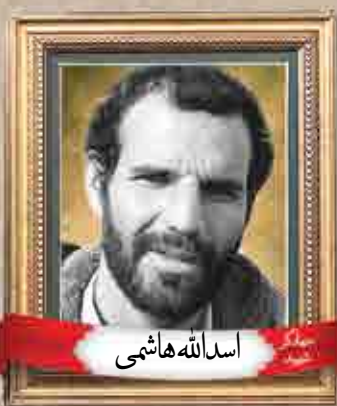
# روایت فاتحان

## عشق به جهاد

در اسفند ماه سال ۶۰ یک روز آقا تقی یک ورق کاغذ را در خانه به من نشان داد و گفت: عملیات مهندسی جبهه به عهده ما گذاشته شده و مسئولیت سنگینی است. منظورش این بود که در همین روزها عملیات است و به این زودی‌ها به خانه نمی‌آید و این روز هم از روزهای فراموش ناشدنی بود و چهره خوشحال و راضی از کار آقا تقی هیچ‌وقت یادم نمی‌رود. در همین روزها پدرشان به اهواز آمدند و کسالت پیدا کردند. در بیمارستان بستری شدند، آقا تقی فقط یک روز وقت کرد و برای عیادت پدر خود به بیمارستان آمد در آنجا با ناراحتی پدرش روبرو شد. با دکترها مشورت کرد و بعد رو به پدرش کرد و گفت: من کار دارم و نمی‌توانم کنار شما باشم. تنها از خدا بخواهید اگر شفا پیدا کردید به جبهه بیایید و در راه خدا خدمت کنید و بعد از چند لحظه خداحافظی کرد و رو به جبهه رفت.



سیدمحمدتقی رضوی



اسدالله‌هاشمی

## داوطلب حضور در میدان‌های سخت

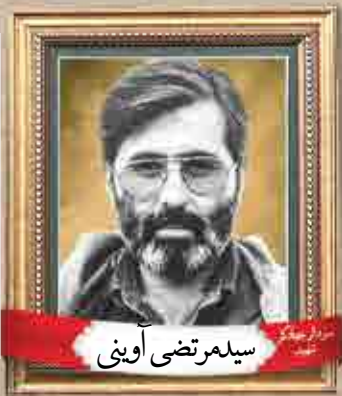
درایت و شجاعت کم نظیر شهید هاشمی سبب شده بود، از سوی مسئولین به عنوان کاندیدای انجام مأموریت‌های مشکل و دشوار مطرح شود، در عملیات والفجر (۸) مسئولیت نصب پل‌های شناور و متحرک «خضر» را بر روی اروند به عهده گرفت، تیم وی کار کردن با سیم‌بکسل را بسیار عالی بلد بودند، در زیر شدیدترین بمباران‌های دشمن تیم حاج اسدالله مسئولیت را با موفقیت به انجام رساند. در کربلای (۵) نیز او بار دیگر با استفاده از تجربه خود توانست بر روی آب‌گرفتگی بویان پل‌های شناور و متحرک خضر را نصب کند و شبانه‌روز در انجام مسئولیت خویش کوشید و با این کوشش و تلاش سهم فراوانی را در تداوم و پیروزی عملیات ایفا کرد.

## سفر حج

سفر حج، میقات با خدای عشق با پای دل راه سخت صفا و مروه را پیمودن کار عاشقان است. بین آنکه دلش مشتاق باشد، با آنکه پایش مشتاق باشد فاصله‌ای است به وسعت آسمان تا زمین. مرتضی که از این سفر بازگشت، به دیدارش رفتیم، در عرفات گم شده بود، می‌گفت: «آنقدر گشتم تا توانستم کاروان خودمان را پیدا کنم. خیلی برایم عجیب بود. من که گم بشوم دیگر چه توقعی از آن پیرمرد روستایی است.»

لیخندی بر لبانش نشست و ادامه داد: «بعد یادم آمد که ای بابا! حدیث داریم که هر کس در عرفات گم بشود خدا او را پذیرفته است.»

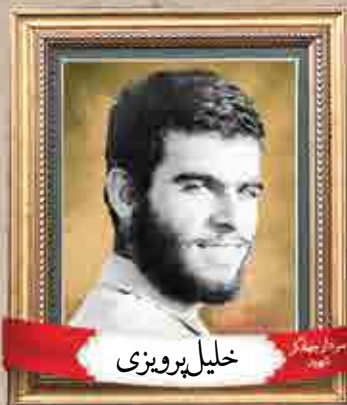
صحرائ عرفات، حضور صاحب‌الزمان (عج) و دل بی‌قرار آوینی، اگر تمام اشک‌هایش در جبهه بی‌شاهد بود، آنجا که دیگر مولایش دل بی‌تاب سید را می‌دید. آنجا که حجه‌بن‌الحسن (عج) اشک را از روی گونه‌های مردان خدا پاک می‌کند، دستانش را می‌گیرد، تاراه را گم نکند سیدی دست در دست سیدی والامقام هفت وادی عشق را با پای جان می‌دود.



سیدمرتضی آوینی

## الگوی تمام بچه‌ها

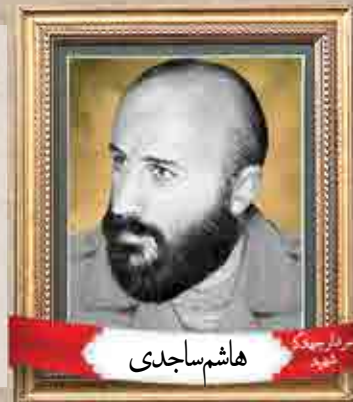
هر کس با ایشان در جبهه و عملیات و از جمله عملیات خیبر و بدر بوده می‌تواند ایشان را بشناسد و وصف کند. ایشان الگوی تمامی بچه‌ها و برادران جهادگر در جبهه‌ها بود. حاج خلیل پرویزی بر قلب بچه‌های جهاد حاکم بود. نمی‌دانم چگونه بود که همه از ایشان تبعیت می‌کردند. ایشان بر قلب بچه‌ها حاکم شده بودند. این برادران را که بچه خطاب می‌کنم آدم پنجاه - شصت ساله هم داخل‌شان بود. این بچه‌هایی که می‌گویم بینشان روحانی، فوق‌لیسانس، لیسانس و مسئول و... بودند همه از ایشان تبعیت می‌کردند. هر چه می‌گفت بچه‌ها بدون چون و چرا قبول می‌کردند و هیچ مخالفتی انجام نمی‌شد. این‌ها همه از بی‌ریایی، با صفایی و اخلاص و ایثار او بود. او خودش همیشه کنار لودر بود. راننده بلدوزر بود. اصلاً حاج خلیل از راننده لودر و بلدوزر شروع کرد و بعد فرماندهی را به عهده گرفت. وقتی توی عمل خودش را نشان داد به فرماندهی تعیین شدند. این فرماندهی هم خواست خودش نبود بلکه از ایشان خواستند.



خلیل پرویزی

### ایثار و فداکاری

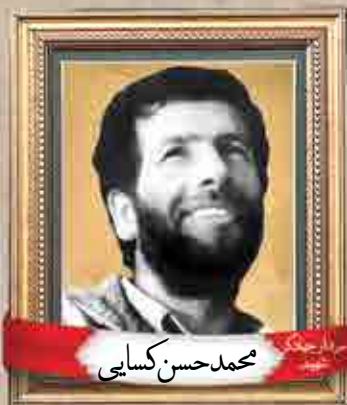
در جهاد گنبد بودم. ماه مبارک رمضان سفره را در خانه انداخته بودیم و آماده‌ی افطار می‌شدیم که دیدیم در خانه به صدا در آمد. یک دفعه دیدم آقای ساجدی یا الله کردند و وارد خانه شدند. گفتم: «بفرمائید.» گفت: «آمده‌ام که با هم چای بخوریم.» گفتم: «خیلی خوش آمدید و مزین کردید.» آمدند سر سفره‌ای که اعضای خانواده نشسته بودند، نشستند. از من پرسیدند: «این حقوق شما کفایت زندگی را می‌کند؟» در آن موقع حقوق‌ها کم بود و کمک هزینه هم می‌دادند. گفتم: «بله الحمد الله خوب است.» ایشان کمی مکث کردند و بعد با دو دختر کوچکم شروع به صحبت کردند. من لحظه‌ای بیرون رفتم در همین حین ایشان به دخترم گفته بودند که برایم قرآن بیاور. بعد از این که قرآن آورده بودند از ایشان خواسته بود که بخواند. وقتی قرآن خوانده بود مقداری پول روی قرآن گذاشته بودند به نحوی که متوجه نشده بودند. روز بعد در محل کار گفتند که تبرکی برای بچه‌ها روی قرآن گذاشتم.»



هاشم ساجدی

### پیمان

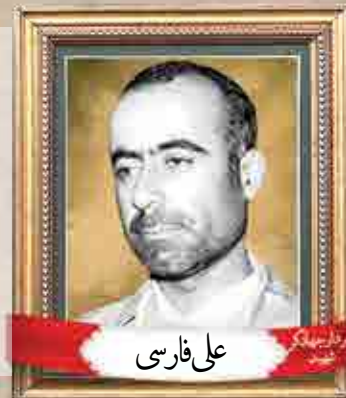
در تیرماه سال ۱۳۶۰ شمسی با شهید کسایی ازدواج نمودم. و ازدواج ما بر اساس «الهی رضا برضائل و تسلیماً لأمرک» بود. در ازدواج تصمیم گرفتیم که پشتیبان امام و ولایت فقیه باشیم و پشت سر امام حرکت کنیم... در اولین اعزامشان از بنده سؤال کردند که چه احساسی دارم آیا ناراحت هستم. گفتم: «بله از نظر عاطفی ناراحت هستم ولی از نظر مذهب و منطق ناراحت نیستم. ما با هم پیمان بستیم که پشتیبان امام و انقلاب باشیم و به دستورات ولایت فقیه گردن نهیم.»



محمدحسن کسایی

### تحمل سختی‌ها

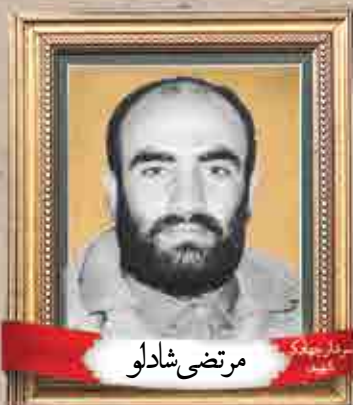
بنده سال‌ها این برادر عزیز را در جنگ و در عملیات‌های مختلف والفجر ۸، کربلای ۴ و ۵ می‌شناختم و شاهد فداکاری‌های ایشان بودم. شهید فارسی واقعا از افراد خالص برای خدا بود، آدمی بود که واقعا سخت‌ترین بارها را که بر دوشش می‌گذاشتی تحمل می‌کرد، چقدر این انسان بزرگوار و مقاوم و صبور بود. جنگ تحمل سختی‌ها را می‌طلبد و انسان‌های مقاوم و سرسختند که در جنگ موفق هستند و قدرت تحمل سختی‌ها را دارند، و آن هم فرماندهی چندگردان مهندسی رزمی که این برادر فرماندهی آنها را به عهده داشت و بار سنگینی آنها را تحمل می‌کرد. ندیدم بیاید شکایتی بکند، هر وقت ماموریت به این برادر عزیز می‌دادند بلند می‌شد با روی گشاده دنبال کار می‌رفت و هیچ‌وقت خم به ابرو نمی‌آورد.



علی فارسی

### از خدا بخواه من را آدم کنه

یکی از لودرها که راننده تازه‌کاری روی آن کار می‌کرد، در منطقه و حین عملیات خراب شده بود و راننده غرق در روغن و گل و خاک، داشت آن را تعمیر می‌کرد، در حین سرکشی، به همراه حاج مرتضی به لودر رسیدیم حاجی وضعیت او را که مشاهده کرد، برای کمک به طرف او رفت، به کمک هم لودر را خیلی زود تعمیر کردند؛ راننده پس از تمام شدن کار و ضمن تشکر از حاجی، گفت: اگر فرمانده منطقه اینجا بود، به من کمک نمی‌کرد ولی شما لطف کردی و کمک کردی، حاجی گفت: از خدا بخواه تا فرمانده منطقه را آدم کنه و بعد به سمت خودروی خود رفت، من که این اوضاع را دیدم، خودم را کنار راننده لودر رساندم و آهسته گفتم: بابا این بنده خدا حاج مرتضی، فرمانده منطقه است، نباید اینجا بچوری می‌گفتی، راننده به طرف حاجی دوید و گفت: تا من را نبخشی، نمی‌دارم بری، حاجی پیشانی‌اش را بوسید و با لبخند گفت: تو را می‌بخشم، به شرطی که از خدا بخواه من را آدم کنه.



مرتضی شادلو

دلاوران قبیله نور در نبرد با ظلمت به دشت روشنایی هجرت نمودند، اسماعیل وار به قربانگاه آزمایش شتافتند و آگاهانه جان سپردند. سوختند تا با کفر نسازند، رفتند تا ایمان نرود، و مرگ سرخ را برگزیدند تا چراغ توحید نمیرد؛

## یاد و خاطره شهدای بهمن ماه وزارت جهاد کشاورزی گرامی باد

نام	نام خانوادگی	استان
غلامرضا	مختاری ورنو سفادرانی	اصفهان
مصطفی	مهرکش	اصفهان
احمد	موحدی	اصفهان
ابراهیم	نامداریان	اصفهان
کهیار	نجفی فرد	اصفهان
بهرروز	نره ای	اصفهان
خسرو	نکویی	اصفهان
مجتبی	هادی نجف آبادی	اصفهان
محمود	هادی نجف آبادی	اصفهان
علیرضا	یزدان پناهی زوج	اصفهان
رضاقلی	کاظمی اسفه	اصفهان - سیستان و بلوچستان لرستان
محمدرضا	آهنگ	البرز
علی	فاضلی شهربابکی	البرز
محمدجواد	موحدی پور	البرز
حسین	نخبه زعیم	البرز
جواد	افشردی دیبازر	آذربایجان شرقی
رجب	تخمه چی	آذربایجان شرقی
محمدصادق	خداداد لشگری	آذربایجان شرقی
احمد	شفیع زاده	آذربایجان شرقی
عبدالرضا	کریم آزاد	بوشهر
سید داود	الیاسی	تهران
مسعود	حکیم الهی	تهران
فریدون	راحتی	تهران
محمدرضا	عربخواری	تهران

نام	نام خانوادگی	استان
منصور	اخوان	اصفهان
مسعود	ادهمی	اصفهان
محمدرضا	اسدی جاجایی	اصفهان
عزت الله	اصلانی	اصفهان
فرامرز	آذری	اصفهان
محمدحسین	آریانزاد	اصفهان
حسین	براتی حسین آبادی	اصفهان
یدالله	حشمتی الله آبادی	اصفهان
غریبعلی	حمزوی	اصفهان
فضل الله	خودسیانی	اصفهان
سعید	دهقان کلیشادی	اصفهان
حبیب الله	رحیمی	اصفهان
محمدحسین	رستگارمقدم کریم زاده	اصفهان
محمد	رضایی برزانی	اصفهان
فتح الله	سبحانی ملک آبادی	اصفهان
علی اصغر	سرکاری قمصری	اصفهان
محمد	سلیمانی ملک آبادی	اصفهان
مهدی	شاهسون مارکده	اصفهان
محسن	صادقی جلال آبادی	اصفهان
غلامعلی	صالحی نجف آبادی	اصفهان
غلامحسین	صالحی نجف آبادی	اصفهان
الله یار	طیبی	اصفهان
مصطفی	فندرسکی پور	اصفهان
حسن	فیروزبخت	اصفهان

نام	نام خانوادگی	استان
محمدرضا	خالصی	خراسان شمالی
یحیی	نادر زاده	خراسان شمالی
سید اسماعیل	نصرآبادی	خراسان شمالی
علیرضا	آبسالان	خوزستان
علیمراد	تقی پور بیرگانی	خوزستان
مراد	رضایی	خوزستان
عبدالحسین	سیاهی	خوزستان
عبدالکریم	صادق حبشی	خوزستان
محمدرضا	فیروزی مقام	خوزستان
محمدجان	محمدی لندی	خوزستان
عظیم	مسعودی نژاد	خوزستان
اشکبوس	نادری ده شیخ	خوزستان
محمدحسین	ایوبی	زنجان
مهدی	کردبچه	زنجان
داریوش	اصل جوادیان	ستاد مرکزی
علی	رحیمی	ستاد مرکزی
علی اصغر	صالحی	ستاد مرکزی
بهمن	فرجی	ستاد مرکزی
بهمن	قاضی تربتی	ستاد مرکزی
مسعود	رحیمیان	سمنان
عباس	صفری	سمنان
حجت الله	عبداللهی	سمنان
عبدالرضا	غریب نژاد	سمنان
احمد	مظفری	سمنان
سید مجتبی	میر کریمی	سمنان
فرج الله	اکبری باصری	فارس
عباس	امام علی	فارس
علیرضا	آبسالان	فارس
خلیل	پرویزی اسماعیل آبادی	فارس

نام	نام خانوادگی	استان
جعفر	قیدرلو	تهران
علیرضا	مصری	تهران
سید احمد	هاشمی	تهران
سید مجتبی	وفایی	تهران
سعید	وقایی	تهران
عباس	رضایی	تهران - سمنان
جهانگیر	مرجانی	تهران - گلستان
احمدامین	طبرسی	تهران - مازندران
آیت الله	احمدی شیخ شبانی	چهارمحال و بختیاری
علی	کریمیان کاکلکی	چهارمحال و بختیاری
غلام حیدر	پاکسیر	خراسان رضوی
سید قاسم	حسینی	خراسان رضوی
رمضان	درویش زاده	خراسان رضوی
حسین	دهقان سارک	خراسان رضوی
محمد رضا	ریاضی	خراسان رضوی
غلامعلی	زینلی سیدآباد	خراسان رضوی
احمد	سمیعی قشلاق	خراسان رضوی
سید جلال الدین	شاهچراغی	خراسان رضوی
منصور	شکرچیان	خراسان رضوی
علی	عبداللهی قلعه بالا	خراسان رضوی
علیمحمد	کوهکن	خراسان رضوی
سید محمد	مداح ساداتیه	خراسان رضوی
سید هادی	موسوی	خراسان رضوی
علی اکبر	نوریان	خراسان رضوی
محمد	علی پور	خراسان رضوی - خراسان شمالی
حسن	خوراکیان	خراسان رضوی - قم
علیجان	مرادی	خراسان رضوی - یزد
عبدالله	ابراهیمی	خراسان شمالی
علی اکبر	حسن پور	خراسان شمالی

نام	نام خانوادگی	استان
فیض الله	بزرگی آتویی	مازندران
محمد کاظم	شیخ محمودی	مازندران
کریم	صمدی فر	مازندران
احمد امین	طبرسی	مازندران
شهرام	عزتی	مازندران
سید جعفر	فتاحی	مازندران
اکبر	مجاوری	مازندران
سید مهدی	نبوی	مازندران
پرویز	نجار صادقی	مازندران
محمد	یزدانی	مازندران
احمد	آقامحسینی	مرکزی
فریدون	راحتی	مرکزی
عبدالعلی	سعیدی	مرکزی
عزیز	احمدی شکوه	همدان
ایرج	تیموری	همدان
محمد	شاملو جانبی بیگ	همدان
محمد رضا	بنایی	یزد
عبدالرضا	عابدی	یزد

نام	نام خانوادگی	استان
علیرضا	پوست فروش	فارس
اسدالله	راسخ	فارس
علی	رضائی	فارس
علیرضا	رئوفی	فارس
رستم	سلیمائی	فارس
رضا	سلیمی نبی	فارس
غلامحسین	شارعی	فارس
رسول	صفایی	فارس
ولی الله	طلایی	فارس
ایرج	غلامی	فارس
محمد	گواهی	فارس
یعقوبعلی	رستمی	قزوین
محمد رضا	اسدی جاجایی	قم
سید علی	طباطبایی لطفی	قم
حمیدرضا	نیکیان شفتی	قم - گیلان
علی اصغر	کریمی پرویز	قم - مرکزی - همدان
اسفندیار	چاله چاله	کرمانشاه
سبزه علی	تیرزه	کهگیلویه و بویراحمد
حسین	حبیبی دوست	کهگیلویه و بویراحمد
ابولفتح	دل نسب	کهگیلویه و بویراحمد
سید عوض	فرزادی پور	کهگیلویه و بویراحمد
فتح الله	نیک دار شد	کهگیلویه و بویراحمد
سید عنایت	وکیلی زاده	کهگیلویه و بویراحمد
اسماعیل	احمد زاده	گیلان
محمد	همرنگ نژاد طالعی	گیلان
علی	فتحی کردمیهن	گیلان - مازندران
مهرعلی	هرمزی	لرستان
مرتضی	نوذری	لرستان - مرکزی
علی گدا	اسماعیل نژاد عربی	مازندران

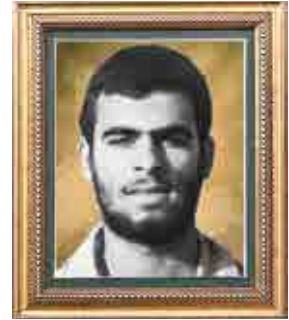


## گذری کوتاه بر زندگی

## شهدای شاخص جهادگر در بهمن ماه

## سردار جهادگر شهید حاج خلیل پرویزی

خلیل در تاریخ ۱۳۴۴/۰۲/۰۱ در شهر شیراز متولد شد. او پسری شاد و باهوش بود؛ دوره ابتدایی را در آبادان گذراند و پس از بازنشستگی پدر و نقل مکان به شیراز؛ تحصیلات دوره راهنمایی را با موفقیت در شهر شیراز به پایان رسانید. سپس به دلیل احساس مسئولیتی که در مقابل امور اقتصادی خانواده،

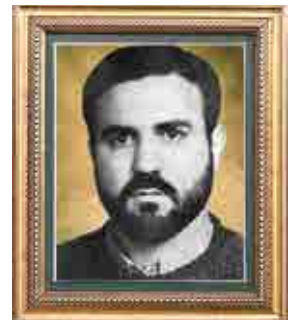


احساس می‌کرد، جهت تامین امرار معاش خانواده، به‌عنوان راننده دستگاه‌های راه‌سازی وارد بازار کار شده و با استعداد و پشتکار فراوان خود، به فاصله کوتاهی استاد کار شد. با شروع جنگ تحمیلی، در آبان‌ماه ۵۹؛ همگام با همه ی داوطلبین و جهادگران به جبهه اعزام و در ستاد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی فارس مستقر در لب آبادان به عنوان راننده لودر فعالیت خود را شروع کرد.

شهید پرویزی در آموزش و انتقال اندوخته‌های خود به دیگران فعال بوده و به لحاظ استفاده صحیح از قدرت توانمندی و ابتکارات در عملیات مهندسی (قبل، حین و بعد از هر عملیات) واحدهای تحت امرش کمترین تلفات و بهترین کارایی‌ها را داشتند و در هر عملیات، همین ویژگی‌های منحصر به فرد او، باعث اطمینان خاطر فرماندهان ارتش و سپاه می‌شد. سپس وارد جهاد شد، سپس به عنوان فرمانده پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد فارس در جبهه حاضر شد. سرانجام در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۳۰ در منطقه عملیاتی فاو به شهادت رسید.

## شهید بهمن قاضی تربتی

بیست و چهارم بهمن ۱۳۳۶، در تربت حیدریه چشم به جهان گشود. پس از طی تحصیلات ابتدایی و دبیرستان، در سال ۱۳۵۴ در دانشگاه صنعتی امیرکبیر (پلی تکنیک) پذیرفته شد و در کسوت دانشجویی و در راه آزادی از سلطه و استبداد سیاه رژیم، با توجه به اطلاعاتی که راجع به فقر و محرومیت داشت، به مبارزه برخاست. تا پایان دوره کارشناسی در رشته برق



درس خواند. در سال ۵۷ همراه با کارگردان کارخانجات، اعتصاب بزرگی را به راه انداخت و مدیریت درخشان وی در کنار جوش و خروش انقلابی، باعث شد بین افراد هم‌تراز خود، شهرت پیدا کند. در این اثنا زلزله طیس اتفاق افتاد و او جزو اولین کسانی بود که خود را به منطقه زلزله زده رساند و در آواربرداری و کمک به مردم نقش بسزایی داشت. خودش می‌گفت که سازندگی را در همان جان آموخته است. جهادگر بود. رسیدگی به امور قشر مستضعف، از اهداف همه جهادگران است، اما ایشان علاوه بر جهاد، بیرون از جهاد نیز تشکیلاتی را هدایت و راهنمایی می‌کرد. در جبهه ابتدا در کنار رانندگان لودر و بولدوزر، در خط مقدم شرکت کرد. پس از آموزش مخابرات، ساماندهی مخابرات قرارگاه و گردان های پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد را بر عهده گرفت. ایشان در عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس نیز در عرصه نبرد حضور داشت و در عملیات رمضان مسئولیت ایجاد تأسیسات بزرگی را در منطقه به عهده گرفت و با توجه به رشته مهندسیش، کار را به بهترین صورت به انجام رساند. دوم بهمن ۱۳۶۵، با سمت مسئول مخابرات در شلمچه بر اثر اصابت ترکش به سر شهید شد. مزار او در بهشت زهرا ی تهران واقع است.

## سید جلال‌الدین شاه چراغی

سید جلال‌الدین در زمانی که پدرشان در معیت خانواده جهت تحصیل علوم دینی به نجف اشرف مهاجرت کرده بود در سال ۱۳۳۵ در آن وادی مقدس در خانواده اهل علم و از سلسله جلیله‌سادات دیده به جهان گشود. دوران کودکی را در جوار مرقد مطهر حضرت علی (ع) سپری کرد و پس از

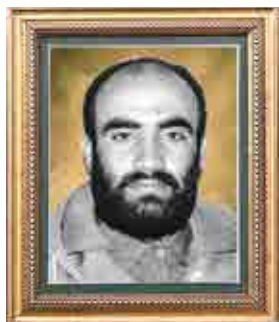


مراجعه به ایران تحصیلات ابتدایی را در مشهد شروع و در همان سنین کودکی با قرآن آشنا شد و در مجالس و محافل دعا و قرآن شرکت می‌جست. شهید شاه چراغی استعداد فوق‌العاده‌ای داشت در پایان دوره ابتدایی دوران دبیرستان خود را با موفقیت گذراند و به دانشگاه راه یافت. در این دوره بود که شورآزادی و مبارزه با نظام استبدادی پهلوی در او شعله‌ور شد و در مجالس سخنرانی ضد رژیم و پخش اعلامیه‌های حضرت امام شرکت می‌کرد بعد از پیروزی انقلاب و تعطیلی دانشگاه‌ها به جهادسازندگی رفت که مصادف بود با حمله تجاوزگرانه به ایران اسلامی بلافاصله برای دفاع از انقلاب

مرتبه در جبهه حضور پیدا می‌کند و آخرین مرتبه ۳ روز قبل از عملیات به منطقه برمی‌گردد. و در شب ۲۲ بهمن سال ۱۳۶۴ در منطقه عملیاتی والفجر (۸) در شمال اروندرود سرو بلندقامتش آماج گلوله‌های دشمن قرار گرفت که در همان لحظات نخستین، خرقة خاکی وانهاد و به حلقه ملکوتیان پیوست.

### شهید مرتضی شادلو

مرتضی شادلو فرزند عباسعلی در سال ۱۳۳۸ در روستای محمداًباد شهرستان گرمسار دیده به جهان گشود. در کنار تحصیل کار هم می‌کرد. در نوجوانی استادکار کاشی کار گردید. صدای زیبایی داشت و اذان می‌گفت. از مهر ۱۳۵۷ در هنرستان و خارج از آن مشغول فعالیت علیه رژیم شد. در



تهیه، تکثیر و پخش اعلامیه‌های حضرت امام (ره) فعال بود. در بین ورزش‌ها به کشتی علاقه بیشتری داشت و دارای مقام استانی بود. به طور جدی کتاب‌های شهید مطهری و دکتر شریعتی را مطالعه می‌کرد. یک بار دستگیر شد. پس از انقلاب دیپلم فنی‌اش را گرفت و به عضویت کمیته انقلاب و سپس سپاه پاسداران درآمد. با شروع اغتشاش در گنبد و کردستان، برای مبارزه با آنان راهی آن مناطق شد. در پاک‌سازی شهرهای کامیاران، سنندج، قروه، بیجار و تکاب در سال‌های ۵۸ و ۵۹ شرکت فعالانه داشت. سال ۱۳۶۰ به عضویت جهاد سازندگی درآمد و ابتدا به عنوان امدادگر و راننده آمبولانس خدمتش را شروع کرد. با احساس ضرورت آموزش دید و راننده لودر شد. در عملیات طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، والفجر ۲، والفجر ۴ و خیبر حضور داشت. زمانی که مسئولیت فرماندهی پشتیبانی جنگ و جهاد استان سمنان در کردستان به وی واگذار شد. در مدت زمان کوتاهی توانست پل ۱۴۰ رودخانه سیمینه رود و جاده ۴۰ کیلومتری شاهین دژ بوکان را به پایان برساند به عنوان مسئول گروه مهندسی پشتیبانی جنگ و جهاد در احداث بزرگراه ۱۴ کیلومتری سیدالشهدا شرکت کرد. در بمباران شیمیایی مجروح شد. سال ۱۳۶۱ ازدواج کرد. سال ۱۳۶۲ به حج تمتع مشرف شد. شجاعتش زبازد بچه‌های جبهه و جنگ بود. حاج مرتضی شادلو در تاریخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۳ بر اثر انفجار مین به شهادت رسید. او مسئول پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی استان سمنان بود.

### سردار شهید احمد امین طبرسی

در سال ۱۳۳۲ در شهرستان آمل بدنیا آمد. پدرش حجت‌الاسلام حاج آقا ابازر روحانی تحصیل کرده به همراه ۲ برادر و ۳ خواهر خانواده وی را تشکیل می‌دادند بدین ترتیب احمد در خانواده متدین

راهی کردستان شد سپس به مناطق عملیاتی خوزستان رفت. حدود ۲ سال بی‌وقفه در جهادسازندگی استان‌های مذکور به دشمنان داخلی (منافقین) و بعضی‌ها به ستیز پرداخت. پس از بازگشایی دانشگاه‌ها به ادامه تحصیل پرداخت و دوران دانشگاه را با موفقیت به اتمام رسانید و وارد مرحله جدیدی به نام دوران سربازی شد. سربازی را در جهادسازندگی در واحد تحقیقات مهندسی به عنوان قائم مقام آن واحد خدمات ارزنده‌ای از قبیل اجرای طرح‌های مهندسی راه مناطق عملیاتی گام‌های موثری برداشت. در عملیات‌های بدر، والفجر، آزادی فاو و کربلای ۵ شرکت داشت سرانجام در منطقه شلمچه در تاریخ ۶۵/۱۱/۱۵ در اثر ترکش خمپاره به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

### شهید ابوالقاسم حجتی

در خانواده‌ای متدین و متقی، در سال ۱۳۳۷ دیده به جهان گشود. تحصیلات دبستانش را با نمرات خوب و معدل بالا طی کرد و این در حالی بود که در اثنای درس در طول تابستان و زمستان مشغول کار کردن نیز بود. ابوالقاسم به درس خود ادامه داد تا اینکه در کنکور شرکت کرد و در رشته



کشاورزی دانشگاه مشهد قبول شد. اما در عین حال قانع نبود و در سال بعد در کنکور دانشگاه صنعتی اصفهان شرکت کرد و در رشته مهندسی عمران مشغول تحصیل شد و از این زمان بود که با ورود به یکی از تشکیلات دانشجویان که افرادی مخلص و پیرو خط مبارک رهبری بودند مبارزه را آغاز کرد و به برنامه‌ریزی و جذب نیروهایی که احتمال سقوط آنان در مهلکه گروه‌های مارکسیستی می‌رفت، کردند. با اوج‌گیری انقلاب اسلامی حضور فعال ابوالقاسم در تمام تظاهرات‌ها و راهپیمایی‌ها چه در دانشگاه و چه در نجف‌آباد به خوبی مشهود بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به فرمان حضرت امام مبنی بر باز شدن دانشگاه‌ها، ابوالقاسم فعالیت خود را در دانشگاه شروع کرد.

با رسیدن فصل تابستان و تعطیل شدن دانشگاه، شهید ابوالقاسم کار خود را در جهادسازندگی و در دورترین روستاهای شهر کرد شروع کرد.

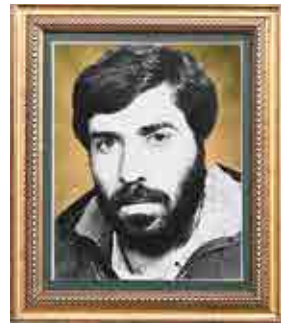
با شروع جنگ تحمیلی فعالیت‌هایش را متوجه جبهه و جنگ کرد و به سوی جبهه شتافت و با دیگر یارانش راهی جبهه آبادان شدند. در عملیات‌های محرم، والفجر مقدماتی، والفجر (۱)، والفجر (۴)، والفجر (۵)، والفجر (۸) شرکت کرد.

پس از عملیات بدر کارهای مهندسی عملیات والفجر (۸) شروع شد و حاج ابوالقاسم در فاصله بین عملیاتی بدر و والفجر (۸) چندین

شهرستان مهاباد رفت. پس از فرمان تاریخی حضرت امام برای تشکیل جهاد سازندگی به این نهاد پیوست و پس از دو ماه خدمت در تبریز به عنوان مسئول جهاد سازندگی شهرستان‌های خلخال و کلیبر انتخاب شد. مدتی در آن مناطق مشغول خدمت به محرومین و مستضعفین شد و در محرومیت‌زدایی منطقه کوشش فراوان کرد. سال ۱۳۶۳ دوباره به جبهه رفت و در محور عملیاتی گردان انصار جهاد سازندگی مسئولیت خط را به عهده گرفت و رزمندگان کفر ستیز اسلام را در این راه یاری کرد. در سال ۱۳۶۴ پس از بازگشت از جبهه ازدواج نمود و یک‌سال بعد صاحب فرزندی به نام صالح شد. سرانجام بعد از عملیات پیروزمندانه کربلای ۵ در تاریخ ۱۲/۱۱/۱۳۶۵ در خط مقدم جبهه شلمچه در حالی که در کنار رزمندگان دلیر اسلام مشغول احداث خاکریز بود مورد اصابت تیر مستقیم دشمن قرار گرفت.

#### شهید مصطفی یوسفی کوپایی

یکم شهریور ۱۳۳۶، در اصفهان چشم به جهان گشود. وی تحصیلاتش را تا دانش‌سرای مقدماتی طی نمود و با عنوان معلم در روستای مشکینان کوهپایه به تدریس و پرورش دانش‌آموزان پرداخت.



وی در سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد و حاصل این ازدواج یک فرزند پسر و دختر به نام جلال و مریم بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی با جهادسازندگی به سیستان و بلوچستان رفت و خدمات فرهنگی فراوانی انجام داد. سپس مدتی را در بندرعباس گذراند و پس از آن به کرمانشاه و مناطق غرب کشور روی آورد. هم‌زمان با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران رهسپار سوسنگرد و باختران شد و از سال ۶۱ تا ۶۳ به عنوان مسئول بازسازی شهر سوسنگرد به خدمت مشغول شد و از سال ۱۳۶۳ در قسمت پشتیبانی مهندسی رزمی جهاد سازندگی مشغول فعالیت شد و مدتی را نیز برای فعالیت فرهنگی و انقلابی به کشور تانزانیا سفر کرد و برای راه‌اندازی جهاد سازندگی در این کشور فعالیت نمود و سپس به ایران بازگشت و در کردستان به قرارگاه رمضان منتقل شد و مدتی در آنجا فرماندهی جنگ‌های نامنظم را برعهده داشت و مسئولیت واحد پشتیبانی و رزمی این قرارگاه را برعهده گرفت. وی عاشق خدمت بود و خود را وقف جنگ کرده بود و با روحیه و پشتکار قوی طی هشت سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره در حال انجام مأموریت در داخل و خارج از کشور بود.

سرانجام پس از مجاهدت‌های بسیار در بهمن ۱۳۶۶ هنگام بازدید از منطقه مرخیل و گزنیل در کردستان بر اثر ترکش توپ به شهادت رسید و پیکر پاکش به اصفهان منتقل و در گلستان شهدای اصفهان به خاک سپرده شد.

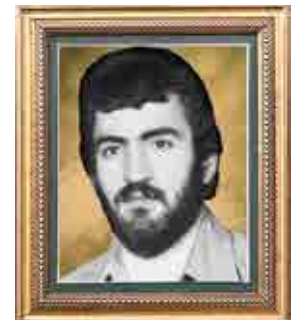
رشد کرده و تحت تاثیر محیطی چنین. به هنگام تحصیل در دبیرستان به علت فعالیت‌های مذهبی بارها توسط ماموران ساواک دستگیر و شکنجه شد او در خدمت سربازی نیز از فعالان سیاسی بوده و به هنگام پیروزی انقلاب و شکل‌گیری هسته‌ی اولیه سپاه با شرکت در آموزش‌های نظامی در یادگان با



شهید دکتر چمران آشنا شد و از افراد گردان ویژه گروه وی شد. در قائله کردستان با گروه کلاه سبزه‌های دکتر چمران عملیات چریکی متعددی نمود و در مرزهای شلمچه، خرمشهر و اهواز با ضد انقلاب بارها درگیر شد او از جمله افرادی است که ستاد جنگ‌های نامنظم را تشکیل می‌دهند. او که شهادت را رستگاری نهایی می‌دانست بدون توجه به زخم‌هایی که در عملیات مختلف دیده پس از ایثار و رشادت‌های فراوان سرانجام به هنگام احداث پل بر روی اروندرود با اصابت ترکش به سینه به جمع شهیدان دفاع مقدس پیوست و با پشت سر نهادن سال‌ها حضور مداوم در جبهه و شرکت در عملیات سومار، خیبر، بدر، محرم و مسلم ابن عقیل در والفجر ۸ شربت شهادت را می‌نوشد.

#### محمد صادق خداداد لشکری

سال ۱۳۳۶ در شهرستان تبریز چشم بر گستره عالم خاکی گشود. تحصیلات ابتدایی را در دبستان دهقان تبریز شروع کرد، سپس همراه پدرش برای ادامه تحصیل به تهران و سر پل ذهاب عزیمت کرد. در سال ۱۳۴۸ دوباره به همراه خانواده‌اش به تبریز بازگشت. پس از فارغ‌التحصیل شدن از



دبیرستان در اوایل سال ۱۳۵۶ به خدمت سربازی اعزام و در یادگان مرند مشغول به خدمت شد. در دوران خدمت سربازی با تبعیت از پیام امام (ره) از محل خدمت فرار و به حرکت عظیم نهضت اسلامی ملت پیوست. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی دوباره خودش را به یادگان معرفی و در فروردین ۱۳۵۸ برگ پایان خدمت را دریافت کرد. در همان سال در آزمون سراسری شرکت نمود و از طریق بورسیه در یکی از دانشگاه‌های کانادا پذیرفته شد. اما به علت بحرانی بودن وضعیت کشور و شروع جنگ تحمیلی از رفتن به کانادا منصرف شد. با داشتن روحیه انقلابی و مذهبی به سپاه پاسداران پیوست و در سال ۱۳۵۹ جهت پاک‌سازی کردستان و مبارزه با اشراک ضد انقلاب به

روایت حاج عبدالرحمن جزایری از حاج خلیل پرویزی

## استاد دانشگاه جنگ



حاج عبدالرحمن جزایری فرمانده پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد استان فارس در دوران ۸ سال دفاع مقدس است. وی از پیشکسوتان جهادگر است که به پاس فداکاری، شجاعت، رشادت و سلحشوری خود در دوران جنگ تحمیلی مفتخر به دریافت نشان درجه سه فتح از مقام معظم رهبری شد. او همچنین پدر جهادگر شهید محمد جواد جزایری است که در دوم فروردین ماه ۱۳۶۱ در منطقه شوش به شهادت رسید. جزایری در گفتگویی روایت خود را از سیره عملی سردار جهادگر شهید حاج خلیل پرویزی از شهدای شاخص وزارت جهاد کشاورزی و فرمانده پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد استان فارس حکایت می‌کند.

### نحوه ورود شهید پرویزی به جهاد سازندگی چگونه بود؟

این شهید (حاج خلیل پرویزی) در ماه دوم جنگ از طریق پشتیبانی جنگ جهاد فارس در شیراز به جبهه اعزام شد و خود را در آبادان به پشتیبانی جنگ جهاد فارس مستقر در آبادان معرفی کرد. در بدو ورود معلوم شد نه تنها راننده لودر است بلکه در این رابطه استاد است و می‌تواند دیگران را تربیت کرده آموزش دهد با توجه به اینکه نقش لودر در اول جنگ به‌خصوص در آبادان نقشی حیاتی بود و اگر آبادان توانست مقاومت کند بیش از ۸۵ درصد از این مقاومت سهم جنگ‌افزایی از نوع لودر و بلدوزر بود معلوم می‌شود در واقع ورود ایشان به جنگ به منزله نعمتی بزرگ برای رزمندگان محسوب می‌شد.

### از فعالیتها و اقدامات ایشان در جبهه بگوئید؟

این شهید به سرعت خود را با جبهه تطبیق داد و او و آقای غلامرضا دشتی تنها نیروهایی بودند که در بدو ورود استاد لودر و بلدوزر بودند و قدرت آموزش دیگران را داشتند رانندگان لودر و بلدوزرهای حرفه‌ای به علت اینکه در جامعه آن روز بیشترین حقوق را دریافت می‌کردند به محض ورود به جبهه تقاضای اعزام می‌کردند. و جبهه را خالی می‌کردند اما این دو نفر تا آخرین نفس هم خود جنگیدند و هم دیگران را با این جنگ افزارهای مهندسی آشنا کردند.

این شهید به ترتیب: ۱- راننده لودر ۲- فرمانده واحدهای مهندسی رزمی ۳- مسئول گروه شناسایی ۴- مسئول مهندسی رزمی واحدهای



از راست: بهنام زارعی، شهید خلیل پرویزی، احمد پورمیدانی، عبدالرحمان جزایری



عبدالرحمن جزایری



می توانست به دشمن وارد کند.

عملیاتی و در نهایت فرماندهی مهندسی رزمی کل جهاد فارس در جنگ را به عهده داشت.

**رمز موفقیت شهید پرویزی در چه بود؟**

رمز موفقیت شهید را در اعمال فرماندهی به هنگام عملیات را باید دانست. یک- ایمان به خدای متعال دو- شناخت وظیفه خودش در رابطه با اسلام و انقلاب اسلامی و حفظ ارزش‌های آنها سه- اعمال وظیفه تا سر حد توان

**قابلیت‌ها و توانمندی این شهید بزرگوار را توضیح دهید؟**

از قابلیت این شهید همین بس که از همان بدو ورود توان خود را در مدیریت گروه‌های عملیاتی آن هم در خط مقدم و حتی جلوتر از خط مقدم نشان داد و دارای چنان فکر نظامی بود که وقتی از شناسایی بر می‌گشت نه تنها موقعیت نیروهای خودی، وضعیت زمین، کارهای لازم برای تامین امنیت و هر چه مستحکم کردن استحکامات خودی و نیز پیشنهادها موثر خود را اعلام می‌کرد بلکه با دید بسیار قوی نظامی که داشت وضعیت نیروهای دشمن را نیز بررسی می‌کرد و به ما اعلام می‌کرد و برای ما بسیار ساده بود تا برای شب هنگام دو نیرو برای عملیات مهندسی رزمی می‌رود برنامه‌ریزی کنیم. نقش شهید حاج خلیل پرویزی در:

**نقش شهید در تربیت و آموزش فرماندهان رده پایین را بیان فرمایید.**

این نقش را این شهید (خلیل پرویزی) بسیار خوب اجرا می‌کرد و من همیشه او را استاد دانشگاه جنگ می‌شناختم و هم در تئوری و هم در عمل نیروهای زیردست خود را آموزش می‌داد. اگر از من سؤال شود که نمره حاج خلیل پرویزی به عنوان یک مجاهد فی سبیل الله چند است مطمئناً به او نمره ۱۰۰ را می‌دهم از اینتر او همین بس که با اینکه سرپناهی برای تازه عروسیش درست نکرده بود نتوانست در شهر بماند و عازم جبهه شد. اما این مسئله که شهادت‌طلبی به نظر من هیچ یک از نیروهای جهاد فارس در جنگ خود را به مهلکه نمی‌انداختند بلکه برنامه همه آنها این بود که در عین حال که بیشترین تلفات را به دشمن وارد کنند خود کمتر آسیب ببینند تا بیشتر و بهتر به اسلام خدمت کنند.

یک- حفظ آبادان دو- عملیات لازم مهندسی قبل از عملیات‌های مشخص نیروهای رزمی سه- عملیات لازم مهندسی حین عملیات‌های مشخص نیروهای رزمی چهار- عملیات لازم بعد از عملیات‌های مشخص نیروهای رزمی نه تنها حیاتی بود بلکه چنان توانمندی و ابتکارات به خرج می‌داد که همه واحد زیر فرماندهی خودش کمترین تلفات را می‌دادند و هم واحد رزمی که ایشان مسئولیت سنگر سازی آن را به عهده گرفته بود در امنیت کامل بود و کمترین تلفات را می‌داد و بیشترین تلفات را

به یاد شهید مصطفی یوسفی، فرمانده مهندسی - رزمی قرارگاه رمضان

# مصطفی، مصطفی بود!



امنیتی، ده‌ها نفر از جوانان متعهد را در سراسر کشور سازماندهی کند. او اعتقاد داشت که یکی از امور مهم جهت حفظ و حراست و استمرار انقلاب اسلامی، بهره‌مندی از کادرهای متعهد و انقلابی است. او به صدور انقلاب خیلی اهمیت می‌داد، به طوری که در یکی از سخنرانی‌هایش می‌گوید: «به نظر من حیات انقلاب مرهون صدور جدی و اساسی آن است و اقتضای شکر این نعمت الهی این است که به داد محرومین و مستضعفین دنیا که چشم به راه و منتظر فریادرس انقلاب و انقلابیون ایران هستند برسیم و در این رابطه باید در عمل، از نهضت‌های آزادی‌بخش حمایت کنیم. مگر نشنیدید که امام امت - روحی له الفداء - پشتیبانی خود را از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، اعلام کردند.» شهید یوسفی از مماشات و سهل انگاری‌ها و جهالت‌ها در امر صدور انقلاب در رنج بود و آنرا به منزله یک کودتای خزنده طراحی شده، علیه گسترش انقلاب و نهضت جهانی اسلام می‌دانست. آیا برخورداری از چنین روحیه عالی و والای عرفانی، مبارزاتی و اندیشه‌ی عمیق می‌توانست هم‌سنگری کسی جز استاد بزرگوار شهید «محمد منتظری» را پذیرا باشد؟ او از هر موقعیت و امکانی جهت گسترش انقلاب بهره‌برداری می‌کرد که از آن جمله می‌توان به اقدامات زیر اشاره کرد:

کمک‌های مالی و غیرمالی به نهضت افغانستان و مجاهدین افغانی، اعزام نیرو به افغانستان در سال ۸۵ جهت آموزش‌های سیاسی - عقیدتی و نظامی، ارسال صدها نارنجک دست‌ساز باقی مانده از دوران انقلاب به افغانستان، تشدید حرکت مبارزین پاکستان علیه

در این دنیا بسیار کسان می‌آیند و می‌روند، بی‌آنکه منشأ اثر و ثمری در زندگی دیگران باشند و حرکت و تحولی در زندگی خود و دیگران بوجود آورند، بی‌آنکه کسی را متوجه خود سازند، بی‌حضور در صحنه حق و باطل.

«مصطفی یوسفی» عابری همچون دیگر عابران نبود، سکوت و سکون در وجودش راه نداشت و حرکت و فریاد با وجود او و امثال او معنی و مفهوم می‌یافت گویا اینان خود حرکت و فریادند و زمان و مکان را به سیطره خویش در می‌آورند. آری، اینان در مکتب حسین به «ذلت» هیئات می‌گویند و زندگی را سراسر «عقیده» و «جهاد» در راه عقیده می‌دانند. اینان در مکتب توحید، عبودیت‌الله را لبیک می‌گویند تا جرأت و جسارت ستیز را با دشمنان الله را داشته باشند و عرصه گیتی را صحنه نبرد بی‌امان فرزندان هابیل با قبیله قابیل سازند. اینان حصارهای ملیت و منیت را برای همیشه در وجود خویش مدفون می‌سازند تا مستضعفان عالم به امامت و وراثت صالحان برسند.

شهید یوسفی با اعتقاد به تامین نیروی انسانی و تربیت کادرهای متعهد و انقلابی شغل شریف معلمی را برگزید و در ادامه این حرکت، مسجد «الحجت» اصفهان را که به تمام معنا مسجد مستضعفان و فقرا بود، با کمترین امکانات به صورت یک پایگاه مبارزاتی در آورد و این خانه الهی که در اثر ابرهای تیره اختناق به رکود و سکون کشیده شده بود، نورانیتی تازه یافت و نظر تعدادی از شیفتگان حق و حقیقت را به خود جلب نمود و به تدریج سنگری شد علیه رژیم ستمشاهی. به هر حال مصطفی با توجه به مدیریت قوی و قدرت سازماندهی فوق العاده‌ای که داشت، موفق شد علیرغم فشارهای بیش از حد



**بنیانگذاری «جهاد سازندگی تانزانی» یکی از اقدامات مهم جهادگر شهید مصطفی یوسفی کویایی بود.**

خمینی» با رگ و پوست ما جوش خورده و این امر را ما از هیچ کس نگرفتیم مگر...»

فرمانده قرارگاه رمضان در آخرین مرحله زندگیش در تاریخ ۶۶/۱۱/۳ زمانی که برای بررسی مسائل به منطقه «مرخیل» و «گزیل» عراق رفته بود در خاک دشمن به شهادت رسید تا خون سرخ خویش را همراه با رزمندگان مسلمان کرد عراق در خاک دشمن تقدیم مستضعفان آن دیار نماید. فرازی از وصیت نامه شهید؛

ابتدا روی سختم با کسانی است که در اثر برخی از نارسایی های سیاسی و اجتماعی از همه کس و همه چیز بریده اند. باید بگویم ما برای این وارد صحنه نشدیم که حتماً و صد درصد به اهداف نائل آییم که حالا با کمی یا زیادی پاره ای از مسائل از میدان به در رویم و صحنه را ترک گوئیم. مرد تلاش کسی است که در کوران های سیاسی به قیام و تلاش بپردازد و اگر این فراز و نشیب های اجتماعی نبود هرگز تفاوت حجر و کمیل با ابوموسی و خواجه ربیع در صحنه تاریخ روشن نمی شد.

چهار آفت بزرگ ما را تهدید می کند: عدم تدوین ایدئولوژی، عدم توجه به مسائل سیاسی و امنیتی، عدم توجه به کادرسازی و عدم توجه به مسائل برنامه ریزی. پس جمع خود را حفظ نمایید و پیوندهای اعتقادی، قلبی و عاطفی را بین همدیگر تقویت سازید.

منبع: نشریه جهاد



رژیم آمریکایی ضیاء الحق، مهاجرت به آفریقا جهت شناسایی و ارتباط با جوانان مبارز و مسلمان و ایجاد شرایط لازم جهت صدور انقلاب و تشکیل جهادسازندگی در تانزانی.

برادر یوسفی در سال ۶۱ با شروع بازسازی مناطق محروم و جنگ زده به استان خوزستان رفت و مسئولیت بازسازی شهر مظلوم سوسنگرد را پذیرفت و زمانی که کار بازسازی خاتمه یافت، تصمیم گرفت یک سره در جبهه بماند، لذا از اوایل سال ۶۳ مستمراً در امور مهندسی - رزمی پشتیبانی و خط شکنی حضور فعال پیدا کرد، تا اینکه از طرف شورای مرکزی جهادسازندگی پیشنهاد راه اندازی «جهاد سازندگی تانزانی» را بر پا کرد. پس از بازگشت از تانزانی احساس کرد، مسئله عملیات در اعماق خاک عراق جدی تلقی می شود و او که از ابتدای جنگ بر این کار اصرار می ورزید با دوستان و همزمانش به قرارگاه رمضان مستقر در ننده رفت و از مرداد ماه ۶۵ در قرارگاه رمضان به عنوان یک بسیجی مشغول کار شد و در همان روزهای اول عازم «زاخو» در عمق سیصد کیلومتری عراق شد و علیرغم درد شدید کلیه و خونریزی معده به سازماندهی نیروها و تدارک حمله پرداخت و مسئولین با شناختی که پیدا کردند، او را به عنوان مسئول محور برگزیدند. او تنها حرکت نظامی را در خاک عراق کافی نمی دید، لذا پیشنهاد راه اندازی «جهاد کردستان عراق» را با استدلال و ادله قوی با برادران شورای مرکزی جهاد مطرح کرد و بعد از اعلام موافقت، در ارتباط با این مسئله هم اقداماتی انجام داد.

شهید یوسفی همواره در آرزوی شهادت لحظه شماری می کرد و زمانی که دوست و یاور هم رزمش «منصور فاتحی» در فاو به شهادت رسید گفت:

«از تاریخ شهادت تو - تا زمانی که امیدوارم به خاطر خدا خونین به دیدارت بیایم نه شرمنده و روسیاه - مطمئن باش رنج فراغ بسیار آزارم خواهد داد. هر چند که رنجی است شیرین، خوشا بر احوالت که زیبا و مردانه دنیا را ترک گفتمی و با این حرکت ثابت کردی که از منتظران وصال بودی، ولی آینده ی من دردی است که بسیار رنجم می دهد. گاهی از خوف اینکه مبادا از فیض شهادت محروم گردم، به درگاه ایزد منان به ناله و گریه می نشینم، باشد خداوند مرا از نعمت شهادت در راهش محروم نسازد، اما امیدوارم به خداوند بزرگ که به تقصیر گناهان، پیکرم در راه خدا پاره گردد تا هم به خودم و هم به دیگران ثابت شود که فریاد «یا مرگ یا



## آخرین تولیدات رسانه ای مرکز آرشیو و اسناد دفاع مقدس اداره کل امور ایثارگران

باشناسایی این بازگدها در تلفن همراه خود می توانید فیلمها را مشاهده کنید

روز مادر



دهه فجر



حاج مرتضی شادلو



۲۲ بهمن ماه



جوادی زرگر وفا



والفجر ۸



دوازده بهمن



شهید فلفلیان



روز نیرو هوایی



# در جستجوی ناکجا



عکس از حمیده حیدری

مهدی محمدی

آن قدر آسمان درگیر ابرهای درهم است که ستاره‌های توان سوسو ندارد. ابرهای درهم آن چنان درگیرند که حتی ماه هم توان مقابله با آن را ندارد و ترجیحش هم همین است. گاهی اوقات آسمان صاف و آبی را دلتنگ می‌شوم. می‌دانی دقیقا دلتنگ چه چیز می‌شوم؟ دلتنگ ستاره‌ها و سوسو زدنشان. دلتنگ ماه با تمام تنهایی با عظمتش. دلتنگ احساسی که این شب‌های صاف و مهتابی با خود به همراه می‌آورد. جالب است در شب‌های مهتابی دلتنگی عجیبی بر من مستولی می‌گردد و در واقع همین دلتنگی را دوست دارم. دلیلی است بر من بودنم. حسی که شاید در شب‌هایی با ابرهای درگیر و درهم، ندارم. بر عکس در این شب‌های ابری احساسی ندارم. مانند انسانی مرده هستم.

چند هفته‌ایست پایم در گچ است. استخوانی بسیار کوچک بالاتر از انگشت کوچک پای راستم مو برداشته است. دلش این‌گونه خواسته است. به استخوان بسیار کوچک پای راستم ارتباطی ندارد که در طول چند هفته، کل تحرکات و کارم مختل شده است و شاید کل زندگی من تحت تاثیر همین استخوان کوچک قرار گرفته است. در طول این مدت بارها نشستم روبه‌رویش تا مردانه سنگ‌های مان را باز کنیم، بارها برایش از مشکلات پیش‌رویم گفته‌ام. از همه دغدغه‌های این چند هفته‌ام، و چگونه‌هایی که باید انجام شود. اما گوشش بدهکار نیست. حرفش یکی است. می‌گوید:

من یک عضو آسیب دیده هستم ... این نحوه برخوردت با من درست نیست... خدا را شکر کن که هستم... دو ماه پیش را یاد می‌آید؟... مشت حسین علی را؟!... بگویم یا خاطرت هست؟؟...

چیزی گفت که دیگر من را ساکت کرد. حق با او بود. حق با استخوان کوچک ترک خورده بالاتر از انگشت کوچک پایم بود. پاک پادم رفته بود. حدود دو ماه پیش بود که هنوز گرفتار این شکستگی نشده بودم. در اطاق کارم نشسته و مشغول کارم بودم. مشغول بودم، اما فکرم جای دیگر بود. فکرم در پی رتق و فتق امور مالی روزمره‌ام بود. از آنجایی که مرخصی بودم، کارهایم قدری روی هم تلمبار شده بود. به قدری مشغول بودم که ورودش را متوجه نشدم. البته تا حدی دلیل متوجه نشدنم شاید آرام آمدنش و آرامش درونیش بود. روبه‌رویم ایستاده بود. تا زمانی که من متوجه حضورش نشده بودم، به خودش اجازه نشستن نداد. با

به جبهه رفته بودم... جهادسازندگی آن روزها نیرو می‌گرفت ... و من هم یک جوان ۱۷ ساله و پر انرژی ... تازه لوله‌کشی را یاد گرفته بودم... به قول پدرم سرم بسیار داغ بود... خدا بیامرز... با رفتنم کاملا مخالف بود ... می‌گفت: «... این همه رفتند... تو اگر نری... جنگ ... شکست نمی‌خورد...» هی... هی... ببخشید جوان... من سفره دلم که باز بشه... یکی باید بیاد و من را ... از برق بکشه... پر حرفم... برایم به ناگاه انسان جالبی آمد، پس گفتم:

- نه پدر جان... بسیار شیوا و خوب صحبت می‌کنید... مشتاقم بشنوم... ضمنا ... من هنوز به جواب تعجب‌هایم نرسیدم...

خندید و با خوش‌رویی ادامه داد:

- رفتم جبهه... با رضایت پدرم... و البته شرطش ... که در پشت جبهه مشغول باشم... می‌دانی... سرنوشت تو... هر کجا که باشی... می‌گردد و پیدایت می‌کند ... چه در خط مقدم و چه در یک شهر ... و ظاهرا دور از خط مقدم... من در شهر اهواز بودم... کارم نسبتا سنگین بود... اما بی‌خطر... پدرم از این بابت بسیار خوشحال بود... روزی که پایم را در اثر بمباران هوایی از دست دادم... ناامیدی بزرگی بر من مستولی شد... هم فکر آینده مبهمی که روبه‌رویم بود و هم فکر پدرم... یادم هست وقتی در بیمارستان به هوش آمدم... چهره غضبناک پدرم از هر چیز دیگری قابل تشخیص تر بود... من هنوز نمی‌دانستم که پایم را ندارم... اما او می‌دانست... با تمام وجودش خشمش را فرو خورد و دستی بر پیشانی من کشید. چهره در همش ... آن قدر کشیده شده بود که ... رگ‌های پیشانی‌اش برایم قابل رویت بود... بعد از ساعتی که تاثیر داروها از سرم پرید ... فهمیدم ... فهمیدم از

یک پای سالم و یک پای نداشته و عصاهایی زیر بغلش، شبیه همین عصایی که من الان حمل می‌کنم یا- شاید عصا من را حمل می‌کند-، به سختی ایستاده بود. ناگهان متوجهش شدم، به سرعت بلند شدم و او را دعوت به نشستن کردم. با خوش‌رویی تمام از او عذرخواهی و پذیرایی کردم. به نظرم شرایطش بسیار سخت و طاقت‌فرسا بود. امروز که پایم در گچ است، بیشتر به این مسئله رسیدم. اما هر چقدر شرایطش سخت به نظر می‌رسید، آرامش درونیش برایم عجیب بود. چهره‌اش لبریز از آرامش درونی و مملو از لبخند بود. چطور ممکن است فردی در این وضعیت به این آرامش درونی رسیده باشد؟ اگر خودم نمی‌دیدم باورم نمی‌شد. گویا متوجه تعجب من شده بود، لبخندش فراخ‌تر شد و کل صورتش را پر کرد. اصلا چهره‌اش با لبخندش تعریف می‌شد. لبخندی با عمق بسیار و نه فقط لبخندی بر روی لب. گویی کل صورت و اجزای آن، از پیشانی تا چانه بود که لبخند را معنا می‌کرد. اما به چه چیز این‌گونه لبخند می‌زد؟ آیا این شرایطش سزاوار این لبخند عمیق بود؟

متوجه سوالات بی‌شمار ذهنم شده بود، چرا که به حرف آمد.

- بله پسر... هست... زیبایی زنده بودن و نفس کشیدن سزاوار خیلی بیشتر از این هاست... من هم ابتدا مثل تو فکر می‌کردم... اوایل که می‌گویم... همان ۳۵ سال پیش را می‌گویم... تازه پایم را از دست داده بودم... دنیایی تیره و تار جلویم گشوده شده بود... حس می‌کردم ... این سهم من نبود... این اتفاق نباید برایم می‌افتاد... چرا من؟ ... همان سوال همیشگی... من به عنوان نیروی تاسیساتی

امروز مسیر زندگی عوض شده است... از امروز همه چیز برایم متفاوت می‌شود... پام را از زانو از دست داده بودم... برایم بسیار هراس انگیز بود... ادامه زندگی برایم غیر قابل تصور بود...

برایش جای ریختن تشکری کرد و گویی تمایلی به قطع کردن صحبتش نداشته باشد، ادامه داد:

- تا چند سال اول ... سیاه‌ترین روزهای زندگی را گذراندم... چهارسال بعد جنگ تمام شد... دوره بازسازی رسیده بود... همه در هیاهوی بعد جنگ بودند و من ... در یک گوشه‌ای کز کرده بودم و ... ناامیدانه زندگی را سر می‌کردم... برایم بسیار سخت می‌گذشت... یاد می‌آید... تنها همدم من همین پای نداشته‌ام بود... از آرزوهایم... حسرت‌هایم... رویاهایم... از آینده‌ای که می‌توانستم داشته باشم و ندارم... برایش می‌گفتم... با هیچ‌کسی دیگر نمی‌توانستم این‌طور درد دل کنم... با پدرم؟... ابدا... نمی‌خواستم نگاه سرزنش بارش را هر چند کم‌رنگ احساس کنم... با مادرم؟... نمی‌خواستم او را شریک ناامیدی‌هایم کنم... او به اندازه کافی اندوه کشیده است... برای پای بی‌وفایم از مشکلات عدیده‌ام می‌گفتم و اینکه چقدر دلم برایش تنگ شده است... تا ۶ سال کارم همین بود... حتی گذر زمان هم نمی‌توانست از دردم بکاهد... چراکه من دیواری از ناامیدی به دور خود کشیده بودم... دهه هفتاد شروع شده بود... دهه آرامش و پیشرفت زندگی برای همه به جز من... دیگر ۲۵ سال را داشتیم... احساس می‌کردم از قطار زندگی پیاده شده بودم... و در جایی لابلای دشت‌های فراموشی مسکن گزیدم... حتماً می‌پرسی پس چرا من اینجا؟... امروز چرا آن‌قدر به زندگی امید و ایمان دارم؟... دلیلش فقط و فقط ... وجود ... همسر است... با آمدنش امید و ایمان دوباره را برای من به زندگی آورد... آمدنش هم قصه‌ای دارم... هی...

و چایش را هورتی بالا می‌کشد. معلوم است چایش سرد شده است. به او نگاه می‌کنم. منتظر باقی قصه‌اش هستم. نگاهم می‌کند و انگار سال‌هاست نگاهم را می‌شناسد. می‌گوید:

- اون طوری نگاه نکن پسر... خب خسته شدم... اما... حالا که با نگاهت زیاد داری اصرار می‌کنی ... بهت می‌گم... آره ... برای خود من هم ... بسیار عجیب بود... انتظار تنها چیزی را که نداشتم ورود یک زن به زندگی بود... اصلاً بهش فکر نمی‌کردم... اما آمد... بدون دعوت من ... همسر آینده من دختری بود سرزنده ... بسیار خوش مشرب و البته بسیار پرحرف... به اصرار مادرم، قرار شد خبرنگاری را از امور ایثارگران استان ببینم و او مصاحبه‌ای با من داشته باشد... قرار شد از جنگ و نحوه جانبازیم برایش تعریف

کنم ... و اینکه امروز چه می‌کنم و چگونه فکر می‌کنم... خبرنگار برای مصاحبه آمد... دختری پر جنب و جوش و پر حرف... سه ساعتی مصاحبه گرفت... از همه چیز پرسید... از همه جا ... از پای نداشته‌ام... شرایطم... هدفم از جبهه رفتن... تا رسید به اینکه امروز چطورم... گفتم خوب... خیلی خوب... نمی‌خواستم دردم را به یک غریبه بگویم... اما گویی چه‌رهام چیز دیگری می‌گفت... چه‌رهام با زبانه هم‌هنگ نبود... این را از نگاه پرسشگر و مجاب نشده دختر فهمیدم... نمی‌دانم چطور شد که برای اولین بار از ناامیدیم در نزد شخصی سخن گفتم... از رویاهایم و آرزوهایم بر باد رفته‌ام... ناگاه دختر ترش کرد و بدون کلامی خانه را ترک کرد... برایم جای تعجب بود... که چرا این اتفاق افتاده است... از سویی خود را سرزنش می‌کردم که چرا در پیش یک غریبه رازهایم مگویم را برملا کردم... یک ماهی گذشت... ظاهراً چیزی تغییر نکرده بود... اما چرا... عمیق‌تر که نگاه می‌کردم... حرف‌های در میان دیوار تنهایی من ... ایجاد شده بود... این حرفه به قدری موثر بود که دیوار حالا ۸ ساله تنهاییم را بلرزاند... یک ماهی گذشت... روزی زنگ خانه به صدا در آمد. خودش بود. بعد یک ماه برگشته بود... داخل آمد و نشست... قدری که گذشت... رو به من کرد و گفت شما جانبازید... از شما بیشتر از این انتظار می‌رود... ناامیدی در قاموس شما نمی‌گنجد... دلیل ناراحتی من آن روز همین بود... خواستم بگویم چرا؟ مگر من آدم نیستم. انگار فکرم را خوانده باشد گفت... می‌دانم که من جای شما نیستم و نمی‌توانم شرایطی که شما دارید را درک کنم... که این خودش دلیل بر درستی حرف منه... کسانی که به جایگاه شما می‌رسند... قطعاً دلایل بزرگتری برای زندگی دارند... و ایمان بزرگتری... خلاصه به قول معروف از من عذرخواهی کرد و به پر حرفیش ادامه داد... روزها و ماه‌ها می‌گذشت و من... بدون اینکه متوجه باشم... به این آمدن‌ها ... پرحرفی‌ها و به این صدا خو گرفتم... به خود آمدم دیدم... در ابتدا خانم برومند و در ادامه سهیلا خانم... جزئی از زندگی من ... و شریک تنهایی من شده بود... خودش و خودم هر دو می‌دانستیم چه بر سرمان آمده ... الان دیگر وقت ازدواج بود... اما من جسارت پیشنهاد نداشتم... شرایطم این جسارت را از من گرفته بود... روزی برای دیدنم آمده بود. گفت: «این آخرین دیدارمان است... دیگر نمی‌توانم اینجا بیایم...» به ناگاه تمام غم‌های عالم بر روی سرم آوار شد... فکر نمی‌کردم این‌طور از نبودن کسی در زندگی غمگین شوم... از نگاهم همه چیز را خواند... روبه‌رویم نشست... سرم را پایین انداختم... گفت: «هی دانی... دیگر درست

نیست با این وضعیت... ادامه بدهیم... تنها یک راه داری... یا به خواستگاریم بیا ... یا فراموشم کن...» این را گفت و رفت. زمین و زمان به دور سرم می‌چرخید... چطور ممکن بود بر سر این انتخاب رسیده باشم؟... برایم سال‌ها پیش ازدواج بحثش بسته شده بود... اما از طرفی این دختر که تمام زندگی من را پر از شور و امید کرده بود ... به سادگی نمی‌توانستم از او بگذرم... دو ماه او را ندیدم ... دو ماه سخت و بسیار رنج آور ... دو ماهی که باید می‌گذشت تا من آماده خواستگاری بشوم... همراه پدر و مادرم که در پوست خود نمی‌گنجیدند به خواستگاری سهیلا رفتم... پدری مال و مکنندار و دنیا دیده و مادری امروزی و البته با محبت... به پدر و مادرش حق می‌دادم... نگران آینده دخترشان باشند... که بودند... اما ... این سهیلا بود که - به قول پدرش... آن‌قدر دختر عاقل و بالغی هست که بتواند خودش تصمیم بگیرد... - تصمیم آخر را می‌گرفت. سهیلا تنها یک شرط برایم گذاشت... یک شرط... «اگر روزی دوباره در زندگی ایمان را گم کنی ... من را هم از دست می‌دهی... این تنها شرط من است...»

من قول دادم و زندگی را شروع کردم... خدا را شکر که هنوز... هم نور ایمان در زندگی من می‌تابد و هم سهیلا ... جوان ... نمی‌دانی ... روزها می‌گذرد و من بیشتر زیبایی‌های زندگی را درک می‌کنم... و از خدا شاکرم... که هم توانستم زندگی را مزه کنم و هم درک جدیدی از امید و ایمان به زندگی داشته باشم... درسته که یک پا ندارم ... اما انگیزه زنده بودن دارم... و این هم ناگفته نمونه که پای من در راه خاک وطن رفته و این خوشحالم می‌کنه... بارها با خودم زمزمه می‌کنم... حسین علی... مستی... تو زندگی خوبی داشتی ... سپاس گزار باش... و هستم...

پیرمرد بلند شد و به سمت درب خروجی رفت. به خودم می‌آیم و از او پرسیدم دلیل آمدنش را. قدری تمرکز کرد و گفت:

- چه توقعاتی داری جوون... من که یادم نمی‌مونه... اصلاً نمی‌دونم چکار داشتیم... آن‌قدر هم من رو به حرف گرفتی که ... یادم رفت واسه چی اومده بودم... و رفت.

امروز و با این اوضاع، خوب مشت حسین علی را درک می‌کنم... من قرار است یک هفته دیگر میزبان این گج بد قواره باشم... اما به این فکر می‌کنم که اگر جای حسین علی‌ها بودم می‌توانستم ایمان از دست رفته‌ام به زندگی را باز یابم؟ بعید می‌دانم. همتی بلند می‌خواهد و هدف و آرمانی بزرگ. در این مورد فکر می‌کنم استخوان کوچک ترک خورده پایم با من هم عقیده باشد.

# صبح امید

برقی که از ایمان خمینی بدرخشید  
عالم متغیر شد از آن جلوه توحید

در قلعه ظلمات سحر بندی شب بود  
شب رفت و فلق سر زد و خورشید درخشید

بگشود در پنجره صبح رسالت  
بر دیده تاریک جهان تابش امید

با خط جلی جوهر جان، خامه ایمان  
این بیت غزل بر گل اندیشه نگارید

تصویر رسولان خدا را همه باهم  
با دیده ز سیمای خمینی بتوان دید



نهم بهمن سال ۶۷ یکی از اختران علم و ادب باختران (قربانعلی خوشکار) در غروب غمبار ایران افول کرد و روح بزرگش بسوی ملکوت اعلیٰ پر گشو او جهادگری نستوه مردی نکته سنج و ادیبی خوش سخن بود که در سال ۱۳۰۶ در شهرستان سنقر در خانواده‌ای مستضعف متولد شد و در گیر و دار زندگی در راه ایمان و عقیده‌اش (اسلام) مبارزه کرد و پس از سالیان متمادی رنج و زحمت و شکنجه و تبعید و زندان به خدمت انقلاب اسلامی در آمد. او با فقر زیست و در این زیستن پایه و اساس بنای تفکرات خویش را با الهام از اسلام ناب محمدی جلا داد.

برادر خوشکار در منطقه‌ای به دنیا آمد که اسیر ظلم و جور بی حد و حصر خوانین رفاه طلب مزدور خائن و وطن فروش بود که همگی با دربار رژیم ستم شاهی مرتبط بودند و هیچ کس جرات اظهار مخالفت و اعتراض با آنان را نداشت و در این جو خفقان و استبداد بود که خوشکار در ابتدای نوجوانی با سرودن اشعار طنزآمیز که از طبع لطیف و ظلم ستیزش ملهم می شد و در مجلات فکاهی آن زمان به چاپ می رسید به مبارزه علنی با این جرثومه فساد پرداخت تا جایی که بعدها در جریان این مبارزات از سوی مامورین امنیتی رژیم شاه دستگیر شد و هشت سال زجر و شکنجه و تبعید را در جزیره دوره افتاده خارک تحمل نمود.

برادر قربانعلی خوشکار همواره در محضر درس اخلاق روان شاد آیت الله غروی که خود نیز در سنقر به عنوان تبعیدی زندگی می کرد حضوری فعال و مستمر داشت و در این کلاسها مسائل بسیاری را از محضر این استاد فقید تلمذ نمود. اشعار وی که در مورد جنگ تحمیلی و انقلاب و تبلور رشادت‌ها و مجاهدت رزمندگان سلحشور اسلام و همچنین اشعاری که در مدح پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد(ص) سروده است نمایانگر روح سرشار از عشق قلبی و عمیق آن بزرگوار به خاندان عصمت و طهارت بوده و تسلیم بی چون و چرای او را به اسلام عزیز نشان می دهد.

برادر خوشکار از معدود اشخاصی بود که آلام و رنج‌های مردم خصوصا جهادگران را می شناخت و در انعکاس فعالیت‌های بی شمار جهادسازندگی در رسانه‌های گروهی نقش بسزایی داشت.

منبع مجله جهاد اردیبهشت ۱۳۶۸ - شماره ۱۱۷

# خلاصه خوبی‌ها

لبخند تو خلاصه خوبی‌هاست  
لختی بخند خنده گل زریاست

پیشانی‌ات تنفس یک صبح است  
صبحی که انتهای شب یلداست

در چشمت از حضور کبوترها  
هر لحظه مثل صحن حرم غوغاست  
رنگین کمان عشق اهورایی  
از پشت شیشه دل تو پیدااست

فریاد تو تلاطم یک طوفان  
آرامشت تلاوت یک دریاست

با ما بدون فاصله صحبت کن  
ای آنکه ارتفاع تو دور از ماست

قیصر امین پور

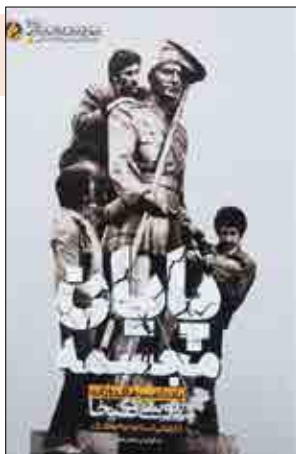


## معرفی کتاب



**خاکریز و خاطره؛ خاطرات جمعی از جهادگران استان کرمان**  
**ناشر:** صریح (وابسته به بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس)

گردان مهندسی رزمی ۶۲ خیبر جهاد سازندگی استان کرمان از جمله گردانهای بسیار تاثیر گذار و فعال در امر مهندسی رزمی و پشتیبانی و مهندسی جنگ در دوران دفاع مقدس بود. این کتاب به گوشه ای از دلاوریها و ایثارگران سنگرساز بی سنگر این گردان که بعد ها به تیپ مهندسی ارتقا یافت پرداخته است.



**پایان مجسمه (یادداشت‌های روزانه رزمنده و جانباز جهادگر موسی کیخا)**  
**مؤلف:** هادی لطفی **ناشر:** دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی

«پایان مجسمه» یادداشت‌های روزانه رزمنده و جانباز جهادگر موسی کیخا و نخستین جلد از مجموعه تاریخ نگاران انقلاب اسلامی است که جریانات و حالات مردم کاشان را در روزهای انقلاب روایت می‌کند.

این کتاب در ۳ فصل شامل: زندگی‌نامه خودنوشت موسی کیخا، قیام مسجدی‌ها، نهضت ما حسینیه؛ رهبر ما خمینیه، شکوفه‌های زمستان، سخنی با شما برادر و خواهر کاشانی و همچنین ضمائم می‌باشد که در ۴۹۹ صفحه توسط واحد تاریخ شفاهی دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی تهیه شده است.

موسی کیخا متولد ۱۳۲۸ در زابل، نویسنده و روزنامه‌نگار، پیش از انقلاب گزارش‌گر مبارزات انقلابی مردم منطقه کاشان و آران و بیدگل بر علیه رژیم ستم‌شاهی بوده و روزنوشت‌های خود از اتفاقات سال‌های پایانی عمر رژیم پهلوی را در این کتاب به رشته تحریر درآورده است. آخرین گزارش‌ها از این اتفاقات که نماد سقوط رژیم سابق است، سقوط مجسمه‌های شاه مخلوع در میدان شهرها بود که این مجسمه در میدان ۱۵ خرداد کاشان فعلی وجود داشت و در روزهای آخر عمر رژیم سابق و منتهی به انقلاب توسط مردم سقوط کرد.



**پرستوهای بی آشیان (زندگینامه ۴۸ سنگرساز بی سنگر جهاد قم)**  
**مؤلف:** روح‌الله سلحشور **ناشر:** عماد فردا

کتاب حاضر در راستای حفظ و نشر ارزش‌ها و دستاوردهای حماسه هشت سال دفاع مقدس و همچنین اشاعه این فرهنگ والا مجموعه‌ای است با عنوان زندگی‌نامه شهدای جهادگران استان قم که شامل مجموعه‌ای است با عنوان زندگی‌نامه شهدای جهادگران استان قم که شامل مجموعه‌ای کامل از زندگی شهدا و تصاویر و دیگر اطلاعات که به همت کلیه خانواده‌های معزز شهدا و هم‌زمان آن‌ها گردآوری شده است.

آنچه در پیش رو دارید مجموعه‌ای است از زندگینامه‌های شهدای بزرگوار جهادگران استان قم که با عنایت حضرت حق گردآوری شده و سعی شده در حد بضاعت در قالبی جدید به مخاطبان گرامی ارائه شود.

# خستگی ناپذیر

راوی: یدالله ریحانی، جهاد کشاورزی رازوجر گلان



نمی توانستیم به خوبی همدیگر را ببینیم. به هر حال شب به پایان آمد و هنگام طلوع خورشید رسید. وقتی همه جا روشن شد دیدم آن راننده اصفهانی که دانش آموز سوم راهنمایی بود با آن بدن نحیف پشت لودر نشسته. به طرف لودر رفتم و داخل آن را نگاه کردم با دیدن آن صحنه خنده ام گرفت، بندهی خدا چون پاهای کوچکش به پدال ها نمی رسد ابتکار به خرج داده بود و روی هر یک از پدال ها تکه چوبی ضخیم با نخ محکم بسته بود، تا بتواند پاهایش را به آنها برساند. جالب تر این بود که وقتی کارهای انجام شده را بررسی کردیم متوجه شدیم که همین نیروی اصفهانی خیلی بیشتر از ما کار کرده است. وقتی از دوستانش درباره اش سوال کردیم، گفتند: اکنون حدود یک هفته است که هر شب به صورت مداوم در ماموریت است و اصلا احساس خستگی و ناراحتی نمی کند. در دل به او آفرین گفتم و خدای بزرگ را به خاطر وجود این بندگان مخلص و ایثارگر شکر کردم.

در دوران خدمت سربازی، به دلیل آشنایی با امور فنی و مهندسی با نیروهای جهادسازندگی در کارهایی نظیر تعمیر دستگاه ها و ماشین آلات سنگین، سنگرسازی، پل سازی همکاری می کردم و به همین دلیل با بچه های جهاد سازندگی رفیق شده بودم. در یکی از عملیات ها در منطقه پاسگاه زید عراق، توفیق نصیب شد تا به جای یکی از راننده های جهاد که به دلیل مشکلات و گرفتاری خانوادگی به مرخصی رفته بود، انجام وظیفه کنم. به همراه دو نفر دیگر از بچه های راننده، که از اصفهان و خراسان اعزام شده بودند، به ماموریت رفتیم. وظیفه ی ما این بود که در یکی از مواضع خودی که دشمن قصد داشت در آنجا آب بریزد و مانع ایجاد کند، خاکریز احداث کنیم. وسایلی چون کلمن آب و چراغ قوه و... را برداشته و شبانه مشغول کار شدیم. چون در دید و تیررس دشمن قرار داشتیم چراغ لودرها را خاموش کرده بودیم. در آن تاریکی شب حتی



# عملیات والفجر مقدماتی



## عملکرد پشتیبانی-مهندسی جنگ جهادسازندگی



احداث ۴۹ دهنه پل کوچک و بزرگ؛  
ساخت ۳۵۰ دهنه پل نفربر (پیش ساخته) به طول ۶، ۸ و ۹ متری؛  
ساخت ۴۰۰ دهنه پل آلومینیومی نفررو در ابعاد گوناگون؛  
احداث ۲ سایت موشکی؛  
احداث ۲ باند هلی کوپتر؛  
احداث بیش از ۳۵۰ مورد سنگرهای انفرادی، اجتماعی و ماشین آلات؛  
احداث ۲ قرارگاه عملیاتی با سنگرها و استحکامات مورد نیاز؛  
احداث ۹۷/۵ کیلومتر خاکریز؛  
احداث و ترمیم بیش از ۴۸۷ کیلومتر انواع جاده‌های عملیاتی، مواصلاتی و تدارکاتی؛  
احداث و راه‌اندازی ۴ واحد اورژانس؛  
احداث و بهره‌برداری از ۱۸ باب حمام؛  
احداث و بهره‌برداری از ۷ حلقه چاه عمیق و نیمه‌عمیق؛  
ایجاد و بهره‌برداری از ۴ باب آشپزخانه؛  
احداث و راه‌اندازی یک بیمارستان صحرایی؛  
و...

## رمز عملیات



یا الله - یا الله - یا الله

## ساعت شروع عملیات:



۲۱:۳۰

## مناطق آزاد شده



پاسگاه‌های ایرانی سوبله، صغریه، رشیدیه و طاووسیه؛  
پاسگاه‌های عراقی وهب، کرامه؛ صغریه  
۳۰۰ کیلومتر از خاک سرزمین اسلامی آزاد شد.







# عملیات والفجر ه



## عملکرد پشتیبانی- مهندسی جنگ جهاد سازندگی

احداث ۸/۸۷ کیلومتر انواع جاده و ترمیم، تکمیل و شن‌ریزی بیش از ۲۷ کیلومتر جاده‌ی تدارکاتی و عملیاتی؛  
 بازسازی جاده‌ی آسفالت مهران - دهلران به طول ۰ کیلومتر؛  
 احداث بیش از ۷ کیلومتر خاک‌ریز با ارتفاع ۳ - ۱ متر؛  
 احداث ۱۰ دهنه‌ی پل بزرگ لوله‌ی و آب نما؛  
 احداث یک دهنه‌ی پل لوله‌ی سنگین رو که در عملیات عاشورا نیز نقش بسیار مهم و حیاتی داشت؛  
 احداث ۱۷۰ متر کانال با عرض ۱۲ - ۱۰ متر؛  
 احداث ده‌ها مورد سنگر انفرادی - اجتماعی و سنگر ماشین‌آلات؛  
 احداث ده‌ها سکو و سنگر تانک زرهی؛  
 احداث چندین اورژانس صحرائی که دارای باند هلی‌کوپتر برای سرعت بخشیدن به نقل و انتقال مجروحان نیز بود؛  
 احداث یک مقر فرماندهی عملیات با تمام سنگرها و استحکامات مورد نیاز؛  
 پاک‌سازی قسمت‌هایی از میدان مین موجود در منطقه‌ی عملیاتی؛  
 احداث و راه‌اندازی ۲ باب حمام صحرائی بزرگ؛  
 انجام فعالیت‌های پشتیبانی و ارسال تدارکات مورد نیاز رزمندگان؛  
 استقرار ۲ اکیپ کامل و مجهز به منظور تعمیر راه‌اندازی و سائط نقلیه؛  
 آبرسانی به مناطق و محورهای عملیاتی؛  
 آب پاشی جاده‌های عملیاتی در حین عملیات به منظور جلوگیری از ایجاد گرد و خاک و اطلاع نیافتن نیروهای دشمن از تردد ماشین‌آلات.



رمز عملیات  
یا زهرا(س)



ساعت شروع عملیات:  
۲۴:۰۰



محور عملیات

چنگوله (حد فاصل مهران - دهلران)



مناطق آزاد شده:

ارتفاعات بندر پیر علی، تنگه‌ی چنگوله،  
 تونل، چغاسگر و عباس عظیم؛  
 پاسگاه‌های شمالی، عین عبد، طارق و  
 الرباعی(عراق)؛  
 شهرک یک سایه - آل یاسین و روستای  
 شیخ احمر؛  
 تسلط بر جاده‌ی طیب - بدره (عراق).



مدیر کل حفظ آثار دفاع مقدس سمنان:

## جهاد سازندگی سمنان در دفاع مقدس یک جریان عظیم مجاهدت و خدمت بود



وی با بیان این که جهاد و جهادگران این استان نقش برجسته‌ای داشتند، افزود: پیروزی رزمندگان و مهندسی رزمی دفاع مقدس، مدیون و مرهون مجاهدت رزمندگان جهاد و سنگرزبانان بی‌سنگر است.

سلامی ادامه داد: با توجه به این مهم که جمعیت استان در دوران دفاع مقدس کمتر از یک درصد جمعیت کشور بود ولی شهدای جهاد استان ۴ درصد شهدای جهاد کشور را به خود اختصاص داده است.

این مسئول گفت: جهاد و جهادگران استان در بیش از ۲۰ عملیات آفندی حضور داشتند که در مجموع ۲۱ هزار نفر اعزام، ۸۰۲ مجروح و جانباز و ۱۹ آزاده سند افتخار مجاهدان فی سبیل الله در جهاد سازندگی استان بود. وی نیز بابیان اینکه قرارگاه ستاد پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد در مرکز فرهنگی دفاع مقدس سمنان یکی از افتخارات سازمان جهاد کشاورزی استان است، تصریح کرد: این قرارگاه با هدف آشنایی مردم و به ویژه نسل جوان با حماسه سنگرزبانان بی‌سنگر در حال احداث است.

سلامی با اشاره به اقدامات انجام شده در راستای احداث قرارگاه ستاد پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد در مرکز فرهنگی دفاع مقدس سمنان گفت: در حال حاضر فعالیت‌های عمرانی این قرارگاه به پایان رسیده و اقدامات غرفه‌آرایی و نرم‌افزاری سنگر و محوطه‌سازی قرارگاه آغاز شده است.

وی در خصوص دانشنامه دفاع مقدس استان سمنان خاطر نشان کرد: تدوین دانشنامه دفاع مقدس در استان یک فعالیت ارزشمند در راستای معرفی دوران دفاع مقدس به نسل‌های بعدی است که وقایع حماسی این برهه تاثیرگذار و سرنوشت‌ساز کشور را لمس نکرده‌اند و این مهم می‌تواند گام مهمی در راستای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت باشد.

وی ادامه داد: در تنظیم دانشنامه دفاع مقدس نباید نقش ارزشمند جهاد سازندگی که به فرموده امام راحل به‌عنوان سنگرزبانان بی‌سنگر یادکرده‌اند، فراموش و نادیده گرفته شود و ضرورت دارد نقش تمامی گردان‌های جهاد استان مستندسازی و جمع‌آوری شود.

سرهنگ «محمد حسن سلامی» گفت: جهاد سازندگی استان سمنان در دوران دفاع مقدس یک جریان عظیم مجاهدت و خدمت بود، که منشاء تحولات بسیار و پیروزی‌های عظیم در انقلاب و دفاع مقدس شد.


به گزارش خبرنگار دفاع‌پرس از سمنان، سرهنگ «محمد حسن سلامی» مدیر کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان سمنان در جلسه‌ای با سید «علی حمزه رضوی» مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی اظهار داشت: جهاد سازندگی استان سمنان در دوران دفاع مقدس یک اداره نبود، بلکه یک جریان عظیم مجاهدت و خدمت بود که منشاء تحولات بسیار و پیروزی‌های عظیم در انقلاب و دفاع مقدس شد. وی گفت: مردم از جهاد سازندگی دوران انقلاب و جنگ، خاطرات فراموش نشدنی دارند، از خدمت به مناطق محروم و روستاها گرفته تا میدان‌های سخت نبرد در جنوب و غرب کشور با احداث پل‌ها، خاکریزها و جاده رملی در عملیات‌ها و مناطق عملیاتی، حفر ۱۲۸ کیلومتر کانال و اعزام ۱۶۷۰ دستگاه کمپرسی در دوران دفاع مقدس که همگی به عنوان ستون و تکیه‌گاه بزرگ رزمندگان محسوب می‌شد.




جهت صدور کارت ایثار رزمندگان جهادگر

راهنمای تکمیل و ارسال اطلاعات به سازمان جهاد کشاورزی استانها ابلاغ شد

شماره : ۲۹۰/۲۹۵۶  
تاریخ :  
پوست : دارد



جمهوری اسلامی ایران  
پرستش



جهاد کشاورزی  
وزارت جهاد کشاورزی  
اداره کل امور ایثارگران

یک لحظه درنگ، دشمن را تقویت میکند  
سردار رشید اسلام جهادگر شهید اسدالله هاشمی

معاونین محترم توسعه مدیریت و منابع  
سازمان جهاد کشاورزی کلیه استانها

موضوع: راهنمای تکمیل و ارسال اطلاعات صدور کارت ایثار جهادگران رزمنده

ابلاغیه - تکمیلی  
=====

سلام علیکم؛


احتراماً، در اجرای ابلاغیه شماره ۲۲۱۶/۱/۸۵/۴ مورخ ۱۳۹۹/۰۱/۲۶ رئیس محترم ستادکل نیروهای مسلح با عنایت به ابلاغ تکمیلی شماره ۱۰۷/۱/د/۹۹/۱۱/۲۶ مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۲۲ دبیر محترم شورای هماهنگی امور رزمندگان، بدینوسیله **راهنمای تکمیل و ارسال اطلاعات جهادگران رزمنده جهت صدور کارت ایثار در دو بخش:**

**بخش اول - دستورالعمل تکمیل پرونده کاربرگهای رزمنده**

**بخش دوم - دستورالعمل تکمیل اطلاعات الکترونیکی**

جهت اقدام حضورتان ارسال می گردد. مقتضی است با لحاظ اهمیت موضوع دستور فرمائید نسبت به تامین تجهیزات و نیروی انسانی مورد نیاز اجرای این امر مهم در سطح آن سازمان، شرکتها و موسسات تابعه اقدام لازم به عمل آید.

**سیدحزرتزه رضوی**  
**مشاور وزیر و مدیرکل**



رونوشت:

- جناب آقای دکتر شجری معاون محترم وزیر جهت استحضار.
- سردار سرتیپ پاسدار شریفی دبیر محترم شورای هماهنگی و امور رزمندگان جهت استحضار.
- اعضای محترم کمیسیون مرکزی امور ایثارگران جهت استحضار.
- جناب آقای قدسی مشاور محترم وزیر و مدیرکل دفتر هماهنگی امور استانها جهت استحضار.
- جناب آقای کریمی سرپرست محترم اداره کل امور اداری جهت استحضار و دستور اقدام لازم.
- مشاور محترم رئیس سازمان و رئیس اداره امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی کلیه استانها.

---

نشانی: خیابان آیت الله طالقانی - انتهای خیابان طالقانی - بعد از خیابان بهار - نیش کوجه طباطبایی مقدم - پلاک ۳۸ ساختمان شهید محمد طرحی  
کد پستی: ۱۵۶۱۹۴۵۱۸ | تلفن: ۷۷۶۸۳۳۹ | شماره: ۷۷۵۰۸۰۵۹ | پست الکترونیک: isar-jahad@agri-jahad.org | آدرس وب سایت معاونت: <https://shad.maj.ir>

صفحه ۱

**پسمه تعالی**

کاربرگ‌های پرونده جهادگران رزمنده دفاع مقدس  
اداره امور ایثارگران سازمان جهاد کشاورزی استان...  
شماره بایگانی:  
تاریخ تکمیل:

مشخصات فردی رزمنده



جهاد  
دانشگاه کشاورزی  
ایران، تبریز  
دپارتمان مدیریت منابع انسانی

محل الصاق  
عکس پرسنلی  
۳۵۴

نام	نام خانوادگی	نام پدر	نام مادر	کد ملی (ده رقم)	شماره شناسنامه	سریال شناسنامه (شش رقم)	سری حروفی (یک حرف)	سری عددی (دو رقم)	تاریخ تولد (روز/ماه/سال)
محل تولد	محل صدور شناسنامه	تاریخ صدور شناسنامه (روز/ماه/سال)	جنسیت (مرد/زن)	وضعیت تاهل (مجرد، متأهل)	تعداد فرزندان	وضعیت حیات (متوفی، در قید حیات)	دین (اسلام، مسیحیت، کثیمی، سایر)	مذهب (شیعه، سنی)	تابعیت (ایران، افغانستان، عراق، پاکستان، لبنان، سایر)
استان	شهرستان	بخش	دهستان	شهر/روستا	کد پستی	وضعیت مسکن (پدری، سازمانی، مالک، استیجاری)	تلفن منزل (به همراه پیش شماره)	شماره همراه	ایمیل
آدرس دقیق									
مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	وضعیت اشتغال (کارمند، بی‌کار، دانشجو، شغل آزاد)	عنوان شغل	تلفن محل کار (به همراه پیش شماره)	وضعیت جسمانی (سالم، معلول، صعب‌العلاج، بیماری خاص)	نوع معلولیت	نوع بیماری خاص	گروه خون	DNA
آدرس دقیق محل اشتغال									

صفحه ۲

اطلاعات همسر رزمنده

نام	نام خانوادگی	نسبت (همسر، فرزند)	نام پدر	نام مادر	کد ملی (ده رقم)	شماره شناسنامه	سریال شناسنامه (شش رقم)	سری حروفی (یک حرف)	سری عددی (دو رقم)	تاریخ تولد (روز/ماه/سال)
محل تولد	محل صدور شناسنامه	تاریخ صدور شناسنامه (روز/ماه/سال)	جنسیت (مرد/زن)	وضعیت تاهل (مجرد، متأهل)	تعداد فرزندان	وضعیت حیات (متوفی، در قید حیات)	دین (اسلام، مسیحیت، کثیمی، سایر)	مذهب (شیعه، سنی)	تابعیت (ایران، افغانستان، عراق، پاکستان، لبنان، سایر)	DNA
استان	شهرستان	بخش	دهستان	شهر/روستا	کد پستی	وضعیت مسکن (پدری، سازمانی، مالک، استیجاری)	تلفن منزل (به همراه پیش شماره)	شماره همراه	ایمیل	
آدرس دقیق منزل										
مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	وضعیت اشتغال (کارمند، بی‌کار، دانشجو، شغل آزاد)	عنوان شغل	تلفن محل کار (به همراه پیش شماره)	وضعیت جسمانی (سالم، معلول، صعب‌العلاج، بیماری خاص)	نوع معلولیت	نوع بیماری خاص	گروه خون	DNA	
آدرس دقیق محل اشتغال										

اطلاعات فرزند اول رزمنده

نام	نام خانوادگی	نسبت (همسر، فرزند)	نام پدر	نام مادر	کد ملی (ده رقم)	شماره شناسنامه	سریال شناسنامه (شش رقم)	سری حروفی (یک حرف)	سری عددی (دو رقم)	تاریخ تولد (روز/ماه/سال)
محل تولد	محل صدور شناسنامه	تاریخ صدور شناسنامه (روز/ماه/سال)	جنسیت (مرد، زن)	وضعیت تاهل (مجرد، متاهل)	تعداد فرزندان	وضعیت حیات (متوفی، در قید حیات)	دین (اسلام، مسیحیت، کلیبی، سایر)	مذهب (شعه، سنی)	تابعیت (ایران، افغانستان، عراق، پاکستان، لبنان، سایر)	DNA
استان	شهرستان	بخش	دهستان	شهر/روستا	کد پستی	وضعیت مسکن (پدری، سازمانی، مالک، استیجاری)	تلفن منزل (به همراه پیش شماره)	شماره همراه	ایمیل	
آدرس دقیق منزل										
مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	وضعیت اشتغال (کارمند، بیکار، دانشجو، شغل آزاد)	عنوان شغل	تلفن محل کار (به همراه پیش شماره)	وضعیت جسمانی (سالم، معطل، صعب العلاج، بیماری خاص)	نوع معلولیت	نوع بیماری خاص	گروه خون	آدرس دقیق محل اشتغال	

اطلاعات فرزند دوم رزمنده

نام	نام خانوادگی	نسبت (همسر، فرزند)	نام پدر	نام مادر	کد ملی (ده رقم)	شماره شناسنامه	سریال شناسنامه (شش رقم)	سری حروفی (یک حرف)	سری عددی (دو رقم)	تاریخ تولد (روز/ماه/سال)
محل تولد	محل صدور شناسنامه	تاریخ صدور شناسنامه (روز/ماه/سال)	جنسیت (مرد، زن)	وضعیت تاهل (مجرد، متاهل)	تعداد فرزندان	وضعیت حیات (متوفی، در قید حیات)	دین (اسلام، مسیحیت، کلیبی، سایر)	مذهب (شعه، سنی)	تابعیت (ایران، افغانستان، عراق، پاکستان، لبنان، سایر)	DNA
استان	شهرستان	بخش	دهستان	شهر/روستا	کد پستی	وضعیت مسکن (پدری، سازمانی، مالک، استیجاری)	تلفن منزل (به همراه پیش شماره)	شماره همراه	ایمیل	
آدرس دقیق منزل										
مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	وضعیت اشتغال (کارمند، بیکار، دانشجو، شغل آزاد)	عنوان شغل	تلفن محل کار (به همراه پیش شماره)	وضعیت جسمانی (سالم، معطل، صعب العلاج، بیماری خاص)	نوع معلولیت	نوع بیماری خاص	گروه خون	آدرس دقیق محل اشتغال	

صفحه ۵

اطلاعات فرزند سوم رزمنده

نام	نام خانوادگی	نسبت (همسر، فرزند)	نام پدر	نام مادر	کد ملی (ده رقم)	شماره شناسنامه	سریال شناسنامه (شش رقم)	سری حروفی (یک حرف)	سری عددی (دو رقم)	تاریخ تولد (روز/ماه/سال)
محل تولد	محل صدور شناسنامه	تاریخ صدور شناسنامه (روز/ماه/سال)	جنسیت (مرد/زن)	وضعیت تاهل (مجرد، متاهل)	تعداد فرزندان	وضعیت حیات (متوفی، در قيد حیات)	دین (اسلام، مسیحیت، کلیسی، سایر)	مذهب (شبهه، سنتی)	تابعیت (ایران، افغانستان، عراق، پاکستان، لبنان، سایر)	DNA
استان	شهرستان	بخش	دهستان	شهر اروستا	کد پستی	وضعیت مسکن (پدری، سازمانی، مالکد، استیجاری)	تلفن منزل (به همراه پیش شماره)	شماره همراه	ایمیل	
آدرس دقیق منزل										
مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	وضعیت اشتغال (کارمند، بیکار، دانشجو، شغل آزاد)	عنوان شغل	تلفن محل کار (به همراه پیش شماره)	وضعیت جسمانی (سالم، معلول، صعب العلاج، بیماری خاص)	نوع معلولیت	نوع بیماری خاص	گروه خون		
آدرس دقیق محل اشتغال										

صفحه ۶

سوابق حضور در جبهه

ردیف	شماره پلاک	تاریخ اعزام (روز/ماه/سال)	تاریخ پایان مأموریت (روز/ماه/سال)	مدت حضور		یگان اعزام کننده	یگان به کار گرفته	منطقه حضور	نام عملیات	مدت عملیات		مسئولیت	نوع سند جبهه	شماره سند جبهه	تاریخ سند جبهه (روز/ماه/سال)
				روز	ماه					روز	ماه				
۱															
۲															
۳															
۴															
۵															
۶															
۷															
۸															
۹															
۱۰															
۱۱															
۱۲															
۱۳															
۱۴															
۱۵															
مجموع مدت حضور در جبهه															
ماه	روز														

⊛ کلیه اطلاعات مندرج در این صفحه، اطلاعات فرمها و مدارک پیوست مورد تایید اینجانب..... فرزند..... با کد ملی..... می باشد و به این معناست که سوابق دیگری از جهاد و ارگان دیگری ندارم و کلیه مسئولیت قانونی صحت و سقم اطلاعات فوق برعهده اینجانب می باشد.  
امضاء و اثر انگشت:

صفحه ۷

تاییدیه‌ها

کلیه اطلاعات ثبتی در فرم‌های فوق، بر اساس بررسی و تطبیق با مدارک موجود، مورد تایید اینجانب.....کارشناس امور ایثارگران استان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی:  
امضاء:

تایید کمیته احراز استان				
نام	نام خانوادگی	سمت در دبیرخانه استان	نظر کارشناسی	امضاء
		معاون توسعه مدیریت و منابع سازمان جهاد کشاورزی استان (عضو-رئیس)		
		فرمانده منتخب مشاور محترم وزیر در کمیسیون امور ایثارگران استان (عضو)		
		مشاور رئیس سازمان و رئیس اداره امور ایثارگران استان (عضو-مدیر)		
		مدیر امور اداری سازمان جهاد کشاورزی استان (عضو)		
		فرمانده ارشد منتخب رئیس سازمان استان (حداقل فرمانده گردان)		



نمونه کارت ایثار

## انتصاب «اعضای کمیته مرکزی احراز رزمندگان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد وزارت جهاد کشاورزی»

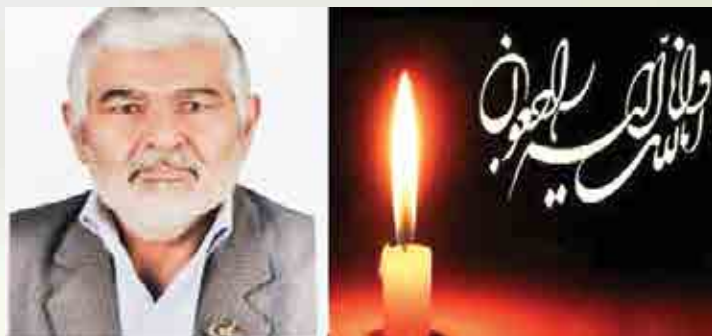


احکام اعضای کمیته مرکزی احراز رزمندگان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد وزارت جهاد کشاورزی، از سوی معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت جهاد کشاورزی صادر شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، طی حکمی از سوی شاهرخ شجری معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت جهاد کشاورزی، پیرو بند (ج) ماده (۹) دستورالعمل صدور کارت ایثار رزمندگان ابلاغیه شماره ۲۲۱۶/۱/۸۵/۴ از طرف

ریاست ستادکل نیروهای مسلح، سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران، به عنوان رییس کمیته مرکزی احراز رزمندگان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد وزارت جهاد کشاورزی، عبدالله فاتحی عضو و نایب رییس کمیته مرکزی، عبدالعلی کریمی عضو کمیته مرکزی، سیروس رجبی عضو و دبیر کمیته مرکزی و امیربهاد نیشابوری به عنوان عضو کمیته مرکزی احراز رزمندگان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد وزارت جهاد کشاورزی منصوب شدند.

## پیام تسلیت مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران به مناسبت درگذشت رزمنده جهادگر «سید عباس فیروزآبادی»



در پی درگذشت جهادگر فقید زنده یاد سید عباس فیروزآبادی، مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران پیام تسلیتی صادر کرد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی متن این پیام بدین شرح است:

بسمه تعالی

زحمات بی‌وقفه جهاد، این سنگر سازان بی‌سنگر، در دفاع مقدس مان از جمله مسائلی است که ترسیم آن در قالب الفاظ نمی‌گنجد.

امام خمینی (ره)

پیشکشوت جهادگر سردار سرلشگر بسیجی جناب آقای دکتر سید حسن فیروزآبادی

مشاور عالی نظامی فرماندهی معظم کل قوا

سلام علیکم؛

بار دیگر عاشقی صادق و پویندهای صالح در طریق جاوید استقامت و پایداری، حدیث پرواز را روایت کرد، بال در بال ملائک گشود و در کنار یاران آسمانی اش ماوا گزید.

هجران غم بار برادر ارجمندتان رزمنده جهادگر زنده‌یاد «سید عباس فیروزآبادی» از جانبازان صبور و شکور و سنگر سازان بی‌سنگر مخلص و متعهد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی در استان خراسان را حضور جنابعالی و خانواده معزا و همچنین همزمان ایثارگر و و سنگر ساز بی سنگر استان خراسان تسلیت عرض نموده و از درگاه حضرت حق برای آن فقید سعید، علو درجات و هم نشینی با شهدا و برای همه بازماندگان و سوگواران، صبر و اجر مسالت دارم.



## رزوم جلوگیری از تحریف دفاع مقدس با تدوین آیین نامه



با اشاره به تدوین آیین نامه نحوه رسیدگی به تخلفات و اتهامات تحریف کنندگان تاریخ، وقایع و اسناد دفاع مقدس، عنوان کرد: آنهایی که مسایل مربوط به دفاع مقدس را تحریف می کنند، برابر ابلاغی که توسط قوه قضاییه به دادگستری های کشور صورت گرفته، اتهامات آن ها در محاکم قضایی قابل رسیدگی است؛ امروز ضد انقلاب، دشمن و برخی افراد در کشورمان از بعضی نشریات و کتاب های دفاع مقدس منتشر شده توسط نیروهای مسلح، تناقض ها را استخراج و با استفاده از آن ها بعضاً شبههاتی را مطرح می کنند؛ به همین دلیل باید این موضوع ساماندهی شود.

سردار کارگر با بیان اینکه تاریخ توصیفی دفاع مقدس بر عهده بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس و تحلیل دفاع مقدس بر عهده پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس قرار دارد، اضافه کرد: همان گونه که مؤسسه استاندارد در کشورمان درباره تولید کالایی تصمیم می گیرد، در حوزه دفاع مقدس هم باید چنین اقدامی صورت گیرد؛ بدین معنی که باید با تدوین و تصویب آیین نامه ای از تحریف دفاع مقدس جلوگیری شود.

بیستمین نشست شورای عالی هماهنگی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس با حضور سردار سرتیپ بسیجی «بهمن کارگر» رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس، سردار سرتیپ پاسدار علی فضلی جانشین معاونت هماهنگ کننده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سایر اعضای این شورا از جمله سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی و صادق صدقکو معاونت فرهنگی و پژوهشی این اداره کل در موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس گفت: باید جلوی تحریفات در حوزه دفاع مقدس گرفته شود که برای تحقق این امر به تدوین آیین نامه نیاز است. سردار کارگر در این نشست اظهار داشت: طبق تدبیر سردار سرلشکر «محمد باقری» رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، مسئولیت هدایت و راهبری مراکز پژوهشی جنگ در سطح عملیاتی و تاکتیکی حوزه دفاعی امنیتی هشت سال دفاع مقدس به بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس محول شده است؛ همچنین سازمان آموزش، نشر و ترویج پژوهش های دفاع مقدس که در ساختار این بنیاد قرار دارد با تغییر عنوان به «سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج پژوهش های دفاع مقدس» علاوه بر انجام مسئولیت های قبلی، مرجع ستادی پژوهش های دفاعی و امنیتی در سطح تاکتیکی و عملیاتی هم است. وی در ادامه با اشاره به اینکه از ۵۶ پروژه دفاع مقدس تاکنون ۴۹ پروژه به اتمام رسیده است، تاکید کرد: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس فقط وظیفه سیاست گذاری، هدایت و هماهنگی در حوزه دفاع مقدس را بر عهده دارد و در امور اجرایی وارد نمی شود. رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس همچنین



## رفع مشکلات خانواده شهدا و ایثارگران، ادامه راه پر افتخار شهداست



در ادامه این نشست سرپرست اداره کل امور اداری نیز ضمن خیرمقدم و تشکر از حضور مدیران اداره کل امور ایثارگران، به بیان خاطراتی از دوران دفاع مقدس پرداخت و گفت: تلاش برای رفع مشکلات ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، توفیقی الهی است که انشالله با همکاری و هم افزایی بیشتر، گامهای موثری در این خصوص برداشته خواهد شد.

نشست مشترک مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران با سرپرست اداره کل امور اداری وزارت جهاد کشاورزی برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در ابتدای این نشست که با حضور سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران، عبدالله فاتحی معاون برنامه ریزی و تعاون، صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی، سیروس رجبی رئیس اداره تعاون و رفاه، امیربهزاد نیشابوری رئیس اداره برنامه ریزی، بودجه و اشتغال، کریم عباسپور مسئول امور عمومی و پشتیبانی و همچنین عبدالعلی کریمی سرپرست اداره کل امور اداری و سعید منافی زاده کارشناس امور ایثارگران این اداره کل برگزار شده بود، سید حمزه رضوی ضمن تبریک انتصاب سرپرست جدید اداره کل امور اداری و آرزوی توفیق برای وی گفت: جای بسی خرسندی است که فردی درد آشنا از خانواده ایثارگران، رزمنده و برادر دو شهید در چنین کسوتی قرار گرفته است.

وی تصریح کرد: امروز تلاش برای رفع مشکلات خانواده شهدا و ایثارگران، ادامه راه پر افتخار شهداست اما معضلات در این حوزه بسیار است و شرح وظایف کاری و اعتبارات جاری ما نیز در چهارچوب خاصی تعریف شده است.

رضوی افزود: مشکل بزرگ ما در سیستم اجرایی و اداری کشور، عدم آشنایی دقیق و شناخت صحیح برخی از مدیران از مشکلات ایثارگران است که باعث اتخاذ برخی تصمیمات ناصحیح و رویکرد و نگرش هایی ناخوشایند به جامعه هدف ماست.

مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی در بخش پایانی سخنان خود به ارائه گزارشی از اقدامات انجام شده طی یکسال گذشته پرداخت و ضمن اشاره به اشتراک فعالیت و خدمات به جامعه هدف در برخی حوزه ها مانند: صدور گواهی حضور در جبهه، صدور کارت ایثار، اشتغال فرزندان ایثارگران و... بر همکاری نزدیک این دو مجموعه تاکید کرد.

## راهنمای تکمیل و ارسال اطلاعات صدور کارت ایثار جهادگران رزمنده ابلاغ شد



در این نامه از مسئولین سازمان جهاد کشاورزی استانها درخواست شده با توجه به اهمیت موضوع نسبت به در اختیار گذاشتن تجهیزات و نیروی انسانی، هماهنگی لازم را به عمل آورند.

راهنمای تکمیل و ارسال اطلاعات صدور کارت ایثار جهادگران رزمنده از سوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی به معاونت توسعه مدیریت و منابع سازمان جهاد کشاورزی کلیه استانها ابلاغ شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، در اجرای ابلاغیه رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و همچنین ابلاغ دبیر شورای هماهنگی امور رزمندگان، راهنمای تکمیل و ارسال اطلاعات جهادگران رزمنده جهت صدور کارت ایثار در دو بخش:

الف- دستورالعمل تکمیل پرونده کاربردگ های رزمنده

ب- دستورالعمل تکمیل اطلاعات الکترونیکی پرونده ها برای اقدام لازم از سوی سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران به کلیه معاونین توسعه مدیریت و منابع سازمان جهاد کشاورزی استان ها ابلاغ شد.

## با عنایت ویژه ستاد کل نیروهای مسلح، مشکلات بزرگی در حوزه خدمت رسانی به ایثارگران جهادگر مرتفع شد



در بخش دیگری از این نشست، سردار سعیدی ضمن تشکر از فعالیتهای اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی گفت: صدور کارت ایثار برای رزمندگان جهادگر و اجرای ماده ۸۷ قانون برنامه ششم توسعه برای مجروحین فاقد مدارک بالینی، فعالیتهای فرهنگی و پژوهشی خصوصاً انتشار ماهنامه پل از کارهای شاخصی است که شایسته تقدیر است. وی تصریح کرد: مطالب وزین و پربار نشریه پل به گونه ای است که هر ماه علاوه بر مطالعه، بخشهایی از آن را یادداشت کرده و از آنها استفاده میکنم

نشست مشترک سردار سرتیپ ناصر سعیدی مدیرکل اداره ایثارگران ستادکل نیروهای مسلح با سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در ابتدای این نشست که در سالن جلسات سردار شهید کسایی این اداره کل برگزار شد، سید حمزه رضوی ضمن خیر مقدم و تشکر از همکاری و همراهی مستمر ستاد کل نیروهای مسلح در خصوص رفع موانع قانونی رزمندگان جهادگر گفت: با عنایت ویژه که ستاد کل نیروهای مسلح خصوصاً سرلشکر فیروزآبادی و سرلشکر باقری به نیروهای جهادگر داشته اند، مشکلات بسیار بزرگی در حوزه خدمت رسانی به ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی مرتفع شد. وی در ادامه سخنان خود به حضور جهادگران در کنار نیروهای مسلح طی ۸ سال دفاع مقدس اشاره کرد و افزود: جهاد سازندگی رکن سوم جنگ بود و در حوزه پشتیبانی از نیروهای رزمی خصوصاً در مهندسی جنگ، خوش درخشید و توانست مدال پر افتخار سنگرساز بی سنگر را از دستان امام خمینی(ره) دریافت کند. رضوی سخنان امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری در تجلیل اقدامات و ابتکارات جهادگران طی ۸ سال دفاع مقدس را نشان دهنده عمق استراتژیک خدمات جهاد در دوران دفاع مقدس دانست و خواستار توجه بیشتری به ایثارگران پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد شد.

## مراسم «بزرگداشت مقام مادر و روز زن» برگزار شد



شهید رضوی پرداخت و خاطر نشان کرد که شهدا ناظر اصلی کارهای ما هستند. مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران تصریح کرد، انقلاب اسلامی ایران تنها انقلابی در سطح انقلاب های جهان است که از دل خانواده ها محقق شده و مادران، به عنوان محورا اصلی نقش انکارناپذیری در همه تحولات انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی داشتند که فرزندان شان را صبورانه عازم جبهه ها کردند. وی افزود: امروز اگر به دستاوردی رسیده ایم، حاصل خون شهیدان والامقامی است که در دامن مادران بزرگوار تربیت شده اند. در پایان این نشست با اهداء لوح تقدیر و هدایایی از تک تک بانوان و همکاران اداره کل امور ایثارگران قدردانی بعمل آمد.



مراسم بزرگداشت مقام مادر و منزلت زن بمناسبت ولادت باسعادت حضرت فاطمه زهرا (س) با حضور سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران، همکاران و بانوان شاغل در اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی، در ابتدای این نشست سید حمزه رضوی ضمن گرامیداشت ایام الله دهه فجر و تبریک ولادت حضرت زهرا (س) و روز زن گفت: نقش زنان در همه عرصه های کشور چشمگیر و تحسین برانگیز است و بانوان توانائی های زیادی در امور مختلف اجتماعی و اجرائی و خدمات رسانی به خانواده های معظم شهدا و ایثارگران دارند. ایشان در ادامه صحبتهای خود به بیان خاطراتی از سرلشکر جهادگر

## تبیین اقدامات جهاد در بخش تحقیقات مهندسی جنگ ضروری است



رضوی در ادامه در نشست اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان سمنان حضور یافت. در این نشست که با حضور مدیرکل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و معاونت توسعه مدیریت و منابع سازمان جهاد کشاورزی تشکیل شده بود، مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی با اشاره به نقش جهاد سازندگی در دوران دفاع مقدس گفت: تبیین اقدامات جهاد در بخش تحقیقات مهندسی جنگ ضروری است

در این نشست مذاکرات و مصوباتی در خصوص ثبت، ضبط و مستندسازی اسناد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی در خصوص سه گردان این استان انجام شد.

دیدار با خانواده شهیدان سلطان حسینی، بخش دیگری از این سفر یک روزه بود. مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران ضمن تسلیت فوت پدر بزرگوار این شهیدان، گفت: نقش پدران و مادران شهدا در پرورش چنین نسل انقلابی، متدین و متعهد فراموش نشدنی و انکار ناپذیر است.

سید حمزه رضوی ضمن گرامیداشت یاد و خاطره جهادگر شهید علی محمد و بسیجی شهید محمد سلطان حسینی، افزود: دعای خیر خانواده شهدا، گره گشای همه ما در خدمت به ایثارگران است.

وی همچنین در جریان مشکلات این خانواده قرار گرفت و دستورات لازم در خصوص پیگیری به منظور مرتفع شدن آنها را صادر نمود.



سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی همراه با صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی این اداره کل، در سفری یک روزه به استان سمنان عزیمت کرد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، سید حمزه رضوی در بدو ورود به این استان در نشستی با سید حسن میرعماد رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان سمنان در جریان فعالیتهای این سازمان در حوزه خدمت رسانی به ایثارگران جهاد قرار گرفت و از زحمات اداره امور ایثارگران این سازمان تقدیر کرد.

وی در ادامه این سفر ضمن بازدید از مراحل احداث و عملیات عمرانی بخش مرتبط با نقش جهاد سازندگی در دوران دفاع مقدس در باغ موزه دفاع مقدس این استان که به همت سازمان جهاد کشاورزی و پیشکسوتان جهادگر این استان اجرا می شود گفت: نقش جهاد به عنوان رکن سوم جنگ و پشتیبان یگانهای رزمی نقشی بارز و فراموش نشدنی است و شهدا گنجینه های ارزشمندی هستند که لازم است تا به جامعه ما معرفی شوند.

مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران، اقدامات ۳ گردان شهروستانی سمنان، دامغان و شاهرود و همچنین قرارگاه حمزه سید الشهدا(ع) پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد سازندگی در منطقه عملیاتی غرب و شمالغرب را شاخص، اثرگذار و تعیین کننده دانست و افزود: جانمایی و احداث این موزه در مسیر مسافران و زائران علی بن موسی الرضا(ع) می تواند باعث آشنایی مردم جامعه با اقدامات و حماسه آفرینی جهادگران رزمندگان هشت سال دفاع مقدس شود.

سید حمزه رضوی ضمن مطلوب خواندن اقدامات انجام شده در راستای ایجاد قرارگاه حمزه سید الشهدا(ع) ستاد پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد در پارک موزه دفاع مقدس استان سمنان گفت: باید بخش تحقیقات مهندسی نیز در این قرارگاه در نظر گرفته شود تا ضمن جذب جوانها واقعیت های دفاع مقدس نیز معرفی شود.

وی همچنین در کنگره استانی لشکر فرشتگان تاریخساز (تجلیل از زنان شهیده، جانباز و آزاده استان سمنان) حضور یافت. در این مراسم که با حضور مسئولین این استان برگزار شده بود، ضمن رونمایی از نرم افزار سردار جهادگر شهید حاج مرتضی شادلو (فرمانده پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد استان سمنان) از همسر و فرزند این سردار شهید نیز تجلیل شد.



## اولین نشست کمیته مرکزی احراز رزمندگان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد وزارت جهادکشاورزی تشکیل شد



برخوردار هستند، لذا با عنایت به از خود گذشتگی این عزیزان در دفاع مقدس این مردان بی ادعا حق بزرگی بر گردن ما دارند و این اداره کل همکاری لازم را انجام خواهند داد. کریمی مدیرکل امور اداری وزارت جهادکشاورزی ضمن ارج نهادن به مقام والای ایثارگران گفت: اخلاصی که در جبهه ها بود، فراموش نشدنی است.

وی افزود: نشر این فرهنگ تضمین بقای این مملکت خواهد بود و زحمات این عزیزان را باید پاس بداریم، لذا اداره کل امور اداری با عزمی کامل جهت تسریع در این کار با تمام ظرفیت ها و توانایی که دارد همکاری لازم را انجام خواهیم داد.

کریمی معاون امور استان های وزارت جهادکشاورزی ضمن تقدیر از خدمات صورت گرفته به ایثارگران گفت: با شناختی که بنده از استانها دارم این را می طلبم که مدیریت های تابعه هماهنگی لازم را جهت بهره مندی همه رزمندگان از کارت ایثار را انجام دهند.

وی خاطر نشان کرد: امور استانها ضمن همکاری همه جانبه طی نامه ای به روسای سازمانها خواستار تامین تمام امکانات و نیروی انسانی مورد نیاز خواهد شد.

ابراهیمی معاون مرکز آمار و فن آوری اطلاعات وزارت جهادکشاورزی ضمن قدردانی از ایثار و فداکاری رزمندگان جهادگری که دوشادوش سایر قوای مسلح در جبهه های حق علیه باطل از جان خود گذشتند گفت: استفاده از ظرفیت هایی که در اختیار این مرکز قرار دارد از جمله کمک در استعلامات لازم جهت تایید نهایی مدارک شناسایی رزمنده و خانواده آنان همکاری لازم را با اداره کل امور ایثارگران و ادارات استانها انجام خواهد داد.

وی افزود: حتی ما می توانیم با توجه به در اختیار داشتن کد ملی، تمام اطلاعات مور نیاز را از سایر دستگاه ها مثل ثبت احوال و وزارت علوم درخواست نماییم و آن را در اختیار اداره کل امور ایثارگران قرار دهیم، ضمناً این مرکز آمادگی دارد، در خصوص به روز رسانی سامانه آمار و اطلاعات اداره کل امور ایثارگران همکاری های لازم را ارائه نماید.

در پایان جلسه توضیحاتی در خصوص فایل های ارسالی به استانها و سازمانهای تابعه توسط مهندس ساداتی و رجبی ارائه شد.

اولین نشست کمیته مرکزی احراز رزمندگان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد وزارت جهادکشاورزی با حضور اعضای اصلی کمیته احراز و مدیران ستاد وزارت جهادکشاورزی برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی جلسه اعطاء کارت ایثار به جهادگران رزمنده که با حضور آقایان: توکلی مدیرکل رفاه و پشتیبانی، کریمی مدیرکل امور اداری و عضو کمیته مرکزی احراز رزمندگان، کریمی معاون دفتر هماهنگی امور استانها، مهندس ابراهیمی معاون مرکز آمار و اطلاعات، عبدالله فاتحی معاون برنامه ریزی و تعاون اداره کل امور ایثارگران و نایب رئیس کمیته مرکزی احراز، صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی و سبروس رجبی رییس اداره تعاون و رفاه، عضو و دبیر کمیته مرکزی احراز رزمندگان پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد در محل سالن جلسات سردار جهادگر شهید کسائی برگزار گردید.

سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران و رییس کمیته مرکزی احراز رزمندگان وزارت جهاد با تأکید بر اهمیت جایگاه این عزیزان و خدمت صادقانه و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت اظهار داشت؛ خدمت رسانی به جهادگران رزمنده سبب افزایش رضایتمندی این عزیزان و خانواده های آنها می شود.

رییس کمیته مرکزی احراز رزمندگان گفت: ابلاغ مجوز اعطاء کارت ایثار به جهادگران رزمنده توسط سردار سرلشکر باقری ریاست ستادکل نیروهای مسلح به مقام عالی وزارت می باشد که در این راستا اداره کل امور ایثارگران با تمام امکاناتی که دارد نسبت به تشکیل کمیته مرکزی احراز در ستاد وزارت و کمیته های استانی که متشکل از فرماندهان ارشد پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد می باشند اقدام خواهد کرد و جهت عملی شدن این مهم در پیج نخواهد شد.

سید حمزه رضوی رییس کمیسیون مرکزی با تأکید بر حفظ شأن و منزلت ایثارگران و جهادگران رزمنده افزود: حفظ دستاوردهای دوران دفاع مقدس و اهمیت اعطای کارت ایثار به جهادگران و اهمیت آن در فضای عمومی جامعه و قدم برداشتن در مسیر شهادت، جز با احترام به خانواده معظم شهدا و رزمندگان هشت سال دفاع مقدس میسر نخواهد شد و همه باید با عزم راسخ در راستای ارائه بهره مندی فوری این عزیزان از مزایای کارت ایثار تلاش کنیم.

در ادامه مهندس فاتحی معاون برنامه ریزی و تعاون اداره کل امور ایثارگران، ضمن تشریح قوانین و مقررات مرتبط با اعطاء کارت ایثار گفت: در ۳۲ استان و ستاد وزارت کمیته های احراز تشکیل و پرونده های متقاضیان در حال بررسی می باشد و برای تسریع این موضوع هماهنگی خوبی با دبیرخانه سند راهبردی خدمات رسانی به رزمندگان انجام گردیده است.

انتظار داریم سایر اداره کل ها هم نسبت به بسیج امکانات در ستاد و استانها اقدام نموده تا در کوتاه ترین زمان از کارت ایثار رزمندگان و امتیازات دیده شده بهره مند شوند.

توکلی مدیرکل رفاه و پشتیبانی وزارت جهادکشاورزی گفت: ایثارگران در تمام دنیا نزد مردم و دولت ها از ارزش بسیار والایی

## تجدید میثاق کارکنان اداره کل امور ایثارگران با امام راحل(ره) و شهدای سنگر ساز بی سنگر



سید حمزه رضوی در این مراسم طی سخنان کوتاهی ضمن تقدیر از این حرکت خودجوش کارکنان اداره کل امور ایثارگران، به جانفشانی و ایثار شهدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس اشاره کرد و گفت: شهدای ما پیرو سیدالشهدا(ع) بودند و ادامه راه شهدا در تکریم خانواده شهدا و ایثارگران است.

در این مراسم، مزار سردار جهادگر شهید حسین ناجیان، سردار جهادگر شهید سید کمال الدین کامروا و شهید فرامرز فلفلیان (تنها شهید انقلاب اسلامی وزارت جهاد کشاورزی) عطر افشانی و گلباران شد و حضارن ضمن نثار گل، با آرمان‌های معمار کبیر انقلاب اسلامی و شهدای وزارت جهاد کشاورزی تجدید عهد و میثاق کردند.



همزمان با ایام الله دهه فجر انقلاب اسلامی و چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، مراسم تجدید عهد و میثاق کارکنان اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی با آرمانهای والای انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری همراه با عطرافشانی و گلباران مزار مطهر شهدای سنگر ساز بی سنگر برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران؛ این مراسم که با حضور سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی برگزار شده بود، کارکنان این اداره کل پس از ادای احترام به مقام شامخ بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی(ره)، در گلزار شهدای بهشت زهرا(س) حاضر شدند و مزار مطهر شهدای سنگر ساز بی سنگر را عطرافشانی و گلباران نمودند.

## دیدار معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت جهاد کشاورزی با خانواده جهادگر شهید بهمن فرجی



و مشاوره اداره کل امور ایثارگران توضیحاتی در خصوص مشکلات خانواده شهدا ارائه نمود که در خصوص پیگیری به منظور رفع برخی مشکلات جاری آنها، قول مساعد داده شد.

در پایان این دیدار، ضمن تجلیل از استقامت و صبوری همسر و فرزندان جهادگر شهید بهمن فرجی، از خانواده این شهید بزرگوار تقدیر شد.

همزمان با ایام الله دهه فجر و در آستانه چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، دکتر شاهرخ شجری معاون توسعه مدیریت و منابع و سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی با خانواده جهادگر شهید بهمن فرجی دیدار و گفتگو کردند. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در این نشست که با رعایت ضوابط و پروتکل‌های بهداشتی برگزار شده بود و جمعی از مدیران حوزه ستادی معاونت توسعه مدیریت و منابع و اداره کل امور ایثارگران نیز حضور داشتند، همسر شهید خاطراتی را از جهادگر شهید فرجی، بیان کرد.

در ادامه این دیدار معاون توسعه مدیریت و منابع وزارت جهاد کشاورزی ضمن گرامیداشت دهه فجر و تجلیل از مقام شامخ شهدا و ایثارگران گفت: عزت و سربلندی امروز ما از برکت ایثار و مجاهدت شهدای عزیز است.

در بخش دیگری از این دیدار، سید حمزه رضوی به بیان بخشی از مشکلات جامعه ایثارگری خصوصا در حوزه اشتغال فرزندان، هزینه های درمان و معیشت پرداخت و خواستار عنایت ویژه به منظور رفع آنها شد. در ادامه سرکار خانم صالحی رئیس اداره امور اجتماعی

## تاکید مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران به توجه ویژه به مخاطبان جوان و نوجوان در نشریه پل



نادعلی با بیان اینکه الگوبرداری صحیح از دیگر نشریات شاخص کشوری ضروری است، افزود: ما صفحات نشریه پل را با نگاه به نشریات برتر شکل طراحی کردیم تا روزی به جایگاه نشریه برتر برسیم.

وی همچنین مهمترین مولفه برای نشریه برتر را ضریب تاثیر گذاری آن دانست و افزود هر نشریه برای افزایش تاثیر گذاری اش نیاز به عناصری دارد که یکی مهمترین آن این است که بدانیم نشریه را در هر برهه از زمان و با در نظر گرفتن مقصیبات زمانی و مکانی و با توجه شناخت روحیه مخاطبمان تولید محتوا کنیم و شاید در برهه ای از زمان برای تاثیر گذاری بیشتر شکل کارمان را عوض کنیم.

در ادامه سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران گفت: مشورت با سایر کارشناسان این حوزه و الگوگیری از آنها و همچنین توجه ویژه به مخاطبان جوان و نوجوان را در دستور کار قرار دهید.

وی تاکید کرد: بواسطه بارش فکری به نتایج بهتری دست می یابید و با بهره گیری از مسابقات ماهانه و طرحهای جدید و نو برای تاثیر گذاری در نشریه به منظور جهت جذب مخاطب استفاده کنید. رضوی افزود: به گونه‌ای اقدامی کنید تا مخاطب انتظار رسیدن نشریه را در دل داشته باشد.

مشاور وزیر و مدیر کل امور ایثارگران تصریح کرد: تشکیل اتاق فکر جهت ارتقا کیفیت در تولید محتوا و جذابیت هرچه بیشتر گرافیک نشریه ضروری است.

در بخش دیگری از این نشست علیرضا بارگاهی رییس اداره حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس و خانم شادلو رییس اداره فرهنگی گزارشی از روند کار و مشکلات جاری در این مسیر ارائه داده و پیشنهادات خود را به منظور رفع موانع اعلام نمودند.

جلسه شورای سر دبیری نشریه پل با حضور سید حمزه رضوی مشاور وزیر و مدیرکل امور ایثارگران و صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی این اداره کل، فتح اله نادعلی، زهرا شادلو رئیس اداره فرهنگی و علیرضا بارگاهی رئیس اداره حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس با موضوع بررسی روند جاری نشریه و عوامل تاثیر گذار در بهبود عملکرد آن تشکیل گردید.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران در ابتدای این نشست، صادق صدقگو گزارش تفصیلی اقدامات انجام شده توسط اعضای تحریریه نشریه، تغییرات انجام شده در قالب کار و محتوای نشریه، درخواست اشتراک نشریه خصوصاً در استانها و افزایش تیراژ ماهنامه پل ارائه داد.

معاون فرهنگی و پژوهشی اداره کل امور ایثارگران، ضمن تقدیر از همت جهادی و کوشش اعضای تحریریه نشریه پل، مهمترین اقدام اثرگذار فرهنگی در دوران کرونا را فعالیتهایی از این دست دانست و گفت: انتشار نشریه پل در حال حاضر تبدیل به مهمترین کار حوزه معاونت فرهنگی شده است و ارتقا کمیت و کیفیت آن به دلیل مشارکت بیش از پیش همکاران در تولید محتوای آن است.

در ادامه این نشست فتح الله نادعلی معاون اسبق فرهنگی و پژوهشی اداره کل امور ایثارگران به نحوه شکل گیری نشریه از آبان ۹۶ و تاریخچه انتشار آن پرداخت و ضمن تقدیر و تشکر از تلاش و کوشش دست اندرکاران ماهنامه پل که باعث افزایش تقاضای جامعه هدف و اثرگذاری بر مخاطبین نشریه شده است، گفت: ما باید نسبت به داشته هایمان نقد داشته باشیم تا بتوانیم پیشرفت کنیم که نقد کردن دانش و تخصص ویژه خود را میطلبد و اگر نگاه و علم نقادانه داشته باشیم میتوانیم پیشرفت کنیم و رو به پیشرفت خواهیم بود.

## فعالیت‌های اداره کل امور ایثارگران در حوزه اسناد و مدارک دفاع مقدس تشریح شد



ارزشهای دفاع مقدس این اداره کل در این نشست حضور داشتند و اقدامات و فعالیت‌های وزارت جهاد کشاورزی در حوزه اسناد و مدارک دفاع مقدس در سطح ستاد و استانها را در قالب گزارش مبسوطی برای اعضا تشریح نمودند.

علیرضا بارگاهی مسئول مرکز اسناد دفاع مقدس وزارت جهاد کشاورزی با عذرخواهی از عدم حضور آقای مهندس رضوی به دلیل برنامه دیدار با خانواده شهیدای جهاد، با ارایه پاورپوینت، گزارش مبسوطی در خصوص عملکرد جهاد کشاورزی در مورد ساماندهی اسناد دفاع مقدس با آمارهای مربوطه و اینکه با تفاهم به عمل آمده با سازمان اسناد ملی تمام اسناد فیزیکی برای نگهداری مطلوب به سازمان اسناد ملی ارسال می شود، گفت: از جمله اسناد شناسایی شده در مرکز اسناد جهاد کشاورزی ۲۹۰۰۰۰۰ برگ سند مکتوب، ۹۱ ساعت صوت، ۱۳ ساعت فیلم، ۶۰۰۰۰ طعه عکس، ۲۵۰۰ برگ نقشه که از این مجموع اسناد ساماندهی شده بدین شرح است، ۲۵۰۰۰۰ برگ سند مکتوب، ۹۱ ساعت صوت، ۱۰ ساعت فیلم، ۶۰۰۰۰ قطعه عکس، ۲۰۰۰ برگ نقشه است اما متأسفانه با همه اقدامات صورت گرفته در حوزه حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، تشریح نقش جهادگران در دوران جنگ تحمیلی و ترویج فرهنگ جهادی، در مجموع جهاد همچنان مظلوم است.

در ادامه این نشست، سردار دکتر بهمن کارگر ضمن تقدیر از عملکرد صورت گرفته خصوصاً بهره گیری از برنامه های اثرگذار و فناوری های نوین متناسب با نیاز روز جامعه در این حوزه، به نقش اثرگذار و بی بدیل جهادگران در دوران محرومیت زدایی و هشت سال دفاع مقدس اشاره کرد و گفت: حفاظت از این هویت و مدیریت مبتنی بر فرهنگ جهادی و همچنین ترویج آن در جامعه که همواره مورد تاکید مقام معظم رهبری است، امری ضروری و مهم است. وی در پایان بر ادامه روند همکاری های مشترک با جهاد کشاورزی و سایر نهادهای و دستگاههای لشگری و کشوری که در حوزه حفظ و نشر این گنجینه عظیم تاریخی و هویتی، اقدامات و فعالیت‌هایی دارند، تاکید نمود.

نوزدهمین نشست شورای اسناد دفاع مقدس به ریاست سردار بهمن کارگر رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در این جلسه که با حضور سردار دکتر علاماتی رئیس سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس و دبیر این شورا و نمایندگان تام الاختیار دستگاههای عضو شورا برگزار شد، نمایندگان مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه و همچنین حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس ارتش، ناجا و جهاد کشاورزی، ضمن ارائه گزارشی از عملکرد خود، اقدامات و فعالیت‌های خود را در حوزه حفظ آثار و اسناد دوران دفاع مقدس و نشر آنها تشریح نمودند.

سردار دکتر علاماتی دبیر شورای اسناد دفاع مقدس با تشکر از حضور سردار دکتر بهمن کارگر، ریاست محترم بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس و رئیس شورا در هجدهمین جلسه شورا، ابتدا دستور جلسه را اعلام نمودند و سپس با خواندن دو پیام مهم از فرماندهی معظم کل قوا در خصوص اسناد دفاع مقدس، گزارش مبسوطی از تصویب آئین نامه حفظ و نگهداری اسناد و مدارک دفاع مقدس توسط هیئت امنای بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس در مورخ ۰۵/۱۲/۱۳۹۵ و چگونگی تشکیل ۱۷ جلسه شورای اسناد و مدارک دفاع مقدس و مصوبات جلسات شامل ( شیوه نامه ویژگی های مخازن اسناد، فرم های انتقال اسناد، کاربرگه های اسناد مکتوب و عکس، کاربرگه های اسناد دیداری و شنیداری، شیوه نامه تولید کتاب مرجع اسنادی، تصویب متن نهایی ارزشیابی اسناد، نظامنامه جامع اسناد و مدارک دفاع مقدس، رو نمایی از سامانه جامع اسناد دفاع مقدس- سجا و همچنین بازدید از مراکز اسنادی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، آرشیو مرکزی اسناد صدا و سیما، مرکز اسناد سازمان عقیدتی سیاسی آجا و وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، موزه ایران باستان) بیان داشتند.

صادق صدقگو معاونت فرهنگی و پژوهشی اداره کل امور ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی و علیرضا بارگاهی رئیس اداره حفظ آثار و نشر







## شورای هماهنگی ستاد مرکزی راهیان نور کشور برگزار شد



در ادامه این نشست آخرین اقدامات عمرانی و زیرساختی یادمان های هشت سال دفاع مقدس ارائه گردید و از نقش پیشکسوتان جهادگر و وزارت جهاد کشاورزی در احداث یادمان بوالحسن (بانه) و همچنین اقدامات جهاد نصر در لایروبی نهر ارزق و انتقال آب به یادمان شهید باقری تقدیر شد.

گفتنی است که بر اساس «سند ملی راهیان نور» تشکیل و راهبری شورای هماهنگی راهیان نور از جمله وظایف ستاد مرکزی راهیان نور کشور می باشد که با مسئولیت نماینده تام الاختیار رئیس جمهور در ستاد مرکزی راهیان نور کشور و حضور فعال تمامی وزارت خانه ها و سازمان ها به منظور پشتیبانی و حمایت از بزرگترین عملیات فرهنگی کشور پیگیری می شود.

شورای هماهنگی ستاد مرکزی راهیان نور کشور با حضور نمایندگان تام الاختیار وزارت خانه ها و نمایندگان دستگاه های اجرایی کشور به ریاست دبیر ستاد مرکزی راهیان نور کشور برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در این نشست که با حضور نمایندگان تام الاختیار بیش از ۲۰ وزارتخانه و سازمان کشوری از جمله صادق صدقگو معاون فرهنگی و پژوهشی اداره کل امور ایثارگران در محل سالن جلسات شهید صیاد شیرازی ستاد مرکزی راهیان نور تشکیل شده بود، در ارتباط با نقش دولت در بزرگترین جریان فرهنگی مردمی کشور و آخرین هماهنگی های راهیان نور بحث و تبادل نظر شد.

سردار نادر ادیبی در ابتدای این نشست سالروز شهادت امام هادی(ع) را تسلیت گفت و از زحمات و تلاش های خادمین شهدا در شورای هماهنگی راهیان نور و دستگاه های اجرایی کشور در راستای ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و پشتیبانی از جریان راهیان نور کشور تقدیر و قدردانی کرد.

وی با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه همه کشور باید در مورد مسئله راهیان نور فعال باشند، بر تلاش بیشتر برای تحقق و اجرای دقیق سند ملی راهیان نور تاکید کرد و افزود: راهیان نور یک حرکت مشارکتی در کشور بوده و همه اجزا و عناصر کشور در نقش آفرینی در این مسیر مسئول هستند.

مرکزی

## کنگره ملی زنان شهید، جانباز و آزاده استان مرکزی

نماینده ولی فقیه در استان مرکزی، ریاست سازمان جهاد کشاورزی استان مرکزی، معاون توسعه مدیریت و منابع، رییس امور ایثارگران سازمان و امام جمعه شهر اراک به مناسبت وفات حضرت ام البنین (س) برگزار شد. در این مراسم از سرکار خانم اعظم فرنی اولین بانوی جانباز جهاد استان مرکزی و مادر معزز شهیدان بابایی تجلیل شد.

کنگره ملی زنان شهید، جانباز و آزاده استان مرکزی با حضور مسئولین استانی و سازمان جهاد کشاورزی در استان مرکزی برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، دیدار اعضای کنگره ملی زنان شهید، جانباز و آزاده و تکریم مادران و همسران شهدای گرانقدر استان مرکزی با حضور حضرت آیت الله دري نجف آبادی



## مراسم تجلیل از مادران، همسران و فرزندان شهدا در استان مرکزی



همزمان با ایام الله دهه فجر و گرامیداشت روز مادر؛ جشنواره اسوه های صبر و مقاومت در اداره کل حفظ اثار و نشر ارزش های دفاع مقدس در استان مرکزی برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، در این مراسم که با حضور مسئولین سازمان جهاد کشاورزی استان مرکزی برگزار شد و از همسران و فرزندان معزز شهیدان: عبدالله سوسن آبادی، حاج صادق بابایی و قربان صفر خانی با اهداء لوح سپاس و هدایایی تجلیل بعمل آمد و بابت کسب مدرک دکتری، تقدیر ویژه ای از فرزندان معزز این شهیدان والامقام صورت پذیرفت.

## ساخت یادمان شهدای جهادگر استان مرکزی در منطقه کردستان



جلسه ای پیرامون؛ بازخوانی عملیات بیت المقدس ۵ و ساخت یادمان شهدای جهاد استان مرکزی در منطقه کردستان با حضور مسئولین سازمان جهادکشاورزی استان مرکزی برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، این جلسه با حضور اعضای کمیسیون ایثارگران استان مرکزی، احمد محرابی معاون توسعه مدیریت و منابع استان مرکزی، قدیری نماینده کانون سنگسازان بی سنگر، رییس امور ایثارگران سازمان جهادکشاورزی مرکزی و اعضای هیات مدیره جهاد نصر برگزار شد. در این نشست مقرر شد؛ پیشنهادات و تامین هزینه های این پروژه ها توسط کمیسیون ایثارگران مشخص و به جهاد نصر ارایه گردد. همچنین تامین اعتبار از طریق اعضای هیات مدیره جهاد نصر در خصوص برنامه ریزی مشخص گردد و مصوبه ای در هیات مدیره بصورت هرساله برای ایثارگران در نظر گرفته شود.

### گلستان

## دیدار و تجلیل از مادران شهدا، اسوه های صبر و ایثار در استان گلستان



همزمان با گرامیداشت دهه فجر در سالروز ولادت با سعادت حضرت فاطمه زهرا (س) و روز مادر؛ جمعی از مسوولان سازمان جهادکشاورزی استان گلستان از مادران معظم شهیدان: رضا احسن، حسن اعتراف و محمود آقاسینی دیدار کردند. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران؛ این دیدار با حضور حجت الاسلام امیرشاهی رئیس اداره عقیدتی، جمشیدی معاون برنامه ریزی و امور اقتصادی، ایمانی جانشین معاونت توسعه مدیریت و منابع، رستمی مدیر روابط عمومی، مهبقانی مدیر زراعت، خاندوزی رئیس و قاسمی کارشناس اداره امور ایثارگران سازمان جهادکشاورزی استان گلستان برگزار شد. در این دیدار با اهدای لوح سپاس و هدایا از طرف استاندار و رئیس سازمان جهادکشاورزی استان گلستان از رشادت و ایثارگری شهدا، مادران و خانواده معزز شهدا این اسوه های صبر و مقاومت تجلیل بعمل آمد.

### سیستان و بلوچستان

## غبار رومی و عطر افشانی مزار شهدای شهرستان زاهدان



مراسم عطرافشانی و غبارروبی مزار شهدای شهرستان زاهدان به مناسبت ایام ... دهه مبارک فجر و پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی با حضور با شکوه مردم و مسئولین برگزار شد. به گزارش روابط عمومی اداره کل امور ایثارگران، این مراسم با حضور حجت الاسلام والمسلمین سجادی مسئول حوزه نمایندگی ولی فقیه در سازمان جهادکشاورزی استان سیستان و بلوچستان و مسئولین ستادی، لشکری و کشوری، خانواده های معظم شهدا و روسای نهادهای انقلابی برگزار شد. حاضرین در این مراسم معنوی، ضمن گلباران مزار شهدا بر ادامه راه شهدای گرانقدر و تجدید پیمان با آرمان‌های انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، یاد و خاطره شهدای گرانقدر را گرامی داشتند



# قاب خاطرات



جهدگران در حال نصب تبلیغات محیطی به مناسبت ایام الله دهه فجر در شهرهای مرزی کردستان



# یک عکس، یک حکایت



سردار جهادگر شهید حاج علی فارسی (فرمانده پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد استان اصفهان) در حال درو گندم

## نهضت کاشت گندم

یکی از مباحثی که آن مقطع (اوایل انقلاب اسلامی) خیلی مهم بود، این بود که ما از نظر تامین مواد غذایی مردم دچار مشکل می شویم و انقلاب زمین می خورد. در بحث گندم و خیلی از محصولات غذایی ما وابسته بودیم. قبل از انقلاب، کشاورزی در کشور از بین رفته بود. به طور مثال گندم از آمریکا وارد می شد؛ آمریکا صادرات گندم را قطع کرده بود و نگرانی همه مشکل گندم بود. ما سابقه قحطی را در نهضت مشروطه و بعد از مشروطه داشتیم؛ یعنی می دانستیم که اگر تامین مایحتاج عمومی مردم حل و مدیریت نشود یا مثلاً سوخت به دست مردم نرسد دوباره مردم معترض می شوند. شرکت نفت دومرتبه راه افتاد و بعد از این که اعتصاب را دوباره شکاندند مشکلات در زمینه سوخت تاحدودی حل شد؛ ولی مسئله گندم برای مایحتاج مردم از همه چیز بالاتر بود. به یاد دارم، امام نیز به این مسائل اشراف داشتند و می دانستند که ممکن است تاریخ تکرار شود. درست بعد از پیروزی انقلاب - که اواخر اسفند و اینها فصل کشت و کار هم بود- اعلام کردند هر کسی هر کجا می تواند گندم بکارد. نهضت کشت گندم در کشور راه افتاد. ما (جهاد سازندگی) کار را دنبال می کردیم و بچه ها را به عنوان نماینده -نیروها و دانشجویان- می فرستادیم و آنان مسائل را پیگیری می کردند.

خدا را شکر مناطق زیر کشت خیلی وسیع شد، طوری که سال بعدش بارندگی زیاد بود و گندم های دیم همانند گندم های آبیاری رشد کرده بود؛ چون گندم ها روی دست روستایی ها می ماند و نمی توانستند جمع کنند و از بین می رفت، به فکر درو افتادیم.



سردار علیرضا افشار عضو اولین شورای مرکزی جهاد سازندگی



# مناسبت های بهمن ماه:

۳ بهمن	شهادت بیژن شیردم، سال ۱۳۵۹ شهادت بهمن قاضی فرمانده مخابرات قرارگاه کربلا، سال ۱۳۶۵
۴ بهمن	شهادت جهادگران مهندس مرتضی علوی، مجتبی عطایان، رحیم شکیبیا و صمدالله اصغری مجری طرح سیلوها، سال ۱۳۶۳
۸ بهمن	اعزام یک کامیون لباس کفش از طرف مردم دزفول به جبهه‌ها، سال ۱۳۵۹
۱۷ بهمن	شهادت دکتر حسن خوراکیان، سال ۱۳۵۹ در آبادان
۲۰ بهمن	شهادت مرتضی نخست کار، سال ۱۳۵۹
۲۱ بهمن	شهادت احمد امین طبرسی، مسئول مهندسی رزمی جهاد استان تهران، سال ۱۳۶۴، فاو شهادت ابوالقاسم حجتی، مهندسی پشتیبانی جنگ جهادسازندگی نجف آباد، سال ۱۳۶۴ شمال اروند
۲۳ بهمن	شهادت حاج مرتضی شادلو فرمانده پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد استان سمنان، سال ۱۳۶۳
۲۹ بهمن	سمینار سه روزه چشم انداز آینده زندگی عشایر، سال ۱۳۶۴، در مرکز علامه طباطبایی



# السلامة

سالروز وفات بانوی فداکار اسلام حضرت ام البنین (س)  
و روز تکریم مادران و همسران شهدا گرامی باد.



اداره کل امور ایثارگران

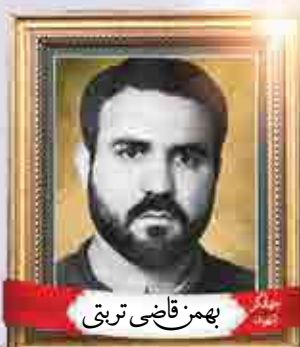


# سرداران رشید اسلام

شهدای شاخص بهمن ماه



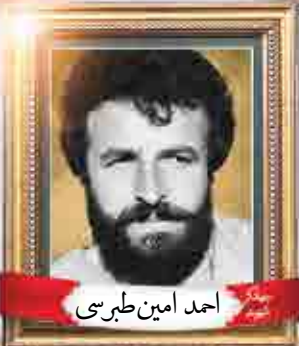
سید جلال الدین شاه چراغی



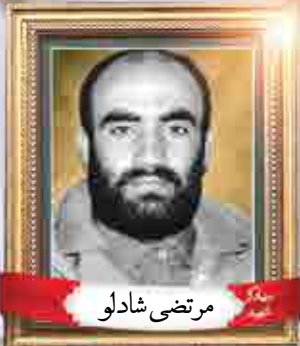
بهمن قاضی تربتی



خلیل پرویزی



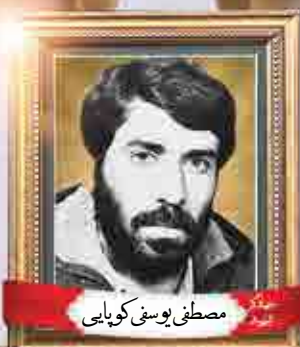
احمد امین طبرسی



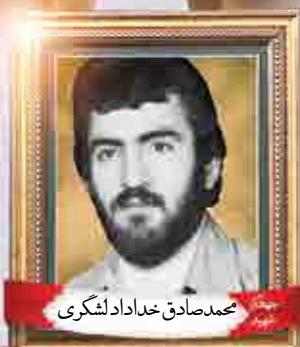
مرتضی شادلو



ابوالقاسم حجتی



مصطفی یوسفی کویابی



محمدصادق خداداد لشکری

